



مطالعه عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق کتاب

وراهکارهای مقابله با آن

(بر اساس مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران)

[حامد نظری]





وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی
دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی

عوامل موثر بر پدیده قاچاق کتاب
و راهکارهای مقابله با آن
(براساس مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران)

نویسنده: حامد نظری

زیر نظر:
ابراهیم حیدری

مهرماه ۱۳۹۸

سرشناسه: نظری، حامد، ۱۳۶۴ -
 عنوان و نام پدیدآور: مطالعه عوامل موثر بر قاچاق کتاب و راهکارهای مقابله با آن: بر اساس مصاحبه با متخصصان و صاحب‌نظران/نویسنده حامد نظری؛ زیر نظر ابراهیم حیدری؛ ویراستار سجاد جمشیدیان؛ به سفارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر مورخان، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۸۲ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۶-۱۰-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: حق مولف -- ایران -- نقض
 موضوع: Copyright infringement -- Iran
 موضوع: کتاب -- ایران -- صنعت و تجارت -- تاریخ -- قرن ۱۴
 موضوع: Book industries and trade -- Iran -- History -- 20th century
 موضوع: نشر و ناشران -- ایران -- مصاحبه‌ها
 موضوع: Publishers and publishing -- Iran -- Interviews
 موضوع: قاچاق -- ایران
 موضوع: Smuggling -- Iran
 شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی
 رده بندی کنگره: Z554/5
 رده بندی دیویی: ۰۲۵/۲۶۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۸۸۱۵



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 معاونت امور فرهنگی
 دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی



عنوان کتاب:	مطالعه عوامل موثر بر پدیده قاچاق کتاب و راهکارهای مقابله با آن
نویسنده:	حامد نظری
زیرنظر:	ابراهیم حیدری
ویراستار:	سجاد جمشیدیان
ناشر:	مورخان
امور فنی و هنری:	امیر نیکبخت - حمیدجوکار
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۶-۱۰-۹
به سفارش:	دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نشانی:	خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، نبش کیهان، ساختمان فجر، طبقه سوم، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تلفن:	۸۸۳۴۲۹۸۰

فهرست مطالب

۹	سخن آغازین.....
۱۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۱۳	مقدمه و طرح مسئله.....
۱۶	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۱۶	اهداف پژوهش.....
۱۶	اهداف اصلی.....
۱۶	اهداف فرعی.....
۱۷	فصل دوم: پیشینه تجربی و مبانی نظری تحقیق
۱۹	مقدمه.....
۲۲	مروری بر قوانین و مقررات کپی‌رایت در ایران و دیگر کشورها.....
۲۲	قوانین و مقررات ملی دیگر کشورها در حوزه کپی‌رایت.....
۲۳	قوانین و مقررات فراملی دیگر کشورها در حوزه کپی‌رایت.....
۲۴	قوانین و مقررات ایران در حوزه کپی‌رایت.....
۲۵	پیشینه تجربی پژوهش.....
۲۵	پژوهش‌های داخلی.....
۳۱	پژوهش‌های خارجی.....
۳۳	جمع‌بندی پیشینه تجربی.....

۳۴ مبانی نظری پژوهش
۳۴ رویکرد فرایندی-تاریخی به حقوق معنوی مؤلف
۳۶ حقوق مؤلف در ایران باستان
۳۶ حقوق مؤلف در تاریخ اسلام
۳۸ حقوق مؤلف در غرب
۳۹ دیدگاه پالم (حقوق طبیعی / اعطایی)
۴۰ دیدگاه فتحی الدین
۴۱ دیدگاه جهانی شدن
۴۲ رویکرد انتقادی پست مدرنیسم نسبت به حقوقی شدن مالکیت فکری
۴۳ تحلیل اقتصادی از حقوق مالکیت فکری
۴۴ تحلیل حقوقی قاچاق کتاب
۴۷ جمع‌بندی مبانی نظری
۴۸ مفاهیم اصلی
۴۸ حقوق فکری یا معنوی یا اخلاقی
۴۹ حق مالکیت مادی (مالی - اقتصادی) - پدیدآورنده
۴۹ کپی‌رایت
۵۰ قاچاق کتاب
۵۱ شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت فکری
۵۱ قرارداد نشر
۵۲ قانون حق نشر
۵۲ نقض حقوق مؤلف
۵۲ نشر یا انتشارات
۵۳ فصل سوم: روش شناسی
۵۵ مقدمه
۵۵ روش شناسی
۵۷ روش گردآوری داده‌ها
۵۷ روش نمونه‌گیری و گروه هدف
۵۷ روش نمونه‌گیری
۵۸ حجم نمونه
۵۸ گروه هدف پژوهش
۵۸ شیوه تحلیل داده‌ها

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش ۶۱

مقدمه ۶۳

چیستی قاچاق کتاب ۶۳

تعریف قاچاق کتاب ۶۴

انواع قاچاق کتاب ۶۹

عوامل و زمینه‌های اثرگذار بر قاچاق کتاب ۷۶

نمودار ۴-۴ عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها ۷۷

ضعف در حوزه قوانین و مقررات ۸۴

ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی ۹۰

راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب ۱۰۲

راهکارهای کوتاه مدت برای کنترل قاچاق کتاب ۱۰۳

راهکارهای بلندمدت برای کاهش قاچاق کتاب ۱۰۶

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۱۵

مقدمه ۱۱۷

جمع‌بندی ۱۱۷

نتیجه‌گیری ۱۲۰

فهرست منابع ۱۲۳

منابع فارسی ۱۲۵

منابع لاتین ۱۲۸

پیوست ۱۳۳

پیوست شماره ۱: راهنمای مصاحبه ۱۳۵

پیوست شماره ۲: متن مکتوب مصاحبه‌ها ۱۳۷

سخن آغازین

پژوهش‌های کاربردی در دستگا‌ه‌های دولتی ابزاری برای بهبود وضع موجود هستند. این پژوهش‌ها ضمن ارائه تصویری از گذشته، با بررسی ضعف‌ها و کاستی‌ها افق‌های جدیدی را پیش رویمان می‌کشایند.

با این حال، روند طولانی انجام یک پژوهش از یک سو و هزینه بالا، پیچیدگی و فاصله‌ای که میان پژوهش‌های علمی و آکادمیک با مسائل و مشکلات اجرایی وجود دارد، معمولاً مانع تبدیل پژوهش‌ها به متن‌های سیاستی یا برنامه‌های تأثیرگذار در سازمان‌ها و دستگا‌ه‌های اجرایی می‌شود. تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی، راه میانه‌ای است که هم‌زمان را کوتاه‌تر می‌کند و هم به آسانی به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تبدیل می‌شود. گزارش کارشناسی و راهبردی اگرچه ادبیاتی نسبتاً غنی در کشورها‌ی توسعه‌یافته دارد، اما در کشور ما سازمان‌ها آشنایی چندانی با آن ندارند و اقبال چندانی به این شکل از گزارش نشان نمی‌دهند.

با توجه به این کاستی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی در سه سال گذشته با استفاده از تجربه‌های ملی و جهانی، تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی در خصوص مسائل فرهنگی حوزه معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دستور کار خود قرار داد.

این گزارش‌ها که توسط کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مطالعاتی تهیه می‌شود به بیانی ساده و روشن مسائل مورد مطالعه را توضیح می‌دهند و رویکردهای سازمان در حل مشکل و راهکارهای پیشنهادی برای حل یا برون رفت از مشکل را مورد موشکافی قرار می‌دهند یا راه

حل‌های جدیدی پیشنهاد می‌دهند و نتایج حاصله در اختیار ذی‌نفعان، تصمیم‌گیران و مدیران ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا نقش مؤثری در انتخاب بهترین و مؤثرترین راه‌ها باز کند. آنچه ارائه می‌شود، یکی از گزارش‌هایی است که به عنوان پایه‌ای برای بحث و ارزیابی بیشتر تهیه شده است. این گزارش در کنار بررسی وضع فعلی به ارائه راهکارهایی برای حل مسائل می‌پردازد. بدیهی است با بحث و بررسی این متن و نقد پیشنهادهای ارائه شده، می‌توان به توافق درباره راهکارهای درست دست یافت و آن را به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تأثیرگذار در ساختارها تبدیل کرد.

با این هدف، نسخه‌هایی از این گزارش در دسترس مدیران، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان قرار می‌گیرد تا شروعی برای گفت‌وگویی سازنده در این حوزه باشد.

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی

فصل اول:
کلیات تحقیق

مقدمه و طرح مسئله

کافی است سری به میدان انقلاب تهران بزنید تا از وضعیت اسفبار قاچاق کتاب مطلع شوید. آنچه مشاهده خواهید کرد هزاران هزار کتابی است که بدون اجازه ناشر و نویسنده در گوشه و کنار خیابان چوب حراج خورده است. کتاب‌هایی که نسخه اصلی آن با قیمتی بیشتر در کتاب‌فروشی‌های اصلی به فروش می‌رسد، نسخه افست آن‌ها به قیمتی ارزان و با کیفیت چاپی پایین‌تر توسط یک دست فروش حراج شده است؛ اما موضوع به همین سادگی نیست که بتوان با کنترل دست فروش‌ها این پدیده را کنترل کرد، بسیاری از کسانی که در صنعت نشر فعالیت می‌کنند معتقدند که پشت این پدیده مافیایی عریض و طویل شکل گرفته است که شناسایی آن‌ها و کنترلشان بسیار دشوار است.

برای پدیده قاچاق کتاب عوامل و زمینه‌های گوناگونی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان برخی از مهم‌ترین آن‌ها را به شرح ذیل توضیح داد:

برخی معتقدند از زمانی که قیمت کاغذ افزایش یافت (به‌ویژه از سال ۱۳۹۰ به بعد) و صنعت چاپ و نشر با شوک افزایش قیمت ناگهانی مواجه شد و همچنین مخاطبان کتاب‌ها نیز این افزایش قیمت را ناعادلانه دانستند، قاچاق کتاب نیز رشد کرد و در حقیقت بازار کتاب‌های قاچاق گرم شد.

برخی معتقدند، یکی از مهم‌ترین دلایل این است که قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنف‌ها که سال ۴۸ تصویب شده با اقتضائات امروز تناسب ندارد. در این قانون لازم بود تغییراتی به وجود

بیاید. ضمن آن که عمل به همین قانون هم پیگیری نشده است. دلایل آن هم یک بام و دو هوا انگاشتن رعایت این قانون در داخل و خارج از کشور است؛ یعنی این که آثار خارجی آزادانه و بدون حق تألیف چاپ می شوند و از طرف دیگر انتظار داریم به حقوق مؤلف در داخل کشور احترام گذاشته شود. این موضوع از دلایل اصلی خنثی و کند کردن این قانون بوده است.

برخی دیگر معتقدند باید به ریشه‌ها و زمینه‌های تاریخی این پدیده در ایران نیز توجه شود تا بتوان توصیف و تبیین مناسبی از این پدیده رسید. در واقع، این مشکل سابقه تاریخی و حقوقی دارد. ابوعلی بلعمی در قرن چهارم وزیر فرهیخته سامانیان بود اما پس از ترجمه تاریخ طبری از تازی به پارسی، نام خود را بر متن ترجمه شده جریر طبری نهاد و این موضوع قبول عام یافت تا جایی که ما هنوز آن را به نام تاریخ بلعمی می‌شناسیم نه ترجمه و اقتباس بلعمی از تاریخ طبری. دست بردن در آثار ادبی از سوی کاتبان عادت دیرینه‌ای بود که باز هم چندان مورد نگوهرش و عتاب قشر فرهیخته جامعه نبود و در فقه قدیم نیز به این گونه سرقت‌های علمی و فرهنگی به چشم عملی مجرمانه نگاه نمی‌شد؛ زیرا قراردادی میان پدیدآورنده و جاعل یا سارق اثر برقرار نشده بود که بتوان به آن استناد کرد. البته این موضوع ویژه فرهنگ ایرانی نبود و جعل و سرقت علمی در مغرب زمین نیز داستان‌ها داشت (به نقل از روزنامه شرق، ۲۲ اسفند ۱۳۹۵، شماره ۲۸۲۴).

بسیاری معتقدند گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در رابطه با این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. امروز با یک جستجوی ساده و چند کلیک می‌توان به فایل پی‌دی‌اف بسیاری از کتاب‌ها دست یافت و آن‌ها را به صورت افسست چاپ کرد.

فراتر از این‌ها، شبکه‌هایی سازماندهی شده به شکل زیرزمینی کتاب‌هایی را که مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته است با کیفیت نازل تولید می‌کنند. این جعلان، چون نه کیفیت چاپ و صحافی را رعایت می‌کنند و نه پول بیمه و کارمند و اجاره و عیدی و سنوات و... می‌دهند و از همه مهم‌تر چون حق مؤلف را هم نمی‌پردازند، کتاب بی‌کیفیت و تقلبی خود را با قیمتی بسیار پایین به پخش کننده‌ها و کتاب‌فروشی‌ها به‌عنوان عنوان کالای قاچاق عرضه می‌کنند و متأسفانه خریدارانی نیز دارند.

در این زمینه ناآگاهی مردم از ضرورت‌های خرید کتاب اصلی، حقوق ناشر و مؤلف و... سبب شده است بسیاری از کتاب‌های غیرمجاز به‌سادگی مشتریان خود را بیابند. از این رو، نقش رسانه‌های جمعی در این زمینه بسیار با اهمیت است چرا که می‌توانند برای مردم آگاهی‌آفرین باشند و متأسفانه تاکنون عملکرد آن‌ها ضعیف بوده است.

ضعف در قوانین موجود و عدم برخورد صریح و قوی دستگاه‌های اجرایی و قضایی با این پدیده نیز سبب گسترش و شیوع آن شده است.

این موارد و بسیاری از موارد دیگر می‌توانند زمینه‌ها و ریشه‌های اصلی پدیده قاچاق کتاب در نظر گرفته شوند. از این رو نیاز است برای این مسئله راهکاری اندیشیده شود تا بتوان قشر فرهیخته جامعه که در حوزه فرهنگ فعال هستند را به حقوق اولیه خود رساند. در این راستا، در دی‌ماه ۱۳۹۵، به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلسه امضای تفاهم‌نامه میان معاونت امور فرهنگی و اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، با موضوع مقابله با جریان تکثیر و عرضه غیرقانونی آثار پدیدآورندگان و ناشران به روش‌های چاپی، الکترونیکی، صوتی، نرم‌افزاری چندرسانه‌ای در فضای حقیقی و مجازی به همت دفتر توسعه کتاب و کتاب‌خوانی و با حضور سید عباس صالحی - معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - و تعدادی از مدیران این معاونت، محمود آموزگار - رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان - و نمایندگانی از حوزه نشر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. این تفاهم‌نامه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران را متعهد به راه‌اندازی دبیرخانه‌ای به منظور تنظیم و اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در راستای مبارزه با تکثیر و عرضه غیرقانونی کتاب می‌کند و معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم نسبت به حمایت، همکاری و پشتیبانی از فعالیت‌های این دبیرخانه متعهد خواهد بود.

به نظر می‌رسد این اقدام از محدود اقداماتی بوده است که تاکنون در این حوزه انجام شده است. بسیاری معتقدند راه‌اندازی چنین دبیرخانه‌ای به‌تنهایی کافی نیست و لازم است نهادهای مختلفی از جمله قوه قضائیه، صداوسیما، نیروی انتظامی را برای برخورد با این پدیده همراه و هم‌داستان کرد. در واقع ضرورت این مسئله برای مسئولان کشور هنوز بر ساخت نشده است و تنها از مسیر قانون‌گذاری و برخوردهای جدی از یک سو فرهنگ‌سازی در سطح عموم مردم از سوی دیگر است که می‌توان با این پدیده برخورد جدی و مقابله مثمر ثمر نمود. از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد مسئله قاچاق کتاب را در ابعاد مختلف آن بررسی نماید، هدف شناسایی ریشه‌های اصلی این پدیده و عوامل مؤثر بر وقوع و بروز آن است. علاوه بر این پژوهش حاضر در نظر دارد به شناسایی راهکارهایی عملی برای برخورد و مواجهه با این پدیده دست یابد. برای دستیابی به این مهم از روش مصاحبه با متخصصان در حوزه چاپ و نشر کتاب استفاده خواهد شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

کلمه «قاچاق» برای ما ایرانی‌ها لغت بسیار آشنایی است، اما معمولاً وقتی اسم این کلمه بر زبان می‌آید همه ما به یاد کالاهایی چون سیگار، مواد مخدر و سایر کالاهای ممنوعه می‌افتیم و شاید کمتر کسی است که با شنیدن این کلمه، ذهنش به سمت کتاب برود. پدیده «قاچاق کتاب» البته از گذشته تا به امروز وجود داشته است و ما در دوره‌های مختلف شاهد قاچاق کتاب‌هایی بوده‌ایم؛ برای مثال قاچاق برخی از کتاب‌هایی که دولت اجازه انتشار به آن‌ها نداده است. قاچاق کتاب یکی از پدیده‌هایی است که شکل پیچیده‌ای پیدا کرده و در نوع خودش برای صنعت نشر کشور نگران‌کننده و آسیب‌زننده است به‌خصوص اینکه امروزه به‌صورت آشکار و بدون واهمه در سطح شهر دیده می‌شود اما هیچ‌گونه برخورد جدی و مسئولانه‌ای با آن نشده است. قاچاق کتاب برای عده‌ای سودآور است. در این خصوص حقوق‌ناشرانی که در زمینه‌ی تولید یک کتاب سرمایه‌گذاری می‌کنند و حق پدیدآورندگان کتاب که باید از حق‌التحریر چاپ کتاب بهره‌مند شوند، از بین می‌رود. این انتظار از قانون‌گذاران و قوه مجریه کشور وجود دارد که از چنین تاراج بی‌رحمانه و هولناکی جلوگیری کنند که تاکنون اقدامی جدی و مثمر ثمر در این زمینه مشاهده نشده است. از این‌رو، با توجه به هدف پژوهش حاضر به نظر می‌رسد بتوان به شناسایی حقیقی از بسترهای شکل‌گیری این پدیده و راهکارهای مقابله با آن دست یافت.

اهداف پژوهش

اهداف اصلی

شناسایی ماهیت پدیده قاچاق کتاب در کشور
مطالعه عوامل و زمینه‌های اصلی شکل‌گیری پدیده قاچاق کتاب.
شناسایی راهکارهایی برای برخورد با پدیده قاچاق کتاب در ابعاد مختلف.

اهداف فرعی

شناسایی چستی قاچاق کتاب و تعریف این پدیده و انواع آن در ایران.
شناسایی زمینه‌های قانونی و اجرایی شکل‌گیری این پدیده.
شناسایی عوامل اثرگذار بر این پدیده در سطوح مختلف اعم از قانونی و اجرایی.
شناسایی راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، قضائی و قانونی

فصل دوم:

پیشینه تجربی و مبانی نظری تحقیق

مقدمه

در بحث از پدیده قاچاق کتاب، لزوماً مباحث حائز اهمیت مرتبط با حقوق مؤلفین و ناشرین مطرح می‌شود. در سنخ شناسی حقوق مؤلف عموماً به دو دسته کلی اشاره شده است که عبارت است از:

حق مالکیت معنوی (اخلاقی) پدیدآورنده، حقوق ذیل را برای پدیدآورنده تثبیت می‌کند:

حق ثبت نام پدیدآورنده بر هر نسخه از اثر؛

کسب حیثیت اجتماعی و فرهنگی حاصل از خلق اثر؛

حق اصلاح و ارتقاء اثر

حق کسب جوایز معنوی متعلق به اثر

حق مالکیت مادی اثر که شامل عواید مادی و اقتصادی ناشی از انتشار اثر می‌شود (اصغرینا و

اصغرینا، ۱۳۹۲).

در دوران نخستین تاریخ بشر، مفهوم مالکیت ادبی و هنری به گونه‌ای وجود داشته است؛ در یونان و روم باستان، سرقت ادبی به‌عنوان عملی زشت تقبیح می‌شد و یونانیان در سرکوب و جلوگیری از این عمل چندان هم ناتوان نبودند. مطالعه ادبیات رومی نشان می‌دهد که نویسندگان آن زمان تنها به شهرت و آوازه راضی نبودند و با دست‌نوشته‌هایشان تا حدودی به منافع مادی نیز دست می‌یافتند. آن‌ها باور داشتند که انتشار و بهره‌برداری از یک اثر، منافع مادی و معنوی به همراه دارد. به همین علت برخی از صاحب‌نظران برآنند که مفهوم کپی‌رایت همواره وجود داشته

ولی تا مدتی دراز در قوانین بروز و ظهور نیافته است (اصغرینیا و اصغرینیا، ۱۳۹۲).

با این حال، باید توجه نمود که در مباحث مرتبط با قاچاق کتاب که به بحث حقوق مؤلف و قوانین کپی‌رایت منتهی می‌شود، دیدگاه‌ها و قانون‌گذاری‌ها نسبتاً جدید و متأخر بوده‌اند؛ موضوع حق تألیف و حق ابتکار از پدیده‌های نوظهور است که اخیراً در محافل حقوقی جهان مطرح شده است و دولت‌ها هم در تنظیم مقررات پایدار برای تعیین روابط میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آفریده‌های فکری و کالاهای فرهنگی با چالش‌هایی روبرو هستند. موضوع کپی‌رایت یا حق تألیف و حق نشر از مسائل جدید حتی در قوانین فقهی و اسلام محسوب می‌شود (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۴).

حقوق مالکیت فکری و معنوی از شاخه‌های نوین معارف حقوقی است. به‌رغم عمر کوتاه، این شاخه چنان توسعه کمی و کیفی یافته است که شاید کمتر شاخه حقوقی همسان او باشد. حجم بزرگی از قوانین و رویه محاکم در سطح ملی و انبوهی از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه فراملی، نشان از اهمیت آن دارد (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۶۱).

در مورد وجود و یا ظهور حقوق مؤلف در جوامع باستانی عقاید مختلفی توسط حقوق‌دانان، مردم‌شناسان و تاریخ‌نویسان بیان شده است. آندره موریو در این خصوص می‌نویسد: «حقوق معنوی مؤلف از زمانی که انسان توانست قلم و یا قلم مویی در دست بگیرد وجود داشته است. مبدأ چنین حقی در ظلمات اعصار ناپدید است؛ به محض اینکه ادبیاتی وجود داشته، سرقت ادبی مورد سرزنش و ملامت عموم قرار گرفته و به محض اینکه قوانین تدوین شد، مرتکب این سرقت مجازات شده است».

حق نشر که یکی از مصادیق حقوق مؤلف است در عهد باستان وجود داشته است ولی اینکه چرا متون قانونی در این زمینه وجود ندارد، به نظر می‌رسد چون در روم قدیم نیاز به حمایت از پدیدآورندگان اثر به هیچ وجه احساس نمی‌شده است؛ بنابراین، حق مؤلف در زمان باستان امری ناشناخته نبوده اما موضوع هیچ‌گونه مقرر قانونی نیز قرار نگرفته است. با این حال اسناد تاریخی، تفکیک بین حقوق مالی و حقوق معنوی را در این دوره تأیید می‌کنند (زرکلام، ۱۳۸۷: ۸).

ایران در حالی از مزایا و فواید مالکیت فکری محروم مانده است که کشورهای توسعه یافته از این رهگذر، نتایج بسیار مثبت و امیدوارکننده‌ای را عاید پدید آورندگان آثار فکری خود کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، امروزه تولیدکنندگان اندیشه در جهان، به محصولات فکری خود نه صرفاً به مثابه یک فعالیت فکری، بلکه از منظر یک فرایند سودآور اقتصادی نگاه می‌کنند؛ بنابراین، کشور ما

هم باید با بررسی این موضوع پیوند میان اقتصاد سالم و تولید اندیشه را بررسی کند؛ بخصوص آن که نارسایی‌های اقتصادی و پیشرفت‌ها و حقوق فکری و معنوی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند (کریمی فرد، ۱۳۸۵).

با توجه به وضعیت نظام مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مسائل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی و نقش آن برای توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه باید اذعان داشت فهم فایده‌های حقوقی و اقتصادی نظام مالکیت فکری پیش شرطی برای درک افزایش و اهمیت آن در راهبردهای ملی در جهت تقویت رقابت و تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی است. از آنجا که مالکیت فکری از تلاش‌های خلاق اندیشه‌های انسان حاصل می‌شود باید در ترویج و تشویق فعالیت‌های ابتکاری و نوآوری به هرگونه تلاش ممکن دست زد. طبیعتاً، حمایت مؤثر از مالکیت فکری از طرق ایجاد، استفاده و تقویت حقوق قانونی، انگیزه لازم در جهت خلاقیت تکنولوژیک و فناورانه را فراهم می‌آورد و پخش و استفاده از دانش جدید فنی را تسهیل و محیط مناسبی را برای مبادله منظم آن در بازار به وجود می‌آورد؛ بنابراین ضرورت دارد تا امنیت سرمایه‌گذاران فکری و ایده پردازان در سطوح گوناگون تأمین شود، چرا که این موضوع بدون شک از پایه‌های اساسی تأمین توسعه کشور در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (همان).

شاید به نظر برسد سودجویانی که به چاپ غیرقانونی کتاب دست می‌زنند افراد گمنامی هستند که به شکل زیرزمینی به قاچاق کتاب‌های پرفروش و پرطرفدار می‌پردازند؛ اما قابل تأمل است که بسیاری از این متخلفان، ناشرانی هستند که با مجوزهای قانونی به حوزه نشر راه یافته‌اند. این افراد که به دلیل بازار نامساعد اقتصاد این بخش، برای تأمین هزینه و کسب درآمد، خود را مجاز دانسته‌اند دست به اقداماتی از این نوع زنند که به شکل قابل توجهی به مشکلات حوزه نشر دامن زده است. قاچاق کتاب و مشکلات ناشی از آن بیش از هر چیز موجب شده است مؤلفان، مترجمان و ناشران دچار خسران شوند و این در حالی است که شیوع این مسئله در بلند مدت می‌تواند به شکل وسیعی به حوزه کتاب آسیب رساند، زیرا بی‌انگیزه شدن مؤلفان و ناشران باعث پایین آمدن سطح کیفی کتب می‌شود. از آن جا که اقتصاد بازار کتاب در ایران ضعیف است، مشکلاتی مانند قاچاق و چاپ غیرقانونی کتاب می‌تواند آسیب جدی به فعالیت مؤلفان و ناشران کتاب وارد کند.

جالب توجه است که هرچند مسئله قاچاق کتاب یکی از مسائل عموماً کشورهای در حال توسعه است، اما میزان تولیدات علمی در ارتباط با این موضوع (و در کل در ارتباط با حقوق

مالکیت فکری) در کشورهای غربی و بخصوص ایالات متحده آمریکا بسیار افزون‌تر است. محوریت این پژوهش‌ها به نقش حقوق مالکیت فکری و توسعه اقتصادی و فناورانه توجه داشته‌اند (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۵). انجام این پژوهش نیز در ایران می‌تواند در این زمینه‌ها به کشور، دولت، ناشران و پدیدآورندگان آثار علمی و هنری کمک شایان توجهی نماید.

در ادامه و پیش از پرداختن به پیشینه تجربی و نظری، لازم است اشاراتی در ارتباط با قوانین مرتبط با حوزه کپی‌رایت در صنعت نشر در ایران، غرب و معاهدات بین‌المللی صورت گیرد.

مروری بر قوانین و مقررات کپی‌رایت در ایران و دیگر کشورها

روی‌آوری به قانون‌گذاری و تدوین قواعد مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری دو عامل اصلی دارد که تشویق پدیدآورندگان و دیگری حمایت از آثار آنان است که چنین نقش مهمی از دو طریق تأمین و اجرایی می‌شود:

قوانین و قواعد داخلی و ملی

معاهدات و مقررات بین‌المللی (کریمی‌فرد، ۱۳۸۵).

در این بخش به بررسی قوانین و مقررات حوزه مالکیت فکری در ایران، دیگر کشورها و اسناد فراملی میان کشورها پرداخته شده است تا مشخص شود موضوع قاچاق کتاب و بحث مالکیت معنوی و مادی آثار تا چه میزان برای ناشرین، مؤلفین و دولت‌ها در دوره معاصر مهم و حیاتی تلقی شده است.

قوانین و مقررات ملی دیگر کشورها در حوزه کپی‌رایت

در سال ۱۷۱۰ میلادی برای نخستین بار در انگلستان مالکیت ادبی با تصویب قانون آن مورد حمایت قرار گرفت. «قانون آن» که پارلمان انگلیس در ۱۷۱۰ وضع کرد، اولین قانون حق مؤلف در دنیا به شمار می‌آید؛ در حقیقت در این قانون ابتدایی‌ترین نوع حق مؤلف برای پدیدآورندگان تدوین شد. این قانون پیش‌بینی می‌کرد که پس از گذشت زمانی مشخص که در قانون تصریح شده است امتیاز و اگذارشده به ناشر برای نشر و توزیع آثار، به نویسنده باز می‌گردد و او می‌تواند این حق را به ناشر دیگری واگذار کند (مطلبی، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۳۹). برخورداری از حمایت‌های «قانون آن» نیازمند برخی تشریفات بود از جمله ثبت آثار نویسنده به نام خود و به ودیعه گذاشتن نسخه از اثر منتشرشده در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها. از آنجا که این قانون تنها کتاب را دربر می‌گرفت و از دیگر آثار چاپی همچون مصنوعات هنری حمایت نمی‌کرد، اقدامات جمعی از

هنرمندان به تصویب «قانون کلیشه‌سازان» در سال ۱۷۳۵ انجامید و در پی آن حقوق مؤلف به دیگر کشورها گسترش پیدا کرد (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۱۲).

حق تألیف در سال ۱۷۲۰ میلادی در فرانسه در دستور کار قرار گرفت و به فرمان لوئی شانزدهم در سال ۱۷۷۷ میلادی رسمیت یافت. در آمریکا نیز، در سال ۱۷۸۳ میلادی مطرح و به سال ۱۷۸۹ میلادی به صورت یک اصل در قانون اساسی گنجانده شد. در سال ۱۸۳۷ میلادی حق طبع در امپراطوری آلمان در قانون پروس مطرح شد و در سال ۱۸۷۰ میلادی به تصویب رسید و در سال ۱۹۷۴ میلادی مورد بازنگری قرار گرفت.

بعدها دولت‌های دیگر در تدوین قانون حمایت از مؤلفان و نظارت بر چاپ آثار فکری به صورت گروهی همت گماشتند. اولین قرارداد بین‌المللی با عنوان «قانون برن» در ۵ سپتامبر ۱۸۸۷ میلادی در شهر برن سوئیس تدوین شد و از آن پس هر ۲۰ سال یک بار تجدید نظر شد و در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، کپی‌رایت به رسمیت شناخته شده است. متن اصلی این کنوانسیون از زمان انعقاد تاکنون به کرات مورد تجدید نظر قرار گرفته است که از اهم آن‌ها می‌توان سند برلن (۱۹۰۸)، سند رم (۱۹۲۸)، سند بروکسل (۱۹۴۸)، سند استکهلم (۱۹۶۷) و سند پاریس (۱۹۷۱) را نام برد. قرارداد عمومی حق طبع نیز، توسط یونسکو در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ در ژنو به تصویب ۳۶ دولت رسید (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۲۹-۱۳۰). معاهده ژنو نیز در مورد حق مؤلف در سال ۱۹۵۲ میلادی منعقد و در ۱۹۷۱ مورد اصلاح قرار گرفت (محمدزاده وادقانی و خوشرو، ۱۳۸۷: ۳۲). میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از جمله معاهدات حقوق بشری است که حقوق مالکیت فکری و معنوی را به رسمیت می‌شناسد (امیر ارجمند و حبیبی مجنده، ۱۳۸۴: ۶). در بند اول ماده ۱۵ این میثاق آمده است که دولت‌های طرف میثاق حاضر، حق هرکس را نسبت به امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

مشارکت در حیات فرهنگی

بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن

برخورداری حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن هستند.

قوانین و مقررات فراملی دیگر کشورها در حوزه کپی‌رایت

مالکیت فکری به‌عنوان یکی از ارکان مهم تمدن به اندازه‌ای حائز اهمیت‌اند که تمام کشورها

علاوه بر قوانین داخلی خود، به منظور حمایت از آن در سطح بین‌المللی قراردادهای متعددی را امضا کرده‌اند (کریمی فرد، ۱۳۸۵).

با مطالعه و بررسی در تاریخچه فعالیت کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلف مرتبط با حقوق مؤلف مشاهده می‌شود، کشورهای عضو هر یک بر اساس ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود، برای حمایت از حقوق مادی و معنوی مؤلف، به وضع قوانین و مقررات لازم‌الاجرا در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته‌اند (حضرتی، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱).

رشد و گسترش حیرت‌انگیز آفرینش‌های فکری، علمی، ادبی و هنری در سده‌های اخیر، تحول و پیشرفت وسایل و ابزار انتشار، تکثیر، اطلاع‌رسانی و ارتباطات و نیز توسعه مبادلات فرهنگی میان کشورها، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت که در سطح فراملی، اقدام به پیش‌بینی قواعد حقوقی لازم برای حمایت از حقوق مالی و معنوی پدیدآورندگان این گونه آثار فکری کند و در این راستا در سال‌های ۱۸۸۶، ۱۹۵۲، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۱ سه کنوانسیون بین‌المللی «برن»، «ژنو» و «پاریس» در مورد حقوق مؤلف انعقاد یافت و سپس موافقت‌نامه «ترپس» راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به سال ۱۹۹۴ طی سند نهایی مذاکرات دور اروگوئه به مجموعه مقررات سازمان تجارت جهانی اضافه شد و سرانجام در سال ۱۹۹۶، معاهده حقوق مؤلف (کپی‌رایت) سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) منعقد شد (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

قوانین و مقررات ایران در حوزه کپی‌رایت

در زمینه مالکیت ادبی و هنری، قانون مجازات مصوب سال ۱۳۰۴ ایران، مواد ۲۱۳ مکرر و مواد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷ و ۲۴۸ از فصل یازدهم به بحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت مؤلفان، مصنفان و تخلفات چاپ و فروش آثار قابل نشر اختصاص یافت و مجازات‌هایی برای برخورد با آن‌ها تعیین شد. همین‌طور، در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۳ طرح‌ها و لوایح متعددی تقدیم مجلس شد که هر یک به دلیل نواقص موجود مسکوت ماندند تا نهایتاً در سال ۱۳۴۶، وزارت فرهنگ و هنر وقت، لایحه حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را تهیه و به مجلس ارائه کرد که همان لایحه در دی‌ماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس وقت رسید (مصوبات مجلس، ۱۳۰۴، ۱۳۴۶).

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان از هر جهت جدید و مترقی بود و علاوه بر حمایت از آثار ادبی، برای نخستین بار از آثار هنری هم حمایت می‌کرد. در دی‌ماه سال ۱۳۵۲ نیز قانون دیگری در تکمیل قانون سابق حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان با عنوان «قانون ترجمه

و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی) به تصویب رسید. مطابق مفاد این قانون، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده است، به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افسست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه دیگر بدون اجازه از صاحب حق ممنوع و مشمول مجازات‌های مقرر خواهد بود (قانون مجازات عمومی، ۱۳۵۲).

این قانون حاوی ۱۲ ماده و یک تبصره است؛ ماده ۲ و ۳ این قانون، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکل چاپ شده و نسخه‌برداری، ضبط یا تکثیر آثار صوتی را به قصد بهره‌برداری مادی ممنوع ساخت و ضمن پایبندی به تمامی مواد قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی بیگانگان، مطابق ماده ۶ حمایت‌های خود را منوط به شرط وجود عهدنامه، معامله متقابل اعلام نمود (همان).

همان‌طور که مشخص است، قوانین مربوط به حمایت از مالکیت ادبی و هنری که در اصطلاح بین‌المللی به مالکیت فکری مشهور است از سال ۱۳۰۴ به تدریج در قوانین ایران شناخته شد و مورد حمایت قرار گرفت و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بنا به مقتضیات زمان اصلاح و تکمیل شد.

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های داخلی

اصغرینیا و اصغرینیا (۱۳۹۲)، فرایند تاریخی تحول حقوق مؤلف را در تاریخ اسلام و تاریخ غرب بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان می‌دهند که تاریخ اسلام و غرب مدرن سرشار از تلاش‌هایی در راستای حفظ و صیانت از حق مؤلف بوده است؛ آثار فقه شیعه و سنی از دیرباز و کنوانسیون‌های بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های حقوقی منعقدشده در غرب مدرن در قرون اخیر، از جمله شواهد این تلاش‌ها هستند.

آن‌ها اشاره می‌کنند که از همان اوایل قرن ۱۷۲۰ در فرانسه تذکره‌ای تحت عنوان «تذکره مربوط به تعدیات ناشران پاریس» دست به دست می‌شد. عنوان این نوشته به‌خوبی طرز فکر مؤلفان را نسبت به ناشران که فروش کتب در انحصار آنان است آشکار می‌کند. پنج سال بعد در ۱۷۲۵ در تذکره دیگری لوئی دوهریکور، وکیل دادگستری و متخصص حقوق کلیسا مسئله حقوق مؤلف را که تا آن زمان با مسئله امتیازات سلطنتی درهم آمیخته و تقریباً نادیده گرفته شده بود به‌صورت نظریه مستقلی ابراز کرد و ابراز این نظر به مناسبت دعوایی بود که توسط ناشران ولایات علیه ناشران پاریسی اقامه شده بود. آنچه اساس دفاعیه دوهریکور را تشکیل می‌داد و حائز

اهمیت است، این است که «نویسنده مطلقاً مالک اثری است که به وجود آورده است، چرا که حق مؤلف نه از قبض یک شیء ملموس بلکه از عمل آفرینش فکری ناشی می‌شود». در پژوهش آن‌ها اشاره شده است که فقها در اسلام در دوره متأخر به مسئله حقوق مؤلف توجه کرده و حکم بر مشروعیت یا عدم مشروعیت آن داده‌اند و در غرب نیز، فرایند کپی‌رایت یک فرایند تدریجی و پیوسته بوده است که در سلسله تلاش‌هایی در تعدادی از کشورها اندک اندک به قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی در قالب معاهدات چندجانبه منجر شده است.

کریمی‌فرد (۱۳۸۵) مالکیت فکری یا معنوی را به‌عنوان یکی از مصداق‌های حقوق شهروندی نام برده و معتقد است اهمیت بعد مادی حق مالکیت مؤلف یا ناشر در دوران مدرن و متأخر مطرح شده و این موضوع ضرورت توجه به حرفه‌ناشران و نویسندگان به‌عنوان یک حرفه با امنیت اقتصادی را دوچندان کرده و بنابراین، ضرورت دارد تا دولت‌ها بدین مهم توجه نمایند. او در این اثر به تشریح فرایند تاریخی مالکیت معنوی پرداخته و معتقد است مباحث حقوقی در این زمینه در نتیجه تحولات اجتماعی و اقتصادی گسترده اتفاق افتاده‌اند. او اشاره می‌کند که مالکیت فکری یکی از پدیده‌های بسیار قدیمی است که در گذشته اغلب مورد حمایت حکومت قرار نمی‌گرفت. با اختراع چاپ، امکان تجاوز به حقوق پدیدآورندگان بیشتر میسر شد و دولت‌ها و اشخاص به دنبال ضمانت اجراهای حقوقی در راستای جلوگیری از این مشکل برآمدند. در مجموع، صنعت چاپ، اصلاح مذهب، دوره رنسانس و برقراری نظام‌های پارلمانی به جای حکومت مطلقه و وضعیت ناشی از این تحولات از جمله تکیه بر اصول استقلال فردی و آرای آزادی‌خواهانه، به‌طور اساسی منجر به رشد و توسعه آفرینش‌های فکری شد.

در این اثر، قانون‌گذاری‌ها در کشورهای خارجی و نیز ایران در این زمینه مورد بحث قرار گرفته است و اشاره می‌شود که قوانین مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و ادبی و هنری که در اصطلاح بین‌الملل به مالکیت فکری مشهور است از سال ۱۳۰۴ به تدریج در قوانین ایران شناخته شد و مورد حمایت قرار گرفت و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بنا به مقتضیات زمان اصلاح و تکمیل شد.

احمدزاده (۱۳۹۳) معتقد است مالکیت فکری به حقوقی اطلاق می‌شود که به صاحبان آن حق بهره‌وری و بهره‌برداری از فعالیت‌های فکری و ابتکاری‌شان را می‌دهد و دارای ویژگی ارزش و ماهیت اقتصادی از یک سو و قابلیت دادوستد از سوی دیگر است، هرچند موضوع آن شیء معین مادی نیست. او در این پژوهش معتقد است تا حد زیادی مابین رعایت حقوق مالکیت فکری و توسعه پایدار ارتباط وجود دارد.

در یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های مربوط به ایران توسط حسینی و مطلبی^۱ (۲۰۱۰)، وضعیت کپی‌رایت در صنعت انتشارات ایران با تأکید بر دیدگاه ناشران تهرانی مورد بررسی قرار گرفته بود. روش این پژوهش پیمایش بوده و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در طیف لیکرت، داده‌ها گردآوری شدند. ۸۱ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که قوانین کپی‌رایت کامل نبوده و نیاز به اصلاحات اساسی دارند؛ ۵۴٪ معتقد بودند قوانین فعلی نمی‌تواند به رشد کیفی صنعت نشر کمک نماید؛ ۲۳٪ به نحوه مداخله مانند دولت و مجموعه‌های قضایی نسبت به قوانین کپی‌رایت انتقاد داشتند؛ ۳۳٪ معتقد به پایبندی نویسندگان به قوانین کپی‌رایت بودند؛ ۴۶٪ معتقد به تعهد ناشران به حقوق مادی و فکری نویسندگان؛ و نهایتاً ۴۳٪ معتقد به بازدارندگی قوانین کپی‌رایت از تکثیر غیرمجاز آثار نویسندگان بودند. فرضیه این پژوهش نشان می‌دهد که از دید ناشران تهرانی، قوانین داخلی ایران متناسب با نیازها و شرایط فعلی نبوده و قوانین کپی‌رایت تأثیری منفی بر سیستم ترجمه در کشور برجای نهاده است.

در پژوهش سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) در مورد نگرش و رفتار دانشجویان نسبت به رعایت/عدم رعایت قوانین کپی‌رایت ملاحظه شد که نوعی تناقض میان رفتار و نگرش آن‌ها برقرار است و اگرچه نقض این قوانین را غیراخلاقی می‌دانند ولی به دلیل دسترسی به اینترنت و ناشناس بودن در این فضا به این کار مبادرت می‌کنند. همچنین، ضعف مالی دانشجویان برای خرید محصولات فکری، از جمله مهم‌ترین عوامل نقض قانون حق نشر محسوب می‌شود. آن‌ها پیشنهاد کرده‌اند که دولت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محصولات فکری حمایت بیشتری بکند و قوانین مرتبط با این حوزه را به‌روز نماید. همچنین پیشنهاد شده تا قوانین مالکیت فکری در میان عموم مردم فرهنگ سازی شود.

در پژوهش جاوید و یوسفی (۱۳۹۲) اشاره شده است که پسامدرن‌ها بر این باورند که حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق مالکیت فکری، به‌منظور حمایت مادی و معنوی از گونه‌های نو از آثار ادبی و هنری و رایانه‌ای، تداوم روایت‌های کلان مدرنیته است. به این اعتبار، همه انتقادات روایت‌های کلان عصر تجدد به این حقوق هم وارد است، با این تفاوت که در وضعیت کنونی پایبندی به رعایت هرچه بیشتر این حقوق، تعصبی بیجا در گرایش هرچه بیشتر به سوی بی‌عدالتی، دیکتاتوری و مطلقه‌گری در حوزه مغز و فکر است. پیامد این عمل، زنجیر زدن به تعقل و تفکر و نیز تولید محصولات معنوی بشری در راستای

سود انحصاری مادی در بازار اقتصادی و سرمایه‌داری جهان معاصر است. باید اذعان داشت که پست مدرن‌ها از ورای اعتبار زدایی از انگاره‌ها و روایت‌های نظام مالکیت ادبی و هنری، در تلاش برای فرسایش شکل‌بندی‌های هر می قدرت، تولید و دسترسی به اطلاعات و محصولات فکری هستند که به واسطه آن، عده کمی در رأس و بسیاری از مردمان در قاعده قرار می‌گیرند.

بسیاری از پژوهش‌ها معتقدند که نابسامانی‌های اقتصادی بر حقوق مالکیت فکری و مباحثی همچون قاچاق کتاب تأثیرگذار خواهند بود؛ از جمله در پژوهش‌های داخلی، خانی و نصراللهی (۱۳۹۱) با تأکید بر خلاقیت‌محور بودن اقتصادها در دنیای مدرن معتقدند که عدم حمایت از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در قالب قوانین کپی‌رایت توأمان منجر به شکست اقتصادی، علمی و اجتماعی خواهد شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه و عضویت در سازمان تجارت جهانی دارای اثر مستقیم بر حقوق مالکیت فکری در هر دو نمونه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است.

در پژوهش دیگری، شاه‌آبادی و سازی گل (۱۳۹۰) با بررسی کشورهای منطقه منا از جمله ایران در بازه زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ اشاره می‌کنند که وضعیت بد مالکیت فکری و کپی‌رایت در این کشورها همسو با وضعیت نامناسب در شاخص نابرابری درآمدی (ضریب جینی) است. همچنین، پژوهش فطرس و نوش‌آبادی (۱۳۸۸)، ارتباط مستقیم ملکیت معنوی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در کشورهای گروه D۸ نشان داده است. پژوهش خداپرست مشهدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز تأثیر مستقیم رعایت حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی را در ۳۵ کشور در بازه زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ نشان داده‌اند.

پژوهش‌های متعدد در این حوزه را می‌توان در قالب دو دسته تقسیم‌بندی کرد؛ طبقه اول به تحقیقاتی اشاره دارد که ماهیت کپی‌رایت و مالکیت فکری را همچون لزوم تعهد به آن مطالعه می‌کنند. در این زمینه، وضعیت اعمال قوانین، قوت و ضعف، سطح آگاهی مسئولین در مورد این قوانین و ضعف قوانین فعلی بررسی شده‌اند (Machiyani, ۱۹۹۹; Arab, ۲۰۰۸; ۱۹۹۴). مکینانی^۱ (۱۹۹۹) با تأکید بر قوانین نسبتاً مؤثر کپی‌رایت در ایران، برخی کاستی‌ها و نواقص قوانین داخلی و ضرورت آن‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد. خداپنده سامانی^۲ (۲۰۰۱) با بررسی اقدامات حمایتی کپی‌رایت در ایران نتیجه می‌گیرد که قوانین فعلی ایران در زمینه‌ی کپی‌رایت، ناکافی بوده و مجموعه‌های سیاسی در مسیر این اقدامات حمایتی مشکلاتی را ایجاد

1. Machynany

2. Khodabandeh Samany

می‌کنند و قضاوت‌های موثری وجود ندارد.

ناظر مقدم و همکاران^۱ (۲۰۰۹) با مطالعه پیمایشی در مورد دیدگاه‌های ناشران مشهدی معتقدند وضعیت فعلی در زمینه‌ی قوانین کپی‌رایت در ایران باید به‌عنوان حق افراد شناخته شود و ناشران نسبت به واکنش دولت نسبت به مداخله‌گران خوشنود هستند؛ با این حال، آن‌ها مصر به تغییر ماهیت این قوانین هستند. ملکیان^۲ (۲۰۰۶) با مقایسه قوانین فعلی کپی‌رایت در ایران با وضعیت قوانین بین‌المللی در این زمینه نتیجه می‌گیرد که علی‌رغم شباهت‌ها و همسانی‌ها، این قوانین به‌واقع ناکافی هستند.

همچنین، تارخانی^۳ (۲۰۰۸) با مقایسه قوانین ایران و قوانین بین‌الملل اشاره می‌کند که قوانین ایران در این زمینه به غایت قدیمی بوده و نسبت به توسعه تکنولوژیکی به‌شدت عقب هستند. به دلیل محدودیت‌های محلی، قوانین ایران از حقوق مادی ناشران و پدیدآورندگانی که آثارشان در ابتدا در کشور دیگر و توسط یک پدیدآورنده ایرانی یا غیر ایرانی منتشر یا توزیع شده است، دفاع نمی‌کند.

کوکبی^۴ (۲۰۰۹) معتقد است که اگرچه قانون کپی‌رایت در جهت حمایت از نویسندگان و هنرمندان در ایران در سال ۱۹۶۹ تصویب شده است اما همچنان برخی کتب هستند که بدون هیچ قراردادی منتشر می‌شوند یا بر اساس نسخه اصلی به‌صورت غیرقانونی تکثیر می‌شوند یا بر اساس کارهای برخی نویسندگان و شاعران بدون مجوز گردآوری می‌شوند. برخی ترجمه‌ها تحت عناوین مختلف و ناشناخته‌ای مجدداً منتشر می‌شوند، برخی آثار بدون اطلاع ناشر منتشر شده‌اند و انواع متفاوتی از دزدی علمی اتفاق می‌افتد که هرچند به‌شدت سابق نیست اما به هر حال در ایران اتفاق می‌افتد.

دسته دیگر این آثار به بررسی تأثیرات الحاق ایران به نظام بین‌المللی کپی‌رایت می‌پردازند. صادقی‌مقدم^۵ (۱۹۸۸) با بررسی تأثیرات الحاق ایران به نظام بین‌المللی کپی معتقد است که منافع و مضراتی برای پیوستن ایران به این سیستم وجود دارند. او معتقد است که در موقعیت فعلی، ملحق شدن به پیمان‌های بین‌المللی کپی‌رایت برای ایران منفعت بار نیست.

1. Nazermoqadam et al.

2. Malekian

3. Tarkhany

4. Kokabi

5. Sadeghi Moqaddam

با این حال، کرمانی نژاد آبادی^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که پذیرش این دست از معاهدات بین‌المللی برای ایران سودمند است و اشاره می‌کند که پابندی به آن‌ها به رشد فرهنگی کشورمان کمک می‌کند. همچنین، محمد بیگی^۲ (۱۹۹۶) معتقد است که پیوستن به نظام بین‌المللی کپی‌رایت برای ایران سودمند بوده و به توسعه علمی، فرهنگی و هنری ایران منجر می‌شود.

به‌رغم برخی دشواری‌ها مانند افزایش هزینه دسترسی^۳، نصیری (۲۰۰۶) معتقد است که پیوستن ایران به نظام بین‌المللی کپی‌رایت می‌تواند به بهبود تصویر ایران در سطح بین‌الملل منجر شده و به لحاظ علمی، آموزشی و سیاسی برای ما مفید و سودمند باشد.

قاسمی^۴ (۲۰۰۸) همچنین معتقد است که یک رابطه معنی‌دار میان پذیرش قوانین بین‌المللی کپی‌رایت و افزایش اعتبار ایران، تصویب و بهبود قوانین داخلی، حمایت از آثار علمی، هنری و ادبی، حفظ حقوق ناشران در داخل و خارج کشور، گسترش فرهنگ تألیف، افزایش انگیزه نویسندگان و افزایش سود و منافع مادی وجود دارد. نوروزی^۵ (۲۰۰۱) نیز معتقد است پیوستن به نظام بین‌المللی کپی‌رایت هم دارای تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی بر نویسندگان، سیستم ترجمه، صنعت نشر و قوانین داخلی کپی‌رایت است.

موسایی^۶ (۲۰۱۱) در ارتباط با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرش قوانین مربوط به کپی‌رایت در زمینه مالکیت فکری معتقد است که روند توزیع و تقاضای کتاب در ایران دگرگون خواهد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش آن‌ها، پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و نظام کپی‌رایت مستلزم برخی موارد همچون پرداخت هزینه کپی‌رایت به نویسندگان خارجی خواهد بود. پرداخت هزینه کپی‌رایت نیز به نویسندگان خارجی منجر به افزایش ۷/۵ درصدی قیمت کتاب و کاهش ۱۳/۳۵ درصدی تقاضای کتاب خواهد شد؛ بنابراین، چرخش کتاب^۷ به دلیل حضور در بازارهای جهانی و بهبود کیفیت افزایش خواهد یافت، این موضوعی است که در تجربه کشورهای دیگر ثابت شده است.

از جمله اقدامات کاربردی جالب توجه در داخل کشور، راه‌اندازی کمپین مجازی رصد (با

1. Kermaninezhad Badi

2. Mohammadbeygi

3. access fee

4. Qassemi

5. Norouzi

6. Musai

7. book circulation

شعار من دزد کتاب نیستم^۱ است. در این سامانه، ناشر، مترجم یا مؤلف و یا خوانندگان کتب می‌تواند موارد مرتبط با قاچاق کتاب یا انتشار غیرقانونی و سایر موارد تخلفات مرتبط با صیانت از حقوق مادی و معنوی ناشرین و نویسندگان را اطلاع دهند.

در یکی دیگر از تلاش‌های کاربردی در این حیطه، سامانه‌ای به نام سامانه مالکیت فکری توسط دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری راه‌اندازی شده است.^۲ در قالب این سامانه، اقدامات انجام شده و آثار منتشر شده در زمینه رعایت حقوق مالکیت فکری منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

پژوهش‌های خارجی

در سایر کشورها، مطالعات زیادی در مورد کپی‌رایت انجام شده است که برخی از آن‌ها به بررسی ماهیت کپی‌رایت و برخی نیز به بررسی قوانین و مقررات داخلی کشورها پرداخته‌اند و مباحث مربوط به دولت‌ها، ناشران و پدیدآورندگان را بررسی کرده‌اند. با این حال، عمده آثار خارجی در این زمینه از نوع پژوهش‌های اسنادی کتابخانه‌ای بوده‌اند.

در یکی از پژوهش‌های مرتبط در کشور نیجریه، مسئله قاچاق کتاب به صورت کیفی بررسی شده است (Nkiko, ۲۰۱۳)؛ بر اساس این پژوهش مشخص شد که انواع متنوع قاچاق کتاب^۳ عبارت‌اند از تولید و انتشار مجدد در سطح داخلی و محلی، تخطی از حقوق نشر، انتشار فرامرزی بدون مجوز، نشر نسخه‌های پی‌دی‌اف غیرمجاز، تولید و توزیع بیش از حد و ترجمه بدون مجوز. برخی از علل قاچاق کتاب عبارت‌اند از فقر، کمبود کتاب، بی‌اعتنایی به قوانین کپی‌رایت به واسطه دیدگاه بی‌ثمر برخی کشورها در زمینه پیوستن به معاهدات بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری. این مطالعه راهبردهایی نظیر کاهش هزینه‌ها، سیاست‌گذاری ملی در قالب نشر کتاب، آگاه‌سازی و اعمال قوانین مربوط به کپی‌رایت، احیا و رونق بخشیدن به کتابخانه‌ها، تحریم نمودن کشورهای در زمینه قاچاق کتاب مقید به قوانین بین‌المللی نیستند و ایجاد نرم‌افزارهایی در فضای مجازی به منظور مهار توزیع غیرقانونی کتاب.

در پژوهش دیگری در زیمبابوه (Chiyevu GARWE, ۲۰۱۴) وضعیت قاچاق کتاب با تأکید بر تحصیلات عالی بررسی شده است؛ این پژوهش با روش مشاهده، تحلیل محتوا و مصاحبه‌های

1. www.rasad.fidibo.com

2. <https://shaaf.ir/ipmsrt/index.php>

3. Book Piracy

عمیق از میان مسئولین دولتی و مسئولین آموزش عالی، ناشران و نویسندگان و خریداران کتاب انجام شده است. دلایل و اشکال مختلف این معضل همچون پژوهش پیشین بودند. با توجه به این که در این پژوهش اشاره شده که بخش تحصیلات عالی می‌تواند در کاهش قاچاق کتاب تأثیرگذار باشد ابتدا از کارمندان و دانشجویان خودش شروع و نهایتاً بر کل ملت تأثیر بگذارد. مکانیسم‌های پیشنهادی نیز همچون پژوهش پیشین بوده‌اند.

در یکی از پژوهش‌ها (Ashok, ۲۰۱۰)، حقوق مادی گوناگون مربوط به نویسندگان و پدیدآورندگان آثار نوشتاری همچون کتاب مورد بحث قرار گرفت و به این مهم پرداخته شد که دادگاه‌ها چگونه این حقوق را مخصوصاً در زمینه‌ی دیجیتالی آن تفسیر می‌کنند. در این پژوهش اشاره شد وظیفه دولت‌های رفاه: فراهم آوردن دسترسی به دانش و اطلاعات برای بهره‌مندی همگی است. از سوی دیگر، این وظیفه دولت‌ها است تا از تولیدکنندگان این آثار حمایت کنند. این تعادل به واسطه قوانین کپی‌رایت برقرار می‌شود؛ اما قوانین فعلی کپی‌رایت نمی‌توانند با نیازهای در حال تغییر جامعه تطابق ندارند، چرا که تأثیر اینترنت بسیار گسترده و به همان نسبت در زمینه‌ی کپی‌رایت و مسائلی همچون قاچاق کتاب مشکل ساز شده است. این پژوهش با بررسی دادگاه‌های کشور هند معتقد است محبوبیت اینترنت به دلیل کارآمدی آن در اشاعه اطلاعات است و قوانین از پیش موجود نباید دسترسی آزاد بدون تبصره و موارد خاص محدود کنند. دادگاه‌ها همواره رویکرد مدافع نویسنده داشته‌اند و این ناشی از خلاءهای موجود در قوانین است.

همچنین، بسیاری از پژوهش‌ها معتقدند که نابسامانی‌های اقتصادی بر حقوق مالکیت فکری و مباحثی همچون قاچاق کتاب تأثیرگذار خواهند بود؛ از جمله در پژوهش‌های خارجی، چن و پوتیتانون^۱ (۲۰۰۵) با استفاده از نظریه بازی‌ها، رابطه میان تئوری حقوق مالکیت فکری و تولید ناخالص داخلی سرانه را با استفاده از داده‌های ۶۴ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۵ بررسی کردند. آن‌ها دریافتند رابطه بین سطح توسعه‌یافتگی و حمایت از حقوق مالکیت فکری یک رابطه U شکل است. آن‌ها همچنین متغیرهای اقتصادی تجارت بین‌الملل، آزادی‌های اقتصادی و عضویت در سازمان تجارت جهانی را تعیین‌کننده حقوق مالکیت فکری دانسته‌اند. با این حال، بریگس^۲ (۲۰۰۷)؛ به نقل از خانی و نصراللهی، (۱۳۹۱) در نقد یافته پیش‌گفته معتقد است که رابطه بین حقوق مالکیت فکری و GDP سرانه یک رابطه طولی است و به صورت یکنواخت افزایش می‌یابد. تحلیل بریگس در مورد رابطه U شکل بیم حقوق مالکیت فکری و

1. Chen and Putitanon

2. Briggs

توسعه یافتگی به مطرح شدن فرضیه آسیب پذیری بین المللی منجر شد. به نظر او کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه در مقابل فشاری که از طرف کشورهای صنعتی برای افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری وارد می شود، واکنش های متفاوتی را از خود نشان می دهند. او به تأثیر متغیرهای درجه باز بودن تجاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، کیفیت زیرساخت ها و موجودی سرمایه بر حقوق مالکیت فکری اشاره کرده است.

جمع بندی پیشینه تجربی

همان طور که ملاحظه شد پژوهش های متنوعی در ارتباط با موضوع پژوهش مرور شدند که عمدتاً در بحث از رعایت حقوق مالکیت فکری بودند؛ برخی از پژوهش ها فرایند تاریخی رعایت حقوق مادی و معنوی مؤلف و ناشر را در تاریخ ایران، اسلام و غرب بررسی کردند که ملاحظه شد این موضوع فرایندی ریشه دار در طول چندین دهه در دوره معاصر بوده است و طبیعتاً مشکلات پیرامونی آن همچون قاچاق کتاب، مربوط به دوره معاصر می شود. برخی از پژوهش ها، اقسام و انواع قوانین مرتبط با حوزه نشر و کپی رایت را بررسی کرده اند و نقصان ها و ابعاد گوناگون این قوانین را مشخص ساخته اند.

عموماً، پژوهش ها از رعایت حقوق مالکیت فکری به جهت حمایت از ناشرین، مؤلفان و کاهش عوارض ناخوشایندی همچون قاچاق کتاب حمایت می کنند و بسیاری از آن ها، رابطه مستقیمی میان رعایت کپی رایت با توسعه پایدار در تمامی ابعاد و سطوح (به خصوص در سطح اقتصادی) تصور می کنند.

اندک پژوهش های جالب توجه در ایران که مشخصاً به صورت میدانی انجام شده اند نشان می دهند از دیدگاه ناشرین، دولت، نهادهای نظارتی، نهادهای تقنینی و عوامل اجرای قانون باید به اصلاح، تکمیل و رعایت قوانین این حوزه مبادرت ورزند. همچنین، برخی پژوهش ها نشان داده اند نواقص قوانین فعلی در زمینه فضای سایبر (و مسائلی همچون انتشار مجازی کتب و غیره) همچنان به صورت کارشناسی و در قالب قوانین دارای ضمانت اجرا مشخص نشده اند.

از سوی دیگر، برخی معتقدند که وجود تحریم و جایگاه لغزنده ایران در روابط بین المللی (فارغ از دلایل آن) پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و متعاقباً، پیوستن به معاهدات بین المللی در زمینه کپی رایت را با مشکل مواجه ساخته و از این روی، بسیاری از ناشرین و سیاست گذاران در کشورهای در حال توسعه معتقدند که پیوستن ایران به قوانین کپی رایت در شرایط فعلی تأمین کننده و تضمین کننده منافع ملی نخواهد بود.

برخی از مطالعات صرفاً به صورت نظری و مفهومی به مقوله قوانین کپی رایت پرداخته و تعاریف حقوقی مندرج در آن‌ها را تشریح کرده‌اند. برخی از پژوهش‌ها به نقص حقوقی قوانین و کاستی‌ها در این زمینه اشاره کرده‌اند. با این حال، مجموعاً دیدگاه‌ها در ارتباط با پیوستن ایران به معاهدات بین‌المللی در راستای جلوگیری از پدیده‌هایی نظیر قاچاق کتاب متضاد و متناقض هستند. در اندک تلاش‌های کاربردی و عملیاتی در این رابطه، این معضل اجتماعی ملاحظه شد که کمپین رصد و موارد این‌چنینی در حال فعالیت هستند؛ طبیعتاً بخشی از فرایند ممانعت از قاچاق کتاب در قالب سیاست‌های بلندمدت از راه فرهنگ‌سازی و از طریق سلسله اقدامات کاربردی و موثری صورت می‌گیرد که بتواند با کمک حساس‌سازی جامعه مدنی نسبت به یک مسئله، میزان مشارکت اجتماعی را افزایش داده و با کاهش تصدی‌گری دولت به افزایش بازده نهایی کمک نماید.

مبانی نظری پژوهش

بررسی مسئله قاچاق کتاب باید بر اساس احترام به حقوق مادی و معنوی مؤلفین و ناشرین مورد بررسی قرار بگیرد؛ در این بخش، دیدگاه‌ها و نظریات گوناگونی که با موضوع پژوهش مرتبط بودند ارائه شده‌اند. در دیدگاه فرایندی-تاریخی، تاریخچه مطرح شدن حقوق مادی و معنوی مؤلف و ناشر از دوران باستان در ایران، دوران اسلام و دوران غرب مدرن مورد بحث قرار گرفته است و در ارتباط با مسائلی همچون پیشرفت تکنولوژیک و نقش حاکمیت مورد کندوکاو قرار گرفته است.

رویکرد فرایندی-تاریخی به حقوق معنوی مؤلف^۱

به منظور درک فرایند تاریخی قاچاق کتاب، لزوماً باید به فرایند تاریخی حق مؤلف توجه نمود. اصطلاح حقوق معنوی یا حقوق فکری را نخستین بار پیکارد^۲، حقوقدان بلژیکی در سال ۱۸۹۹ به کار برده است. برخی از حقوقدانان نیز به جای آن، اصطلاح «مالکیت‌های غیرمادی»، «حقوق بر اموال غیرمادی» و «حقوق جلب مشتری» را به کار برده‌اند (امانی، ۱۳۸۳: ۲۴).

برای این که اثری از لحاظ حقوق معنوی مؤلف قابل حمایت شود می‌بایست اعتقاد به اینکه اثر زاده فکر و نبوغ مؤلف است در جامعه ریشه گرفته باشد. در حالی که اوایل قرون وسطی اعتقاد

1. Intellectual Properties

2. picard

مردم به خصوص اهل کلیسا بر آن بود که اثر، مظهري از الهام الهی است؛ بنابراین مؤلف آن نمی تواند حق اختصاصی بر آن داشته باشد. به همین علت اکثر آثار به طور گمنام منتشر شده اند، چرا که نویسنده وظیفه و عنوانی جز این که وسیله ای برای ابلاغ الهام الهی باشد ندارد. تنها در اواخر قرون وسطی است که مؤلفان شخصیت های اجتماعی محسوب شده و افتخار نشستن بر سر میز بزرگان را یافته اند. این اوضاع و احوال نامساعد از اوایل قرن شانزدهم به چند علت کم کم دستخوش تغییر و تحول شد. اختراع صنعت چاپ، توسعه روزافزون نشر و تکثیر اثر به طریقی که بتواند در زمان کمی در کشورهای مختلف خوانندگان عیدیه ای را با تفکر پدیدآورنده آشنا کند خود باعث می شد که نیاز به دفاع و حمایت از حقوق مؤلف در مقابل انتشارات غیرمجاز در مقیاس وسیع تر و به صورت تازه ای احساس شود. صنعت چاپ به خودی خود چیزی جز فن انتقال اندیشه ها نیست، بنابراین بدون وجود آثار فکری خود، ذاتاً نمی تواند منشأ اثری باشد. آنچه به صنعت چاپ معنا و محتوا می بخشد وجود اندیشه هایی است که به کمک این فن در جامعه اشاعه می یابند. بی تردید، این اندیشه ها را رنسانس با خود به ارمغان آورد.

تاریخ شناسان حقوق معتقدند که رنسانس از یک سو موجب شناسایی و احترام به شخصیت والای انسانی به خصوص شخصیت آفریننده اثر درزمینه ی حقوق مؤلف شده و از سوی دیگر هنر را از قید بی حرمتی رهانیده است. بدیهی است از این تحول اجتماعی و احترامی که نویسندگان و هنرمندان در جامعه یافته اند حقوق مؤلف بی بهره نمانده است، به نحوی که تحقق برخی شرایط نظری و تئوری (رفورم و رنسانس) و فراهم شدن شرایط عینی (اختراع صنعت چاپ) جامعه از قرن ۱۶ میلادی به بعد موجب شکوفایی تراوش های فکری شده و پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری را از ارزش و اعتبار خود واقف ساخت. با فرارسیدن قرن هیجدهم اندیشه ها و عادات و سنن جوامع اروپایی عمیقاً تغییر می یابد. پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری که به حقوق خود واقف شده اند می کوشند تا به آنچه استحقاق دارند، قانونی جامه عمل بپوشانند.

یکی از موهبت های الهی که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است، احساس مسئولیت نسبت به داشته های خود و اعتقاد به ضرورت حفظ و صیانت از آنهاست. احساسی که در جوامع انسانی از آن به عنوان نهاد حقوقی «مالکیت» یاد می شود. به طور تاریخی، بشر تمایلی قوی به حفظ یافته های مادی و معنوی و گسترش و افتخار به آن ها را در خود داشته است. این احساس در انسان، ابتدا نسبت به اموال مادی به وجود آمد. تا قرون گذشته تلاش های فکری بشر اگرچه مورد احترام و اکرام بود، اما نیازهای مادی وی اساساً با کار و تلاش فیزیکی و تبادل اموال عینی

یا پرداخت پول و مابه‌ازاء آن برطرف می‌شد، اما از زمانی که جوامع مدرن به مفهوم امروزی آن شکل گرفت و شهرنشینی به سبک جدید رواج پیدا کرد، دانش و فن به‌عنوان انگیزه‌ای برای رشد جوامع مطرح شد و رونق پیدا کرد؛ به‌ویژه از قرن پانزدهم به بعد که اندیشه‌ورزی و تراوش‌های فکری به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شد و صبغه اقتصادی به خود گرفت، به نحوی که امروزه از آن به‌عنوان عاملی مهم برای رشد اقتصادی و توسعه جوامع یاد می‌شود (حنیفه اقبالی درخشان، ۱۳۸۵: ۸۱).

حق معنوی (برحسب موارد پدیده‌های فکری)، نماینده شخصیت، اعتبار و جایگاه اثر و نشان خلاقیت، نوآوری، ابتکار، صداقت و امانت صاحب اثر است. این حق از دیرباز به رسمیت شناخته شده است و متجاوزان به آن در بدو امر مورد مذمت اخلاقی قرار می‌گرفتند ولی رفته‌رفته مجامع قانون‌گذاری و دولت‌ها قوانین حمایتی مناسبی برحسب شرایط زمان، مکان و نوع اثر حق معنوی وضع کردند. حق مالی، رکن دوم حقوق فکری صاحب اثر است. به موجب این حق، صاحب اثر می‌تواند از کلیه منافع مالی آن منتفع شود و در مقابل تصرف دیگران، وجهی را مطالبه کند (جعفر زاده، ۱۳۸۵: ۶۴).

حقوق مؤلف در ایران باستان

از میزان توجه و احترام به حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در ایران باستان تا ظهور اسلام، اطلاعات مستندی در دست نیست. با این وجود، احترام و منزلتی که شعرا و سخنوران و سایر هنرمندان در دربار پادشاهان داشتند، در کمتر کشوری نظیر داشته است. به‌طوری که نویسندگان و شعرا نیز اغلب از یکدیگر با احترام یاد می‌کردند و هنگامی که از نویسنده یا شاعر دیگری نقل قول می‌کردند، اسم او را نیز ذکر کرده و یا آن را به‌گونه‌ای مشخص می‌کردند که تعلق آن به دیگری مشخص باشد. در واقع، صنعت ادبی «تضمین» ناظر بر چنین نقل‌قولی از شعرای دیگر بوده است و حکایت از احترام به حقوق ناشی از آثار فکری دیگران دارد. بعد از ظهور اسلام نیز، دانشمندان اسلامی برای اثبات نظر خود و یا در جهت تقویت آن همواره در کتاب‌های خود از اسلاف خویش نقل قول می‌کردند (زرکلام، ۱۳۸۷: ۱۳-۱).

حقوق مؤلف در تاریخ اسلام

از نظر تاریخی، پیدایش کتاب در اسلام به دوران نزول قرآن کریم و تعیین کاتبان وحی بر می‌گردد. با رواج کتابت حدیث و تدوین آن در اواخر سده نخست، موضوع پرداخت صله و

جایزه به‌عنوان «حق تالیف» از سوی دربار خلفای اسلامی معمول شد. با پیدایش نهضت ترجمه در عصر مأمون عباسی، پیشه نویسندگی و نسخه‌برداری و نیز صحافی کتاب‌های دینی و علمی که بیش از ۵۴ شاخه بود به‌عنوان پیشه با اهمیت و درآمدزا مطرح شد و کاتبان و مترجمان بدان وسیله از بیت‌المال مسلمین ارتزاق کردند و به تدریج کار تکثیر، نسخه‌برداری و توزیع کتب مؤلفان به کاتبان سپرده می‌شد و مؤلفان آثار علمی تنها از راه مواعظ اخلاقی و یادآوری عذاب و عقوبت اخروی و توجه دادن به مسئولیت شرعی، دیگران را از هرگونه دخل و تصرف و تحریف کتاب‌هایشان بر حذر می‌داشتند.

به نظر می‌آید که در فرهنگ اسلامی، آموزش و پژوهش در علوم و معارف اسلامی قرن‌ها به‌عنوان یک امر واجب، بدون در نظر گرفتن منافع مادی انجام می‌شد و تنها حاکمان وقت با تجلیل و احترام و دادن پاداش‌هایی و بعضاً تأمین مسکن و معاش مؤلفان از بیت‌المال و استفاده از موقوفات و وجوهات شرعی تعیین شهریه، آنان را تشویق به آموزش دادن به مسلمانان می‌کردند و قانون خاصی به‌عنوان حمایت از حقوق معنوی و مادی مؤلفان و پدیدآورندگان وجود نداشت (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۳).

از پدیده حقوق مؤلف به‌گونه جدی و ماهوی، اساساً در فقه سنتی بحث نشده است و عموماً بحث مشروعیت یا عدم مشروعیت در فقه مطرح شده است؛ در اسلام گسترش و اشاعه معارف دینی به‌عنوان یک فریضه تلقی می‌شود و در احادیث نشر علم را برابر با زکات دانسته‌اند (حضرتی، ۱۳۷۹: ۱۶۹). اساساً در تلقی شیعه، تألیف یک حرفه مادی تلقی نمی‌شده است و این موضوع در میان فقهای متأخر مطرح شده است. در سیره مسلمین نیز نقل مطالب دیگران در کتب علمی و فقهی بدون اجازه از علمای سلف، بی‌سابقه نبوده است. از این رو، فقیهان معاصر بیشتر به مسئله مشروعیت و عدم مشروعیت حق تألیف پرداخته‌اند (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۴۱). در حقیقت، برخی از فقها در اسلام به واجب بودن حق شرعی مؤلف قائل نیستند (حضرتی، ۱۳۷۹: ۱۶).

در دوره معاصر نیز، به‌رغم سابقه چند دهه، طرح مسائل حقوق فکری در حوزه فقه و آشنایی اجمالی فقیهان با آن‌ها، اظهار نظرهای تفصیلی و درخور توجهی از سوی آنان صورت نگرفته است. ملاحظه آراء فقیهان معاصر در برخورد با این دست از مسائل نوظهور، دو دیدگاه کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد. جمعی از آنان، مشروعیت حقوق فکری را به‌عنوان یک حکم اولی مورد تردید قرار داده‌اند ولی در مقابل نیز، گروهی دیگر از فقیهان تلاش گسترده‌ای انجام داده‌اند تا مشروعیت این حقوق را به‌عنوان یک حکم مهم یا حداقل در حد حکم ثانوی به قانون‌گذار

شرعی منتسب کنند و بدین طریق آن را موجه جلوه دهند (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۷۳).

حقوق مؤلف در غرب

تدوین و تکوین قوانین حقوق پدیدآورندگان برخلاف تصور اغلب مردم، فرایندی بس طولانی داشته است. وضع قوانین مدنی در خصوص حقوق مؤلفان و حقوق صاحبان اثر، به دوران پس از اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ در سال ۱۴۵۱ میلادی بر می گردد. گوتنبرگ نخستین کتاب چاپی خود را در سال ۱۴۵۱ میلادی در شهر منتز با دستگاهی که خود اختراع کرده و ساخته بود، به چاپ رساند. به تدریج، دستگاه‌های چاپ جدید دیگر در سایر کشورهای اروپایی هم مورد استفاده قرار گرفتند. در آن دوران، مالک دستگاه چاپ خود نیز ناشر بود.

نخستین کتاب‌هایی که در آن زمان در اروپا چاپ شدند، انجیل و کتاب‌های ادعیه بودند اما در سال ۱۴۶۵ نشر فاست و شوfer، کتاب و دیوان نوشته سیسرون را به چاپ رساند. این کتاب اثری هنری- ادبی بود و مالک این نشر، خود مردی فرهیخته بود که کتاب را با صرف وقت زیاد ویرایش کرده بود، اما اندکی بعد ناشری دیگر با بهره‌گیری از کتاب او همان کتاب را با قیمتی نازل‌تر چاپ کرد. مالک نشر فاست و شوfer به نزد دولت جمهوری ونیز شکایت برد و در سال ۱۴۶۹، سنای ونیز حقوق انحصاری چاپ و نشر کتاب‌های سیسرون و پلینی را به مدت پنج سال به او واگذار کرد. به این ترتیب، برای نخستین بار دولتی با وضع قانون از حقوق پدید آورنده حمایت کرد. این حمایت فقط برای دو کتاب و برای مدت ۵ سال معتبر بود، اما به تدریج صدور مجوز به عملی رایج و قانونمند تبدیل شد و به بقیه اروپا نیز سرایت کرد.

اختراع دستگاه چاپ، تقریباً با تغییر بنیادهای اروپایی و کشف آمریکا هم‌زمان بود. اروپا دچار تغییر و تحولی بزرگ و اذهان آماده شکوفایی بود. دولت‌های آن دوران، از این تغییرات مذهبی، روشنفکرانه و علمی به شدت نگران و وحشت‌زده بودند. آن‌ها متوجه شدند که چاپ سریع کتب، مقالات و روزنامه‌ها باعث ظهور افکار خطرناک در میان مردم می‌شود؛ بنابراین، برای آن‌که بتوانند بر متون چاپی تسلط کامل و کافی داشته باشند به سرعت دست به اقدام زدند. به این ترتیب، در کمتر از یک قرن پس از چاپ نخستین کتاب توسط گوتنبرگ، امتیازات چاپ انحصاری آثار که برای حمایت از نویسندگان، ناشران، چاپخانه‌داران و حمایت از فرهنگ اهدا می‌شد، برای منظور دیگری مورد استفاده قرار گرفتند.

حاکمان اروپایی از قوانین اهدای امتیاز، برای جلوگیری از چاپ آثاری که مورد تأییدشان نبود، استفاده کردند. در همین دوران بود که دولت‌ها به تدوین قوانین خاص در خصوص صدور مجوز

چاپخانه‌داری، مجوز نشر و مجوز چاپ اثر پرداختند. نکته قابل تأمل آن که این قوانین فقط در سطح ملی ارزشمند و قابل استناد بودند (قصاص، ۱۳۸۳: ۹۴-۹۵). اختراع چاپ در سده پانزدهم به سبب پیدایش تحول در چگونگی پخش آثار چاپی، نقطه عطف تعیین کننده‌ای در تاریخ مالکیت معنوی شمرده می‌شود.

تکثیر بسیار محدود اثر به منافع اقتصادی نویسنده آسیبی نمی‌رساند، زیرا بر مبنای تولید و پخش نسخه‌های فراوان از روی اثر نویسنده، پایه‌ریزی نشده بود (گرباود، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸). با اختراع و پیشرفت صنعت چاپ در سده پانزدهم، تولید سریع کتاب با هزینه کم و بیش ارزان امکان‌پذیر شد و رشد سواد، تقاضای گسترده برای کتاب‌های چاپی را فراهم آورد و حمایت از مؤلفان و ناشران در برابر تولید بی‌اجازه و نسخه‌های آثارشان به‌عنوان اصلی مهم، مورد شناسایی قرار گرفت؛ در نتیجه نخستین قوانین حقوق مؤلف در این مقطع تدوین شد (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۱۱).

هم‌زمان با نگرش طبقه حاکم در کشورهای اروپایی همچون انگلستان که ماشین چاپ را یک اهرم سیاسی و اجتماعی نیرومند می‌شمردند و به آن توانایی تهدید قدرت‌های خودکامه حکومتی را می‌بخشیدند. بهره‌مندی مقامات حکومتی از امتیاز انتشار آثار به‌عنوان اهرمی برای کنترل و سانسور تولیدات چاپخانه‌ها و سلب آزادی بیان آغاز شد؛ چنان‌که از سال‌های پایانی سده پانزدهم تا آغاز سده هجدهم نمونه‌های فراوانی از صدور فرامین و قوانین سلطنتی گوناگون برای اعطای امتیاز چاپ دیده می‌شود. در سده هفدهم در پرتو اندیشه‌های آزادی‌بخش فیلسوف انگلیسی «جان لاک» و همفکران او، با ظهور اندیشه‌های فردگرایی و جایگزینی نظام پارلمانی به جای سلطنت مطلقه، محدودیت‌های تحمیلی بر چاپخانه‌ها رفته‌رفته کاهش یافت و کتابفروشان و ناشرین با توسل به نظریه مالکیت معنوی آغاز به دفاع از حقوق خویش کردند (گرباود، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰).

دیدگاه پالم (حقوق طبیعی/اعطایی)

دیدگاه پالم (Palmer, ۱۹۹۰) نیز به تحلیل فرایندی و تاریخی از موضوع حقوق مالکیت فکری توجه نموده است. او معتقد است که حقوق اخلاقی در ابتدای قرن نوزدهم میلادی متأثر از اندیشه‌های کانت و هگل در کشورهای آلمان و فرانسه مورد شناسایی قرار گرفت و پس از آن در قوانین بسیاری از کشورها و در پاره‌ای از معاهدات بین‌المللی منعکس شد. با گسترش اهمیت حقوق فکری و تأثیر روزافزون آن بر فرهنگ، اقتصاد و تجارت در عرصه داخلی و بین‌المللی، توجیه و نقد این حقوق، توجه فیلسوفان حقوق، اخلاق و عالمان علم اقتصاد را به خود جلب

کرده است. یک نگاه اجمالی به ادبیات تحقیقی در این باره نشان می‌دهد که حجم بزرگی از این ادبیات، نظریه‌پردازی فیلسوفان حقوق و اخلاق است و سهم عالمان اقتصاد، به‌رغم اهمیت این نگاه در ارزیابی پیامدهای شناسایی یا عدم شناسایی این حقوق، بسیار ناچیز است، حتی منابع دربردارنده تحلیل‌ها و نقدهای اقتصادی از سوی فیلسوفان حقوق و اخلاق اندک است. با نگاهی اجمالی به کوشش‌های نظری فیلسوفان حقوق و اخلاق در این رابطه، دو نظریه از اهمیت بیشتری برخوردار است: نخست، تئوری حقوق طبیعی یا فطری و دوم، تئوری حقوق اعطایی.

طبق نظریه حقوق طبیعی یا فطری، حقوق مورد بحث باید بر اساس حقوق طبیعی توجیه شود. به عبارت دیگر، انسان از آن حیث که انسان است و پدیدآورنده آثاری که موضوع حقوق محل گفتگوست، باید صاحب‌اختیار تلقی شود و دیگران نباید به تعرض و تجاوز به آن مجاز باشند. تنها اوست که باید حق بهره‌برداری از اثر را داشته باشد و هیچ‌کس نباید بدون رضای او از آن بهره‌برداری کند؛ صاحب حق بودن پدیدآورنده اثر از لوازم انسان بودن اوست.

از سوی دیگر، تئوری حقوق اعطایی معتقد است که این حق طبیعی هر مؤلف است که از طرف دولت نسبت به حق معنوی و مادی خود و نسبت به اثر خویش مورد حمایت قرار گیرد. به دلیل ایرادات متعدد وارد بر تئوری حقوق طبیعی، پاره‌ای دیگر از حقوق‌دانان مشروعیت حقوق مزبور را در اراده دولت‌ها و قوانین جستجو می‌کنند. به عبارت دیگر، پدیده‌ها و آثار موضوع حقوق مورد بحث، جزء میراثی مشترک و متعلق به جامعه است و مالک خاصی ندارد. در نهایت، دولت به نمایندگی از طرف جامعه و با لحاظ مصالح عمومی و با انگیزه تشویق مبتکران به برخی از اشخاص و مبتکران، انواع خاصی از مزایا و امتیازات را اعطا می‌کند.

دیدگاه فتحی‌الدین

فتحی‌الدینی (۱۴۰۴: ۴۰-۴۱)؛ به نقل از اصغرینیا و اصغرینیا، (۱۳۹۲) از لحاظ حقوقی به تفکیک نظری حقوق فکری مؤلف و تشریح آن پرداخته است؛ او معتقد است که حق مؤلف در مورد تألیف حق مجرد^۱ نیست، بلکه حق عینی مالی و مقرر^۲ است؛ زیرا ارتباط و علاقه مؤلف با تألیف از دو جهت علاقه مستقیم و ظاهر است:

تألیف، انعکاس شخصیت علمی مؤلف است و به همین دلیل، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در

۱. حق مجرد، قائم به محل نیست تا به‌وسیله حس درک شود، مثل حق ولایت و اگر قائم به محل باشد دارای اثر و حکم بعد از اسقاط حق نیست؛ مانند حق شفعه. برخلاف حق مقرر که بعد از اسقاط حق دارای اثر است، مثل حق قصاص.

۲. حق عینی همان‌گونه که در اعیان مالی جاری است در معانی و منافع هم از نظر فقهی مصداق دارد؛ نظیر حق طلاق.

برابر دانش فکری آن مسئول است.

دانش فکری ثمره‌ای است که از شخصیت معنوی عالم منفصل شده و در کتاب و مانند آن برای استفاده و ارزیابی عینیت یافته است؛ عدم دخالت دیگران در نظر و ثمره، به علت علاقه و رابطه مباحثی است که بین مؤلف و تألیف وجود دارد. حق ناشی از این علاقه، عینی و مقرر و قابل اسقاط است.

دیدگاه جهانی شدن^۱

قاچاق کتاب و مباحث مربوط به کپی‌رایت یا حقوق مؤلف را می‌توان در چارچوب دیدگاه‌های جهانی شدن به نحو بهتری درک نمود. در قرن حاضر، به علت رشد روزافزون تکنولوژی و ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها باهم و نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها، مالکیت‌های فکری از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این میان، آثار فرهنگی به‌ویژه آثار علمی و ادبی مکتوب، از اعتبار خاصی برخوردارند. پیدایش شبکه‌های اطلاع‌رسانی گسترده، از جمله اینترنت از یک سو باعث شده است که آخرین پدیده‌های علمی و ادبی هرچه سریع‌تر در دسترس علما، ادبا و دیگر افراد جامعه قرار گیرد و از سوی دیگر، تعرضات و تجاوزات به آثار فکری دیگران رفته‌رفته افزایش یابد تا حدی که توجه نهادهای تقنینی و قانون‌گذاری کشورهای مختلف به سوی این مهم سوق داده شده است. به همین دلیل کشورهای زیادی برای حمایت از این حقوق، قوانین و مقررات متعددی را وضع کرده‌اند. با وجود نزدیک‌تر شدن ملت‌ها به یکدیگر، قوانین داخلی نیز به‌تنهایی نتوانسته‌اند این حقوق را از تعدی‌ها و تجاوزات گوناگون مصون بدارند. بر همین اساس، کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف منعقد شدند تا بتوانند هرچه بیشتر از این حقوق حمایت کنند (حضرتی، ۱۳۷۹: ۱۵۹-۱۶۰).

کپی‌رایت یا حقوق مؤلف که در جهان امروز به سبب پیوند ناگسستنی آن با پیشرفت‌های تکنولوژیک، نقشی اساسی در حفظ و حمایت از آثار فکری دارد، پیشینه‌اش به قدمت فعالیت‌های فرهنگی انسان است. هرچند نقطه سرآغاز پیدایش مفاهیم مرتبط با حقوق مؤلف را به اختراع چاپ در اروپا نسبت می‌دهند، اما فن چاپ پیش از آن در کشور چین وجود داشته است. لذا به نظر می‌رسد اندیشه مالکیت آثار فکری به سده‌های پیش از تلاش گوتنبرگ برای اختراع حروف چاپی متحرک برمی‌گردد. رشد همپای حقوق و قوانین مربوط به حفظ مالکیت آثار فکری، ادبی و هنری با گسترش جوامع غربی و پیدایش جامعه‌ای وسیع‌تر، ذیل عنوان جامعه جهانی، همواره

سبب تدوین قوانین ملی بین‌المللی در این زمینه شده است (بیژنی، ۱۳۸۴: ۲۰۴). از سوی دیگر، در جهان کنونی محصول افکار و اندیشه‌ها، مطالعات و هنر پدیدآورندگان به سرعت از کشوری به کشور دیگر انتقال می‌یابد و از زبانی به زبان دیگر ترجمه می‌شود. در این انتقال‌ها اثر به صورت کتاب، مقاله و صورت‌های دیگر چاپ و منتشر می‌شود یا به اشکال دیگر و از رسانه‌های مختلف در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای، حق مادی و معنوی از مرزهای محدود کشورها فراتر رفته و وسعت جهانی یافته است؛ در نتیجه حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی ضرورت یافته است (آذرننگ، ۱۳۷۵: ۱۵۹).

رویکرد انتقادی پست مدرنیسم نسبت به حقوقی شدن مالکیت فکری

آنچه جامعه پست مدرن را از جوامع مدرن متمایز می‌کند، ناشی از نوع شناخت‌شناسی نگاه پست مدرن‌ها به اجتماع، انسان، حقوق انسانی و روابط انسانی است که مبتنی بر نگاهی هرمنوتیک و تفهیمی است. پست مدرنیسم با تعریفی که از انسان و حقوق انسانی ارائه می‌دهد، جامعه‌ایده‌آل خود را بر پایه شناخت‌شناسی متفاوت از روابط انسانی، اجتماعی و حول محور آگاهی بنا می‌نهد (Peat, ۲۰۰۷: ۹۲۰). از این رو، نقش و کارکرد اطلاعات و محصولات فکری به‌عنوان پارادایمی از آگاهی در ساختار بندی روابط انسانی که شالوده جامعه‌ایده‌آل پست مدرنیسم است، دارای اهمیت بسزایی است.

در بخش تولید معرفت در کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه‌یافته، این فرایند شدیداً وابسته به انتقال معرفت، حداقل در شکل ضروری آن است. بر اساس اصول و مکانیسم‌های نظام مالکیت ادبی و هنری، این پروسه انتقال محدود گشته و در بعضی از حوزه‌های معرفت، بسته به نوع و ماهیت آن، متوقف شده است. بدین ترتیب، در چارچوب کارکردهای کپی‌رایتی شرایط مدرن، بخش اعظمی از خلاقیت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها جوامع در حال توسعه در شکل‌گیری ماهیت و صورت معرفت‌شناسانه محصولات فکری در خلال فرا روایت‌های عقلانیت مدرن و پارادایم‌های آن همچون نظام مالکیت ادبی هنری و عقبه‌های فلسفی آن رنگ خواهد باخت، آن چنان که لیوتار می‌گوید

«دانش اعتبار خود را نه در درون خود می‌یابد و نه در سوژه‌ای که با تحقق و فعلیت یافتن امکانات یادگیری آن تکامل پیدا می‌کند، بلکه اعتبار خود را در سوژه عملی یعنی بشریت پیدا می‌کند» (لیوتار، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

به اعتقاد فوکو همه‌چیز می‌تواند تغییر کند، چون همه‌چیز بسیار شکننده است و بیشتر از روی

بخت و تصادف سر پا مانده است تا از روی ضرورت، به صورت ساختگی و نه معقول و مبرهن، با تصادف‌های تاریخی پیچیده، اما گذرا، نه با الزامات انسان شناختی گریز ناپذیر (اسمارت، ۱۳۸۳). با چنین رویکردی، پست مدرن‌ها، به شالوده شکنی از روایت‌ها و پیش فرض‌های نظام مالکیت ادبی و هنری می‌پردازند و ماهیت، ساختار و کارکردهای این نظام را مورد تردید قرار می‌دهند. به اعتقاد آن‌ها، کپی‌رایت، قرائتی همگون ساز از پارادایم‌های متکثر فرهنگی در هیبتی اعتبار بخش است که به جنگ تمایلات، باورها و اندیشه‌های فردی و نسبیت طلب و خرده فرهنگ‌های چندپاره می‌رود و موجب اضمحلال آن‌ها در درون ساختار مرکزیت طلب و جزم‌اندیش خود می‌شود.

تحلیل اقتصادی از حقوق مالکیت فکری

در بحث از نقض حقوق مالکیت فکری و مواردی همچون قاچاق کتاب و دیگر نابسامانی‌های این چینی، در گذشته عموماً تصور می‌شد که پیامد این قبیل موضوعات عمدتاً معطوف به تجارت داخلی است، اما بعداً مشخص شد که این موضوعات اشکالاتی را عمدتاً در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند که صرف نظر از تأثیر بر منافع مالکان این حقوق، پیشرفت علمی و زندگی فرهنگی آن‌ها را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، تجارت بین‌المللی و نیز تجارت داخلی هر کشوری با توجه به میزان رعایت حقوق مالکیت فکری و قوانین کپی‌رایت تفاوت‌های معنی‌داری می‌یابد.

ضرورت سیاست‌گذاری هوشمندانه و هدفمند در زمینه خلق و حمایت از دارایی‌های فکری از آن جهت مورد تأکید است که گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، جهانی شدن اقتصاد و رشد فزاینده مبادلات تجاری بین کشورهای مختلف منجر به آن شده است که کالاها و خدمات متنوعی برای عرضه فراهم شوند و در این بین، کشورهایی که به مدد خلق دارایی‌های فکری، محصولات و خدمات کارآمدتری را به بازار عرضه می‌کنند توانسته‌اند در فتح بازارهای بین‌المللی موفق‌تر عمل کنند. از این روی، نظام مالکیت فکری به یکی از مسائل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی در سطوح ملی تبدیل شده است (گودرزی، ۱۳۸۲).

نوآوری‌های فناورانه در محصولات که وارد عرصه تجارت بین‌المللی می‌شوند با پیشرفت فناورانه دیگری همراه شده است که تکثیر و تقلید را ساده و ارزان نموده است. این امر در کشورهایی که قوانین مالکیت فکری در آن‌ها به دقت اجرا نمی‌شود به تولید فزاینده آثار تقلبی و سرقتی منجر می‌شود که نه تنها در بازارهای داخلی به فروش می‌رسند، بلکه صادر هم می‌شوند (خانی

و نصراللهی، (۱۳۹۱).

حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه عامل مهمی در تصمیم‌گیری بنگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه است (Yang and Maskus, ۲۰۰۱). طبیعتاً، مواردی مانند قاچاق کتاب، در تصمیم‌ناشران بین‌المللی برای همکاری با ناشران داخلی تأثیر مخربی برجای خواهد نهاد.

با این حال، برخی مخالفان این دیدگاه معتقدند که حمایت از حقوق انحصاری ناشی از مالکیت فکری موجب منع تولید و تکثیر تجاری آن‌ها در بازار کشورهای در حال توسعه شده و علاوه بر آن موجب کاهش تولید، افزایش تقاضا و در نتیجه بالا رفتن قیمت این محصولات شده و رفاه مصرف‌کننده را کاهش می‌دهد (UNCTAD, ۲۰۰۰؛ به نقل از خانی و نصراللهی، (۱۳۹۱).

با این حال، اگرچه برخی از کشورهای در حال توسعه از مخالفان حمایت از حقوق مالکیت فکری به شمار می‌روند و بر این باورند که با استفاده غیرمجاز و نسخه‌برداری مخفیانه از اختراعات یا سایر موارد تحت حمایت مالکیت فکری، بدون پرداخت هزینه قابل ملاحظه از ابداعات دیگران استفاده می‌کنند، اما به دلایلی این روش کارساز نیست؛ از جمله:

نسخه‌برداری از فناوری‌های پیشرفته برای کشورهای در حال توسعه همواره کار ساده‌ای نیست؛ با توجه به قراردادهای بین‌المللی موجود در این ارتباط، محصولات تولیدی حاصل از این نسخه‌برداری غیرمجاز به بازارهای جهانی راه نخواهد یافت و هدف توسعه صادرات حاصل نخواهد شد.

این کار قیمت فناوری و نوآوری را در کشور مربوطه تقریباً به صفر می‌رساند و از این روی، انگیزه‌ای برای پژوهشگران و صنایع در راستای سرمایه‌گذاری در این حوزه باقی نمی‌ماند. طبیعتاً، جلوگیری از تخطی‌ها از مقررات و قواعد مرتبط با کپی‌رایت منجر به افزایش امنیت در سرمایه‌گذاری‌ها و مشوقی در راستای افزایش نوآوری و خلاقیت می‌شود (Maskus, ۲۰۰۰). از سوی دیگر، با توجه به نقش حاشیه‌ای کشورهای در حال توسعه در زمینه‌ی پژوهش و توسعه، حمایت از قوانین کپی‌رایت و کاهش مواردی همچون قاچاق کتاب، تکثیر و انتشار غیرمجاز آثار داخلی و خارجی، سرقت ادبی و غیره موجب انگیزه بیشتر بریا فعالیت‌های پژوهشی و توسعه می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۹).

تحلیل حقوقی قاچاق کتاب

برخی محققان (همچون Alraftee and Cronan, ۲۰۰۶, Jauhar, ۲۰۱۱) دلیل اصلی گسترش تخطی‌ها از قوانین کپی‌رایت را ناشی از عدم اعمال قوانین به‌طور جدی در برخورد با ناقضان این حقوق می‌دانند. این در حالی است که بخشی از این مشکل مربوط به قوانین و نحوه اجرای آن‌ها است؛ در زمینه‌ی قاچاق کتاب و سایر تخطی‌ها از قوانین کپی‌رایت، یکی از تحلیل‌های تئوریک متداول مربوط به تحلیل‌های حقوقی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود (بر اساس تحلیل آزاد بیگی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، نواقص حقوقی موجود در قوانین حقوق مالکیت فکری به مسائلی همچون قاچاق کتاب دامن می‌زند؛ از جمله در نظام مالکیت فکری ایران، کمبودها و مغایرت‌هایی در رابطه با آثار مورد حمایت، کمبودها و مغایرت‌های زیادی از جمله در مورد آثار مورد حمایت، مدت حمایت، حقوق مرتبط یا جانبی، حقوق اجاره‌ای، حق انتفاع پدیدآورندگان از فروش مجدد، نحوه شناسایی پدیدآورنده، محدودیت‌ها و استثنای مجاز و شرایط حمایت وجود دارد که مشخصاً اصلاح در قوانین موجود را می‌طلبد (بزرگی، ۱۳۹۲).

پرواضح است که با خلق اثر پدیدآورنده از حقوق مختلفی برخوردار می‌شود که برخی از آن‌ها ویژگی غیرمالی دارند که به حقوق معنوی یا اخلاقی مشهورند (از جمله حق انتساب اثر به پدیدآورنده) و بعضی مالی‌اند که حقوق مادی یا مالی خوانده می‌شوند (مثل حق تکثیر).

در این میان، مهم‌ترین حق پدیدآورنده که شاید بتوان آن را نقطه شروع تمام حقوق دیگر وی دانست «حق تصمیم به انتشار» است. همواره میان اثر و خالق آن رابطه عمیقی وجود دارد؛ بر ملاکردن این پیوند و در معرض دید و قضاوت عموم قرار دادن ویژگی‌های شخصیتی مؤلف که در اثر او نهفته و به عبارت دیگر، توسط اثر بازتابی می‌گردد، می‌بایست تنها در اختیار پدیدآورنده باشد و غیر قابل اعمال به وسیله دیگران، لذا به جهت ویژگی‌های غیرمالی و غیر قابل انتقال بودن این حق، لاجرم باید آن را جزء حقوق معنوی دانست.

بی‌شک، هر اثری که خلق می‌شود، غرض خالق آن انتشار اثر و رساندن پیام خود توسط آن به مردم است، زیرا آنچه پدیدآورنده را به خلق اثر برمی‌انگیزاند شناسایی خود به عموم است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که بین تصمیم به انتشار با حق مادی نشر تفاوت وجود دارد. از نظر طبیعی و بر اساس قاعده تقدم علت بر معلول، تصمیم به انتشار برای مالیت بخشیدن به اثر کافی است، در حالی که قراردادهای انتشار با هدف اجرای حق مادی نشر است.

مؤلفی که اثر خود را برملا ساخته، بی‌گمان خواهان این است که عموم مردم از آن اطلاع یافته

و در مورد آن به قضاوت بپردازند؛ بنابراین مؤلف در صدد خواهد بود که اثرش را در نسخه‌های متعدد بازتولید نماید و بدین ترتیب، حق مادی نشر خود را اعمال نماید. از آنجا که اکثر قریب به اتفاق مؤلفان فاقد امکانات و توان مالی برای تکثیر اثر هستند، لذا به ناشر مراجعه می‌کنند. در این زمان است که بحث قراردادهای انتشار مطرح می‌شود. انعقاد قرارداد انتشار معمول‌ترین وسیله اعمال حق مادی تکثیر توسط مؤلفان به حساب می‌آید.

طبق رویه موجود در کشور به موجب قراردادهای منعقد شده میان مؤلفان و ناشران ملاحظه می‌شود که گاه حق تکثیر به ناشر منتقل می‌شود. در حقیقت در صورت تحقق مورد اخیر مؤلف صرفاً از خدمت ناشر بهره می‌جوید. این گونه قراردادها در عرف رایج میان مؤلفان موسوم هستند. بنابراین، نسخه‌هایی که توسط ناشر تهیه و تکثیر می‌شوند، چون با سرمایه خود وی خلق شده‌اند در مالکیت اویند و مؤلف نسبت به مالکیت نسخه‌ها حقی ندارد. در عموم قراردادهای نشر، حق توزیع نیز به ناشر منتقل شده است.

در خصوص حق تمامیت اثر هم باید گفت اگرچه به استناد ماده ۱۹، هرگونه تحریف یا تغییر در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است، اما باید گفت در صورت وجود اجازه از جانب پدیدآورنده ناشر نمی‌تواند و نباید این حق را داشته باشد که تغییرات کلی چه در شکل و چه در محتوای اثر ایجاد کند، زیرا در این صورت اثری که با تغییرات کلی همراه است همان اثر مخلوق پدیدآورنده محسوب نمی‌شود.

بر اساس قانون مدنی، عقود و قراردادها به دو دسته معین و نامعین تقسیم‌بندی شده‌اند. عقود معین آن دسته از عقدهایی هستند که قانون به صراحت از آن‌ها نام برده و شرایط انعقاد، آثار و احکام مترتب بر آن‌ها را برشمرده است؛ حال آن‌که عقود نامعین عقود اند که اگرچه در تعریف ماده ۱۱۳ قانون مدنی قرار می‌گیرند ولی قانون از آن‌ها تعریفی به دست نداده است. این عقود به صراحت ماده ۱۱ به شرط این که مخالف صریح قوانین امری نباشند الزام‌آورند و از این حیث فرقی با عقود معین ندارند.

قراردادهای نشر نیز در زمره عقود نامعین هستند، زیرا نه تنها در قانون مدنی بلکه حتی در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۱ نیز تعریفی از آن‌ها صورت نگرفته است. حق التالیف چه مقطوع باشد چه نسبی باید معلوم باشد. اگر مقطوع است باید مشخص گردد چه مقدار پول و بر اساس چه واحد ارزی و به چه نحو پرداخت می‌گردد. اگر حق التالیف نسبی باشد باید صراحتاً مشخص شود که از قیمت تمام‌شده کتاب یا از بهای پشت جلد کتاب

چند درصد (تعیین درصد مشخص الزامی است) در هر دوره چاپ به مؤلف می‌رسد. در صورتی که هر يك از موارد فوق معین نشده باشد و نتوان با كمك قراین و شواهد یا عرف موجود ابهام را برطرف کرد، در این صورت به دلیل مجهول بودن موضوع قرارداد، قرارداد انتشار باطل خواهد شد و یا فرصت سوء استفاده و مشکلاتی نظیر قاچاق کتاب و تکثیر غیرمجاز آثار ایجاد خواهد شد. همچنین لازم به اشاره است که بنا به تحلیل حقوقی، ایران به مانند سایر اعضای سازمان تجارت جهانی باید از صرف انطباق با قوانین و مقررات فراتر رفته و به منظور حصول اطمینان از اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری از جمله جلوگیری مؤثر از نقض حقوق مالکیت فکری اقدام نماید. ایران نیز همچون دیگر کشورها باید در مورد مسائلی مانند آمار درخواست و ثبت مصدق مالکیت فکری و مدت زمان ثبت آن‌ها و تعداد کارکنان مربوط، آمار جرائم کشف شده و رسیدگی‌های قضایی، آمار شکایت‌ها یا درخواست‌های تجدیدنظر و مدت زمان رسیدگی به آن‌ها و برنامه‌های آموزش عمومی به مانند دیگر کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی اقدام نماید (بزرگی، ۱۳۹۲).

جمع‌بندی مبانی نظری

در رویکرد فرایندی-تاریخی به حقوق مالکیت فکری در تاریخ ایران، اسلام و غرب ملاحظه می‌شود که این اصطلاح عموماً در دوره متأخر و در سده‌های اخیر در غرب و طی دهه‌های اخیر در ایران مطرح شده است. صنعت چاپ، رفورم و رنسانس در غرب مقدمات پرداختن به این حقوق را مطرح نمود؛ به گونه‌ای که از قرن پانزدهم به بعد که اندیشه‌ورزی و تراوش‌های فکری به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شد و صبغه اقتصادی به خود گرفت اهمیت این موضوع دوچندان شد؛ بنابراین، آن‌چنان که به نظر می‌رسد یک موضوع ریشه‌دار و گسترده‌ای که دارای ادبیات پژوهشی گسترده‌ای باشد نیست؛ بنابراین ضرورت دارد در این پژوهش به صورت کیفی بدان پرداخته شود.

پالمر نیز در نظریه حقوق طبیعی/اعطایی معتقد است که یا باید بر اساس این که نویسنده فی‌نفسه خالق اثر است بحث نمود (حقوق طبیعی) و یا آن‌که از زاویه دولت و مسئولیت دولت در قبال حفظ این حقوق به بحث پرداخت (حقوق اعطایی).

فخرالدین نیز در دیدگاه خود به بحث فلسفی از حق مجرد و حق عینی مالی و متقرر پرداخته و معتقد است تألیف، انعکاس شخصیت علمی مؤلف است.

بنا به دیدگاه جهانی شدن، به علت رشد روزافزون تکنولوژی و ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها باهم و نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها، مالکیت‌های فکری از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این

میان، آثار فرهنگی به‌ویژه آثار علمی و ادبی مکتوب، از اعتبار خاصی برخوردارند. اینترنت و رشد تکنولوژی امکان تدوین قوانین داخلی یک‌طرفه و عدم ملحق شدن به معاهدات چندجانبه را محدودتر نموده است. در چنین جامعه‌ای، حق مادی و معنوی از مرزهای محدود کشورهای فراتر رفته و وسعت جهانی یافته است و طبیعتاً، پدیده‌هایی مانند قاچاق کتاب نیز به شعاع فراملی اشاعه یافته است (مانند ارسال غیرمجاز کتب به برخی کشورها یا ترجمه غیر مجوز دار آثار خارجی و غیره).

همچنین، در رویکرد انتقادی پست‌مدرنیسم، حقوقی شدن مالکیت فکری به‌عنوان عامل ممانعت‌کننده از رشد خلاقیت‌ها عنوان شده و فرایند انتقال دانش مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه کند شده است. نهایتاً، در تحلیل اقتصادی نسبت به حقوق مالکیت فکری، دیدگاه‌های متناقضی مطرح است ولی عموماً اعتقاد بر این است که شکوفایی اقتصادی و رعایت قوانین کپی‌رایت رابطه‌ای متقابل دارند؛ از این روی، به نظر می‌رسد، بهبود در وضعیت اقتصاد می‌تواند منجر به کاهش پدیده قاچاق کتاب شده و همچنین، بهبود در رعایت شاخص‌های مالکیت فکری نیز می‌تواند منجر به امنیت سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه خارجی و رشد فناورانه در قالب ایده‌ها و استارت‌آپ‌های گوناگون گردد.

مفاهیم اصلی

حقوق فکری یا معنوی^۱ یا اخلاقی^۲

مبنای فکری و قانونی که در ارزش‌های اساسی هر جامعه شکل بگیرد و تخطی از فکر و ایده‌های صاحب‌نشر یک اثر را محکوم و مورد توبیخ قرار دهد را حقوق فکری یا معنوی محققان می‌گویند. اینکه اثر زاده فکر و نبوغ مؤلف است در فرایندهای گوناگون یک جامعه ریشه دارد. فرایندهای تاریخی مانند اختراع صنعت چاپ، توسعه روزافزون نشر و تکثیر اثر به شیوه‌های گوناگونی با طی فرایندهای تاریخی مانند وقوع رنسانس در غرب و تحولات متعاقب آن منجر به موضوعیت یافتن حقوق مؤلف شدند.

در بسیاری از کتب و حتی اسناد و متون حقوقی مشاهده می‌شود که کلمه Copyright به گونه‌های متفاوتی ترجمه شده است که رایج‌ترین آن‌ها «حقوق مؤلف» یا «حقوق مؤلفان» یا «مالکیت معنوی» است. اگرچه در زبان رایج، مؤلف به معنی نویسنده و یا خالق آثار نوشتاری

1. Intellectual Properties or Copyright

2. Moral Rights

است، اما با این وجود قوانین مصوب در توافقنامه برن و ژنو شامل تمام گونه‌های نوشتاری، هنری، علوم، اختراعات و نشان‌های تجاری نیز می‌شود. با این وجود، اغلب قوانین مندرج در توافقنامه‌های جهانی نیز علاوه بر مالکیت معنوی به مسئله مهم مالکیت مادی نیز اشاره دارند؛ بنابراین، در زبان فارسی به واژه‌ای نیاز است که بتواند همه این موارد را در برگیرد. صحیح‌ترین ترجمه‌ای که برای مفهوم کپی‌رایت در زبان فارسی پیشنهاد شده، عبارت «حقوق پدیدآورنده» است. پدیدآورنده، خود می‌تواند خالق اثری نوشتاری، علمی و یا هنری باشد (قصاع، ۱۳۸۳: ۹۳).

حق مؤلف در معنای اصطلاحی، امتیازی است که جامعه برای فردی که اثری را پدید آورده و قصد دارد از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌برداری کند قائل شده است و آن را به رسمیت می‌شناسد. در اینجا صاحب حق، همان مؤلف اثر است که از اختیاراتی نسبت به اثر پدید آمده خود برخوردار شده است. این حق دارای ماهیت دوگانه مادی و معنوی است. مؤلف گاه قصد دارد از اثر خود در برابر دیگران به بهره‌برداری مادی برسد و گاه انگیزه او صرفاً معنوی و اخلاقی است (حضرتی، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

حق مالکیت معنوی (اخلاقی). پدیدآورنده، حقوق ذیل را برای پدیدآورنده تثبیت می‌کند:

- حق ثبت نام پدیدآورنده بر هر نسخه از اثر
- کسب حیثیت اجتماعی و فرهنگی حاصل از خلق اثر
- حق اصلاح و ارتقاء اثر
- حق کسب جوایز معنوی متعلق به اثر (اصغرینیا و اصغرینیا، ۱۳۹۲).

حق مالکیت مادی (مالی - اقتصادی) پدیدآورنده^۱

حق مالکیت مادی (مالی - اقتصادی) پدیدآورنده در بردارنده حقوق ذیل برای پدیدآورنده است:

- حق واگذاری حقوق تکثیر اثر
- حق کسب درآمد در ازای واگذاری حقوق تکثیر اثر
- حق واگذاری ترجمه یا نمونه سازی از اثر و کسب درآمد از این رهگذر
- دریافت جوایز مادی و مالی متعلق به اثر (قصاع، ۱۳۸۳: ۹۴).

کپی‌رایت

حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت، یکی از انواع حقوق مالکیت فکری است که تأمین و اعتبار قانونی برای ناشر یا نویسنده به‌واسطه ممانعت از مجوز دهی به نسخه‌های غیرقانونی آثار آن‌ها را فراهم می‌آورد (Keenan, ۲۰۰۰)؛ کپی‌رایت همچنین، منجر به امتیاز فروش یک اثر خواهد شد و عواید حاصل آن برحسب توافق ناشر و مؤلف تقسیم می‌شوند (Soltani and Rastin, ۱۹۹۳).

در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، قوانین کپی‌رایت ابزار متداولی در راستای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. چرا که با ارائه منافع اقتصادی ناشی از انتشار و فروش اثر، به ناشر و نویسنده انگیزه گسترش و توسعه تلاش‌های فکری را می‌دهند (Rajan, ۱۹۹۹). قوانین کپی‌رایت، انگیزه‌ها و پاداش‌هایی نظیر احترام و منزلت اجتماعی و نیز منافع اقتصادی را برای ناشران و نویسندگان فراهم می‌آورد. در قالب چنین سیستم قانون‌گذاری، خالقان آثار فکری و هنری دارای اطمینان خاطر از عدم سرقت و تکثیر غیرمجاز آثارشان خواهند بود (Mahmood and Ilyas, ۲۰۰۵).

قاچاق کتاب^۱

علاوه بر فضای اینترنتی، در فضای مادی نیز چاپ و نشر غیرقانونی آثار ناشران آموزشی، دانشگاهی و عمومی بیداد می‌کند. شبکه‌هایی سازماندهی‌شده به شکل زیرزمینی کتاب‌هایی را که مورد استقبال خوانندگان واقع شده، با کیفیت نازل تولید می‌کنند. این جعل‌کنندگان، چون نه کیفیت چاپ و صحافی را رعایت می‌کنند و نه پول بیمه و کارمند و اجاره و عیدی و سنوات و... می‌دهند و از همه مهم‌تر چون حق مؤلف را هم نمی‌پردازند، کتاب بی‌کیفیت و تقلبی خود را با قیمتی بسیار پایین به پخش‌کننده‌ها و کتاب‌فروشی‌ها به‌عنوان عنوان کالای قاچاق عرضه می‌کنند.

به تعبیر نیکو^۲ (۲۰۱۳) قاچاق کتاب عبارت است از نشر و توزیع مجدد آثار فکری دیگران به‌صورت غیرقانونی و به دلایل اقتصادی و بدون کسب مجوز و رضایت ناشر و نویسنده. بر اساس این پژوهش مشخص شد که انواع متنوع قاچاق کتاب عبارت‌اند از تولید و انتشار مجدد در سطح داخلی و محلی، تخطی از حقوق نشر، انتشار فرامرزی بدون مجوز، نشر نسخه‌های پی‌دی‌اف غیرمجاز، تولید و توزیع بیش از حد و ترجمه بدون مجوز. برخی از علل قاچاق کتاب عبارت‌اند

1. Book Piracy

2. Nkiko

از فقر، کمبود کتاب، بی‌اعتنایی به قوانین کپی‌رایت به واسطه دیدگاه بی‌ثمر برخی کشورها در زمینه‌ی پیوستن به معاهدات بین‌المللی و حقوق مالکیت فکری. این مطالعه راهبردهایی نظیر کاهش هزینه‌ها، سیاست‌گذاری ملی در زمینه‌ی نشر کتاب، آگاه‌سازی و اعمال قوانین مربوط به کپی‌رایت، احیا و رونق بخشیدن به کتابخانه‌ها، تحریم نمودن کشورهای در رابطه با قاچاق کتاب مقید به قوانین بین‌المللی نیستند و ایجاد نرم‌افزارهایی در فضای مجازی به منظور مهار توزیع غیرقانونی کتاب.

شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت فکری

سازمان جهانی حقوق مالکیت فکری (WIPO) از سال ۲۰۰۷ به بعد با تعریف مؤلفه‌های حقوق مالکیت و شاخص‌های بین‌المللی مربوطه، همه‌ساله وضعیت حقوق مالکیت را در بیش از یک صد کشور جهان می‌سنجد و کشورها را از این نظر رتبه‌بندی می‌کند. شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت از سه بخش اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از (گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت^۲، ۲۰۱۰):

- محیط قانونی و سیاسی
 - حقوق مالکیت فیزیکی
 - حقوق مالکیت فکری
- حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت از سه بخش تشکیل شده است:
- حمایت از حقوق مالکیت فکری که حاوی نظرسنجی از افکار عمومی در راستای تعیین میزان حمایت ملت از مالکیت فکری است
 - حمایت از حق اختراع
 - بهره‌برداری غیرمجاز از آثار دیگر آن که شامل میزان بهره‌برداری غیرمجاز در بخش مالکیت فکری است.

قرارداد نشر

قراردادهای نشر، قراردادهایی هستند که میان مؤلف یا دیگر دارندگان حق مادی اثر با ناشر منعقد می‌شوند و به موجب آن حق تکثیر اثر به‌عنوان موضوع اصلی و حق توزیع به‌عنوان موضوع فرعی قرارداد به ناشر واگذار می‌شود. ناشر مکلف است با هزینه خود به تکثیر و توزیع اثر پرداخته و بدین ترتیب عموم را با افکار و اندیشه‌های مؤلف که در اثر او مندرج است آگاه و آشنا سازد.

قانون حق نشر

قانون حق نشر شامل حفاظت از آثار چاپ شده و چاپ نشده علمی، ادبی و هنری است. این آثار به هر صورت که عرضه شده باشند، در حالی که دارای ماهیتی قابل درک باشند، شامل این حمایت خواهند بود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

نقض حقوق مؤلف

نقض حقوق مؤلف که در حقوق ایران با عناوینی مانند جعل (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۵)، شبیه‌سازی (زرکلام، ۱۳۸۷)، تقلید و سرقت ادبی مورد بحث واقع شده است، معمولاً تحت عنوان کلی نقض مطرح می‌گردد (نوری و همکاران، ۱۳۸۲؛ سالار پور گل ختمی، ۱۳۹۰).

ماده ۲۳ قانون عام حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اعلام کرده است: هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده، بدون اجازه او و یا عالماً و عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ همین قانون نیز مسئولیت شخص حقیقی تصمیم‌گیرنده برای شخص حقوقی و چگونگی جبران خسارات از محل اموال شخص حقوقی و عنداللزوم مدیر متخلف را مطرح کرده است.

نشر یا انتشارات

به‌طورکلی در تعریف نشر دو دیدگاه وجود دارد:

الف. دیدگاه عمومی: دیدگاه اول دیدگاه عمومی است که می‌گوید هر کس مطلبی را تولید و تکثیر نماید کار نشر را انجام داده است. مثل معلمی که جزوه‌های خود را تکثیر و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد.

ب. دیدگاه تخصصی: اما در دیدگاه دوم که دیدگاه تخصصی به نشر است، انتشارات را به‌عنوان یک تجارت یا کسب و کار قلمداد می‌کنند که به دنبال کسب سود است. مثل انتشار کتاب یا مجله.

فصل سوم:
روش شناسی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای انجام یک پژوهش تجربی و ورود به میدان برای گردآوری داده‌ها، طراحی روش انجام پژوهش یا به عبارت دقیق‌تر انتخاب یک روش‌شناسی از میان روش‌های موجود است که با اهداف پژوهش تناسب داشته باشد و امکان پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش را فراهم آورد. در این فصل به شرح روش‌شناسی این پژوهش پرداخته شده است. این فصل مشتمل بر چند بخش اصلی است؛ ابتدا روش انجام پژوهش شرح داده شده است؛ پس از آن روش گردآوری داده‌ها و روش نمونه‌گیری تشریح شده است و در نهایت نحوه تحلیل داده‌ها و رسیدن به یافته‌های اصلی پژوهش توضیح داده شده است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. پژوهش کیفی در واقع هر نوع تحقیقی است که یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن به دست می‌آید. در مطالعاتی که خصلت کیفی دارند، داده‌های اصلی اولیه به یکی از دو زبان فنی پژوهشگر یا زبان روزانه پاسخگویان، تولید می‌شوند. این زبان‌ها برای توصیف رفتارها، روابط اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و به‌خصوص معناهایی که مردم به فعالیت‌های خود و دیگران و همچنین به اشیاء و زمینه‌های اجتماعی می‌دهند، به کار می‌روند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). چنین رهیافتی، پس از استخراج داده‌ها، به‌جای گذاشتن آن به محک تحلیل آماری، به تجزیه و ترکیب غیرمقداری آن مبادرت می‌کند و در این مسیر، زمینه‌ساز نوعی انعطاف‌پذیری در پژوهش

می‌شود. هدف از تحلیل کیفی، درک معنا و ماهیت رابطه بین متغیرهاست. در ضمن با مقولاتی در پژوهش کیفی سروکار داریم که گاه قابل کمی شدن نیستند. روش‌های کیفی وسیله‌ای برای ارزیابی حقایق سنجش‌ناپذیر درباره افراد تحت مطالعه پژوهشگران و نیز عناصر نمایانگر خصوصیات شخصیتی آنان هستند. در نتیجه پژوهشگران می‌توانند با فنون کیفی، در فهم و درک دیگران شریک شوند و با کشف ساختار زندگی مردم در یابند که آن‌ها چگونه به زندگی خود و دیگران معنا می‌دهند. روش پژوهش روی انسان‌ها بر چگونگی بررسی شرکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که اگر انسان‌ها به صورت آماری مطالعه شوند خطر عدم تطابق با واقعیت برای نتایجی که از نظر ریاضی دقیق‌اند وجود دارد. (سفیری، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۷).

در این پژوهش از روش نظریه‌مبنایی به‌عنوان روش‌شناسی پژوهش استفاده شده است. نظریه داده‌نگر^۱ که در متون فارسی به «نظریه‌مبنایی» نیز برگردانده شده است عبارت است از آنچه به‌طور استقرایی^۲ از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده باشد؛ به عبارت دیگر آن را باید کشف کرد، کامل نمود و به‌طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشئت گرفته است، اثبات نمود؛ بنابراین گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل در یک رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند. تحقیق را هرگز از یک نقطه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط بدان است خود را نشان دهد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۲). نظریه‌مبنایی یک روش تحقیق کیفی است که یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را بکار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقراء درباره پدیده‌ای ایجاد کند. یافته‌های تحقیقی مشتمل است بر تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند. از طریق این روش نه تنها مفاهیم و رابطه بین آن‌ها ایجاد می‌شود، بلکه آن‌ها به‌طور موقتی نیز مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

استفاده از نظریه‌مبنایی به‌عنوان روش‌شناسی انجام این پژوهش نه با هدف ارائه یک مدل نظری بلکه با هدف استفاده از مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی برای تحلیل یافته‌ها خواهد بود. هر چند سایر روش‌های انجام تحقیق کیفی نیز این امکان را فراهم می‌سازند که داده‌ها از مراحل مختلف کدگذاری عبور کنند و مورد تحلیل قرار گیرند، روش نظریه‌مبنایی کامل‌ترین و دقیق‌ترین الگوی کدگذاری داده‌ها را به لحاظ عملی در اختیار

1. Grounded theory

2. inductive

پژوهشگر قرار داده است. از این رو، روش مذکور به عنوان روش شناسی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است و هدف اصلی در مرحله تحلیل داده‌ها، تحلیل تماتیک خواهد بود که در ادامه این فصل به توضیح آن پرداخته شده است.

روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها یا به عبارت دیگر ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق با متخصصان است. متون روش شناختی نشان می‌دهند برای رسیدن به معانی ذهنی کنشگران باید از مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته و مصاحبه‌های روایی استفاده نمود تا پس از کدگذاری و تحلیل این مصاحبه‌ها بتوانیم به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم. از این رو لازم است برای پاسخگویی به پرسش‌های توصیفی از روش‌های «مصاحبه نیمه استاندارد» استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری و گروه هدف

روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در روش کیفی بسیار متفاوت از روش کمی است و عملاً این پژوهشگر است که بنا بر مقاصد پژوهش خود اقدام به نمونه‌گیری می‌نماید. روش نمونه‌گیری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت عبارت است از روش نمونه‌گیری هدفمند. در این پژوهش سعی شد تا گستره صاحب‌نظران در زمینه‌ی کتاب و نشر کتاب انتخاب شوند. این نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یافت تا داده‌ها اطلاعات لازم در رابطه با اهداف و سؤالات تحقیق را به دست دهند.

همچنین با توجه به روش تحقیق انتخابی، در این تحقیق برای انتخاب افراد مورد مطالعه از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری از قاعده «انتخاب تدریجی»^۱ پیروی می‌کند. این نوع نمونه‌گیری، روشی است که بیشتر در نظریه داده‌نگر استفاده می‌شود و به‌عنوان نمونه‌گیری بر اساس مفاهیم در حال ظهور با هدف واکاوی دامنه بعدی شرایط متفاوت که در امتداد با آن ویژگی‌های مفاهیم نیز تفاوت می‌کند، تعریف می‌شود. نمونه‌گیری نظری در نظریه داده‌نگر (زمینه‌ای) از طریق «روش تحلیل مقایسه‌ای ثابت»^۲ صورت می‌گیرد. این نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یابد تا داده‌ها اطلاعات مکفی در رابطه با شکل‌گیری تم‌های اصلی را به دست دهند (محمد پور، ۱۳۹۰: ۴۱).

انتخاب افراد مورد نظر برای انجام مصاحبه‌ها به‌صورت هدفمند و با در نظر داشتن اهداف

1. Gradual Selection

2. Constant Comparative Method

پژوهش خواهد بود. بدین معنا که افراد شرکت کننده در مصاحبه‌ها به صورت هدفمند و با در نظر داشتن معیارهایی چون داشتن تخصص در حوزه مورد مطالعه انتخاب خواهند شد. در این پژوهش، گروه هدف عبارت است از «صاحب‌نظران و مدیران درزمینه‌ی کتاب و نشر کتاب» خواهند بود.

حجم نمونه

تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی معیار و فرمول مشخصی ندارد. در واقع نمونه‌گیری تا جایی پیش می‌رود که به اشباع نظری دست یابیم. این موضوع بدین معنی است که داده‌ها تا مرحله‌ای گردآوری می‌شوند و مصاحبه‌ها تا جایی ادامه می‌یابند که دیگر داده‌ها، مفهوم یا مقوله جدیدی از آن‌ها به دست نیابد. این مرحله، اشباع داده خواهد بود و جایی است پژوهشگر نظریه خود در رابطه با پدیده مورد مطالعه کامل کرده است. با این وجود، به نظر می‌رسد با توجه به پژوهش در رابطه با کتاب و نشر کتاب و در نظر داشتن محدودیت‌های این پژوهش نیاز به ۸ تا ۱۰ مصاحبه عمیق در این حوزه وجود داشته باشد.

گروه هدف پژوهش

پیش از این ذکر شد که ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه عمیق با متخصصان و صاحب‌نظران خواهد بود. از این رو گروه هدف این پژوهش را همین افراد یعنی متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه کتاب و نشر کتاب تشکیل خواهند داد. این افراد شامل مدیران اجرایی در سازمان‌های مرتبط با این مسئله، اساتید و ناشران خواهند بود. علاوه بر این برخی از پژوهشگرانی که این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند می‌توانند به عنوان متخصص در نظر گرفته شوند. در حقیقت گروه هدف این پژوهش افراد مذکور خواهند بود و مصاحبه‌های عمیق با این افراد صورت خواهد گرفت.

شیوه تحلیل داده‌ها

پیش از این نیز ذکر شد برای تحلیل داده‌های این پژوهش دستیابی به یافته‌های اصلی از روش تحلیل تماتیک استفاده می‌شود. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقراء تحلیلی که طی آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگو یابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد؛ به عبارت دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگو

یابی در داده‌ها است. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست می‌آید باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند. روش نمونه‌گیری مناسب برای این روش عموماً نمونه‌گیری هدفمند یا سهمیه‌ای است و معیار پایان مصاحبه‌ها نیز اشباع نظری است (محمد پور، ۱۳۹۰: ۶۶).

در نظریه داده‌نگر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر آن‌ها از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود. این سه نوع عبارت‌اند از: (الف) کدگذاری باز؛ (ب) کدگذاری محوری؛ و (ج) کدگذاری انتخابی (استراس و کورین، ۱۳۹۰: ۵۸). در این پژوهش جهت تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA) استفاده شده است. برای تحلیل یافته‌ها نیاز است داده‌ها از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی عبور کنند تا تم‌های اصلی استخراج گردد. در ادامه به ارائه توضیحاتی در رابطه با هر یک از مراحل کدگذاری پرداخته شده است. کدگذاری: کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد می‌شوند، مفهوم پردازی می‌شوند و آن‌گاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌گردند. کدگذاری روند اصلی ساختن و پرداختن نظریه از داده‌هاست (همان).

کدگذاری باز: کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که به صورت مشخص به نام گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها می‌پردازد. بدون این قدم تحلیلی اساسی اولیه، بقیه تجزیه و تحلیل و ارتباطات که به دنبال آن می‌آیند، صورت نمی‌گیرند. در حین کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد می‌شوند، مشابهت‌ها و تفاوت‌ها با دقت بررسی می‌شوند و سؤالاتی درباره پدیده‌هایی که داده‌ها حاکی از آن‌اند، مطرح می‌گردند. بدین ترتیب، پیش‌فرض‌های خود محقق و دیگران یا زیر سؤال می‌رود یا بررسی می‌شود و راه را برای کشف کردن می‌گشاید (همان: ۶۹-۶۱).

کدگذاری محوری: این نوع کدگذاری مانند کدگذاری باز، از طریق مقایسه‌ها و طرح پرسش‌ها صورت می‌گیرد؛ اما در کدگذاری محوری استفاده از این شیوه‌ها بیشتر متمرکز است و به طرف کشف روابط و ربط دادن مقولات به یکدیگر در راستای یک پارادایم سوی‌گیری شده می‌رود. این بخش از کار با استفاده از یک پارادایم (مدل الگویی یا سرمشق) که متضمن شرایط علی، محتوا و استراتژی‌های کنش / کنش متقابل و پیامدهاست، صورت می‌گیرد. (همان: ۱۱۷-۹۷). کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی یا گزینشی، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه خواهد داد؛ در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. با

طرح موضوع به این ترتیب، شکل فرمول‌بندی شده و شرح و بسط داده شده‌ای از سرگذشت مورد به دست خواهد آمد (فلیک، ۱۳۸۹: ۳۳۷). در کدگذاری انتخابی، یک مقوله از میان مقوله‌ها مهم‌تر دانسته می‌شود و بقیه به نحوی با آن ارتباط می‌یابند تا نظریه‌ای ساخته و پرداخته شود. سپس در آخر همه یافته‌ها در نموداری (همان پارادایمی که بحث شد) خلاصه و نشان داده می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

در پایان لازم به توضیح است که تحلیل داده‌ها با در نظر داشتن رویکرد تحلیل تماتیک و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA انجام خواهد شد. این نرم‌افزار از جمله نرم‌افزارهای جدید در حوزه مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی است که امکان مقوله‌بندی و تحلیل دقیق داده‌های کیفی را فراهم می‌آورد.

فصل چهارم:
یافته‌های پژوهش

مقدمه

فصل حاضر مشتمل بر شرح داده‌ها و تبیین یافته‌های اصلی حاصل از این پژوهش است. در این فصل سه بحث اصلی طرح شده است. اولین بحث مربوط به ماهیت پدیده قاچاق کتاب و تعریف این پدیده از دید مصاحبه شونده‌گان در این پژوهش است. دومین بحث پیرامون مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پدیده قاچاق یا چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب سامان یافته است. سومین بحث بر راهکارهای کنترل و کاهش این پدیده در دو سطح راهکارهای بلندمدت و کوتاه مدت متمرکز شده است. در ادامه به شرح مفصل یافته‌های حاصل از این پژوهش پرداخته شده است.

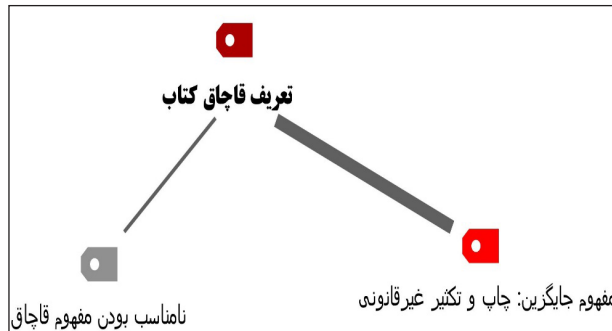
چیستی قاچاق کتاب

در این قسمت به دو بحث اصلی پرداخته شده است: یکی تعریف قاچاق کتاب و دیگری اشکال یا انواع قاچاق کتاب. اگرچه از پدیده قاچاق کتاب تعاریف و تعابیر متعددی وجود دارد، امکان ساماندهی آن ذیل چند تعریف و تعبیر مشخص در این پژوهش فراهم شده است. از آنجایی که ارائه دهندگان این تعاریف عموماً ناشران و بعضاً مسئولین اتحادیه ناشران و همچنین مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده‌اند و از آنجایی که این افراد عموماً گنشگران عرصه فرهنگ مکتوب و صنعت نشر کتاب تلقی می‌شوند، می‌توان مرجعیت تعاریف آن‌ها را از این جهت دانست که قطعاً این تعاریف با مسائل واقعی موجود در این حوزه مرتبط خواهد بود. از این رو این تعاریف می‌توانند دارای اهمیت ویژه باشند. از سوی دیگر، تفکیک انواع مختلف قاچاق کتاب و همچنین شناسایی اشکال آن می‌تواند گامی مفید در جهت سیاست‌گذاری در این عرصه باشد.

چرا که انواع مختلف این پدیده ویژگی‌ها و اقتضائات خاص خود را دارند و از این نظر سیاست ویژه‌ای برای مدیریت و کنترل آن‌ها لازم است. در ادامه به شرح مفصل این دو بحث از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان پرداخته شده است.

تعریف قاچاق کتاب

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، چند تعریف از پدیده قاچاق کتاب احصاء شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شونده‌گان است.



نمودار ۴-۱) تعریف پدیده قاچاق کتاب

جدول ۴-۱) توزیع فراوانی هر یک از مفاهیم تعریف قاچاق کتاب

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیر قانونی	۶	۶۰/۱۰۰	۶۰/۱۰۰
نامناسب بودن مفهوم قاچاق	۴	۴۰/۱۰۰	۴۰/۱۰۰
Total	۱۰	۱۰۰/۱۰۰	۱۰۰/۱۰۰
Missing	۰	۰/۱۰۰	-
(Total (Valid	۱۰	۱۰۰/۱۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، اکثر مصاحبه‌شونده‌گان بر این باور هستند که استفاده از عبارت «قاچاق» در رابطه با پدیده مورد مطالعه اطلاق نامناسبی است و لازم است برای درک بهتر این پدیده از این عبارت وارد نشود. می‌توان گفت واژه قاچاق این مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازد که برخی از کتاب‌های غیرقانونی از خارج از کشور به داخل کشور

وارد می‌شوند، این در حالی است که مسئله اصلی این است که کتاب‌های رسمی ناشران رسمی که پرفروش شده‌اند مورد چاپ و تکثیر غیرقانونی قرار می‌گیرند و بهتر است به دنبال عبارت جایگزینی برای قاچاق باشیم. پیشنهاد اکثر مصاحبه‌شوندگان استفاده از عبارت «چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب» به جای استفاده از عبارت قاچاق است. در حقیقت مفهوم جایگزین به نظر بیشتر باز نماینده رویداد به وقوع پیوسته است.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۲) نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون تعریف قاچاق کتاب

بخش بازبایی شده	کد	مصاحبه‌شونده
مالکیت معنوی آن سر جای خود هست از مالکیت مادی بهره‌برداری غیرقانونی می‌شود؛ و از صاحب اثر اجازه ندارد. ما نمی‌توانیم به این قاچاق گفت بهتر است تکثیر غیرقانونی کتاب بگوئیم. هنگامی که سخن از قاچاق به میان می‌آید ذهن به سمت کالاهایی که به خودی خود غیرمجازند می‌رود که پدیده وجود آن‌ها غیرقانونی است. کتاب که این گونه نیست. کتاب‌هایی وجود دارند که مجوز دارند و شماری دیگر مجوز ندارند اما هیچ‌یک از این دو گروه را نمی‌توان در میان کالاهای قاچاق قرارداد.	چیستی قاچاق کتاب / تعریف قاچاق کتاب / مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی	آقای کمالی
پیشنهاد من همان تکثیر غیرقانونی است. نزدیک به دو سال کارگروهی در مورد مباحث مربوط به این که چرا این اتفاق افتاد تشکیل شد در این جلسات مباحث در مورد این واژه خیلی بحث شد که قاچاق بگوئیم یا تکثیر اما هیچ‌کس با واژه‌ی قاچاق موافق نبود. همه می‌گفتند تکثیر غیرقانونی بهتر است. هنگامی که شما از واژه‌ی قاچاق استفاده می‌کنید جرم و مسائل دیگرش متفاوت است. در قانون هم اگر ببینید جرم بسیار سنگینی دارد. ما باید به دنبال کلیدواژه‌ای باشیم که هم بار حقوقی نداشته باشد و هم این که با شأن کتاب هماهنگی داشته باشد	چیستی قاچاق کتاب / تعریف قاچاق کتاب / مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی	آقای کمالی

<p>شک دارم که کلمه‌ی قاچاق برای آنچه در بازار کتاب ایران اتفاق می‌افتد کلمه‌ی درستی باشد. قاچاق ظاهراً به معنای انتقال غیرقانونی کالایی از جایی به جای دیگری است. اینجا ما چندان با جابه‌جایی مواجه نیستیم، بلکه با همان بی‌قانونی و استفاده از مال غیر مواجهیم. در قانون حتماً کلمه‌ی مناسبی برای این رفتار غیرقانونی وجود دارد که طبعاً باید اهل فن آن را توضیح بدهند. موارد بی‌قانونی در کار نشر هم البته متعدد و متفاوت است و ممکن است با یک یا دو عنوان مجرمانه نشود آن را توضیح داد. به‌هرحال کلیت این اتفاق این است که کتاب‌هایی متعلق به نویسندگانی وجود دارد که به‌صورت غیرقانونی و بدون اجازه‌ی آن‌ها توسط کسانی منتشر می‌شود که ممکن است ناشری شناخته‌شده یا ناشناس باشند. البته طبعاً و به‌طور معمول ناشناس‌اند و به‌صورت ناشناس هم کتاب‌هایی را در چاپخانه‌هایی نامعلوم تکثیر و بعد توسط شبکه‌های نامعلوم منتشر می‌کنند که ما فقط فروشندگان کنار خیابانی‌شان را می‌شناسیم. می‌دانیم که بعضی از این کتاب‌ها هم ممکن است با رضایت نویسنده منتشر شوند. یا حق مالکیت نویسنده کتاب بر کارش به دلیل گذشت زمان طولانی از درگذشت او (مثلاً کتاب‌های هدایت) منتفی شده باشد و در این حالت عمل غیرقانونی نداشتن اجازه‌ی ارشاد است. به هر حال چنان که گفتم موارد متعددی شامل این بازار غیرقانونی می‌شود. بدترین آن طبعاً انتشار کتاب‌هایی است که هم نویسنده و هم ناشر دارند و هم مجوز انتشار از ارشاد و باز به دلیل پر فروش بودن توسط همین شبکه‌های ناشناخته و به‌اصطلاح زیرزمینی منتشر می‌شوند.</p>	<p>آقای سنابور</p> <p>چیستی قاچاق کتاب/تعریف قاچاق کتاب/مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی</p>
<p>خیلی ساده است تکثیر غیرقانونی کتاب که با قاچاق بسیار متفاوت است</p>	<p>آقای حسن پور</p> <p>چیستی قاچاق کتاب/تعریف قاچاق کتاب/مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی</p>
<p>قاچاق می‌تواند در ماهیت اصل باشد. از يك مرجع نادرست وارد بازار می‌شود. مگر جز این است؟ اگر شما يك جنس قاچاق را در نظر بگیرید الزاماً این نیست که جنس نادرست و نامرغوب باشد از مجاری معتبر قانونی وارد نشده است. به این قاچاق می‌گویند. ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد. ممکن است ما دفترچه‌ی کولرگازی را قاچاق می‌کنیم و وارد کشور می‌کنیم و یا ممکن است مواد مخدر را وارد کشور کنیم یعنی فلسفه‌ی قانونی و غیرقانونی بودنش به لحاظ قاچاق خیر از لحاظ ذات و اصالت کالا هم مدنظر است بنابراین در مورد کتاب نمی‌دانم چرا این واژه درست شد. شاید هم من از آن درک درستی ندارم تنها نام درستی که من می‌توانم روی آن بگذارم و به همه این را بفهمانم که حرف و درد چیست چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب ناشران. تکمیل تر چاپ و تکثیر کتب قانونی ناشران</p>	<p>آقای حسن پور</p> <p>چیستی قاچاق کتاب/تعریف قاچاق کتاب/مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی</p>

<p>از دید من ماجرا از این قرار است اکنون دو رخداد در حال روی دادن است و آن دو این‌ها هستند؛ کتبی در ایران منتشر و تکثیر و توزیع می‌شوند که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارند و یا ندارند آن‌هایی که مجوز را دارند به این معناست که ناشری با یک نویسنده قراردادی گذاشته است نویسنده و مترجم مدت‌ها زحمت کشیده کاری را آماده کرده و به ناشر می‌دهد و تا این کار به محصولی تبدیل شود که پول به وجود آورد. ممکن است این پرسش به وجود بیاید که برای تکثیر و چاپ این کتاب‌ها چه انگیزه‌ای وجود دارد چرا که ناشر آن را منتشر می‌کند. این‌ها که چاپ می‌کنند چه چیزی نصیبشان می‌شود. باید به این نکته توجه شود سودجویانی که این کار را انجام می‌دهند به‌طور مشخص به سراغ عناوینی می‌روند که پرفروش هستند. این عناوین هم به این صورت است که هر ناشر شاید ده درصد از تولیداتش به این موقعیت برسند که پرفروش شوند و به اصطلاح غربی‌ها بست سلر شوند. نود درصد کارهایشان این ویژگی را ندارند. این ده درصد پرفروش است که شرایطی را برای ناشر فراهم می‌کند تا زین‌های احتمالی ۹۰ درصد باقی‌کارها را پوشش دهد و بقا داشته باشد. سودجویان دقیقاً به سراغ این کتاب‌ها می‌روند مانند کتاب ملت عشق</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب / تعریف قاچاق کتاب / مفهوم جایگزین: چاپ و تکثیر غیرقانونی</p>	<p>آقای آموزگار</p>
<p>من این عبارت قاچاق کتاب را قبول ندارم قاچاق کالایی است که نمی‌توانیم در مورد کتاب از این واژه استفاده کنیم. چون برخی از این آثاری که به آن‌ها قاچاق می‌گویند دارای مجوز هستند یعنی مسیر قانونی خود را طی کرده است و اثر وارد بازار شده و با اقبال روبه‌رو شده است اما کسی آن را تکثیر و بهره‌برداری غیرقانونی می‌کند. در ادامه خواهیم گفت که یک اثر دارای یک حق مالکیت معنوی است و یک حق مالکیت مادی. مالکیت معنوی آن سر جای خود هست از مالکیت مادی بهره‌برداری غیرقانونی می‌شود؛ و از صاحب اثر اجازه ندارد. ما نمی‌توانیم به این قاچاق گفت بهتر است تکثیر غیرقانونی کتاب بگوییم. هنگامی که سخن از قاچاق به میان می‌آید ذهن به سمت کالاهایی که به خودی خود غیرمجازند می‌رود که پدیده و وجود آن‌ها غیرقانونی است. کتاب که این‌گونه نیست. کتاب‌هایی وجود دارند که مجوز دارند و شماری دیگر مجوز ندارند اما هیچ‌یک از این دو گروه را نمی‌توان در میان کالاهای قاچاق قرارداد.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب / تعریف قاچاق کتاب / نامناسب بودن مفهوم قاچاق</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>شک داریم که کلمه‌ی قاچاق برای آنچه در بازار کتاب ایران اتفاق می‌افتد کلمه‌ی درستی باشد. قاچاق ظاهراً به معنای انتقال غیرقانونی کالایی از جایی به جای دیگری است. اینجا ما چندان با جابه‌جایی مواجه نیستیم؛ بلکه با همان بی‌قانونی و استفاده از مال غیر مواجهیم. در قانون حتماً کلمه‌ی مناسبی برای این رفتار غیرقانونی وجود دارد که طبعاً باید اهل فن آن را توضیح بدهند. موارد بی‌قانونی در کار نشر هم البته متعدد و متفاوت است و ممکن است با یک یا دو عنوان مجرمانه نشود آن را توضیح داد.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب / تعریف قاچاق کتاب / نامناسب بودن مفهوم قاچاق</p>	<p>آقای سنابور</p>

از دید من نام قاچاق نادرست است در واقع هنگامی که کد اشتباه می‌دهیم مسلماً پاسخ نادرست دریافت می‌کنیم. سیستم‌های فرهنگی پلیسی اجتماعی امنیتی کشور برای هر واژه‌ای باری دارد هنگامی که می‌گوییم قاچاق؛ به چه معناست. این کار و واژه از پایه نادرست و اشتباه است. چون من با دوستان گوناگون جلسات مکرر داشتم و جزو کارگروه منع تکثیر و پس از آن نیز حقوق صیانت تمام این‌ها رفتارهای متفاوت که حتی از جامعه‌ی قضات و پلیس و نهادهای تأثیرگذاری که می‌توانند دخیل باشند هنگامی که در مورد قاچاق سخن می‌گفتیم واژه‌ی قاچاق برای آن‌ها گنگ بود. درست هم هست و من نمی‌دانم این واژه چگونه وارد این بحث شد چون یکی از کسانی که پیگیر این موضوع شد دست کم در چهار سال اخیر من بودم و در گفت‌وگوهای من هم اگر دقت کنید متوجه می‌شوید هیچ‌گاه از واژه‌ی قاچاق به این صورت استفاده نکرده‌ام.

چیستی قاچاق کتاب / تعریف
قاچاق کتاب / نامناسب بودن
مفهوم قاچاق

آقای حسن پور

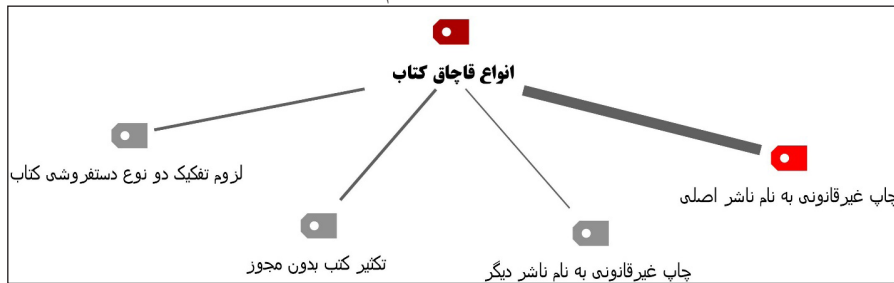
هنگامی که من با مصرف‌کننده حرف نزدیم و هنوز در مورد قاچاق سخن می‌گویم متوجه منظور من نشده است. زمانی ممکن است شما بگویید من می‌خواهم کولرگازی مارک فلان بخرم می‌گویید من قاچاق نمی‌خرم بارهایی وجود دارد که از کردستان می‌آورند و احتمال دارد دویست تا پانصد هزار تومان برای شما ارزان‌تر تمام شود در واقع اصالت جنس همان جنس است و ۵۰۰ هزار تومان هم ارزان‌تر. هنگامی هم که می‌پرسید چرا ارزان‌تر است می‌گویند مالیات و گمرک و هزار مورد دیگر ندارد. برخی از افراد از دید اخلاقی این را درست می‌دانند و شماری دیگر نمی‌دانند. افراد آینده‌نگرتر می‌گویند گارانتی معتبرتر می‌خواهیم و فلان و بهمان و در اینجا افراد از هم جدا می‌شوند البته همیشه هم این گونه نیست که کسی که این کار را انجام می‌دهد اخلاق‌مدار است و برعکس؛ اما گاهی ممکن است جنسی از آن سوی مرزها بیاید اما درون جعبه به جای این که کولر بگذارند آجر گذاشته‌اند و تحویل شما می‌دهند. اصلاً قاچاق برای من مفهوم نشد و آن را در مورد کتاب درک نکردم.

چیستی قاچاق کتاب / تعریف
قاچاق کتاب / نامناسب بودن
مفهوم قاچاق

آقای حسن پور

انواع قاچاق کتاب

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، چندگونه از پدیده قاچاق کتاب احصاء شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.



نمودار ۴-۲) انواع قاچاق کتاب

جدول ۴-۳) توزیع فراوانی انواع قاچاق کتاب

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی	۸	۵۳/۳۳	۵۳/۳۳
لزوم تفکیک دو نوع دستفروشی کتاب	۳	۲۰/۰۰	۲۰/۰۰
تکثیر کتب بدون مجوز	۳	۲۰/۰۰	۲۰/۰۰
چاپ غیرقانونی به نام ناشر دیگر	۱	۶/۶۷	۶/۶۷
Total	۱۵	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۱۵	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، در رابطه با انواع قاچاق کتاب چند نکته حائز اهمیت وجود دارد. اول اینکه مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که شایع‌ترین نوع تکثیر غیرقانونی کتاب حالتی است که کتاب به نام ناشر و نویسنده (مترجم) اصلی تکثیر می‌شود. این تکثیر عموماً با همان شکل و ظاهر است، منتها گاهی کیفیت چاپ پایین‌تر است. نکته با اهمیت این است که از آنجایی که کپی‌کنندگان کتاب هزینه‌هایی مانند ویراستاری،

صفحه‌آرایی، ترجمه و مواردی از این قبیل را پرداخت نمی‌کنند، سود هنگفتی به دست می‌آورند و از آنجایی که می‌توانند کتاب را با قیمت پایین‌تری به چاپ رسانند، این امر سبب می‌شود که آن را بتوانند با قیمتی کمتر از ناشر اصلی عرضه نمایند و این امر سبب جلب توجه مشتریان می‌گردد. حالت دوم مربوط به شرایطی است که چاپ‌کنندگان غیرقانونی، اندکی تغییر در ترجمه کتاب اصلی می‌دهند و آن را با نام انتشاراتی دیگر، مترجم و نویسنده‌ای دیگر چاپ می‌کنند. مهم‌ترین موضوع در رابطه با این مسئله این است که ممیزی ارشاد باید جلوی چنین سرقت‌های ادبی را بگیرد و از ارائه مجوز چاپ به چنین کتاب‌هایی جلوگیری نمایند. این موضوع از آن جهت قابل پیشگیری و جلوگیری است که اتفاق مذکور عموماً برای کتاب‌های پر فروش و معروف ناشران اصلی می‌افتد و از این رو به‌سادگی در مرحله ممیزی قابل شناسایی و کنترل است.

سومین نکته در رابطه با انواع قاچاق کتاب این است که ضرورت دارد میان دو نوع از دست‌فروشان تمایز قائل شویم. یکی دست‌فروشان هستند که کتاب قاچاق و تقلبی و کپی می‌فروشند و این افراد گاهی عاملان مافیایی هستند که پشت پرده صنعت چاپ و نشر قرار دارند. برخورد جدی با این افراد دارای ضرورت است؛ اما دسته دوم از نظر مصاحبه‌شوندگان کسانی هستند که از قدیم در این صنف مشغول به کار بوده‌اند. این‌ها افرادی هستند که کتاب‌های دست‌فروشان می‌فروشند. این افراد از قدیم با مراجعه به کتابخانه شخصی افراد، کتاب‌های دست‌فروشان را گردآوری می‌کردند و سپس آن‌ها را به فروش می‌رسانند و در واقع از این محل ارتزاق می‌کرده‌اند. لازم است این دسته از دست‌فروشان از نوع اول متمایز شوند و با آن‌ها با تکریم برخورد شود.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۴) نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون انواع قاچاق کتاب

بخش بازبایی شده	کد	مصاحبه‌شونده
<p>روش دیگری که کار می‌کنند این است که کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنند که به‌نوعی در گذشته یا پس از انقلاب مجوز نگرفتند یا مجوز به دلایلی باطل شده یا کسی نیست که این ماجرا را پیگیری کند. اصلاً صاحبی ندارد. ممکن است ناشر آن ایران نباشد و آثارش صاحبی ندارد کسی نیست که پیگیری کند. این کتاب‌ها را هم پیدا می‌کنند و تکثیر می‌کنند در اینجا به سرعت این کار را انجام می‌دهند. اگر خیلی منصف باشد به نام همان ناشر چاپ می‌کند یا به نام نشر دیگری بانامی قلابی منتشر می‌کند.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/ تکثیر کتاب بدون مجوز</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>دست‌فروش‌ها و نمایشگاه‌های کتاب و نمایشگاه‌های کتاب استانی و حتی نمایشگاه بین‌المللی تهران نمایشگاه‌های موردی که در جاهای مختلف مانند ایستگاه مترو یا خروجی‌های ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها و در شهرستان‌ها می‌گذارند به‌ویژه زمانی که نظام کنترل کتاب‌فروشی هم وجود نداشته باشد وارد کتاب‌فروشی‌ها هم می‌شود چون این‌ها هزینه‌های آماده‌سازی کتاب را ندارند مسلماً روی قیمت مانور می‌دهند و مهم این است که بازار را بگیرند و قیمت‌هایی را مطرح می‌کنند و همین قیمت برای ما نشانه است. یعنی اگر با کتابی با ۵۰ درصد تخفیف روبه‌رو شدیم به‌طور جدی تردید می‌کنید که سرقت ادبی شده است.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/ تکثیر کتاب بدون مجوز</p>	<p>آقای آموزگار</p>

شکل دیگر این گونه است که این آقایان محترم دلال کتاب، کتاب را به گونه‌ای منتشر می‌کنند که در واقع سرقتی هم رخ می‌دهد؛ حقوق معنوی آن را به نام فرد دیگری می‌نویسد. کتاب را به نام کسی منتشر می‌کند که اصلاً وجود ندارد. کتاب هم صاحبی ندارد و مربوط به ۴۰ یا ۵۰ سال پیش است. هم ماهیت کتاب را به هم می‌زند به‌ویژه کارهایی که مربوط به ادبیات کلاسیک می‌شود مانند کتاب‌های شعر و دیوان شعرا و کتب مرجع و کتاب چندپاره می‌شود.

گفت‌وگو کننده: از این کار چه سودی می‌برند؟

کمالی: از یک سو می‌گویند اگر قرار باشد این کتاب را با چنین حجمی منتشر کنم قیمتش بالا می‌رود و بخشی از آن را انتخاب و چاپ می‌کنم. این کار بسیار زشت و بد است کتاب سازی می‌شود شاید کسی که اصلاً به این حوزه آشنا نیست و شاید نویسنده هم نباشد ناگهان نویسنده و مترجم می‌شود و به آن آثار هم ضربه می‌زند خوشبختانه چنین مواردی بسیار اندک است.

گفت‌وگو کننده: بله چون من هم با چنین موردی برخورد نکردم کمالی: این نوع کتاب‌ها بیش‌تر در شهرستان‌ها هستند چون در تهران افراد زود متوجه می‌شوند. نمونه‌هایی از این کتاب‌ها را در برخی از ناشران خودمان هم داشتیم.

گفت‌وگو کننده: بیش‌تر در چه حوزه‌هایی هستند؟

کمالی: بیش‌تر در حوزه‌ی کتاب‌های دینی یا ادبیات است.

گفت‌وگو کننده: برای نمونه دیوان حافظ را نصف کند و بنویسد به تصحیح آقای ایکس.

کمالی: بله با مثنوی یا دیوان حافظ و سعدی این کار را انجام می‌دهند. بیش‌تر روی اشعار کلاسیک و کهن مانور می‌دهند. این هم جنبه‌ی کتاب سازی و هم سرقت ادبی پیدا می‌کند و همه‌جوره ضربه می‌زند. در برخی از موارد منجر به توقف نشر شده است. در شهرستان‌های کوچک فرد تمکن مالی ندارد که گلستان یا مثنوی را بخرد و بخشی از آن را خریداری می‌کند. تشخیص آن نیز برای کسی که آشنا نیست دشوار است. متأسفانه از نادانی مردم سوءاستفاده می‌کنند. خوشبختانه این بخش کم‌رنگ‌تر است و هنوز گسترش پیدا نکرده است؛ اما دو موضوع نخست‌ی که در مورد آن بحث کردیم بسیار گسترده است و باجرات و بدون واهمه از قوانین انضباطی این کار را انجام می‌دهند.

چیستی قاچاق کتاب/
انواع قاچاق کتاب/تکثیر
کتب بدون مجوز

آقای کمالی

کتاب در ۵، ۴ یا ۱۰ نوبت منتشر شده است دقیقاً مانند همان را می‌زند باهمان نام، اسم و ناشر و نویسنده را حفظ می‌کند برای نمونه می‌گوید نوبت پنجم و در همان نوبت به تعداد تکثیر می‌کند. هیچ تغییر شکل و ماهیتی در کتاب نمی‌دهد.

چیستی قاچاق کتاب/
انواع قاچاق کتاب/چاپ
غیرقانونی به نام ناشر
اصلی

آقای کمالی

<p>اگر فروشنده‌ای وجود داشته باشد که با آن ناشر کار کند و انصاف داشته باشد با آن ناشر تماس می‌گیرد که فلانی چنین چیزی شده است و متوجه می‌شوند یا این که ناشر متوجه می‌شود؛ تیراژ را زده کتابی که مثلاً یک نوبت و در تیراژ هزار تایی این کتاب در بازار نشر به فاصله‌ی ۴ یا ۵ ماه فروش می‌رفته ناگهان می‌بینید هزار نسخه کتاب یک سال طول کشیده است چه اتفاقی افتاده است؟ متوجه می‌شود کتابش را تکثیر کرده‌اند. از این راه متوجه می‌شود. این نیازمند پیگیری است و تبعات انتظامی و هماهنگی‌های حقوقی و قضایی می‌خواهد که سرمنشأ ماجرا را پیدا کنند. این یک شمه از تکثیر غیرقانونی است که هیچ تغییری در ماهیت کتاب و از حیث حقوق معنوی آن داده نمی‌شود و عیناً مانند اثر ناشر را چاپ می‌کنند و باقیمت بسیار پایین در کتاب‌فروشی‌های کشور توزیع می‌کنند.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>نوع دیگر این است که برای نمونه کتابی که ققنوس ترجمه و منتشر کرده است را رونویسی می‌کنند و به نام فرد و ناشر دیگری چاپ می‌کنند همان ملت عشق است منتها با ترجمه و انتشارات دیگری اما موضوع اینجاست که کتاب به ققنوس تعلق دارد. در اینجا این کتاب مجوز هم می‌گیرد</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p>	<p>آقای آموزگار</p>
<p>اما همین کتاب از ارشاد مجوز می‌گیرد و ارشاد از این که این کتاب را تشخیص دهد ناتوان است. پیشنهادی که ما دادیم و من کماکان این پیشنهاد را دارم این است هنگامی که به کتابی برخورد می‌کنیم که بین دو ناشر مشترک است این نسخه را برای ناشر پیشین بفرستند که او چک کند که این ترجمه‌ی خودش است یا خیر. این موضوع بار موضوع را از دوش ارشاد برمی‌دارد ناشر هم چون ذی‌نفع است آن را با دقت می‌خواند اگر ببیند این همان ترجمه‌ی خودش است به ارشاد اعلام می‌کند و به آن مجوز نمی‌دهند. ارشاد هم تخطئه نمی‌شود.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p>	<p>آقای آموزگار</p>
<p>یکی از عوامل شایعی که این روزها شایع و مد شده است برگردان‌های کپی است یعنی به نام دیگری آن کتاب‌ها منتشر می‌شود اما هنگامی که مقایسه می‌کنید می‌بینید همان ترجمه‌ها بازنویسی شده و به نام مترجم دیگری چاپ می‌شود. این متأسفانه وجهه‌ی قانونی دارد چرا که نهادی برای بررسی صحت و درستی ترجمه‌ها وجود ندارد. این‌ها با اعلام مجوزی که دریافت کرده‌اند می‌توانند در نمایشگاه‌ها حضور داشته باشند و آن‌ها را ارائه کنند ما نیز هنگامی که کتاب منتشر و پخش شد کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر حکم هم بگیریم این را با همان شناسنامه‌ی پیش منتشر می‌کنند و می‌گویند همان شماری است که از قبل وجود داشته است.</p>	<p>چیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>

<p>برای نمونه در مورد کتاب ملت عشقی که ما منتشر کردیم دیگری آن را با ترجمه‌ی آقای مهرداد انتظاری چاپ کرد. ما کتاب را مقایسه کردیم و متوجه شدیم حتی یک ویرگول جابه‌جا نشده است. در این میان برخی بازنویسی می‌کنند و ویرایش می‌کنند تا کمی متفاوت‌تر از کتاب اصلی باشد اما این کتاب حتی این کار را هم نکرده بود. حالت دیگر این است که درست با آرم و لوگو و طرح جلد ما کتاب را منتشر می‌کنند و می‌فروشند. زمانی بود که این کتاب‌ها را تنها دست‌فروش‌ها می‌فروختند و محل برخورد زیادی نبود می‌گفتیم این کتاب افست نیست و در تیراژ محدود منتشر می‌شود و در عمل دست‌فروش‌ها این کار را می‌کنند؛ اما هم‌اینک بدین شکل نیست کتاب‌ها افست می‌شوند یعنی برای آن‌ها فیلم و زینک تهیه می‌شود. یعنی دست‌کم تیراژی که منتشر می‌کنند بالای ۲ تا ۳ هزار نسخه است. ما چندین و چند پرونده داشتیم که کتاب «ملت عشق» را با تیراژ بالا مانند ۲۵۰۰ و ۱۰۰۰ و ۸۰۰ و ۵۰۰ نسخه گرفتیم. این نمی‌تواند چاپ زیراکس باشد حتماً فیلم و زینک است و از سوی چاپخانه‌دار و صحاف و سلفون‌کش در این کار وجود دارند درواقع گروه و باندی هستند که با همکاری هم این کار را پیش می‌برند. تمام آن‌ها نیز می‌دانند کاری که انجام می‌دهند خلاف است. یعنی هنگامی که چاپخانه‌دار می‌خواهد از او پول بگیرد پول چاپ معمولی را از او نمی‌گیرد چرا که آن را به‌عنوان کار قاچاق می‌داند. این کار را زیرزمینی و شبانه انجام می‌دهد و معمولاً این چاپخانه‌ها جایی نیستند که بتوان آن‌ها را دید احتمالاً زیرزمینی هستند. البته چاپخانه‌های قانونی‌ای هم وجود دارند که این کار را به‌صورت مخفیانه انجام می‌دهند.</p>	<p>چستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p> <p>آقای حسین زادگان</p>
<p>در یک تا دو سال گذشته باندهایی درست شده و هر کتابی که فروش خوبی دارد را چاپ و توزیع می‌کنند و متأسفانه دولت هم هیچ برخوردی با آن‌ها نمی‌کند. ما چندین جلسه هم با مسئولین ارشاد داشتیم و بسیار راحت می‌توان از این موضوع جلوگیری کرد. به‌عنوان مثال در یک سال، نشر ثالث دویست عنوان کتاب چاپ می‌کند و از این بین ده کتاب پرفروش می‌شود و یا نشر چشمه از چهارصد کتابی که چاپ می‌کند بیست عنوان آن پرفروش می‌شود و نشرهای دیگر هم به همین صورت. این آقایان کتاب‌های پرفروش را چاپ می‌کنند و چون حق تألیف، آماده‌سازی و ... ندارد به قیمت ارزان‌تری می‌فروشند. این سیستم باعث شده است یک ضرر هنگفت به ناشران بخورد.</p>	<p>چستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p> <p>آقای جعفریه</p>
<p>کتاب سازی یا قاچاق کتاب چند مورد است. یکی به این صورت است که مانند کتاب ناشر را با همان آرم، قیمت و جلد چاپ می‌کند و در شبکه‌ی قاچاق می‌فروشند که متداول‌ترین گونه است.</p>	<p>چستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر اصلی</p> <p>آقای جعفریه</p>

<p>مورد دیگر این است که شما کتابی چاپ می کنید و پرفروش می شود. شبه ناشران و کسانی که از این بازار سوء استفاده می کنند، مثلاً کتاب ملت عشق از انتشارات ققنوس را برمی دارد و به فرد دیگری می دهد و او از همان ترجمه استفاده و جای چند فعل و فاعل و جمله را عوض و بالا و پایین می کند و از ارشاد مجوز می گیرد و کتاب را بان ام مترجم دیگری که اصلاً آن را ترجمه نکرده است چاپ می کند؛ یعنی از نسخه ی فارسی رونویسی کرده است.</p>	<p>چپیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/چاپ غیرقانونی به نام ناشر دیگر</p> <p>آقای جعفریه</p>
<p>در بخش کتاب هم طبیعتاً شماری هستند که یا به دلیل به اصطلاح بسته بودن دست و بالشان به کار بساط کتاب روی آوردند که بیش تر بچه های قدیمی صنف ما هستند و ۹۰ درصد آن ها افراد شریف و باحیا و خوبی هستند که از این راه ارتزاق می کنند و خانواده شان را اداره می کنند. این اشخاص به هیچ روی سراغ قاچاق کتاب نمی روند. به طور سنتی این ها از قدیم بوده است چون بساط کردن کار ساده تری بود و نیازی به پرداخت سرقتی و قفسه بندی نداشتند. خیلی سبک و آسان می توانستند شماری کتاب را به کنار خیابان بیاورند و بساط کنند و در روز چندین جلد کتاب بفروشند و قوت آن روز خود را برای خانواده شان فراهم کنند؛ اما با گذشت زمان قشری که از دید من افرادی بودند که خودشان را جزو افراد باهوش می دانستند و گمان می کردند با استفاده از فرصت ها و رفتن به سمت کتب قاچاق، هوش و ذکاوتی دارند که دیگران ندارند در حالی که از دید من این گونه نیست. دیگران رعایت حق الناس و مسائل حقوق و قانونی موضوع را می کردند نمی خواستند به اصطلاح حرام خواری کنند این ها کم کم به سمت داستان قاچاق کتاب رفتند و ما نخستین علائمی که در آغاز کار دیدیم این بود که کتاب های کمی از کتب پرفروش ناشران را که در گذشته جود داشت و این ناشران یا نویسنده و مترجم نیستند و متولی خاصی ندارد تکثیر کردند.</p>	<p>چپیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/ لزوم تفکیک دو نوع دست فروشی کتاب</p> <p>آقای کیا بیان</p>
<p>دست فروشان دو دسته هستند یکی گروهی هستند که از پیش در کار ما بودند که از گذشته در صنف ما بودند. این ها کتاب های دیگران را نمی فروشند و کتب قدیمی و دست دوم را از خانه ها می خردند و می فروشند. ما با آن ها مشکلی نداریم این افراد از گذشته بودند و هستند و احتمالاً هم خواهند بود که ما با آن ها مشکلی نداریم. مشکل ما با کسانی است که در این حوزه به شکل مافیای کار می کنند. این ها افرادی که بویی از کتاب به دماغشان نخورده است را به عنوان دست فروش استخدام کرده اند حالا درصد می دهند یا حقوق ماهیانه من نمی دانم. طرف نمی داند کتابی که می فروشد مثلاً برای انتشارات شماست. هر روز صبح این کتب را به او می دهند و حتماً آمارش را هم می گیرند که چه چیزهایی فروختند و جای به آن ها می دهند و بساط را پهن می کند و می نشیند مشتری می آید و می گوید این کتاب را می خواهم او هم می دهد.</p>	<p>چپیستی قاچاق کتاب/ انواع قاچاق کتاب/ لزوم تفکیک دو نوع دست فروشی کتاب</p> <p>آقای کیا بیان</p>

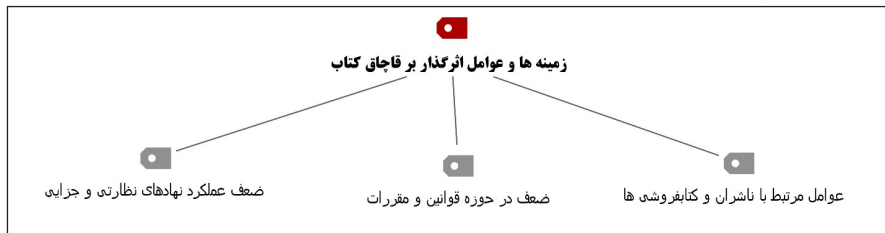
دست‌فروشان بسیاری داریم که کتاب‌های دست‌دوم و نایاب می‌فروشند و در بساط آن‌ها حتی یک جلد کتاب قاچاق هم دیده نمی‌شود. در همین انقلاب هم زیاد است از سر خیابان اردیبهشت تا خیابان دانشگاه شانزده بساطی وجود دارد. سه یا چهار دست‌فروش هستند که اگر درخواست کتاب قاچاق هم بدهید نمی‌آورند. می‌گویند من همین کتاب‌ها را دارم اما سفارش کتاب نایاب را می‌گیرند برای نمونه کتابی که سال ۵۴ منتشر شده و پس از آن نیز چاپ نشده است. این افراد بسیار شریف‌اند.

چیستی قاچاق کتاب/
انواع قاچاق کتاب/
لزوم تفکیک دو نوع
دست‌فروشی کتاب

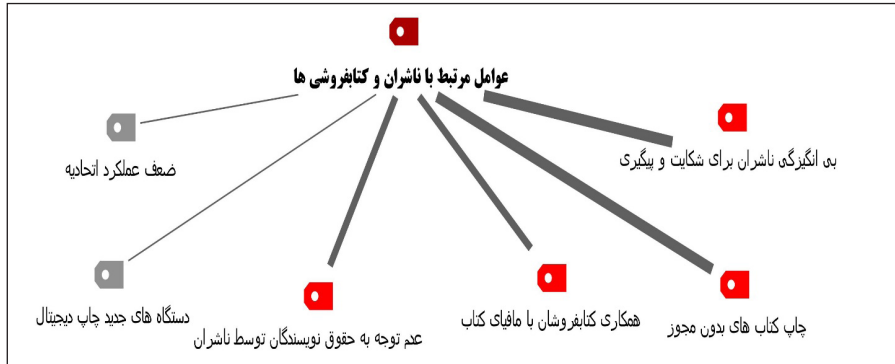
آقای حسین
زادگان

عوامل و زمینه‌های اثرگذار بر قاچاق کتاب

برای پدیده قاچاق کتاب عوامل متعددی از سوی مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیان شده است. این عوامل ذیل سه مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند. اولین دسته عوامل مربوط به ناشران و کتاب‌فروشی‌ها است. برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقد هستند که خرید کتاب‌های قاچاق توسط کتاب‌فروشی‌ها، ضعف عملکرد اتحادیه و مواردی از این قبیل سبب گسترش پدیده قاچاق می‌شود. دسته دوم مربوط به ضعف در حوزه قوانین و مقررات است. به روز نبودن قوانین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پدیده مورد مطالعه شناسایی شده است. سومین دسته عوامل مربوط به ضعف در عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی است. برای مثال عملکرد ضعیف شهرداری‌ها و نیروی انتظامی در برخورد با عاملان اصلی و جمع‌آوری دست‌فروشان و کتاب‌های قاچاق از سطح شهرها یکی از این عوامل شناخته شده است. در ادامه به شرح مفصل هر یک از این سه دسته پرداخته شده است.



نمودار ۴-۳) سه دسته عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق کتاب



۴-۳-۱) عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشی‌ها

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروش‌ها برای پدیده قاچاق کتاب شناسایی شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.

نمودار ۴-۴) عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشی‌ها

جدول ۴-۵) توزیع فراوانی عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشی‌ها

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
چاپ کتاب‌های بدون مجوز	۴	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری	۴	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
همکاری کتابفروشان با مافیای کتاب	۳	۱۸/۷۵	۱۸/۷۵
عدم توجه به حقوق نویسندگان توسط ناشران	۳	۱۸/۷۵	۱۸/۷۵
دستگاه‌های جدید چاپ دیجیتال	۱	۶/۲۵	۶/۲۵
ضعف عملکرد اتحادیه	۱	۶/۲۵	۶/۲۵
Total	۱۶	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۱۶	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، چاپ کتاب‌های بدون مجوز و همچنین بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پدیده قاچاق هستند. یکی از مهم‌ترین نکات در رابطه با پدیده قاچاق کتاب این است که باید دانست که پدیده از یک بستر تاریخی و اجتماعی برخاسته است. در حقیقت، اینکه پیش از انقلاب و همچنین پس از آن، بخشی از کتاب‌های پر فروش و مخاطب در دسته کتاب‌های غیرمجاز قرار می‌گرفته‌اند و مجوز چاپ آن‌ها توسط ارشاد صادر نمی‌شده است، سبب شیوع و گسترش چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب شده است. این موضوع از یک سو سبب تقویت شبکه چاپ و نشر غیرقانونی شده است. به عبارتی این جریان همواره با خرید دستگاه‌های جدید و به روز قوت گرفته است تا بتواند کتاب‌های بدون مجوز را چاپ نماید و از دیگر سو، سبب برای دست‌فروشان کتاب اعتماد اجتماعی را فراهم آورده است. می‌توان گفت نگاه به دست‌فروش همواره توأم با نوعی اعتماد بوده است. افراد اهل مطالعه هنوز نیز گمان می‌کنند که کتاب‌های بدون مجوز، قدیمی و از این قبیل را می‌توانند از دست‌فروشی‌ها بیابند. هر چند این تصور چند آن‌هم تصور نادرستی نیست، اما باید دانست پیامد این اعتماد گسترده به دست‌فروشان، توزیع کتاب‌های قاچاق در شبکه نشر کتاب بوده است. این موضوع سبب شده است که آن‌ها به سادگی با اهداف سود جویانه بتوانند کتاب‌های قانونی ناشران را کپی و پخش نمایند.

از سوی دیگر در رابطه با موضوع بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است که زمینه لازم (از جمله وکیل و هزینه‌های دادرسی) را برای ناشران ایجاد کرده است، اما ناشران شکایت‌های خود را طرح نمی‌کنند تا امکان پیگیری قضایی فراهم گردد. البته ناشران منکر این موضوع هستند و معتقدند در مواردی شکایت کرده‌اند و از آنجایی که به نتیجه‌ای نرسیده‌اند ناامید شده‌اند و اکنون در جستجوی راه‌های دیگری هستند. سومین نکته با اهمیت که نباید از نظر دور داشت این است که بسیاری از کتاب‌فروشان با کسانی که کتاب قاچاق چاپ و پخش می‌کنند، همکاری می‌نمایند. این موضوع بیشتر در کتاب‌فروشی‌های شهرستان‌ها شایع است چرا که فروش آن‌ها کمتر است و آن‌ها ترجیح می‌دهند کتاب‌های ارزان‌تر بخرند. البته در رابطه با کتاب‌فروشی‌های تهران نیز اعتقاد مصاحبه‌شوندگان بر این است که این پدیده در حال شیوع و گسترش است.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۶) دیدگاه‌ها و نظرات مصاحبه‌شوندگان پیرامون عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها

بخش‌بازایی شده	کد	مصاحبه‌شونده
<p>با چند تن از آن‌ها صحبت کردم و گفتم چرا نمی‌آیید؟ وزارت ارشاد که نمی‌تواند مدعی‌العموم آثار شما باشد. جرم عمومی رخ می‌دهد و حقی از شما، ارشاد به دلیل جرم عمومی از سوی خود شکایتش را انجام می‌دهد. شما که صاحب این اثر هستید و می‌خواهید خسارت بگیرید و فرد خاطی را تنبیه کنید و موارد و مسائل دیگری که باید حل و فصل شود باید شکایت کنید تا لایحه شود و برای آن حکم صادر شود. می‌گفتند تضمین شما چیست؟ گفتم چه تضمینی؟ اگر این فرد مرا دید و با ماشین به من زد چه می‌شود؟ گفتم برادر من اگر قرار باشد هر خلافی که در جامعه شکل می‌گیرد همین نگاه شما وجود داشته باشد که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. طرف دزدی می‌کند مال‌باخته باید بگوید من شکایت نمی‌کنم چون فردا ممکن است این فردی که دزدی کرده مرا در خیابان بزند؟ نگاه موجود این است و کسی این حرف را می‌زند که در این حوزه بیش‌ترین صدمه را دیده است حاضر نیست شکایت کند. من در این موضوع به نتایج بدی رسیدم و آن این است که خود این افراد مقصرند. ضدتبلیغ هم داریم و این که شما در مورد چیزی تبلیغ منفی کنید کارکرد بهتری خواهد داشت. در این مورد کتابی سر زبان‌ها می‌افتد که کتاب فلائی و فلائی و فلائی دچار این مشکل شده است. تمام ایران نسبت به این موضوع و کتاب حساس می‌شوند که این کتاب چیست باید آن را بخوانم.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>درست است و این گلایه‌ای است که ما نیز از ناشران داریم. برای نمونه فرض کنید ما شخص خاطی را گرفتیم و موضوع به این شکل بود که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران پدیده‌ی تازه‌ای را کشف کردیم از موارد سرقت ادبی که در مورد آن سخن گفتم که عیناً کار دیگری را کپی کنید و به نام فرد جعلی به نام مترجم و ناشری هم به‌صورت قانونی از ارشاد برای آن مجوز بگیرد. این کشف شد و هنگامی که این‌گونه شد غرفه‌ی او را در نمایشگاه بستیم و متوجه شدیم کتاب‌های چهل ناشر را کپی کرده و تغییر داده و با اطلاعات جعلی به نام خود منتشر کرده است. این شخص حتی گفت من چک سفید امضا می‌نویسم هر کاری می‌خواهید انجام دهید. دوازده تا سیزده ناشر جمع شدند و بین هم کمیته‌ای به وجود آوردند که این موضوع را پیگیری کنند و وکیل بگیرند گفتند باشد و در این میان گفتند چرا خودتان می‌خواهید هزینه‌ی وکیل دهید به اتحادیه بروید و وکیل آنجا کار شما هم رسیدگی کند. این روشی بود که برای این‌ها به وجود آوردیم چون اگر قرار باشد هر یک به تنهایی این کار را انجام دهند خسته می‌شوند یا وکیل با هر یک از این‌ها قرارداد ببندد با توجه به بودجه‌ی اندکی که وجود دارد کار دشوار می‌شود. این‌ها در دفترخانه به اتحادیه وکالت می‌دادند که شما از سوی ما وکیل بگیرید و این پرونده را پیگیری کنید. ما گفتیم همگی شما در دفترخانه این وکالت را به اتحادیه بدهید از این دوازده ناشر سه ناشر این کار را انجام دادند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری</p>	<p>آقای آموزگار</p>

<p>از دید من مشکل اصلی در میان ناشران است. چون هیچ انگیزه‌ای برای برخورد با این ماجرا ندارند و در این مورد جدی نیستند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>عرض من این است که اگر قرار به درست شدن این‌هاست باید از صنف شروع شود. در همین جریان، کارگروه صیانت و وظیفه‌ای که بر عهده‌ی ماست باید انجام دهیم. یک لایحه که منجر به رای شود با وجودی که اعتبار و هزینه‌ی آن به حساب اتحادیه‌ی ناشران تهران واریز شده و ناشر محترمی شکایت کند و در مورد آن فرد خطی ما یک رای هم نداشتیم. گفت‌وگو کننده: می‌توانیم بگوییم که ناشران بهانه‌گیری می‌کنند؟ کمالی: قطعاً و بدون شک. اعلام و مصاحبه شده، آقای آموزگار مصاحبه کرده است. معاون ارشاد هم به همچنین. خیلی‌های دیگر هم مصاحبه کرده‌اند که این بستر فراهم است و این اتفاق‌ها وجود دارد هرکسی شکایت دارد به آنجا برود.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>این مسئله از پیش از انقلاب هم بود اما در گذشته به این صورت بوده است که کتاب‌هایی که مجوز و اجازه‌ی انتشار در داخل کشور را نداشتند و یا در خارج از کشور چاپ شده بودند را منتشر می‌کردند و می‌فروختند. اکنون به این مرحله رسیده است که کتاب‌های پرفروش را تکثیر می‌کنند و برای آن‌ها هم اصلاً تفاوتی ندارد که این کتاب دانشگاهی است یا رمان، ایرانی است یا خارجی. نویسنده‌ی آنچه کسی است تألیف یا ترجمه است. دولتی یا خصوصی است. هر کتابی که پرفروش است را این افراد منتشر می‌کنند. از کتاب «سیلورمن» دانشگاهی گرفته تا کتاب‌های نهاد رهبری که در میان آن‌ها کتاب معارف آن تا کتاب‌های «سمفونی مردگان» و «ملت عشق» و «چهار اثر از فلورانس اسکاول شین» و به کلی کتاب‌هایی که مخاطب دارد را چاپ و تکثیر می‌کنند. مشکل از جایی زیاد شد که متأسفانه کتاب‌فروشی‌های بزرگ هم به این سمت و سو می‌روند. ما از شهر کتاب تا کتاب‌فروشی‌های بزرگ بر خیابان اصلی پرونده داریم یا نمایشگاه‌های بسیار زیادی که در مترو یا دانشگاه‌ها و دیگر مکان‌ها وجود دارد. بیشتر کتاب‌های آن‌ها قاچاق‌اند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ چاپ کتاب‌های بدون مجوز</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>

<p>کتابها پرفروش ما دارای هولوگرام است. یعنی از چاپ هفتم ملت عشق که متوجه شدیم پرفروش شده است هولوگرام زدیم. اکنون چاپ هشتم این کتاب است. شما به عنوان کتابفروش هنگامی که ببینید چاپ هفتم این کتاب را برای فروش می خرید شک نمی کنید؟ یا درصد تخفیف کتاب کاملاً روشن است. ۲۵ تا ۳۰ درصد آخرین حد تخفیف کتاب است اما هنگامی که به کتابفروش ۵۰ تا ۶۰ درصد تخفیف پیشنهاد می شود متوجه می شود که این کتاب سالم نیست. از کجا این موضوع بیش تر شد؟ در دوران آقای احمدی نژاد مجوز بسیاری از کتابهای پرفروش را صادر نمی کردند و تنها مربوط به کتابهای ایرانی یا نویسندگانی ویژه مانند عباس معروفی و مانند آن نبودند. برای نمونه برای کتاب «عشق در زمان وبا» ی مارکز، «ناتور دشت» سلینجر و کتابهای معروفی و بسیاری دیگر مجوز نمی گرفتند.</p>	<p>زمینهها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشیها/ چاپ کتابهای بدون مجوز</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>این مسئله به گسترش دستفروشان کمک کرد. اکنون اینها کتابهایی می فروشند که بهراستی ارزش خواندن و وقت گذاشتن ندارند. در مجلات زرد بود اما اکنون خوب فروخته می شود. این موضوع هم به دلیل همان محدودیتهایی است که وجود دارد. اگر این کتاب در فضای باز چاپ و نقد می شد شاید اصلاً دیده نمی شد؛ اما در بساط دستفروش بهتر دیده و فروخته می شود. شعار آنها نیز همین است. می گویند این کتاب «سمفونی مردگان یا «سال بلوا» از عباس معروفی کتابی است که نسخه‌ی اصل است آن کتابی که در کتابفروشی وجود دارد سانسور شده است. بسیاری از خواننده‌ها به ما هم می گویند من اصل این کتاب را دارم و کتاب شما سانسور شده است.</p>	<p>زمینهها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشیها/ چاپ کتابهای بدون مجوز</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>به گمانم حدود شصت تا هفتاد سال درگیر آن هستیم. این موضوع از پیش از انقلاب بوده است و هر هنگام دولت‌ها از چاپ کتاب جلوگیری کرده‌اند منحنی آن به بالا و پایین رفته و ناشرین و کسانی که دنبال این موضوع بوده‌اند کتابهای غیرقانونی آن زمان را چاپ کرده‌اند. در پیش از انقلاب کتابهای جلال آل احمد، دکتر شریعتی و رساله‌ی امام ممنوع بود و به صورت غیرقانونی چاپ می شد. پس از انقلاب این پدیده بسیار رشد و زمانی فروکش کرد و کار آن‌ها به کتابهایی مانند عایشه پس از پیغمبر، محمد پیامبری که باید از نو شناخت، دیوان ایرج میرزا و یا فرخی یزدی، همسایه‌های احمد محمود که وزارت ارشاد مجوز نمی داد ختم می شد.</p>	<p>زمینهها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتابفروشیها/ چاپ کتابهای بدون مجوز</p>	<p>آقای جعفریه</p>

<p>در آن هنگام موضوع دیگری هم وجود داشت و آن وسایل و ابزار چاپ و تکثیر به شکلی که مخاطب اصل و فرع را درک نکند وجود نداشت. اگر فرد می‌خواست درست مانند کتاب چاپ کند باید چاپ افست می‌کرد که برایش خیلی خطر داشت و بسیاری از چاپخانه‌ها زیر بار چنین موضوعی نمی‌رفتند. اکنون هم به همین صورت است؛ شکل دیگری هم در کار نبود باید کپی می‌کرد. باید دستگاه پلی‌کپی دستی می‌کرد و به هر روی امکانات بسیار کم و محدود بود؛ اما امروز در عصری که شما می‌توانید کتابی را با چاپ دیجیتال منتشر کنید و با کیفیتی تقریباً برابر با اصل آن ارائه دهید می‌بینید که تشخیص سره و ناسره دادن بسیار دشوار می‌شود. حتی ناشر آن هم گاهی نمی‌تواند تشخیص دهند. کار هنگامی بدتر می‌شود که بازار کتاب یکی از معضلاتی که بازار کتاب را فرو می‌ریزد همین موضوع است؛ کار به جایی می‌رسد که بازار به اندازه‌ای بد می‌شود که ناشری که چاپ کتابش دست‌کم ۳ تا ۵ هزار نسخه بود به ۴۰۰ یا ۳۰۰ نسخه و یا حتی ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه می‌رسد. مسلماً ۱۰۰ نسخه را نمی‌تواند با افست چاپ کند چون هزینه‌های افست سربار ثابت است که در تیراژ بالا پاسخ‌گوست. هنگامی که ناشر دیجیتال منتشر می‌کند خطر را بیش‌تر می‌کند. چون تشخیص دیجیتال با دیجیتال چگونه ممکن است؟ البته این را برای مصرف‌کننده می‌گویم.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ دستگاه‌های جدید چاپ دیجیتال</p>	<p>آقای حسن پور</p>
<p>چندی است که عضو کارگروه صیانت از حقوق مؤلفان و مصنفان هستیم که در آنجا نیز فعالیت می‌کنم. در آنجا گفتیم بازرس بگذاریم بررسی کند اگر کتابی پیدا کرد آن را گزارش کنیم. اتحادیه برخورد کند می‌گویند نه تا هنگامی که حکم قضایی نباشد اتحادیه نمی‌تواند کاری انجام دهد. با پلیس امنیت که صحبت می‌کردم می‌گفتند اتحادیه‌ی نخود فروش‌ها از اتحادیه‌ی شما قوی‌تر است. شما به اتحادیه حق عضویت می‌دهید که از حقوق شما در برابر متخلف دفاع کند اما در عمل چنین چیزی نیست.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ ضعف عملکرد اتحادیه</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>در اتحادیه‌ی ناشران تهران اتاق داوری تشکیل شده است که در آن‌همگی ناشر هستند. نویسنده‌ای در آن وجود ندارد. درست است که نویسندگان مترجمان صنف ندارند اما اگر شما قصد داوری داشته باشید باید از نویسندگان در آن حضور داشته باشند. دست‌کم دو یا سه تنی که بتوانند از حقوق نویسنده دفاع کنند و حرف او را بیان کنند. هنگامی که ما سخن از نویسنده و مترجم می‌آوریم منظورمان نویسنده و مترجمان واقعی هستند و نه کسانی که کتاب‌سازی کرده‌اند. مگر ما در این کشور چه تعداد نویسنده و مترجم داریم؟ اگر از این‌ها حمایت کنیم که ناشر متضرر می‌شود چرا که کاری برای تولید نخواهد داشت. البته افرادی نویسنده‌نما داریم که جعل می‌کنند و یا چند بخش از یک متن را به هم می‌چسبانند و یک اثر را تولید می‌کنند اما کسی که فکر می‌گذارد و ماه‌ها و یا حتی سال‌ها می‌نشیند و یک اثر را می‌آفریند بسیار کم است.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ عدم توجه به حقوق نویسندگان توسط ناشران</p>	<p>آقای کمالی</p>

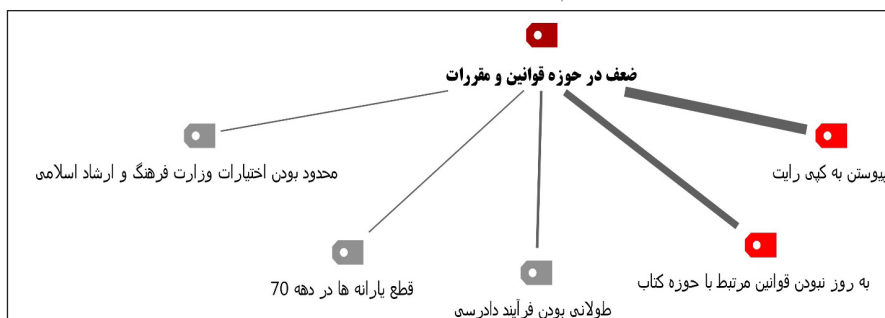
<p>همین امروز به خانه‌ی کتاب بروید کتاب‌های پرفروشی که چندین و چند بار چاپ شده است را سرچ کنید و زنگ بزنید و پیگیری کنید که آقای ناشر کتابی که شما بیست یا پنجاه بار چاپ کرده‌اید چه تقدیری از صاحب اثر کردید؟ سود برده‌اید. به اینجا می‌آیند و می‌گویند این گونه نیست. من می‌گویم یا این ده یا بیست بار چاپ درست است یا نیست اگر درست است باید حق نویسنده را ادا کنید که نمی‌کنند. انتشارات سخن مجموعه‌ای بانام فرهنگ سخن را منتشر کرد که فرهنگ خوبی شد و چند بار برای نویسنده بزرگداشت گذاشت و تقدیر کرد. ما موارد این چنینی بسیار داریم. خیلی از نویسندگان ما افراد قابل و شایسته‌ای هستند که بسیار تأثیرگذار و جریان ساز بودند. چه تعداد از این ناشرها از این‌ها تجلیل کردند؟ این که دولت باید کاری را انجام دهد یک بحث است این که ناشر که از قبل نویسنده و مترجم کسب درآمد می‌کند موضوع دیگری است.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ عدم توجه به حقوق نویسندگان توسط ناشران</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>به نظرم {حقوق مادی و معنوی مؤلفان} سال‌به‌سال در حال ضعیف شدن است. یکی از نشانه‌هایش بستن قراردادهای سخت‌تر از طرف ناشران با مؤلفان است. یکی دیگر از نشانه‌هایش از دور خارج شدن بسیاری از نویسندگان بعد از چند سال کار به دلیل بی‌اجر و مزد بودن این کار. حرفه‌ای نشدن نویسندگان حتی بعد از دو سه دهه کار مداوم (و با وجود جمعیت هشتاد میلیونی و بالا رفتن درصد تحصیل کردگان) هم دلیل دیگر خرابی وضعیت حقوق مؤلفان است. مقایسه وضعیت نویسندگان معروف قبل و بعد از انقلاب از این نظر مؤید نظر من خواهد بود.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ عدم توجه به حقوق نویسندگان توسط ناشران</p>	<p>آقای سناپور</p>
<p>اکنون من شنیدم بسیاری از کتاب‌فروشی‌های شهرستان با این مافیا همکاری می‌کنند. چرا؟ چون درصد بالایی تخفیف می‌دهند. برای این که هزینه‌هایشان از دید کیفیت کم است حق تألیف و سود ناشر نمی‌دهند و هر هست برای خودشان می‌ماند. فرض کنید ما کتاب‌هایمان را ۲۵ تا ۳۰ درصد تخفیف می‌دهیم آن‌ها با ۵۰ درصد تخفیف می‌فروشند. کتاب‌فروشی شهرستانی در هر صورت تا جایی مقاومت می‌کند مگر این که فرد بسیار شریفی باشد. خیلی انسان‌های شریف وجود دارند که زیر بار این موضوع نمی‌روند؛ اما به هر روی بحث پول است و با توجه به تورم و هزینه‌های انگیزه‌ای به وجود می‌آید که آرام آرام مقاومت آن‌ها در هم می‌شکند. مانند قطاری که به سمت جنوب می‌رود و در هر ایستگاهی شماری از افراد از آن پیاده می‌شوند. کسانی که به مقصد می‌رسند از قطار شرافت پیاده می‌شوند. شخص می‌داند این کتاب مشکل دارد و ممنوع است اما می‌گیرد و از ناشر و توزیع‌کننده‌ی شناخته شده و شناسنامه‌دار نمی‌گیرد. می‌داند این کتاب قاچاق است اما چون درصد بالایی به او می‌دهند می‌گیرد و این رویدادی که رخ می‌دهد این است که ترس این‌ها در حال ریختن است و این‌ها جذب این ماجرا در شهرستان می‌شوند. پیش‌بینی و تصور من این است اگر این داستان ادامه پیدا کند همین اتفاق در تهران هم خواهد افتاد و بخشی از کتاب‌فروشان در تهران هم مقاومتشان می‌شکند</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ همکاری کتاب‌فروشان با مافیای کتاب</p>	<p>آقای کیابیان</p>

<p>و حق تألیف هم وجود ندارد. تمامی این‌ها چیزی حدود ۱۵ درصد هزینه دارد و حق تألیف هم نزدیک به ۱۲ درصد است و روی هم نزدیک به ۳۰ درصد هزینه‌ها کم می‌شود و سبب ارزان شدن کتاب می‌شود و کتاب را به همکاران ما به‌ویژه در شهرستان‌ها که چندان با کتاب آشنا نیستند و از ظاهر کتاب تشخیص نمی‌دهند که کتاب کپی است با تخفیف بیش‌تری می‌دهند و آن را می‌فروشند. این مدل و شکل نخست آن است و نوع دیگری هم وجود دارد؛ برای نمونه از یک کتاب استقبال بسیار خوبی صورت می‌شود و با تیراژ صد هزار نسخه منتشر می‌شود مانند ملت عشق ققتوس. در اینجا این افراد کتابی را که ناشر بیست هزار تومان قیمت زده را سی هزار تومان می‌زنند و در واقع قیمت را بالا می‌برد و در منطقه‌ی دورافتاده‌ای در استان فارس یا اصفهان پخش می‌کند. فرض کنید ناشر با سی درصد تخفیف ۱۴ هزار تومان کتاب را می‌فروخته است قاچاقیان آن را سی هزار تومان کرده‌اند اما با ۵۰ تا ۶۰ درصد تخفیف و با همان قیمت ۱۴ یا ۱۲ هزار تومان می‌فروشد. قیمت همان قیمت ناشر می‌شود اما قیمت آن را دست‌کاری کرده است. خیلی از کتاب‌فروشی‌هایی که می‌بینم به‌ویژه در ایستگاه‌های ترمینال‌های مسافربری شهری کتاب‌هایی می‌فروشند برای نمونه من در ایستگاه هواپیمایی مشهد می‌آدم ساعت ۱۲ و ۱ نیمه شب می‌خواستم سوار هواپیما شوم. متوجه جایی که کتاب می‌فروختند شدم دیدم نزدیک ۲۰۰ هزار تومان از کتاب‌های من آنجا بود. تمام کتاب‌های من با قیمت‌های دست‌کاری شده وجود داشت. هنگامی که اعتراض کردم گفتند اجاره‌ی اینجا بالاست و نمی‌صرفد با قیمت اصلی آن بفروشیم. مردم هم چون ترمینال است می‌خرند. به این کارها می‌توانیم کارهای غیرفرهنگی برای سودجویی بیش‌تر بگوئیم. قاچاق کتاب معنای دیگری دارد این که سودجویان و محترک‌رانی که به پول می‌اندیشند و به هر قیمتی برای دست پیدا کردن به آن تلاش می‌کنند اما قاچاقچیان را افرادی که پیش از انقلاب بودند را می‌دانم که کار این‌ها سیاسی بود و کتاب سیاسی و ممنوع منتشر می‌کردند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ همکاری کتاب‌فروشان با مافیای کتاب</p>	<p>آقای قدیانی</p>
<p>کتاب‌فروشی‌ای در خیابان فاطمی که عضو اتحادیه هم هست و معتبر و قدیمی است پشت ویتترین مغازه‌اش کتاب قاچاق قرار داده بود. حکم تفتیش گرفتیم و وارد مغازه شدیم گفت همان یک کتاب است اما ما داخل مغازه را گشتیم و نزدیک به ۴۸ کتاب پیدا کردیم. این موضوع مربوط به تاریخ ۱۷ فروردین است؛ پرونده شد و به دادسرا رفت اما از آن تاریخ تاکنون هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است. کتاب چاپ کردن برای ناشر هزینه دارد.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/عوامل مرتبط با ناشران و کتاب‌فروشی‌ها/ همکاری کتاب‌فروشان با مافیای کتاب</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>

ضعف در حوزه قوانین و مقررات

مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که برخی از خلأها و نقاط ضعف در حوزه قانون‌گذاری سبب شده است که بستر مناسب برای چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب فراهم آید. بر اساس

مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، عوامل مرتبط با قوانین و مقررات شناسایی شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.



نمودار ۴-۵) ضعف در حوزه قوانین و مقررات

جدول ۴-۷) توزیع فراوانی ضعف در حوزه قوانین و مقررات

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
نپیوستن به کی‌رایت	۵	۳۸/۴۶	۳۸/۴۶
به روز نبودن قوانین مرتبط با حوزه کتاب	۴	۳۰/۷۷	۳۰/۷۷
طولانی بودن فرآیند دادرسی	۲	۱۵/۳۸	۱۵/۳۸
قطع یارانه‌ها در دهه ۷۰	۱	۷/۶۹	۷/۶۹
محدود بودن اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱	۷/۶۹	۷/۶۹
Total	۱۳	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۱۳	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، دو ضعف اصلی در حوزه قوانین حوزه چاپ و نشر وجود دارد. مورد اول این است که کشور ما عضو کنوانسیون برن نیست و از

این نظر قوانین مربوط به کپی‌رایت در کشور ما رعایت نمی‌شود. این موضوع سبب شده است که نه ناشران اصلی حقوق ناشران خارجی را رعایت کنند و نه کسانی که کتاب‌های پرفروش را تکثیر غیرقانونی می‌کنند، حقوق ناشران اصلی را. در واقع این را می‌توان یک زنجیره دید که محصول یک خلأ قانونی است. دومین نکته این است که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که قوانینی که در این حوزه وجود دارد، قدیمی است و با اقتضائات امروزی این صنعت همخوانی و تناسب ندارد. از این رو نیاز به تجدیدنظر در قوانین وجود دارد.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۸) دیدگاه‌ها و نظرات مصاحبه‌شوندگان پیرامون ضعف در حوزه قوانین و مقررات

مصاحبه‌شونده	کد	بخش بازبایی شده
آقای قدیانی	زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف در حوزه قوانین و مقررات/به روز نبودن قوانین مرتبط با حوزه کتاب	من بر این باورم که هر قانون نادرستی درست اجرا شود بهتر از بی‌قانونی است. قوانین گذشته بهتر است اصلاح شود نه این که انجام نمی‌شود و انجام آن به هرروی در جامعه امنیت به وجود می‌آورد و اگر مشکلی دارد باید به روز شوند. همین نمونه‌ای که عرض کردم دادگاه رسانه دو یا سه سال از زمان تاسیسش می‌گذرد شما شکایت می‌کنید و می‌گویید فلانی کتاب مرا با این مشخصات کپی کرده است و آن فرد نامه‌ای نشان می‌دهد که ناشر دو سال پیش نامه‌ای به او نوشته با این مضمون که فلانی دست از این کار بردارید و در واقع مدارا کرده است و پس از گذشت دو یا سه سال ناشر شکایت کرده است و آن نامه علیه خودش به کار گرفته می‌شود که این ناشر سه سال است از روند این کار باخبر است و گذشت کرده است و این ضعف قانونی است که وجود دارد.
آقای سناپور	زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف در حوزه قوانین و مقررات/به روز نبودن قوانین مرتبط با حوزه کتاب	به نظر من زمینه‌های اصلی شکل‌گیری این پدیده: ۱- بی‌قانونی فراگیر در همه‌ی ارکان اجتماع و رفتارهای اجتماعی ۲- نپیوستن ما به کپی‌رایت و معاهدات بین‌المللی ۳- نداشتن قوانین سخت‌گیرانه برای قانون‌شکنان ۴- نبودن مراجع مشورتی آشنا برای مؤلفان در صورت از بین رفتن حقوقشان.
آقای سناپور	زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف در حوزه قوانین و مقررات/به روز نبودن قوانین مرتبط با حوزه کتاب	به نظرم هر دو به یک اندازه. به نظرم هم اجرای ضعیف قوانین موجود مهم است و هم قوانین موجود با اقتضائات امروزی همخوانی ندارند. به نظر من هر دو به یک اندازه در وقوع این پدیده مؤثر هستند.

<p>هنگامی که نویسنده نتواند زندگی اش را از راه نوشتن بگذراند چه اشتیاقی برای نوشتن اثر دیگری دارد؟ متأسفانه جزایی که در برابر این جرائم وجود دارد ناکارآمد است. آخرین قانونی که در این زمینه وجود دارد مربوط به سال ۵۴ است. در آن هنگام اصلاً به این صورت مطرح نبود. به این شکل بود که کسی بخواهد از دیدگاه دیگری استفاده کند. یعنی قانون ما آن است. باید قانون تازه تری وضع شود تا بتوانیم کاری انجام دهیم. در این مورد دست قاضی بسته است.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /به روز نبودن قوانین مرتبط با حوزه کتاب</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>یا این که این قدر پروسه‌ی دادرسی طولانی می‌شود که طرف از ادامه‌ی راه منصرف می‌شود. عده‌ای هم که می‌روند می‌گویند باید برویم از حقوقمان دفاع کنیم. ما در همین جریانی که چند سال با همکاری اتحادیه اتفاق افتاده به این نتیجه رسیده‌ایم که بسیاری از افراد اصلاً انگیزه‌ای برای شکایت ندارند. دلایل گوناگونی دارد که باید در جای خود به آن‌ها رسیدگی شود. جلوی چشمش روز روشن می‌بیند کتابش را تکثیر می‌کنند و مالش را می‌برند اما تنها کاری که می‌کند تماشا کردن است.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /طولانی بودن فرآیند دادرسی</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>نویسنده بخواهد ادعای خسارت کند می‌گویند بروید قوه‌ی قضاییه شکایت کنید. که اگر وارد این ماجرا شود که پروسه‌ی تازه‌ای آغاز می‌شود که پایان آن اصلاً مشخص نیست.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /طولانی بودن فرآیند دادرسی</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>پدیده‌ای داریم که این روزها در حال رخ دادن است. برخی از افراد سوچو که بیشتر از آن‌ها از گذشته و از دهه‌ی ۷۰ در حوزه‌ی نشر بودند دوره‌ای ما یارانه می‌دادیم و این‌ها از روش‌های غیرقانونی از این یارانه‌ها ارتزاق می‌کردند بعد که یارانه‌ها فروکش کرد و کارها تا اندازه‌ای هدفمند و نظام‌مند شد و نمی‌توانستند از این حوزه ارتزاق کنند به این سمت آمدند که کار تازه‌ای انجام دهند. رصد کردند و کتب پرفروش ناشران را پیدا می‌کنند حتی روی شخصیت ناشر آن‌هم مطالعه می‌کنند که چگونه افرادی هستند آیا پیگیرند یا خیر. آیا می‌توانند با این کار مقابله کنند یا خیر و مسائل دیگری که این افراد در حاشیه انجام می‌دهند و پس از آن به تکثیر کتاب می‌پردازند. کتاب در ۵، ۴ یا ۱۰ نوبت منتشر شده است دقیقاً مانند همان را می‌زنند. با همان نام، اسم و ناشر و نویسنده را حفظ می‌کنند برای نمونه می‌گویند نوبت پنجم و در همان نوبت به تعداد تکثیر می‌کند. هیچ تغییری شکل و ماهیتی در کتاب نمی‌دهد.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /قطع یارانه‌ها در دهه ۷۰</p>	<p>آقای کمالی</p>

وزارت ارشاد پس از انقلاب تاکنون اگر خواسته کاری انجام دهد در حد اختیارات خود به صورت کدخدا منشی وارد می شده است که يك موضوع اختلافی و یا مباحثی که مربوط به حقوق مادی و معنوی يك اثر می شود که اختلافی است رسیدگی و حل کند. در بسیاری مواقع هم موفق بوده اما در بسیاری اوقات هم نمی توانسته کاری انجام دهد. در واقع می دیده که این رویداد قانونی نیست اما نمی توانسته کاری هم انجام دهد. قوه قضاییه و وضعیت دادرسی این قدر چیز است البته این را هم باید بیفزایم که خیلی جاهت این دوستانی که در این حوزه دچار آسیب می شوند اصلاً انگیزه ای برای پیگیری ندارد شماری از این افراد شخصیتشان اجازه نمی دهد.

زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /محدود بودن اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آقای کمالی

به نظر من زمینه های اصلی شکل گیری این پدیده: ۱- بی قانونی فراگیر در همه ی ارکان اجتماع و رفتارهای اجتماعی ۲- نبودن ما به کپی رایت و معاهدات بین المللی ۳- نداشتن قوانین سخت گیرانه برای قانون شکنان ۴- نبودن مراجع مشورتی آشنا برای مؤلفان در صورت از بین رفتن حقوقشان است.

زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /نبودن کپی رایت

آقای سنابور

این سبک کار را در تمام دنیا داشتیم و داریم اما بحث اینجاست که در کشورهای دیگر قانونی به نام کپی رایت دارند. برای نمونه اگر در يك کشور توسعه یافته اگر يك سی دی را کپی کنید و بفروشید و شما را دستگیر کنند برای آن ها با فروش کواکثین تفاوتی ندارد. یعنی در آنجا قانونی و غیر قانونی ندارند. در واقع جرم نخست اصل داستان است می گویند کاری نداریم این سی دی قانونی است یا غیر قانونی می گوئیم شما حق نداشتید آن را کپی کنید و بفروشید.

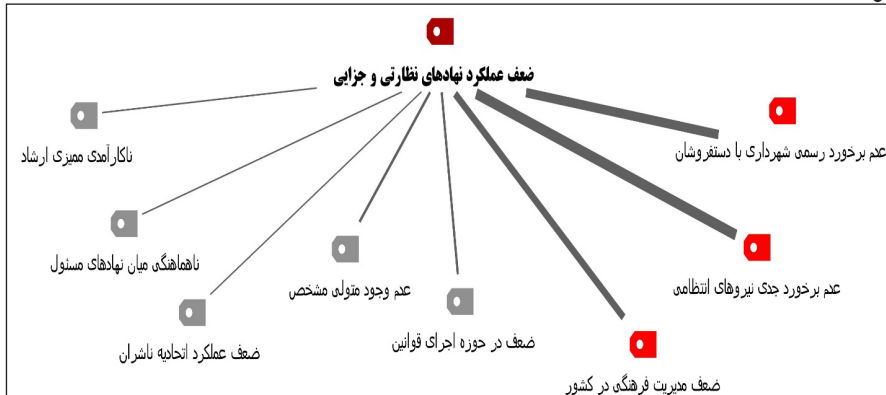
زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /نبودن کپی رایت

آقای حسن پور

<p>موضوع بعدی این است که دو سال و نیم است من در بخارا ستونی با نام در حواشی کتاب دارم که در اینجا در مورد موضوعات مختلف کتاب سخن می گویم. چهاردهمین نوبت آن این شماره منتشر شد که مقاله‌ی نخست آن مربوط به کاری است که سیدآبادی و دوستانش انجام دادند. در آنجا فکر می کنم چند جا به کپی رایت در ایران برگشتم و یکی از آن‌ها با همین نام است. چرا این گونه است و تلاش کردم ریشه‌های آن را پیدا کنم و دلایل این موضوع چیست. من در صفحه‌های با نام داستان نویسان هستم صد تا دوست تن از بچه‌های داستان نویس هم در آن هستند و از هر قشری نیز وجود دارند. پرکار و کم کار؛ مشهور و ... در آنجا کسی می گوید دنبال فلان کتاب هستم دیگری می گوید من پی دی اف آن را دارم بعد می بینم ده تن داوطلب می شوند که پی دی اف آن کتاب را بگیرند. یک بار من اعتراض کردم که خود شما صاحب علاقه‌اند هنگامی که احترام مسجد را متولی نگه ندارد چه انتظاری از دیگران دارید؟ یعنی خود شما کپی رایت را رعایت نمی کنید.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /نپیوستن به کپی رایت</p> <p>آقای آموزگار</p>
<p>نکته‌ای که وجود دارد این است که دلایل این بی توجهی این قانون را بی خاصیت می کند. شخص کتاب را ترجمه و منتشر کرده است برای نمونه نشر آموت کتاب من پیش از تو و من پس از تو جو جو مویز که نه حقوق صاحب اثر را پرداخت کرده و نه هیچ کار دیگری و پرفروش هم شده است دیگری دقیقاً مانند این کتاب را تکثیر کرده است صدای نشر آموت درآمده است که وا اسلام‌ها؛ این گونه نمی شود برادر من خود شما هم کار درستی انجام نداده‌اید. در واقع نمی توان چشم داشت این را داشت دقیقاً مانند این است که مالی را از خانه‌ای بیاورید و از آن استفاده کنید اگر کسی آن را بدزد می گوید آن مال به من تعلق دارد چرا آن را برداشتید. این‌ها داستان‌هایی است که ما مطرح می کنیم. فرض کنید اگر دزدی زشت و جرم است تفاوتی ندارد.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /نپیوستن به کپی رایت</p> <p>آقای آموزگار</p>
<p>بخشی از کنوانسیون برن کتاب است بخش دیگر آن صدا و سیما است. یعنی اگر به این کنوانسیون بپیوندم صدا و سیمای ما در عمل تعطیل می شود. صدا و سیما بسیاری از فیلم‌ها یا فوتبالی‌هایی که بخش می کند غیرقانونی است. اگر به این قانون بپیوندم حق سانسور نداریم به همین دلیل کشور ما نمی تواند آن را امضا کند و متأسفانه بسیاری از ناشران و فعالان فرهنگی هم فکر می کنند نپیوستن به این کنوانسیون به سود آن‌هاست چون می گویند ما چیزی برای عرضه به دنیا نداریم و تنها واردکننده هستیم پس همین گونه وارد کنیم و ترجمه کنیم.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف در حوزه قوانین و مقررات /نپیوستن به کپی رایت</p> <p>آقای حسین زادگان</p>

ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، عوامل مرتبط ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی شناسایی شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.



نمودار ۴-۶) ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی

جدول ۴-۹) توزیع فراوانی ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی	۷	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
عدم برخورد رسمی شهرداری با دستفروشان	۶	۲۱/۴۳	۲۱/۴۳
ضعف مدیریت فرهنگی در کشور	۵	۱۷/۸۶	۱۷/۸۶
عدم وجود متولی مشخص	۳	۱۰/۷۱	۱۰/۷۱
ضعف در حوزه اجرای قوانین	۳	۱۰/۷۱	۱۰/۷۱
ناکارآمدی ممیزی ارشاد	۲	۷/۱۴	۷/۱۴
ناهماهنگی میان نهادهای مسئول	۱	۳/۵۷	۳/۵۷
ضعف عملکرد اتحادیه ناشران	۱	۳/۵۷	۳/۵۷
Total	۲۸	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۲۸	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، مهم‌ترین عوامل در این دسته، عدم برخورد جدی نیروهای نظامی و شهرداری‌ها است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که لازم است در مرحله اول از برخورد با این پدیده، ابتدا شهرداری‌ها مبادرت به جمع‌آوری دست‌فروشان از سطح شهر نمایند، اما عدم برخورد رسمی و جدی شهرداری‌ها سبب شده است که دست‌فروشان که کتاب قاچاق می‌فروشند به راحتی بساط خود را بگسترانند و بی‌هیچ ترس و تردیدی به کار خود مشغول شوند. این پدیده چنان در خیابان انقلاب تهران فاحش و ملموس است که برخی ظن فساد و دریافت رشوه توسط مأموران سد معبر شهرداری را می‌برند. در گام بعدی نیاز است که نیروهای انتظامی با عاملان اصلی چاپ و توزیع کتاب‌های غیرقانونی که به ادعای اتحادیه شناسایی شده نیز هستند، برخورد جدی به عمل آورد که تاکنون فقدان این برخورد نیز سبب گسترش فروش کتاب‌های قاچاق شده است. در کنار این دو عامل، عامل سوم نیز شناسایی شده است که عبارت است از: ضعف مدیریت فرهنگی. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مدیریت فرهنگی کشور عملکرد چندان موفق نداشته است. این موضوع به‌ویژه در مرحله ممیزی کتاب‌ها مورد نظر مصاحبه‌شوندگان بوده است. علاوه بر این، مصاحبه‌شوندگان معتقدند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان متولی امر فرهنگی در کشور، باید به‌عنوان نهاد میانجی میان ناشران و اتحادیه ناشران و نیروهای انتظامی، دادگاه‌ها و شهرداری‌ها عمل نماید تا این مسئله به نحوی شایسته حل شود.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۱۰) نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی

بخش بازبایی شده	کد	مصاحبه‌شونده
<p>در ایران در حال حاضر قوانین زیادی داریم و محدودیت‌های فراوانی وجود دارد اما چرا نظم و نسق لازم جامعه از بین نمی‌رود چون نگاه به قانون ضعیف است برای این که مردم احساس می‌کنند قانون را رعایت کنند یا نکنند چندان تفاوتی ندارد. برای شما نمونه‌ای می‌آورم؛ سی سال بود که اتومبیل‌های ما مانند پیکان و ژیان و هر ماشین دیگری که بود کمر بند داشت و هیچ‌یک از ما نمی‌دانستیم چیست و گمان می‌کردیم زائد است. می‌دانستیم کمر بند است اما نمی‌دانستیم چه کارایی ای دارد؛ پلیس راه یک روز گفت هرکسی می‌خواهد از تهران به رشت رود در جاده‌ی رشت باید کمر بند ببندد. نخست شماری از مردم گفتند این سوسول‌بازی‌ها چیست و کمر بند چیست و اعتراض کردند. چند تصادف رخ داد و هنگامی که پلیس جریمه کرد مردم ناچار به بستن کمر بند شدند. چند تصادف اتفاق افتاد و منجر به مرگ و جراحت زیاد نشد چون کمر بند بسته بودند از آن هنگام مردم جدی شدند و با خود گفتند پس کمر بند این اندازه خوب است؟ من بارها در اطراف خود دیدم که ماشین معلق زد اما چون فرد کمر بند بسته بود از بین نرفت و نهایتاً دستش ضرب دید یا سرش شکست. از زمانی که گفتند هرکسی کمر بند نبندد جریمه می‌شود این داستان به‌صورت فرهنگ درآمد. هم‌اینک شما اگر سوار اتومبیلی به‌عنوان مسافر می‌نشینید بی‌اختیار کمر بند خود را می‌بندید. برخورد بسیار مهم است. قانون بستن کمر بند شاید بیست سال هم بود که وجود داشت اما ما خبر نداشتیم. من یادم نمی‌آید اما شاید در سال ۵۳ یا ۵۴ که من گواهینامه گرفتم شاید در تصدیق ما بود که هنگام رانندگی باید کمر بند بسته شود اما چون به آن توجهی نشده بود و روی آن تمرکز صورت نگرفته بود کسی از آن استفاده نمی‌کرد اما از مقطعی که به آن توجه شد همه بستند. این در مورد بسیاری مسائل صادق است. شما اگر به‌کپی‌رایت پیوندید رایت بسیاری از کتب اعم از داخلی و خارجی و ترجمه و تألیف را بخرید اما برای برخورد با متخلف اراده‌ای نداشته باشید. برای پلیس کاری ندارد ما تمام این افراد را می‌شناسیم یک کمیته‌ی کارگروهی در اتحادیه تشکیل شده تمامی این افراد را تک به تک با نشانی و نام و نام خانوادگی می‌شناسیم. هشت تا ده نفر روسای این کار هستند. این ده نفر را بگیرند و مجازاتشان کنند و ملکی به‌عنوان وثیقه از آن‌ها بگیرند و آزادشان کنند و بگویند اگر این کار تکرار شود ملکشان را مصادره می‌کنیم. این کار مناسب است. من نمی‌گویم آن‌ها را بکشند یا زندانی کنند. فرد خانه‌ی خود یا خانواده و فامیلش را برای این کار به خطر نمی‌اندازد و وارد کار شرافتمندانه‌ای می‌شود. البته من می‌دانم این مبارزه با معلول است و علت که همان نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و تبعیض و فقر است سر جای خود هست. تا هنگامی که این موضوعات ریشه‌کن نشود باز هم امکان دارد از سوی شاخه‌های این درخت جوانه بزنند؛ اما دست کم در این مقطع می‌توانید این داستان را پیش ببرید که این افراد به این آسانی نتوانند ترک‌تازی کنند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی/ضعف در حوزه اجرای قوانین</p>	<p>آقای کیابیان</p>

<p>به نظرم هر دو به یک اندازه. به نظرم هم اجرای ضعیف قوانین موجود مهم است و هم قوانین موجود با اقتضانات امروزی همخوانی ندارند. به نظر من هر دو به یک اندازه در وقوع این پدیده مؤثر هستند.</p>	<p>آقای سنابور</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی/ضعف در حوزه اجرای قوانین</p>
<p>شخصی کتاب را از سایت خریداری کرده است و برای او فلان کتاب فاکتور شده است. فاکتور آن را دارد کتابش را تحویل گرفته است. شخص متخلف فاحش است. قاضی می‌گوید از کجا معلوم است همین کتاب را برای او فرستاده‌اید؟ درحالی که وقتی شما دزدی را دستگیر می‌کنید قاضی هیچ‌گاه نمی‌پرسد از کجا معلوم که این شخص در حال دزدی بوده است؟ شاید می‌خواستند از ماشین شما آب بردارد و بخورد. دزد را می‌گیرند شما شکایت می‌کنید که فلانی از من دزدی کرده و او را دستگیر می‌کنند. پلیس او را در محل دستگیر می‌کند شب را در کلاتری می‌ماند و فردا به دادگاه می‌رود و تمام. قاضی از دزد نمی‌پرسد آیا به‌راستی شما دزدی کرده‌اید؟ یا آقای کلاتری ثابت کنید این فرد دزدی کرده است. آقا ما این شخص را در حین ارتکاب دستگیر کرده‌ایم. این شاید خلأ قانونی است و یا نبود توجیه و یا این که اصلاً نمی‌خواهیم خود را وارد ماجرا کنیم. این قدر مسائل پیچیده داریم که به این موضوع نمی‌رسیم هر چیزی می‌تواند باشد. درواقع هنوز سیستم قضایی و پلیس ما در مورد این موضوع توجیه نیست. می‌گویند کتاب می‌فروشد یعنی چی؟ بله کتاب می‌فروشد اما کتاب به دیگری تعلق دارد. اگر من کنار خیابان طلا بفروشم خوب طلا می‌فروشم کار خاص و بدی که انجام نمی‌دهم. این گونه است که اگر کسی بخواهد از من طلا بخرد فاکتور طلا فروشی می‌خواهد این نیز خلأ قانونی است. کسی که هدیه گرفته است باید چه کند؟ همه‌ی ما در خانه‌هایمان چنین افرادی را داریم. شخصی دو یا سه یا ده سکه و اکنون هم بیش‌تر در عروسی‌ها هدیه گرفته‌اند مگر کسی فاکتور می‌دهد؟ طلا فروش هم این را می‌داند. ما خلأهای فراوانی داریم که از روی آن قل می‌خوریم و می‌توان از روی آن سر خورد اما در مورد کتاب به‌صورت فاحش با این موضوع درگیریم. البته راه هم دارد. کار گروه درستی تشکیل شود قوانین را آماده کنیم. ما این قدر با قاضی و وکیل و دادسرا کل کل کردیم تمام خلأها را استخراج کرده‌ایم و متوجه شده‌ایم. اکنون دادسرای ویژه‌ی کتاب داریم که تنها روی این موضوع کار می‌کنند. به اندازه‌ای توضیح داده‌ایم که نکفتی است و البته بازهم شبهاتی به وجود می‌آید و بازهم قاضی در حکم صادر کردن شک دارد.</p>	<p>آقای حسن پور</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی/ضعف در حوزه اجرای قوانین</p>

متأسفانه در بحث صنفی و کسب و کار ما چندان جدی نیستیم و قاعده ندارد. برای همین هم نمی شود نظارت جدی ای انجام داد. وزارت ارشاد هم نمی تواند در کسب و کار دخالت کند چون يك موضوع صنفی است. اگر بخواهیم این گونه شود نیاز به زیرساخت های بهتری داریم و اتحادیه باید در این مورد جدی تر باشد. بحث ها و نظارت صنفی باید دقیق تر شود. یکی از مباحثی که در این کارگروه مطرح می شد این بود که وزارت ارشاد نمی تواند در میدان انقلاب با کسی که کتاب غیرمجاز می فروشد برخورد کند. هنگامی که وارد سبزه میدان می شوید می بینید شماری دست فروش هستند که لباس می فروشند مغازه دار بازار به اتحادیه اش اعتراض می کند که من مالیات و عوارض می دهم نمی شود که این دست فروشان بدون پرداخت هزینه ای مزاحم کسب و کار من شوند. آن ها این دست فروشان را جمع می کنند. در اینجا است که اتحادیه ی نشر باید خودی نشان دهد و هماهنگ کند و کسانی که کتاب بساط می کنند را جمع کنند چرا که کتاب فروشان و ناشران متضرر می شوند. ناشر حرفه ای در همین اتاق من می گفت رو به روی فروشگاه من کتاب خودم را روزی ده تا پانزده جلد از کتابی که من حتی يك جلد هم نمی فروشم می فروشد. این برای او سنگین نیست؟ می گوید به اتحادیه هم گزارش دادم اما کاری نمی کنند شما کاری بکنید؛ ما چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ ارشاد در بالاترین سطح جلسات هماهنگی گذاشته است از فرمانده نیروی انتظامی و قوه ی قضاییه و اتحادیه ی ناشران یعنی در بالاترین سطح و با حضور وزیر این اتفاق افتاده است اما نمی تواند وارد کف خیابان شود چون وظایف انتظامی بر عهده اش نیست. این وظایف به عهده ی اتحادیه ی ناشران است که به نیروی انتظامی گزارش می کند.

زمینه ها و عوامل اثرگذار
بر قاچاق کتاب / ضعف
عملکرد نهادهای نظارتی
و جزایی / ضعف عملکرد
اتحادیه ناشران

آقای کمالی

عامل اقتصادی اصلاً عامل این کار نیستند. چون تفاوت این ها صفر است. خنده دار است اگر بگویم در برابر دانشگاه تهران کتاب خود من را چاپ زدند کتابی که من چاپ کرده ام آن را روی آسفالت می سابند روی کتاب خط می اندازند و می گویند این سانسور شده نیست آن که در مغازه وجود دارد سانسور شده است. این فاجعه است. قیمت کتاب من ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان است و دست فروشان ۵۰ هزار تومان می فروشند. این به این دلیل است که ما در مدیریت فرهنگی نتوانستیم اطمینان مردم را جلب کنیم. چگونه می توانند چنین کلاهی سر مردم بگذارند؟ طرف فکر نمی کند که این ناشر وجود دارد کتاب هم که هست همان صفحه هم هست چگونه می گوید این اصل است و آن فرع. يك بار نمی پرسد کجای آن عوض شده است؟ چون به دست فروش بیش از شما اعتماد دارد. باید به این دقت کرد. بنابراین من عامل اقتصادی را داخل نمی دانم. عامل اقتصادی دانستن نشانی نادرست دادن است. هیچ گاه هم به مسیر درستی نمی رسیم.

زمینه ها و عوامل اثرگذار
بر قاچاق کتاب / ضعف
عملکرد نهادهای نظارتی
و جزایی / ضعف مدیریت
فرهنگی در کشور

آقای حسن پور

فلسفه‌ی آمدن کتاب در بازار این گونه شد کتاب‌هایی که اجازه‌ی انتشار نمی‌گرفت وارد بازار سیاه می‌شد. در دوره‌ای کتاب‌های بیش‌تری اجازه‌ی چاپ گرفتند تجارتي به راه افتاده بود. فرهنگ کنار خیابان خریدن کتاب به وجود آمده بود. عدم اطمینان به ساختار فرهنگی کشور اما این فرهنگ که سر جای خود است. شما می‌گویید فلان کتاب مجوز نگرفته است می‌گویند در بازار هست می‌گوید نیست هرچه شما پافشاری می‌کنید که به خدا همان است می‌گویید نه باور نمی‌کند. از دید من هر دو سو مقصرند.

زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف عملکرد نهادهای نظارتي و جزایی/ضعف مدیریت فرهنگی در کشور

آقای حسن پور

نبود اطمینان فرهنگی ایراد دیگری هم دارد. ما با پیگیری‌هایی که انجام دادیم چند باند بزرگ از این افراد را پیدا کردیم. کوشش مشترك میان ارشاد و اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران، اماکن و پلیس امنیت بود باور نمی‌کنید هنگامی که وارد کتاب‌فروشی می‌شدیم البته ما که نه معمولاً بازرسان این کار را انجام می‌دادند. کتاب قاچاق به تعبیر شما را می‌گرفتند. زمانی که می‌خواستند جنس را ببرند و به‌صورت موقت مغازه را تعطیل کنند تا مسائل قانونی آن انجام شود مردم معترض می‌شدند که چرا کتاب‌فروشی را می‌بندید می‌بینید؟ ما ساختاری مشکل داریم. یعنی اطمینان ندارند و فکر می‌کنند آن کتاب‌فروش فرد خوبی است و شما به بهانه‌ی این که کتاب غیرقانونی را می‌گیرید اعتراض می‌کنند متوجه هستید؟ از این موارد بسیار بود. در جلساتی که با دوستان گفت‌وگو می‌کردیم آخرین آپشن ما این بود که بی‌بی‌سی و VOA چه می‌کنند. یکی از کارهایی هم که يك يا دو ماه پیش انجام شد این بود که حرکت بسیار بزرگی بود بالای دو میلیارد تومان يك نفر کتاب مردم را چاپ کردند.

زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب/ضعف عملکرد نهادهای نظارتي و جزایی/ضعف مدیریت فرهنگی در کشور

آقای حسن پور

<p>ریشه‌ی اصلی این قضیه این است که دولت برخورد نمی‌کند. ما که به‌عنوان شخص، ضمانت اجرایی نداریم و فقط می‌توانیم شکایت کنیم ولی در آخر آن‌ها برنده‌اند. یک همت ملی می‌خواهد که با این پدیده برخورد شود. چگونه کسی را که سر خیابان مواد بفروشد بازداشت می‌کنند ولی کسی که کتاب، قاچاق می‌کند را نمی‌گیرند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /ضعف مدیریت فرهنگی در کشور</p> <p>آقای جعفریه</p>
<p>کار اصلی ارشاد این است که با این پدیده برخورد و چک کند کتابی که به دست مردم می‌رسد تقلبی نباشد و باید کارشناس داشته باشد و ببینند این کتاب چیست و به هر کتابی مجوز ندهد ولی کار اصلی خود را انجام نمی‌دهد. کار ارشاد این نیست که کتابی را که من می‌خواهم چاپ کنم بگوید این قسمت آن مشکل دارد و باید ممیزی بخورد. قضیه‌ی آن‌هم این است که باید فعال شود و به‌عنوان مدعی‌العموم برخورد کند. یک قسمت از این وزارتخانه فعال است و با سی‌دی‌هایی که به‌صورت کپی می‌آید برخورد و آن‌ها را از مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و ... جمع می‌کند و برای ما جای پرسش وجود دارد که چگونه در حوزه‌ی کتاب این کار را نمی‌کنند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /ضعف مدیریت فرهنگی در کشور</p> <p>آقای جعفریه</p>
<p>انتظار و توقع ما این است دوستانی که در این زمینه تصمیم گیرنده هستند به‌صورت ضربتی مگر کسانی که برای تظاهرات به خیابان بیایند برای برخورد با آن‌ها منتظر دستور و اجازه‌ی قوه‌ی قضاییه می‌مانند؟ یا اگر بخواهید دزدی را بگیرید که به خانه‌ی کسی رفته است اول پشت در می‌ایستید و در و دیوار را نگاه می‌کنید بعد می‌گویید باید از قوه‌ی قضاییه نامه بیاورند تا ما بتوانیم از دیوار بالا رویم و دزد را دستگیر کنیم؟ اگر پلیس چابکی‌های این چنینی نداشته باشد دزد کار خود را انجام می‌دهد و می‌رود.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی</p> <p>آقای کبیان</p>

از دید من در اینجا کار از توانایی ارشاد و اتحادیه‌ی ناشران خارج است. این کار امنیتی است و حراست جامعه قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی وارد عمل شوند. باید این‌ها را دستگیر و مجازات کنند. شما کنار خیابان دعوی کوچکی با کسی انجام می‌دهید شش ماه باید در کلانتری رفت و آمد کنید. حکم سریع لازم دارد مثال رضاشاه است که نانوائی را در جا در تنور انداخت و کشت و نانوهای مملکت درست شدند. کاری به درستی کار نداریم اما به هر روی اگر دو نفر از ناشر نماها را بگیرند و محاکمه و مجازات کنند با این کار شماری از افراد از آبروی خود خواهند ترسید و به سراغ این کار نمی‌روند. شهرداری کاری کند چون این کتاب‌ها در حاشیه‌های خیابان فروخته می‌شود. کتاب‌فروش‌ها معمولاً زود متوجه این موضوع می‌شوند و اگر ده تن این کار را انجام می‌دهند جمع می‌کنند. چون این‌ها گوشه‌ی خیابان و غیر مستقیم فروخته می‌شوند.

زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب / ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی / عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی

آقای قدیانی

سودجویان و کسانی که تنها به مادیات فکر می‌کنند و امکان جلوگیری و مانع از انجام کار آن‌ها شدن به روال عادی و طبیعی وجود ندارد و وظیفه‌ی نیروی انتظامی و حراست جامعه است با کمک ناشران و اتحادیه که کاملاً آگاه هستند کار چه کسانی است با آن‌ها برخورد کند و ۵ نفر از آن‌ها را محاکمه و در تلویزیون با آن‌ها مصاحبه کنند و از راه فرهنگی و رفتار اسلامی و دینی این افراد دست از این کار بردارند؛ اما این که بخواهیم این‌ها را به ده روز زندان و ۵ شلاق محکوم کنیم سودی ندارد. تنها در یک صورت این‌ها دست از کار برمی‌دارند که آبرو و حیثیتشان خدشه‌دار شود. زمانی خیابان ناصر خسرو محل فروش دارو فروش‌ها بود که برخی از آن‌ها نام‌های مستعاری مانند سیاه‌رو و سفیدرو و مانند آن داشتند چند روزنامه‌نگار با این‌ها مصاحبه کردند و چاپ کردند و آبروی این‌ها رفت و پلیس هم آن‌ها را جمع کرد و این‌ها زیرزمینی شدند و شماری از آن‌ها نیز از این گردانه خارج شدند. قاچاقچیان کتاب امروز این کار را علناً چاپ می‌کنند و می‌فروشند و مشخص است کار چه کسی و با پررویی هم قلدری می‌کند و می‌گوید هر کاری می‌خواهید انجام دهید.

زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب / ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی / عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی

آقای قدیانی

<p>شخصی کتاب را از سایت خریداری کرده است و برای او فلان کتاب فاکتور شده است فاکتور آن را دارد کتابش را تحویل گرفته است. شخص متخلف تخلفش فاحش است. قاضی می گوید از کجا معلوم است همین کتاب را برای او فرستاده‌اید؟ درحالی که وقتی شما دزدی را دستگیر می کنید قاضی هیچ گاه نمی پرسد از کجا معلوم که این شخص در حال دزدی بوده است؟ شاید می خواسته از ماشین شما آب بردارد و بخورد. دزد را می گیرند شما شکایت می کنید که فلانی از من دزدی کرده و او را دستگیر می کنند. پلیس او را در محل دستگیر می کند. شب را در کلانتری می ماند و فردا به دادگاه می رود و تمام. قاضی از دزد نمی پرسد آیا به راستی شما دزدی کرده‌اید؟ یا آقای کلانتری ثابت کنید این فرد دزدی کرده است. آقا ما این شخص را در حین ارتکاب دستگیر کرده‌ایم. این شاید خلأ قانونی است و یا نبود توجیه و یا این که اصلاً نمی خواهیم خود را وارد ماجرا کنیم. این قدر مسائل پیچیده داریم که به این موضوع نمی رسیم هر چیزی می تواند باشد. در واقع هنوز سیستم قضایی و پلیس ما در مورد این موضوع توجیه نیست. می گویند کتاب می فروشد یعنی چی؟ بله کتاب می فروشد اما کتاب به دیگری تعلق دارد. اگر من کنار خیابان طلا بفروشیم خوب طلا می فروشم کار خاص و بدی که انجام نمی دهم. این گونه است که اگر کسی بخواهد از من طلا بخرد فاکتور طلا فروشی می خواهد این نیز خلأ قانونی است. کسی که هدیه گرفته است باید چه کند؟ همه‌ی ما در خانه‌هایمان چنین افرادی را داریم. شخصی دو یا سه یا ده سکه و اکنون هم بیش تر در عروسی ها هدیه گرفته‌اند مگر کسی فاکتور می دهد؟ طلا فروش هم این را می داند. ما خلاهای فراوانی داریم که از روی آن قل می خوریم و می توان از روی آن سر خورد اما در مورد کتاب به صورت فاحش با این موضوع درگیریم. البته راه هم دارد کارگروه درستی تشکیل شود قوانین را آماده کنیم. ما این قدر با قاضی و وکیل و دادسرا کل کل کردیم تمام خلاها را استخراج کرده‌ایم و متوجه شده‌ایم دادسرای ویژه‌ی کتاب داریم که تنها روی این موضوع کار می کنند. به اندازه‌ای توضیح داده‌ایم که نگفتی است و البته بازهم شبهاتی به وجود می آید و بازهم قاضی در حکم صادر کردن شک دارد.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی</p> <p>آقای حسن پور</p>
<p>حتماً باید قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی همکاری کنند و شهرداری‌های مناطق چون سد معبر در صلاحیت آن‌هاست باید همکاری کنند. باقی ارگان‌های دولتی که نمایشگاه‌های ۵۰ درصد تخفیفی را برگزار می کنند که همه از همین کتاب‌هاست. آن‌ها نیز باید همکاری کنند و همان گونه که می بینید کار بسیار گسترده‌ای است ما نمی توانیم بگوییم اتحادیه همکاری نکرده است یا حتی ناشر چون خود او مایوس می شود و می گویند این همه کار می کنیم در نهایت چه می شود؟ بدون هیچ نتیجه باید ادامه دهیم</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی</p> <p>آقای آموزگار</p>
<p>یا هنگامی که وارد چاپخانه‌ای می شوید و کتاب‌هایی که به این شکل تکثیر می شود را می گیرید مشخص است. این هم مستلزم همکاری نیروی انتظامی است. ما ژنرال بدون ارتشیم. من رئیس اتحادیه‌ی ناشران هستم. ژنرال بدون ارتش یعنی خود من باید پشت ماشینم بنشینم یا موتور بگیرم و این‌ها را شناسایی کنم. هر کاری هستم باید خودم به تنهایی انجام دهم کسی به من کمک نمی کند.</p>	<p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی</p> <p>آقای آموزگار</p>

<p>در کل از شهرداری گرفته تا نیروی انتظامی و قوه قضاییه و ارشاد همه در این میان مقصرند. هیچ برخورد قاطعی در این زمینه انجام نمی شود در واقع عزمی جدی برای جمع آوری این ها وجود ندارد.</p>	<p>زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد جدی نیروهای انتظامی</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>مگر می شود شما يك سوم خیابانی را بگیرید و شهرداری به شما کاری نداشته باشد. مشخص است که شهرداری متوجه می شود. اگر شما يك گاری دستی کوچک را در دور افتاده ترین نقطه ی پیاده رو ببرید و بخواهید میوه بفروشید مأموران شهرداری به زور میوه هایتان را می گیرند و چرخ دستی را هم با خود می برند که نتوانید این کار را انجام دهید. چگونه ممکن است سر فخر رازی در دو سوی خیابان و در برابر دانشگاه تهران و بخشی از پیاده رو بساطهای وحشتناک کتاب وجود دارد که من یک بار شمردم ۶۰۰ عنوان کتاب داشتند. بنابراین بی خود نیست که در این صنف شایعه شده که احتمالاً برخی با این افراد همکاری می کنند.</p>	<p>زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دستفروشان</p>	<p>آقای کیاییان</p>
<p>شهرداری اداره ای دارد به نام جمع کردن مشاغل مزاحم و مناطق مختلف نیروهایی دارند که مأمورند سد معبر را جمع کنند. بعید است که از پس این داستان برنیایند. متأسفم که پس از این همه سال به نتیجه رسیدیم که در اینجا بی صداقتی ای وجود دارد که باید آن را پیدا کرد. اگر این اراده وجود داشته باشد شهرداری به تنهایی می تواند این مشکل را حل کند. هنگامی که منافذ تنفسی مافیا بسته شود که همین بساطها هستند کتاب را می خواهد چه کند؟ بنابراین ناچار به از بین بردن این کسب و کار می شود. این اتفاق هنوز نیفتاده است.</p>	<p>زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دستفروشان</p>	<p>آقای کیاییان</p>
<p>از دید من در اینجا کار از توانایی ارشاد و اتحادیه ی ناشران خارج است. این کار امنیتی است و باید حراست جامعه قوه قضاییه و نیروی انتظامی وارد عمل شوند. باید این ها را دستگیر و مجازات کنند. شما کنار خیابان دعوی کوچکی با کسی انجام می دهید شش ماه باید در کلانتری رفت و آمد کنید. حکم سریع لازم دارد مثال رضاشاه است که نانوائی را در جا در تئور انداخت و کشت و ناوهای مملکت درست شدند. کاری به درستی کار نداریم اما به هر روی اگر دو نفر از ناشر نماها را بگیرند و محاکمه و مجازات کنند با این کار شماری از افراد از آبروی خود خواهند ترسید و به سراغ این کار نمی روند. شهرداری کاری کند چون این کتابها در حاشیه های خیابان فروخته می شود. کتاب فروشها معمولاً زود متوجه این موضوع می شوند و اگر ده تن این کار را انجام می دهند جمع می کنند. چون این ها گوشه ی خیابان و غیر مستقیم فروخته می شوند.</p>	<p>زمینه ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دستفروشان</p>	<p>آقای قدیانی</p>

<p>به نظرم هر چه جلوتر آمده‌ایم انتشار غیرقانونی وسعت گرفته. اگر زمانی فقط کتاب‌های خیلی محبوب ناموجود در بازار به این شکل منتشر می‌شد، حالا این شبکه که حتماً قوی‌تر و گسترده‌تر شده هر کتابی را که در آن سود ببیند منتشر می‌کند. احتمالاً دستگاه‌های جدید چاپ، منسجم شدن شبکه‌ی توزیع، گران‌تر شدن سال‌به‌سال کتاب‌ها، کم‌تر شدن کتاب‌فروشی‌ها به نسبت جمعیت کتاب‌خوان، ضعف نهادهای نظارتی و جزایی و احتمالاً چند عامل دیگر باعث شده که این شبکه‌ی زیرزمینی به شدت قوی شود و دیگر نتوان به راحتی آن را نادیده گرفت یا از میدان به در کرد. انتشار کتاب‌های معجز دار ناشران در سال‌های اخیر هم نشانه‌ی قوت این شبکه است.</p>	<p>آقای سناپور</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دست‌فروشان</p>
<p>در کل از شهرداری گرفته تا نیروی انتظامی و قوه‌ی قضاییه و ارشاد همه در این میان مقصرند. هیچ برخورد قاطعی در این زمینه انجام نمی‌شود. در واقع عزمی جدی برای جمع‌آوری این‌ها وجود ندارد.</p>	<p>آقای حسین زادگان</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دست‌فروشان</p>
<p>دست‌فروش یک تعریف دارد و آن این است که کیفی دارد و اگر شهرداری بیاید فرار می‌کند و یا رشوه‌ای می‌دهد. دست‌فروشان در خیابان فخر راضی مقابل دانشگاه، یکی این سمت و دیگری در آن سمت خیابان کتاب‌های قاچاق می‌فروشند و شما نمی‌دانید باید با این مقوله چه کرد و کسی هم با آن‌ها کاری ندارد. پهن کردن و جمع کردن آن بساط دو ساعت زمان می‌برد و ماشین آن‌ها نیز به‌عنوان انبار در پشتشان قرار دارد و مأمور شهرداری هم کاری ندارد. شما پر تقال فروش را پیدا کنید.</p>	<p>آقای جعفریه</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم برخورد رسمی شهرداری با دست‌فروشان</p>
<p>متأسفانه فکر می‌کنم این داستان هنوز متولی جدی‌ای ندارد. چند بار در این مورد جلساتی در ارشاد تشکیل شد و من هم در آن‌ها حضور داشتم اما در همان کاغذ بازی‌های اداری افتاده و به گمان من با وجود حسن نیت برخی از مسئولان با حرکت لاک‌پشتی پیش می‌رود و اصلاً مشخص نیست به نتیجه‌ای برسد یا خیر.</p>	<p>آقای کیابیان</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم وجود متولی مشخص</p>
<p>به نظر من زمینه‌های اصلی شکل‌گیری این پدیده: ۱- بی‌قانونی فراگیر در همه‌ی ارکان اجتماع و رفتارهای اجتماعی ۲- نبودن ما به کپی‌رایت و معاهدات بین‌المللی ۳- نداشتن قوانین سخت‌گیرانه برای قانون‌شکنان ۴- نبودن مراجع مشورتی آشنا برای مؤلفان در صورت از بین رفتن حقوقشان.</p>	<p>آقای سناپور</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم وجود متولی مشخص</p>

<p>نبود مسئولیت‌پذیری مشخص یعنی هر کسی مسئولیتی که بر عهده‌اش است را بپذیرد. اما افراد در ایران مدام می‌خواهند از زیر بار مسئولیت کنار روند چون در این میان از هر سو نهادها زیر فشارند. فلان نهاد امنیتی می‌گوید تنها به کتابی فلان کاری داشته باشید این گونه است اما با مردم که صحبت می‌کنیم. می‌گویند این‌ها گفته‌اند تنها فلان کتاب را جمع کرده‌اند پس تکلیف فلان کتاب چه می‌شود؟ تمام این فلان‌هاست که من عرض کردم در فلان کشور اروپایی کاری ندارد در سی‌دی چیست. می‌گوید شما کپی کردید بنابراین مجرم هستید و تمام. کپی کرده‌اید باید به زندان بروید و در مورد پس‌ازآن و اتهامات احتمالی بعدی سخن می‌گوییم.</p>	<p>آقای حسن‌پور</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /عدم وجود متولی مشخص</p>
<p>از دید من این‌ها ناکارآمدی ممیزی را متوجه شده‌اند اما در مورد این موضوع نتیجه این شده که آن را رها کرده‌اند. هنگامی که رها شد در عمل تعداد افرادی که این کار را می‌کردند اندک بودند که چندی پیش یکی از آن‌ها را دستگیر کرده بودند. چند روز هم در اوین بود و سپس با وثیقه بیرون آمد. باری چند تن را برای دیدن من واسطه کرد و آمد و گفت به خدا من کتاب‌های ناشرها را تکثیر نمی‌کنم. من کتاب‌هایی که در خارج از کشور منتشر می‌شود را منتشر می‌کنم. چند سال هم هست که در این کار هستم. اما اکنون دست زیاد شده است. سرخیابان فرشته بساط کتاب پهن است و سفارش می‌گیرد. عابری رد می‌شود می‌گوید فلان کتاب را ندارید می‌گوید فردا برایت می‌آورم. از شبکه کتاب را می‌گیرد و می‌آورد. موردی که از دید من مهم است نشان دادن بی‌تفاوتی نسبت به آن دسته از کتاب‌ها آن‌ها را جری کرد که باقی کتاب‌های ناشران قانونی کشور را نیز می‌توانیم تکثیر کنیم و این گونه این ماجرا به کتاب‌های پرفروش ناشران سرایت کرد. چون شخص گفت من کتاب‌های ناشران را نمی‌زنم این کار را بد می‌دانست و می‌گفت گویی در جیب کسی دست می‌کنم.</p>	<p>آقای آموزگار</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /ناکارآمدی ممیزی ارشاد</p>
<p>هر هنگام ارشاد با مقوله‌ی کتاب سخت‌تر برخورد کرده است، ممیزی و در نتیجه، کتاب‌های قاچاق نیز بیشتر شده است و هر هنگام که بهتر بوده و کتاب‌ها چاپ شدند مردم اعتماد کرده و از کتاب‌فروشی‌ها خرید می‌کنند. اکنون مردم در خیابان و بساط دست‌فروشان کتاب‌هایی می‌بینند که در خواب هم نمی‌توانستند ببینند که یک ناشر بتواند آن را چاپ کند پس بنابراین هر کتابی که باشد را می‌خرند.</p>	<p>آقای جعفریه</p> <p>زمینه‌ها و عوامل اثرگذار بر قاچاق کتاب /ضعف عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی /ناکارآمدی ممیزی ارشاد</p>

اکنون در حوزه کتب پر فروش و قاچاق این رخداد روی می دهد. یعنی توپ در زمین و بین قوه قضاییه و نیروهای انتظامی و وزارت ارشاد و حراستش و اماکن و شهرداری در رفت و آمد است. این فکر می کند دیگری باید بزند و دیگری فکر می کند ارگان دیگر مسئول است. مسلم است که به آسودگی توپ در میان این ها روی زمین می افتد. اکنون این توپ مدام در میان این ارگان ها در حال زمین خوردن و پایین آوردن طرف مقابل است و تجارتی به راه انداخته اند. یکی از همکاری های ما آقای علی خانی صاحب نشر آموت؛ ایشان پیگیری کتاب ها پر فروش و دکه زده بودند. پارسان پارسان دفتر این افراد را در يك دفتر جلوی دانشگاه پیدا کرد. آقای علی خانی فردی قد بلند و چهارشانه است؛ به آقای که در آن دفتر بود در مورد تکثیر غیر قانونی کتاب ها اعتراض کرد و آن فرد گفت به شما چه مربوط است؟ گفت این کتاب من است گفت باشد شما می خواهید ۱۲۰ بساطی ای که با آن ها کار می کنم را بی کار نکنید و از نان خوردن بیندازید؟ حساسی کنکش زدند و از دفتر بیرونش کردند. که البته این ها را منعکس کردند اما اتفاقی نیفتاد و کسی پیگیری نکرد. از دید من اراده ای لازم تاکنون وجود نداشته است.

زمینه ها و عوامل اثرگذار
بر قاچاق کتاب / ضعف
عملکرد نهادهای نظارتی
و جزایی / ناهماهنگی
میان نهادهای مسئول

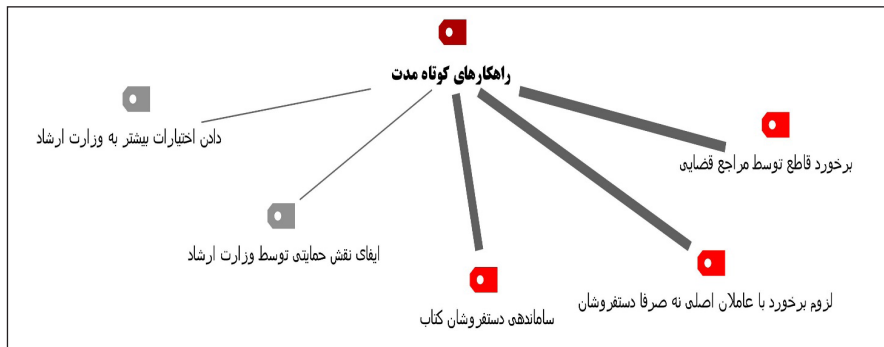
آقای کیابیان

راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب

با توجه به مشکلات، عوامل و زمینه های پدیده قاچاق کتاب، در این پژوهش تلاش شده است تا با استناد به دیدگاه مصاحبه شوندگان، برای کنترل و کاهش قاچاق کتاب راهکارهایی ارائه شود. این راهکارها در دو دسته اصلی طبقه بندی شده است: دسته اول راهکارهای کوتاه مدت است که می توان انتظار داشت پدیده را به صورت موقتی کنترل نمایند و فرصت را برای مطالعه، تدقیق و تدوین برنامه های بنیادی فراهم آورد. دسته دوم ناظر به راهکارهای بلند مدت است که می تواند چراغ راهنمای سیاست گذاران برای طراحی و تدوین برنامه های طولانی مدت و اساسی برای کاهش پدیده مورد مطالعه باشد. دسته اول راهکارها که ظرفیت کنترل قاچاق کتاب را فراهم می آورند شامل مواردی همچون برخورد قاطع مقامات قضایی و انتظامی با پدیده قاچاق کتاب و ساماندهی دست فروشان و تفکیک دو نوع از دست فروشان که پیش از این ذکر شد، است. دسته دوم راهکارها که امکان کاهش و ریشه کن کردن این معضل را فراهم می آورد، شامل مواردی همچون به روز کردن قوانین و جرم انگاری مسئله و در واقع بازبینی در قوانین و مقررات، گسترش آگاهی های عمومی و مواردی از این قبیل است. در ادامه تلاش شده است هر یک از دو دسته راهکارهای مذکور توضیح داده شود.

راهکارهای کوتاه مدت برای کنترل قاچاق کتاب

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، راهکارهای کوتاه مدت برای کنترل پدیده قاچاق کتاب شناسایی شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.



نمودار ۴-۷) راهکارهای کوتاه مدت برای کنترل قاچاق کتاب

جدول ۴-۱۱) توزیع فراوانی راهکارهای کوتاه مدت برای کنترل قاچاق کتاب

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ساماندهی دستفروشان کتاب	۲	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
لزوم برخورد با عاملان اصلی نه صرفاً دستفروشان	۲	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
برخورد قاطع توسط مراجع قضایی	۲	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰
دادن اختیارات بیشتر به وزارت ارشاد	۱	۱۲/۵۰	۱۲/۵۰
ایفای نقش حمایتی توسط وزارت ارشاد	۱	۱۲/۵۰	۱۲/۵۰
Total	۸	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۸	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، سه راهکار کوتاه مدت اصلی برای کنترل پدیده قاچاق کتاب می‌توان ارائه نمود. اولین راهکار این است که دستفروشان کتاب ساماندهی شوند. همان‌طور که پیش از این ذکر شد دستفروشان دو دسته هستند. دسته اول کسانی که شغل شرافتمندانه‌ای دارند و جهت ارتزاق کتاب‌های دست دوم می‌فروشند و دسته

دوم کسانی هستند که کتاب‌های غیرقانونی و قاچاق را عرضه می‌کنند. ساماندهی دست‌فروشان این مزیت را دارد که اولاً این دو دسته از یکدیگر متمایز شوند و علاوه بر این، امکان نظارت بر آن‌ها فراهم گردد. دومین راهکار این است که با عاملان اصلی چاپ و توزیع کتاب‌های قاچاق برخورد‌های انتظامی و قضایی به صورت جدی صورت گیرد تا کتاب‌های قاچاق از بازار گردآوری شود و امکان گسترش و شیوع پدیده از بین برود. سومین اقدام این است که نیروهای انتظامی و قضایی در رابطه با این پدیده همکاری نمایند و همان‌طور که ذکر آن رفت به اقدامات قاطعانه مبادرت ورزند. در این میان نهادهای دخیل نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و قوه قضائیه خواهند بود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به‌عنوان نهاد میانجی و مرتبط و منسجم‌کننده اقدامات دستگاه‌های مختلف عمل خواهد نمود.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۱۲) نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون راهکارهای کوتاه مدت کنترل قاچاق کتاب

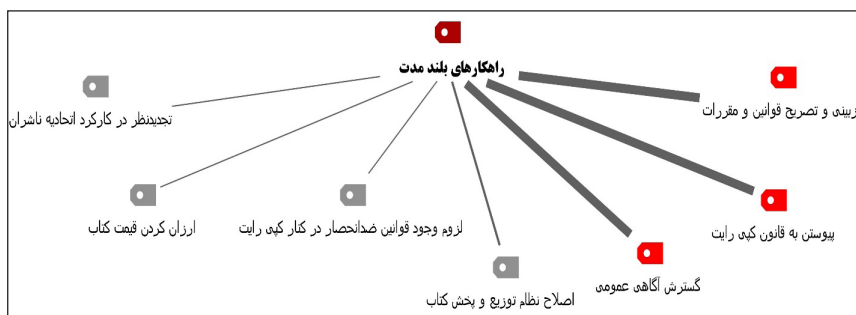
مصاحبه‌شونده	کد	بخش بازبایی شده
آقای کمالی	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / ایفای نقش حمایتی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ارشاد می‌تواند نقش معنوی داشته باشد و در قوانین و مقررات حمایت‌های معنوی انجام دهد و پیگیری کند. هم مادی آن می‌تواند لایحه شود و هم در جلسات کارشناسی اینجا مطرح شود. این کارهای ساختاری و زیرساختی است که به ارشاد مربوط می‌شود اما کارهایی که ساختاری نیست و به کسب‌وکار مربوط است نظام فروش می‌خواهد که ما به‌عنوان ارشاد نمی‌توانیم وارد شویم.
آقای قدبانی	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / برخورد قاطع توسط مراجع قضایی	اتحادیه‌های صنفی نمی‌خواهم بگویم نمی‌توانند. من سال‌ها رئیس اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان بودم و اتحادیه‌های صنفی می‌توانند برای قوه‌ی قضائیه و نیروهای انتظامی و امنیتی مشاور باشند یا این که کار کارشناسی انجام دهند که کدام کتاب درست و یا نادرست است و یا کدام یک افسس شده یا نشده اما این که خودشان بتوانند کار ویژه‌ای انجام دهند خیر. چرا که نمی‌توانند کار اجرایی انجام دهند و نیاز به قانون دارد و این قانون است که باید حد را پیاده کند.

<p>چند وجهی است یعنی تنها ناشر یا ارشاد و یا صداوسیما یا حتی نیروی انتظامی یا قوه‌ی قضاییه نمی‌توانند. اتفاقی که خیلی خوب بود و پس از نمایشگاه در خردادماه روی داد این بود که با همکاری پلیس امنیت ۵ تا ۶ مرکز توزیع کتاب قاچاق شناسایی شدند و چند دست‌فروش اصلی که عامل توزیع کتاب بودند دستگیر شدند. به پاساژ نادر در خیابان کارگر که بیشتر کتاب‌هایشان دست‌دوم و قاچاق است ریختند و نزدیک به ۱۳ نیشان کتاب قاچاق و ضاله و غیرقانونی پیدا کردیم. کپی تمام کتاب‌های پر فروش آنجا بود در مغازه که به‌صورت خانوادگی اداره می‌شد چند نفر جلب شدند اما متأسفانه کوتاه مدت بود پس از آن اتفاق به مدت ده روز در خیابان انقلاب حتی یک‌دست هم نمی‌دیدید. محل توزیع و فروش هر دو را زده بودند؛ یعنی اتفاق خوبی افتاد و ترسی به وجود آمده بود.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / برخورد قاطع توسط مراجع قضایی</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>
<p>باید قانون بازبینی شود و اختیارات وزارت ارشاد در این حوزه گسترده‌تر شود. باید اختیارات فراوانی داشته باشد تا بتواند با این موضوع مقابله کند. چون بر اساس قانون کنونی وزارت ارشاد هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مرجع آن قوه‌ی قضاییه است و باید به آن در مراجع قضایی رسیدگی شود.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / دادن اختیارات بیشتر به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>این‌ها عامل هستند و می‌توان سامان‌دهی شوند و با هماهنگی با شهرداری فضایی را در اختیار این افراد قرارداد که این‌ها بتوانند در حوزه‌ی نشر قانونی کتابشان را بفروشند. کتاب‌های دست‌دوم و مجوز دار را عرضه کنند اما اگر کسی بخواهد کتاب‌های غیرقانونی بفروشد و به این کار اصرار ورزد باید برخورد شود؛ اما یکی از کارها و مباحثی که در کارگروه صیانت مطرح شد این بود که با هماهنگی شهرداری منطقه‌ی ۱۲ و ۱۳ دست‌فروشان را شناسایی و جایی نزدیک خیابان انقلاب را در نظر بگیرند و بگویند ساعت ۶ یا ۷ بعدازظهر می‌توانید در اینجا کتابتان را بفروشید. بسیاری از صنوف دیگر وجود دارد شما وارد بازار می‌شوید هستند یا در محلات دیگر دست‌فروشان ساعت ۶ به بعد بساط می‌کنند و در زمینه‌های مختلف مانند غذا و پوشاک و دیگر موارد کار خود را انجام می‌دهند و ضرری هم به کسی نمی‌رسانند. می‌توان برای دست‌فروشان کتاب در میدان انقلاب هم چنین کاری انجام داد که ضرری هم به کسی نرسانند.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / ساماندهی دست‌فروشان کتاب</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>برخورد با دست‌فروش‌ها کم‌ترین کار ممکن است و بهتر است در آخرین مرحله اتفاق بیفتد و آن‌هم نه با حذفشان، بلکه با قانونمند کردنشان. دادن کیوسک‌های مشخص و جالب در برخی نقاط شهر و ترغیبشان به کار قانونی، حتماً به کتاب‌فروشی و کتاب‌خوانی هم کمک خواهد کرد. این کار در کشورهای دیگر هم اتفاق افتاده است.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / ساماندهی دست‌فروشان کتاب</p>	<p>آقای سنابور</p>

<p>این‌ها افرادی را که بویی از کتاب به دماغشان نخورده است را به‌عنوان دست‌فروش استخدام کرده‌اند حالا درصد می‌دهند یا حقوق ماهیانه من نمی‌دانم. طرف نمی‌داند کتابی که می‌فروشد مثلاً برای انتشارات شماس است هر روز صبح این کتب را به او می‌دهند و حتماً آمارش را هم می‌گیرند که چه چیزهایی فروختند و به جای آن‌ها می‌دهند و بساط را پهن می‌کند و می‌نشیند مشتری می‌آید و می‌گوید این کتاب را می‌خواهم او هم می‌دهد. این فرد عامل نیست مأمور و معلول است. عامل دیگری است که باید با او برخورد شود. اگر با معلول برخورد شود در قدیم مثلی بود می‌گفتند اگر می‌خواهید یک درخت را بین ببرید برگ برگ آن را نکنید آن را از ریشه خشک کنید. اگر در این داستان بخواید با بساطی‌ها برخورد کنید مانند این است که یک درخت بزرگ بخواید برگ‌هایش را جدا کنید. دوباره جوانه خواهد زد. اگر بخواید از ریشه آن را بکشکانید باید سراغ کلان‌های کار روید و با آن‌ها برخورد کنید.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / لزوم برخورد با عاملان اصلی نه صرفاً دست‌فروشان</p>	<p>آقای کیانیان</p>
<p>یک مرکز توزیع در کرج وجود دارد که خود کتاب‌فروشی دارد آمار آن را دوستان ۵۰ تن اعلام کرده بودند اما من به چشم دیدم افرادی که هر روز صبح می‌آمدند شماری کتاب تحویل می‌گرفتند و می‌رفتند و بساط می‌کردند. برای نمونه از مهرشهر تا فردیس کرج بساط می‌کردند. می‌گفتند این ۵۰ دست‌فروش دارد که برای او کار می‌کنند و هر کتابی که بفروشند ۳۰ درصد به فروشنده تعلق دارد؛ اما خرده کار هم داریم که این کتاب‌ها را از مراکز توزیع کتاب‌های قاچاق تهیه می‌کنند و بساط می‌کنند.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب / راهکارهای کوتاه مدت / لزوم برخورد با عاملان اصلی نه صرفاً دست‌فروشان</p>	<p>آقای حسین زادگان</p>

راهکارهای بلندمدت برای کاهش قاچاق کتاب

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصان حوزه کتاب و نشر کتاب، مهم‌ترین راهکارهای بلندمدت برای کاهش قاچاق کتاب شناسایی شده است که در نمودار ذیل نشان داده شده است. نکته اینکه ضخامت خطوط در نمودار بیانگر اهمیت بیشتر مفهوم مذکور توسط مصاحبه‌شوندگان است.



نمودار ۴-۸) راهکارهای بلندمدت برای کاهش قاچاق کتاب

جدول ۴-۱۳) توزیع فراوانی راهکارهای بلندمدت برای کاهش قاچاق کتاب

عنوان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
بازبینی و تصریح قوانین و مقررات	۴	۲۳/۵۳	۲۳/۵۳
پیوستن به قانون کی‌رایت	۴	۲۳/۵۳	۲۳/۵۳
گسترش آگاهی عمومی	۴	۲۳/۵۳	۲۳/۵۳
اصلاح نظام توزیع و پخش کتاب	۲	۱۱/۷۶	۱۱/۷۶
تجدیدنظر در کارکرد اتحادیه ناشران	۱	۵/۸۸	۵/۸۸
ارزان کردن قیمت کتاب	۱	۵/۸۸	۵/۸۸
لزوم وجود قوانین ضدانحصار در کنار کی‌رایت	۱	۵/۸۸	۵/۸۸
Total	۱۷	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
Missing	۰	۰/۰۰	-
(Total (Valid	۱۷	۱۰۰/۰۰	-

همان‌طور که در نمودار و جدول فوق مشخص شده است، سه راهکار بلندمدت اصلی برای کاهش پدیده قاچاق کتاب می‌توان برشمرد. اولین راهکار این است که باید در قوانین و مقررات چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب تجدیدنظر به عمل آید. بسیاری از قوانین این حوزه قدیمی هستند و متناسب با اقتضائات و شرایط امروزی نیستند. علاوه بر این، لازم است پدیده قاچاق کتاب با جدیت و شدت بیشتری جرم‌انگاری شود و برای آن مجازات‌های جدی‌تری طراحی شود. دومین راهکار ناظر به پیوستن به کنوانسیون برن و رعایت قوانین کی‌رایت است. علی‌رغم تمام محدودیت‌ها شاید وقت آن رسیده که ما در تمام عرصه‌ها از جمله کتاب و نشر کتاب به این کنوانسیون بپیوندیم. سومین راهکار این است که لازم است در رابطه با موضوع مورد بحث فرهنگ‌سازی در سطح عمومی صورت گیرد. در این رابطه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری اتحادیه ناشران می‌توانند مساعدت صداوسیما و شهرداری‌ها را جلب نمایند تا پس از تهیه محتوای مناسب و طراحی روش مناسب، اقدام به فرهنگ‌سازی و گسترش آگاهی‌های عمومی در رابطه با کتاب‌های قاچاق گردد.

در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در رابطه با هر یک از مسائل طرح شده در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴-۱۴) نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه شوندگان پیرامون راهکارهای بلندمدت کاهش قاچاق کتاب

مصاحبه‌شونده	کد	بخش بازبایی شده
آقای سنایور	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلند مدت/ارزان کردن قیمت کتاب	به جز روش‌های حقوقی کتاب باید ارزان‌تر تولید شود و آن‌هم با بالا بردن شماره‌گان کتاب‌ها و ارزان‌تر کردن جنبه‌های فنی‌شان. شماره‌گان بالای کتاب‌ها امکان ارزان‌تر شدن و نیز سود بردن را برای ناشر فراهم می‌کند و در این صورت ممکن است چندان برای آن شبکه به صرفه نباشد رقابت با کتاب‌های ارزان. کتاب‌فروشی‌ها هم باید جذاب‌تر باشند تا خواننده به‌جز خریدن کتاب دلیل دیگری هم برای رجوع به کتاب‌فروشی‌ها داشته باشد. در نهایت وجود کتاب‌خانه‌ها و خریدشان از ناشران معتبر هم به حذف شبکه‌ی غیرقانونی کمک خواهد کرد.
آقای کمالی	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلند مدت/اصلاح نظام توزیع و پخش کتاب	ناشر باید بر کارش نظارت داشته باشد. من می‌گویم اتحادیه به‌عنوان جایی که در بازار کسب و کار هستند بارها به آن‌ها گفتم این همه به خارج از کشور می‌روید و با ناشران گوناگون ارتباط می‌گیرید باید از تجربیات آن‌ها استفاده کنید باید متوجه شوید که آن‌ها چه می‌کنند که هم سود خود را می‌برند و هم بازار را دارند و ارتباطات خوبی هم دارند. فضای مجازی بسیار مؤثر است شما می‌توانید کتابتان را معرفی کنید. برای نمونه در مشهد کسی است که این کار را انجام می‌دهد خودش کتاب تولید می‌کند و خودش هم توزیع می‌کند. مثلاً آقای قدسی نمی‌دانم می‌شناسید یا خیر این فرد چه می‌کند؟ در فضای مجازی تعدادی کتاب مشخص وجود دارد سفارش می‌گیرد و برای مشتری می‌فرستد. در شرایط کنونی باهمان قیمت پشت جلد کتاب به در منزل مخاطب می‌رسد؛ اما این که من در شمال غرب تهران باشم و بگویم انتشارات چشمه به من کتاب دهید اما هنگامی که کتاب به دست من می‌رسد دو برابر قیمت پشت جلد برای من می‌شود نمی‌خرم هرگاه سمت کریم‌خان رفتم می‌خرم. این‌ها سبب سرخوردگی می‌شود باید نظام توزیع کتاب برجیده شود و ناشران باید این نظام را در دست گیرند. گفت‌وگو کننده: و ناشر آن هم از همه بیش‌تر شاکی هستند.
آقای کمالی	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلند مدت/اصلاح نظام توزیع و پخش کتاب	اگر ناشر در نظام تولید بازنگری کند امکانات زیاد است. در چند سال اخیر که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده است در برخی مواقع با کسی ارتباط می‌گیریم و متوجه می‌شویم سامانه‌ای درست کرده بیش از ۱۵ یا ۲۰ هزار فالوئر دارد. کتاب معرفی می‌کند و خلاصه‌ی آن را می‌گذارد و سفارش می‌گیرد و فروش اینترنتی دارد. ناشران ما خیلی از این کارها می‌توانند انجام دهند. اگر ناشر نظام داشته باشد و بخواهد در کارش موفق باشد و هزینه‌ی اندکی بگذارد مطمئناً در حوزه‌ی توسعه‌ی کتاب و کتاب‌خوانی تأثیرگذار باشد.
آقای کمالی	راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلند مدت/بازبینی و تصریح قوانین و مقررات	باید قانون بازبینی شود و اختیارات وزارت ارشاد در این حوزه گسترده‌تر شود. باید اختیارات فراوانی داشته باشد تا بتواند با این موضوع مقابله کند. چون بر اساس قانون کنونی وزارت ارشاد هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مرجع آن قوه‌ی قضائیه است و باید به آن در مراجع قضایی رسیدگی شود.

ما باید به سمتی حرکت کنیم که این را يك جرم کاملاً محرز تلقی کنیم اگر شما کلید بیندازید و کسی در منزل شما باشد چیزی هم ندزیده باشد به کلاتری زنگ بزنید بگویید دزد را گرفته‌ام نمی‌گویید ثابت کنید دزد بوده است. او را دستگیر می‌کنند و می‌برند. قاضی هم از شما چنین پرسشی نمی‌کند. قاضی از شما می‌پرسد چیزی دزدیده است اگر شما فرد منصفی باشید می‌گویید هنوز نمی‌دانم. اینجا آن فرد است که باید ثابت کند در خانه‌ی شما چه می‌کرده است. اگر خلأ قانونی ما با ایجاد لایحه و وضع قانون مانند همان دزد شود قاضی می‌داند چگونه رفتار کند و این موضوع ریشه کن می‌شود.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب / راهکارهای
بلندمدت / بازبینی
و تصریح قوانین و
مقررات

آقای حسن پور

جرم عمومی نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد و به محض مشاهده دادستان وظیفه دارد برخورد کند. قانون گذار هم مدعی العموم است یعنی به محض مشاهده می‌گویند جرم مشهود یعنی اگر دیدید نباید منتظر دستور قضایی باشید باید اقدام کنید.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب / راهکارهای
بلندمدت / بازبینی
و تصریح قوانین و
مقررات

آقای آموزگار

مشکل کار این است که قبح این عمل ریخته و به‌عنوان يك جرم شناخته نمی‌شود. کوشش می‌کنم چیزی را که لمس کردم با نمونه برای شما توضیح دهم. ۲۵ اسفندماه يك وانت مملو از کتاب «ملت عشق» را گرفتیم؛ دو هزار و ۸۰۰ جلد کتاب بود. به کلاتری زنگ زدیم و آمدند و گفتند از لحاظ جرم مشهود برای ما قابل قبول نیست. شما باید از دادسرا حکم بیاورید. گفتیم اگر من تا دادسرا بروم که این وانت رفته است کاری کنید گفتند ما نیز نمی‌توانیم آن را نگه داریم. با دردرس فراوان او را در کلاتری نگه داشتیم رئیس کلاتری آمد و گفت اگر مشروب یا مواد مخدر بود می‌شد کاری کرد اما از دید من این کتاب است و نمی‌توانم او را در اینجا نگه دارم.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب / راهکارهای
بلندمدت / بازبینی
و تصریح قوانین و
مقررات

آقای حسین
زادگان

من نمی‌توانیم خود را از دنیا جدا و مستثنا کنیم خواه‌ناخواه باید به این قانون پیوندیم. از ما می‌پرسند که یک ناشر خارجی باید حق راییت خود را به ما واگذارد کند. شما چه حمایتی از او انجام می‌دهید؟ قانون مؤلفان و مصنفان که هم‌اینک وجود دارد می‌گوید اگر اثری برای نخستین بار در دنیا در ایران منتشر شود می‌گوید مشمول قوانین داخلی ایران می‌شود. اگر این گونه نباشد نمی‌شود. طرف خارج رفته است و برای این که بتواند در صحنه‌ی بین‌المللی رقابتی داشته باشد و کتابش را به دنیا معرفی کند و صادرات کتاب داشته باشد و بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد راییت بفروشد و بگیرد و نشرش را بین‌المللی کند باید مطابق قوانین بین‌المللی باشد. راییت بخرد و به ایران بیاید هیچ کس از آن حمایت نمی‌کند تا منتشر می‌کند به سرعت دیگران چاپ می‌کنند. این فرد ضرر می‌کند. شمار بسیاری از ناشران حرفه‌ای ما به همین صورت ضرر می‌کنند. در نمایشگاه بین‌المللی و مکان‌های مختلف می‌رود اما در ایران هیچ کس توجهی به حقوق مادی و معنوی نشر ندارد.

گفت‌وگو کننده: در اینجا چه کسی باید وارد شود؟

کمالی: در اینجا لایه و کارهای زیرساختی حقوقی آن انجام شده است به صحن دولت و مجلس رفته است و در حال شکل‌گیری است اما این که چه کسی باید سبب پیشرفت آن شود.

باید این زودتر تبدیل به قانون و ابلاغ شود. حرف این است که در همین نمایشگاه بین‌المللی برخی از ناشران بین‌المللی می‌گویند این کتاب‌ها حق ندارد در بخش داخل عرضه شوند. ناشر می‌گوید در ایران ما تابع کپی‌رایت نیستیم و آزاد است و خارج از کشور هم بایی توجهی روبه‌رو می‌شود. ما می‌خواهیم با ناشران بین‌المللی مبادله‌ی کتاب داشته باشیم نمی‌شود ما را نمی‌پذیرند. کار ما دشوار می‌شود باید به هر شکل ممکن است موضوع حل شود. اکنون خیلی از کشورها عضو کپی‌رایت هستند. مگر کشورهایی که عضو این قانون هستند آن را به صورت صد در صد رعایت می‌کنند؟ خیر آن‌ها هم زیرآبی می‌روند.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب/راهکارهای
بلند مدت/پیوستن به
قانون کپی‌رایت

آقای کمالی

اگر قرار باشد ما در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم و ناشران ما بتوانند با ناشران خارجی ارتباط بگیرند باید به قانون کپی‌رایت پیوندیم. اگر نشود دست‌کم این است که باید یک مصوبه‌ی داخلی باشد که اگر ناشر ایرانی از یک ناشر خارجی حق راییت گرفت حقوقش در داخل ایران محترم شمرده شود. یعنی ما این را داشته باشیم چه به صورت مصوبه از سوی دولت و چه از سوی مجلس. که دست‌کم بتوانیم اعتبارمان را حفظ کنیم.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب/راهکارهای
بلند مدت/پیوستن به
قانون کپی‌رایت

آقای کمالی

ما فعلاً در داخل کشور کار می‌کنیم و در مورد اینجا صحبت می‌کنم در داخل هم این کتاب را ترجمه می‌کنند موفق می‌شود ده ناشر دیگر هم آن را برگردان می‌کنند ایرادی ندارد؛ اما ناشر یازدهمی بدون این که آن را ترجمه کند آن را خلاصه می‌کند و نام دختر دوازده ساله‌اش را با عنوان مترجم روی جلد کتاب می‌زند. رمان بزرگسال ۵۰۰ صفحه‌ای را دختر دوازده ساله‌ی ناشر ترجمه کرده است. اگر ما کپی‌رایت را رعایت نمی‌کنیم ایران به این قانون نپیوسته است و بر اساس قانون هم می‌گردد و شرمندگی نویسنده‌ی خارجی هم هستیم. البته ما برخی از نویسنده‌ها را تائید و پیدا می‌کنیم و حق تألیف به آن‌ها پرداخت می‌کنیم. فرض کنید این کار را هم انجام نمی‌دهیم در نهایت این است اما قانون کشورم را رعایت کرده‌ام؛ اما کسی که در همین ایران قانون را رعایت نکرده و از روی ترجمه‌ی من رونویسی کرده و منتشر کرده است چطور؟ گفتگوکننده: فکر نمی‌کنید این که به این قانون نپیوسته‌ام روی تخطی بر قوانین داخلی اثر می‌گذارد؟ اگر ایران عهدنامه‌هایی را پذیرد

قدیانی: من هم می‌خواهم پذیرد و بپیوندد. اما کشوری که تحریم است پول نویسنده را ما یا کدام بانک می‌خواهیم حواله کنیم؟ سالی یک بار به خارج از کشور برود و با نویسنده سر فلان خیابان قرار بگذارد و پولش را دستی به او بدهد؟

گفتگوکننده: یعنی اینجا ما به اقتضای شرایط ناچار به انجام چنین کاری هستیم. قدیانی: بله شرایط کشور ما به این صورت است. هنگامی که بانک را تحریم می‌کنند و اجازه‌ی ریختن پول را هم به ما نمی‌دهند چه باید کرد.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب / راهکارهای
بلند مدت / پیوستن به
قانون کپی‌رایت

آقای قدیانی

اگر منظور کپی‌رایت جهانی است که طبعاً چنین چیزی وجود ندارد، مگر ناشران و نویسنده‌های اندکی که به دلایل معنوی و یا احیاناً مادی خاصی (مثل داشتن دفتر نشر در خارج کشور و سعی در فروش کپی‌رایت به کشورهای دیگر) خودخواسته آن را اجرا می‌کنند. نپیوستن ما به کپی‌رایت جهانی حتی از وجود سانسور هم به حال نشر ما مضرت‌تر بوده و بی‌قانونی گسترده‌ی آن را تقویت کرده است (اگر نگویم باعث آن شده). به نظرم من علت رعایت نکردن حقوق مؤلفان ایرانی از طرف ناشران و یا ناقص رعایت کردن آن‌هم ریشه در نپیوستن ما به کپی‌رایت جهانی دارد، چون از اساس حقوق مؤلف را شبهه دار کرده است و به قانون‌گریزان اجازه‌ی فعالیت داده است. در شرایطی هستیم که حتی حقوق مؤلفان ایرانی هم از طرف ناشران ایرانی کم‌تر رعایت می‌شود و این را از شکایات و گلابه‌های نویسندگان می‌توان دریافت.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب / راهکارهای
بلند مدت / پیوستن به
قانون کپی‌رایت

آقای سناپور

<p>عرض پایانی من این است که اگر بخواهیم این موضوع را جمع کنیم که خیر آن‌هم به ناشر و هم به نویسنده و خریدار واقعی کتاب برسد اتحادیه باید در کارکرد خود تجدیدنظر کند.</p> <p>اتحادیه حامی ناشر و کسب‌وکار آن‌هاست و یکی از وظایف اتحادیه‌ها همین است که از کسب‌وکار اعضای خود در برابر دولت، افراد سودجو و متقلب در این حوزه دفاع کند. من به این نتیجه رسیدم که کم‌کاری انجام می‌شود و اتحادیه جدی نیست. با وجودی که تمام امکانات فراهم بود اتفاق مهمی رخ نداد.</p> <p>امیدوارم در کارگروه تازه‌ای که با مسئولیت آقای دکتر شکل می‌گیرد و اتحادیه هم عضو آن است حرکت جدی‌ای شکل بگیرد. چون اگر این‌گونه نشود در این اوضاع و احوال اقتصاد بازار نشر به مراتب در درجه‌ی نخست کسانی که صدمه می‌بینند نویسندگان هستند. من ناشر را چندان متضرر نمی‌بینم.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلندمدت / تجدیدنظر در کارکرد اتحادیه ناشران</p>	<p>آقای کمالی</p>
<p>باید مردم را به‌سوی کتاب‌فروشی‌های معتبر که دارای شکل و معنی خاص هستند یا به خرید ناشران و فروشگاه‌های آن به‌صورت مستقیم یا از نمایشگاه‌های بین‌المللی که تا اندازه‌ای امنیت آن‌ها تأمین می‌شود سوق داد.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلندمدت /گسترش آگاهی عمومی</p>	<p>آقای قدیانی</p>
<p>من مجموعه کتابی با نام چهارده قصه، چهارده معصوم و تصویرگران کودک و نوجوان داشتم که یکی از همکاران ناشر کودک و نوجوان که توزیع‌کننده‌ی کارهای من بود خانمی را مأمور کرده بود که از روی داستان‌های ما رونویسی کند. اگر کتاب ما ۲۰ صفحه بود او ۲۰ صفحه نوشته بود خلاصه کرده بود و از تصویرگری ما نیز تقلید کرده بود. ما در مورد این موضوع نزد خانم هاشمی در بخش حقوقی وزارت ارشاد رفتیم و شکایت کردیم. با رفت و آمد ما محکوم شد. من در آن هنگام رئیس اتحادیه بودم. این خانم بیش از ده روز در آنجا التماس و گریه کرد. من گفتم من می‌بخشم چشم نویسنده را راضی کنید چرا که او هم حقی دارد و سرانجام به نویسنده هم پول داد و او را نیز راضی کرد و من کتاب‌های آن‌ها را خمیر کردم تا رضایت دادم. این ناشر به این شکل ادب شد که در مورد کار دیگران این کار را انجام ندهد. این کار ما در جامعه و در میان همکاران هم پخش می‌شود و بنابراین دیگران هم در این مورد احتیاط می‌کنند و مسئله‌ی رسانه بسیار مهم است. ما باید چهار نفر که این کار را انجام می‌دهند در تلویزیون به مردم معرفی شوند.</p>	<p>راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب/راهکارهای بلندمدت /گسترش آگاهی عمومی</p>	<p>آقای قدیانی</p>

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب/راهکارهای
بلندمدت/گسترش
آگاهی عمومی

آقای حسن پور

فرهنگ‌سازی خوبی که باید انجام شود این است که صداوسیما باید وارد کار شود؛ این را باید مفهوم کنیم که نباید در مورد کتاب خوب و بد صحبت کنند یا فیلم خوب و بد نباشد با این موضوع صحبت کنید. اگر اکنون حمایت نکنید اکنون کتاب فلانی را تکثیر می‌کنند و فردا کتاب شما را.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب/راهکارهای
بلندمدت/گسترش
آگاهی عمومی

آقای حسین
زادگان

متأسفانه حق مالکیت در ایران تعریف نشده است. اگر قهوه‌ی تلخ برای ما هیچ چیزی نداشت این بود که فرهنگ این را جا انداخت که مردم سی‌دی را کپی نکنند. از پیش از قهوه‌ی تلخ تا پس از آن آمار کپی خیلی جابه‌جا شد؛ یعنی رونق این سی‌دی‌ها نشان‌دهنده‌ی داشتن بازار خوب است. در نمایشگاه به کسی گفتن فلان کتاب را بخوانید گفت پی‌دی‌اف آن رادارم. گفتند این کار غیرقانونی است گفت نه من نگاه کردم در صفحه‌ی سوم آن نوشته بود حق چاپ محفوظ است؛ یعنی این جمله را این‌گونه برداشت کرده بود که می‌تواند آن را کپی و منتشر کند. اطلاعات بسیار پایین و شاید خیلی‌ها هم نمی‌خواهند برای به دست آوردن اطلاعات به خود سختی دهند و درستی و نادرستی آن را بسنجند. هنگامی که کتابی در کتاب‌فروشی ۳۵ هزار تومان است و همان کتاب کنار خیابان ۲۰ هزار تومان است حتماً باید این اختلاف قیمت دلیلی داشته باشد. ما کوشش فراوان کردیم اطلاع‌رسانی کنیم که از دست‌فروش کتاب نخرید و از کتاب‌فروشی‌های معتبر کتاب بخرید دست‌کم فاکتور و مهر بخواهید. تلاش کردیم این‌گونه فرهنگ‌سازی‌ها را انجام دهیم اما برای نمونه انتشارات ققنوس چه اندازه مخاطب و نیروی تأثیرگذاری دارد؟ من به اتحادیه‌گفتم به‌عنوان کارنمادین پنج‌شنبه‌ی پیش رو ساعت ۳ بعدازظهر همه‌ی کتاب‌فروشی‌های انقلاب ببندند و همه یک‌بتر با مضمون این که قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی برای جمع‌آوری دست‌فروشان همکاری نمی‌کنند در برابر مغازه‌ی خود نصب کنند که برای اعتراض تعطیل کرده‌ایم. این راه کار وارد شورا برای بحث شده که ببینند آیا شدنی است یا خیر. دست‌کم شو و موج خوبی ایجاد می‌کند.

من این امتیاز را خریده‌ام. اصلاً این گونه نیست. او می‌گوید ۲ هزار نسخه از این کتاب را چاپ کنید هر جلد از آن را این اندازه می‌گیرم و به شما می‌دهم. شاید دو هزار و یک جلد ندهم و بخوایم آن را به دیگری بدهم. می‌دانید چرا؟ چون او دوست دارد به شما بدهد و سال‌ها با شما کار می‌کند. قوانین ضد انحصار است که در آنجا نیرومند است. کنار او می‌ایستد و می‌گوید شما تمام کتاب‌هایت را به این ناشر داده‌اید باقی ناشرها باید چه کنند؟

اینجاست که غولی مانند ماکروسافت اینترنت اکسپلورر خود را در نصب الزامی می‌کند در دادگاه او را می‌خواهند که چه می‌کنید؟ دیگری می‌خواهد با فایرفاکس یا اپرا کار کند به شما چه ربطی دارد؟ آن را جمع می‌کنند و باید جریمه هم پرداخت کند. در ایران هیچ قانونی وجود ندارد یعنی اگر این قدرت را به کسی بدهید تمام نشر را جارو می‌کند. می‌بینید ناشری تمامی امتیازها را خریده است و باقی ناشرها باید تعطیل کنند و به خانه روند. در همه‌ی کارها وضعیت به همین شکل است. کشوری که در آن ۴۵۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی دارد پول‌ها دست چه کسانی است؟ در دست مردم دو درصد از این پول است. این آماری است که به‌تازگی بانک مرکزی اعلام کرده است. در صنعت شما کپی‌رایت کنید تمام آن تا ابد به من تعلق دارد. در اینجا شما کاملاً از کار بی‌کار می‌شوید و باید تعطیل کنید. در آنجا اگر قانون کپی‌رایت دارند این قانون انحصار را نیز دارند. بنابراین چون ما در اینجا هیچ‌یک از این قوانین را نداریم نباید ناشیانه کاری کنیم که نشر کشور به کلی تعطیل شود. ساختار و نهاد تکثر در تولیدات فرهنگی یکی از مسائل مهم است و در تمام دنیا هم به همین صورت است.

راهکارهای کنترل
و کاهش قاچاق
کتاب/راهکارهای
بلند مدت /
لزوم وجود قوانین
ضدانحصار در کنار
کپی‌رایت

آقای حسن پور

فصل پنجم:
جمع بندی و نتیجه گیری

مقدمه

فصل حاضر به عنوان فصل نهایی این پژوهش مشتمل بر دو بخش اصلی است. بخش اول به جمع‌بندی پژوهش حاضر پرداخته شده است. در این بخش خلاصه‌ای از نتایج این پژوهش ارائه می‌گردد. بخش دوم این فصل به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. در این بخش خلاصه‌ای از یافته‌های اصلی این پژوهش به همراه نتیجه‌گیری از یافته‌های مذکور ارائه شده است. در ادامه به شرح هر یک از این دو بخش پرداخته می‌شود.

جمع‌بندی

در فصل اول از پژوهش حاضر طرح مسئله، اهمیت و ضرورت و اهداف این پژوهش ارائه شد. در طرح مسئله بیان شد که پدیده قاچاق کتاب در یک دهه اخیر بسیار دامن‌گستر شده است. کتاب‌هایی که نسخه اصلی آن با قیمتی بیشتر در کتاب‌فروشی‌های اصلی بفروش می‌رسد، نسخه افسست آن‌ها به قیمتی ارزان و با کیفیت چابی پایین‌تر توسط یک دست‌فروش حراج شده است؛ اما موضوع به همین سادگی نیست که بتوان با کنترل دست‌فروش‌ها این پدیده را کنترل کرد بلکه باید شبکه چاپ و توزیع پشتوانه این دست‌فروشان را یافت تا با مسئله از ریشه مقابله شود. در رابطه با عوامل و ریشه‌های پدیده قاچاق کتاب دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که باید آن‌ها را در سیاست‌گذاری و ارائه راهکار برای حل این معضل که فرهنگ مکتوب کشور را تهدید می‌کند، در نظر گرفت.

راه‌اندازی دبیرخانه صیانت از حقوق ناشران از معدود اقداماتی بوده است که تاکنون در این

حوزه انجام شده است. بسیاری معتقدند راه‌اندازی چنین دبیرخانه‌ای به‌تنهایی کافی نیست و لازم است نهادهای مختلفی از جمله قوه قضائیه، صداوسیما، نیروی انتظامی را برای برخورد با این پدیده همراه و هم‌داستان کرد. از این رو پژوهش حاضر به مطالعه مسئله قاچاق کتاب را در ابعاد مختلف آن پرداخته است. هدف اصلی، شناسایی ریشه‌های عمده این پدیده و عوامل مؤثر بر وقوع و بروز آن است. علاوه بر این، پژوهش حاضر در نظر دارد به شناسایی راهکارهایی عملی برای برخورد و مواجهه با این پدیده دست یابد. برای دستیابی به این مهم از روش مصاحبه با متخصصان در حوزه چاپ و نشر کتاب بهره بردیم.

بنابراین، پژوهش حاضر دو هدف اصلی را دنبال کرده است: ۱. ماهیت پدیده قاچاق کتاب در کشور، ۲. مطالعه عوامل و زمینه‌های اصلی شکل‌گیری پدیده قاچاق کتاب، ۳. شناسایی راهکارهایی برای برخورد با پدیده قاچاق کتاب در ابعاد مختلف.

فصل دوم از پژوهش حاضر به بررسی پژوهش‌های تجربی پیشین در رابطه با موضوع مطالعه از یک سو و بررسی دیدگاه‌های نظری در رابطه با این موضوع از دیگر سو، پرداخته است. از آنجایی که تاکنون در رابطه با این موضوع در محافل دانشگاهی پژوهشی تجربی صورت نگرفته است، در گام نخست تمرکز بر مرور قوانین و مقررات کپی‌رایت در ایران و دیگر کشورها قرار گرفته است. سپس به مرور پژوهش‌هایی که به لحاظ موضوعی و محتوایی نزدیک به موضوع مورد مطالعه هستند پرداخته شده است. پژوهش اصغرنیا و اصغرنیا (۱۳۹۲)، به بررسی فرایند تاریخی تحول حقوق مؤلف را در تاریخ اسلام و تاریخ غرب پرداخته است. کریمی فرد (۱۳۸۵) مالکیت فکری یا معنوی را به‌عنوان یکی از مصداق‌های حقوق شهروندی نام برده و معتقد است اهمیت بعد مادی حق مالکیت مؤلف یا ناشر در دوران مدرن و متأخر مطرح شده و این موضوع ضرورت توجه به حرفه ناشران و نویسندگان به‌عنوان یک حرفه با امنیت اقتصادی را دوچندان کرده و بنابراین، ضرورت دارد تا دولت‌ها بدین مهم توجه نمایند. در یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های مربوط به ایران توسط حسینی و مطلبی^۱ (۲۰۱۰)، وضعیت کپی‌رایت در صنعت انتشارات ایران با تأکید بر دیدگاه ناشران تهرانی مورد بررسی قرار گرفته بود.

در پژوهش سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) در مورد نگرش و رفتار دانشجویان نسبت به رعایت/عدم رعایت قوانین کپی‌رایت ملاحظه شد که نوعی تناقض میان رفتار و نگرش آن‌ها برقرار است و اگرچه نقض این قوانین را غیراخلاقی می‌دانند ولی به دلیل دسترسی به اینترنت و ناشناس بودن

در این فضا به این کار مبادرت می‌کنند. در پژوهش جاوید و یوسفی (۱۳۹۲) اشاره شده است که پسامدرن‌ها بر این باورند که حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق مالکیت فکری، به‌منظور حمایت مادی و معنوی از گونه‌های نو از آثار ادبی و هنری و رایانه‌ای، تداوم روایت‌های کلان مدرنیته است. بسیاری از پژوهش‌ها معتقدند که نابسامانی‌های اقتصادی بر حقوق مالکیت فکری و مباحثی همچون قاچاق کتاب تأثیرگذار خواهند بود؛ از جمله در پژوهش‌های داخلی، خانی و نصراللهی (۱۳۹۱) با تأکید بر خلاقیت محور بودن اقتصادها در دنیای مدرن معتقدند که عدم حمایت از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در قالب قوانین کپی‌رایت توأمان منجر به شکست اقتصادی، علمی و اجتماعی خواهد شد. سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع مورد مطالعه نیز مورد بررسی قرار گرفتند که در فصل دوم به‌صورت مفصل شرح داده شده‌اند.

ادامه فصل دوم به بررسی دیدگاه‌های نظری در رابطه با موضوع قاچاق کتاب پرداختیم. در این فصل ابتدا رویکرد حقوقی-تاریخی به حقوق شرح داده شد. در این رابطه حقوق مؤلف در ایران و غرب به لحاظ تاریخی مورد مذاقه قرار گرفت. سپس به بررسی دیدگاه پالمر در رابطه با حقوق طبیعی و اعطایی پرداخته شد. دیدگاه جهانی شدن و تأثیر آن بر چاپ و نشر کتاب و همچنین حقوق مادی و معنوی مؤلف دیدگاه دیگری است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد انتقادی پست مدرن نسبت به حقوقی شدن مالکیت فکری نیز دیدگاه بعدی است که در فصل دوم شرح داده شده است. نهایتاً تحلیل اقتصادی و حقوقی قاچاق کتاب مبحثی است که در این فصل طرح شده است. در انتهای فصل دوم نیز مفاهیم اساسی که توانسته‌اند در این پژوهش مورد استفاده قرار گیرند ارائه گردید.

در فصل سوم از این پژوهش به توضیح روش‌شناسی استفاده شده برای انجام پژوهش حاضر، پرداخته شده است. در این فصل اشاره شده است که پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف از تحلیل کیفی، درک معنا و ماهیت رابطه بین متغیرهاست. در ضمن با مقولاتی در پژوهش کیفی سروکار داریم که گاه قابل کمی شدن نیستند. روش‌های کیفی وسیله‌ای برای ارزیابی حقایق سنجش‌ناپذیر درباره افراد تحت مطالعه پژوهشگران و نیز عناصر نمایانگر خصوصیات شخصیتی آنان هستند. در نتیجه پژوهشگران می‌توانند با فنون کیفی، در فهم و درک دیگران شریک شوند و با کشف ساختار زندگی مردم دریابند که آن‌ها چگونه به زندگی خود و دیگران معنا می‌دهند. روش پژوهش روی انسان‌ها بر چگونگی بررسی شرکت‌کنندگان تأثیر

می‌گذارد، به گونه‌ای که اگر انسان‌ها به صورت آماری مطالعه شوند خطر عدم تطابق با واقعیت برای نتایجی که از نظر ریاضی دقیق‌اند وجود دارد.

روش گردآوری داده‌ها یا به عبارت دیگر ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق با متخصصان است. متون روش‌شناختی نشان می‌دهند برای رسیدن به معانی ذهنی کنشگران باید از مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته و مصاحبه‌های روایی استفاده نمود تا پس از کدگذاری و تحلیل این مصاحبه‌ها بتوانیم به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم. روش نمونه‌گیری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت عبارت است از روش نمونه‌گیری هدفمند. در این پژوهش سعی شد تا گستره صاحب‌نظران در زمینه کتاب و نشر کتاب انتخاب شوند. این نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یافت تا داده‌ها اطلاعات لازم در رابطه با اهداف و سؤالات تحقیق را به دست دهند. گروه هدف این پژوهش را همین افراد یعنی متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه کتاب و نشر کتاب تشکیل داده‌اند. این افراد شامل مدیران اجرایی در سازمان‌های مرتبط با این مسئله و ناشران و صاحب‌نظران در این حوزه بوده است. در واقع گروه هدف این پژوهش افراد مذکور خواهند بود و مصاحبه‌های عمیق با این افراد صورت خواهد گرفت. برای تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. علاوه بر این تکنیک‌های مختلف کدگذاری داده‌ها برای انجام تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. ابزار تحلیل نیز نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA بوده است.

نتیجه‌گیری

گزارش یافته‌های پژوهش حاضر که در فصل چهارم انجام شده است، مشتمل بر نتایج حاصل از این پژوهش است که در اینجا تلاش می‌شود مهم‌ترین آن‌ها به صورت خلاصه ارائه شود.

اولین یافته این پژوهش مربوط به چیستی قاچاق کتاب است. در این قسمت به دو بحث اصلی پرداخته شده است: یکی تعریف قاچاق کتاب و دیگری اشکال یا انواع قاچاق کتاب. در رابطه با تعریف قاچاق کتاب، اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که استفاده از عبارت «قاچاق» در رابطه با پدیده مورد مطالعه اطلاق نامناسبی است. واژه قاچاق این مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازد که برخی از کتاب‌های غیرقانونی از کشور به داخل کشور وارد می‌شوند، این در حالی است که مسئله اصلی این است که کتاب‌های رسمی ناشران رسمی که پرفروش شده‌اند مورد چاپ و تکثیر غیرقانونی قرار می‌گیرند. پیشنهاد اکثر مصاحبه‌شوندگان استفاده از عبارت «چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب» به جای استفاده از عبارت قاچاق است. در رابطه با انواع قاچاق کتاب،

مصاحبه شوندگان بر این باورند که شایع‌ترین نوع تکثیر غیرقانونی کتاب حالتی است که کتاب به نام ناشر و نویسنده (مترجم) اصلی تکثیر می‌شود. حالت دوم مربوط به شرایطی است که چاپ کنندگان غیرقانونی، اندکی تغییر در ترجمه کتاب اصلی می‌دهند و آن را با نام انتشاراتی دیگر، مترجم و نویسنده‌ای دیگر چاپ می‌کنند.

دومین یافته اصلی این پژوهش ناظر به عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده قاچاق کتاب است. در این رابطه، عوامل اصلی به سه دسته تقسیم شده‌اند: اولین دسته عوامل مربوط به ناشران و کتاب‌فروشی‌ها است. دسته دوم مربوط به ضعف در حوزه قوانین و مقررات است. سومین دسته عوامل مربوط به ضعف در عملکرد نهادهای نظارتی و جزایی است.

در رابطه با دسته اول مهم‌ترین عوامل شامل چاپ کتاب‌های بدون مجوز و همچنین بی‌انگیزگی ناشران برای شکایت و پیگیری مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پدیده قاچاق شناسایی شده‌اند. در رابطه با دسته دوم عوامل مؤثر بر قاچاق کتاب، دو ضعف اصلی در حوزه قوانین حوزه چاپ و نشر وجود دارد. مورد اول این است که کشور ما عضو کنوانسیون برن نیست و از این نظر قوانین مربوط به کپی‌رایت در کشور ما رعایت نمی‌شود. دومین نکته این است که بسیاری از مصاحبه شوندگان بر این باورند که قوانینی که در این حوزه وجود دارد، قدیمی است و با اقتضائات امروزی این صنعت همخوانی و تناسب ندارد. از این رو نیاز به تجدیدنظر در قوانین وجود دارد. در رابطه با دسته سوم عوامل که همان ضعف عملکرد دستگاه‌های نظارتی و جزایی باشد، بر سه عامل اصلی توسط مصاحبه شوندگان تأکید شده است. مهم‌ترین عوامل در این دسته، عدم برخورد جدی نیروهای نظامی و شهرداری‌ها است. عامل بعدی توجه به این موضوع است که نیاز است نیروهای انتظامی با عاملان اصلی چاپ و توزیع کتاب‌های غیرقانونی که به ادعای اتحادیه شناسایی شده نیز هستند، برخورد جدی به عمل آورد که تاکنون فقدان این برخورد نیز سبب گسترش فروش کتاب‌های قاچاق شده است. در کنار این دو عامل، عامل سومی نیز شناسایی شده است که عبارت است از: ضعف مدیریت فرهنگی.

سومین یافته اصلی این پژوهش مربوط به راهکارهای اصلی کنترل و کاهش پدیده قاچاق کتاب است. یافته‌های این بخش در دو دسته ارائه شده است. اول راهکاری کوتاه مدت برای کنترل پدیده قاچاق کتاب و دوم راهکارهای بلندمدت برای کاهش پدیده قاچاق کتاب. سه راهکار کوتاه مدت اصلی برای کنترل پدیده قاچاق کتاب می‌توان ارائه نمود. اولین راهکار این است که دست‌فروشان کتاب ساماندهی شوند. دومین راهکار این است که با عاملان اصلی چاپ و

فهرست منابع

منابع فارسی

- اصغرینیا، محمدحسن، اصغرینیا، مرتضی (۱۳۹۲)، تطور حقوق مؤلف در تاریخ اسلام و تاریخ غرب مدرن. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۹۶.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران: سمت.
- حنیفه اقبالی درخشان، محمد (۱۳۸۵)، «مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق موضوعه»، مجله کانون، ۶۶: ۸۰-۹۰.
- حضرتی، صمد (۱۳۷۹)، «جایگاه حقوق مؤلف در حقوق ایران، اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی». مجله حقوقی و قضائی دادگستری، ۳۱: ۱۵۹-۱۷۶.
- جعفر زاده، میر قاسم (۱۳۸۵)، «مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری». مجله الهیات و حقوق، ۱۹: ۶۱-۹۶.
- بیژنی، مریم (۱۳۸۴)، «ایران و دورنمای پیوستن به قانون کپی‌رایت». مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۱۵ و ۲۱۶: ۲۰۴-۲۲۱.
- قصاع، محمد (۱۳۸۳)، «ضرورت و تبعات پذیرش توافقنامه کپی‌رایت». مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، ۸۶: ۱۰۱-۹۳.
- امانی، تقی (۱۳۸۳)، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری. تهران: بهنامی.
- موسوی، سیدرضا (۱۳۸۳)، «حق تألیف در حقوق اسلامی». مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، ۶۴: ۱۲۳-۱۶۶.

- امیر ارجمند، اردشیر، حبیبی مجنده، محمد (۱۳۸۴)، «جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله نامه مفید، ۵۲: ۳-۲۴.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۵)، «سیر تحول حقوق مؤلف در جامعه بین‌المللی». مجله حقوقی، ۳۵: ۱۹۴-۱۴۷.
- شفیعی شیبک، مرتضی (۱۳۸۱)، حمایت از حقوق مؤلف، قوانین و مقررات بین‌المللی. تهران: خانه کتاب.
- گرباود (۱۳۸۰)، الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی‌رایت)، ترجمه غلامرضا لایقی. تهران: خانه کتاب.
- مطلبی، داریوش (۱۳۸۶)، «حق مؤلف در محیط دیجیتال». فصلنامه کتاب، ۲(۱۸): ۱۳۷-۱۶۴.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا، خوشرو، سید نجما (۱۳۸۷)، «کنوانسیون جهانی حقوق مؤلف». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴(۳۸): ۳۲۱-۳۴۰.
- کریمی فرد، علیار (۱۳۸۵)، حق مالکیت فکری. اصلاح و تربیت، سال ۵، شماره ۵۳.
- مصوبات مجلس (۱۳۰۴)، قانون مجازات عمومی. مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در آدرس <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- مصوبات مجلس (۱۳۴۶)، قانون مجازات عمومی. مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در آدرس <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- مصوبات مجلس (۱۳۵۲)، قانون مجازات عمومی. مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در آدرس <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- احمدزاده، ابوالفضل (۱۳۹۳)، مالکیت فکری پیش‌نیاز توسعه پایدار. فصلنامه نقد کتاب و اطلاع‌رسانی و ارتباطات. دوره ۱، شماره ۳ و ۴: ۱۷۶-۱۶۷.
- جاوید، محمدجواد، یوسفی، مهدی (۱۳۹۲)، نقد حقوق مالکیت ادبی-هنری مدرن و مالکیت فکری در عصر پست‌مدرن. معرفت حقوقی، سال ۲، شماره ۲، پیاپی ۴: ۱۲۲-۹۹.
- اسمارت، بری (۱۳۸۳)، شرایط مدرن، مناقشه‌های پست‌مدرن، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، اختران.
- لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۰)، وضعیت پست‌مدرن؛ گزارشی درباره دانش، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، گام نو.

خانی، ریحانه، نصرالهی (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر حقوق مالکیت فکری: مقایسه کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲: ۱۷۲-۱۴۴.

حبیبی، سعید (۱۳۸۹)، امکان صدور ورقه اختراع فناوری زیستی و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۰.

گودرزی، مهدی (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت نظام مالکیت فکری ایران و ارائه راهکارهای بهبود آن در جهت توسعه تکنولوژیکی کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی.

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۵)، آشنایی با چاپ و نشر. تهران: سمت.
شاه‌آبادی، ابوالفضل، ساری‌گل، سارا (۱۳۹۰)، اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه منا. فصلنامه پارک‌ها و مراکز رشد، ۸ (۲۸).

فطرس، محمدحسن، نجارزاده نوش‌آبادی (۱۳۸۸)، بررسی اثر حقوق مالکیت معنوی روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه D۸. فصلنامه پارک‌ها و مراکز رشد. شماره ۲۴.

آزاد بیگی، سمیه (۱۳۹۱)، قرارداد‌های نشر در حقوق ایران. فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۷۷.
سعیدی، سینا، حاجی حسینی، حجت‌الله، سعیدی، صبا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر نقض قانون حق نشر توسط کاربران اینترنت. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۸، شماره ۲.
جعفرزاده، رشید، جلالی دیزجی، علی، مومنی، عصمت (۱۳۹۵)، تجزیه و تحلیل شبکه همکاری علمی جهان در حوزه حقوق مالکیت فکری. پژوهش‌نامه علم‌سنجی، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۴).

خداپرست مشهدی، مهدی، صمدی، سارا، هوشمند، محمود، سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۸)، تأثیر حمایت از تأمین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۴.

بزرگی، وحید (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی قوانین و مقررات ایران با مفاد موافقت‌نامه تریپس در زمینه حق نسخه‌برداری و حقوق مرتبط. فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۱۴، شماره ۲۴.
سالارپور گل‌ختمی (۱۳۲۱)، مطالعه تطبیقی نقض حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در

نظام حقوقی ایران و انگلستان. تهران: انتشارات جاودانه.

محمدزاده وادقانی (۱۳۸۵)، تأملاتی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری. فصلنامه حقوق، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۸، شماره ۲: ۳۲۵-۳۸.

نوری، محمدعلی، نخجوانی، رضا (۱۳۸۲)، حقوق تجارت الکترونیکی. تهران: کتابخانه گنج دانش.

منابع لاتین

Palmer, Tom G. (1990). "Are patents and copyrights morally justified?" (Harvard Journal, Law and Public Policy, 13(3)).

Ashok, Arathi (2010), Economic Rights of Authors under Copyright Law: Some Emerging Judicial Trends. Journal of Intellectual Property Rights, Vol. 15: 46-54.

Peat, F. David (2007), from certainty to uncertainty: Thought, theory and action in a postmodern world, Futures, Vol 39, Issue 8.

Hosseini, Shahimeh Sadat, Matlabi, Dariush (2013), a Review on the Status of Copyright in Iran's Publication Industry: Studying Tehran Publishers' View. Middle-East Journal of Scientific Research 16 (3): 383-391.

Keenan, (2000), concise dictionary of library and information science. Translated by Fatemeh Asadi Karagany; Editor Abdulhossein Azarang. Tehran: Librarian, in Persian.

Soltani and Rastin (1993), Glossary of library terms, Tehran: National Library and Archive of the Islamic Republic of Iran, in Persian.

Sundara Rajan (1999), Developing countries and the international copyright regime: the neglected issue of cultural survival. Master of Laws - LLM dissertation, The University of British Columbia, Vancouver, Canada. Retrieved sep 2, 2011 from the World Wide Web: ubc_1999-0594.pdf.

Mahmood and Ilyas (2005), Copyright and book piracy in Pakistan. IFLA

Journal 31(4): 324–332. Retrived feb 21, 2011, from the World Wide Web: <http://ifl.sagepub.com/cgi/content/abstract/31/4/324>.

Norouzi (2001), Studying the advantages and disadvantages of joining the international system of copyright, from the perspective of library science and information experts, MA thesis on Librarianship and Information Sciences, Department of Psychology and Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran, in Persian.

Machiyani, (2000), Criminal protection of the creators' of literary and artistic works rights, with a look at rights of Britain and United States of America, MA thesis on Criminology and Criminal Science, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, in Persian.

Khodabandeh Samany (2001), Protect of authors' right, Master thesis Public Law, Islamic Azad University, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran, Iran, in Persian.

Malekian, (2006), Comparative study of Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS) with rules and regulations in Iran, MA thesis of Social Sciences, journalism, Central Tehran Azad University, Faculty of Literature and Humanities Tehran, Iran, in Persian.

Tarkhany, (2008), comparing Iran's rights on literary and artistic Properties with the sample Law of International Intellectual Property Organization, Master thesis of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, in Persian.

Kermaninezhad Badi, (1997), Review of the material rights of authors in Iran's rights and international conventions, MA thesis on Law, Faculty of Islamic Theology and Law, University of Imam Sadeq (AS), Tehran, Iran, in Persian.

Sadeghi Moqaddam, (1988), Copyright and international conventions, MA thesis on private law, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran, in Persian.

Nasiri, (2006), Legal and contractual protection of copyright, MA thesis of private law, Islamic Azad University Law faculty, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, in Persian.

Qassemi, (2008), Reviews of the advantages and disadvantages of Iran's joining to the international system of copyright, from the perspective (scholars) of communication. MA thesis on Journalism. Faculty of Psychology and Social Science. Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, in Persian.

Arab Asadi, (1994), Rights of intellectual, technical and competitive creations, MA thesis on Librarianship and Information Science, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran, in Persian.

Musai, (2011), Accession to the WTO, Observation of Copyright and the Iranian Book Market. Quarterly Journal of the Economic Research. 11 (2): 6-29.

Nazermoqadam and Emadi and Nikkar (2009), Copyright law from the perspective of publishers in the city of Mashhad, E-monthly of Scientific relation, 11 (3), June. Available at: http://ejournal. Irandoc.ac. ir/ browse.php? mag_id=11&slc_lang=fa&Sid=1 (2010, 11, 14), in Persian.

Kokabi, (2009), "Where is Information Ethics in Iranian Library and Information Science Publications and Services?" « The Electronic Journal Information Systems Evaluation 12 (1):89 - 94, available online at www.ejise.com

Mohamadbeygi, (1996), the national system of copyright, Research plan of Fundamental Research Center, Research and Training, Ministry of Culture and Islamic Guidance, in Persian.

Yang, G, Maskus, K.E. (2001), Intellectual Property, Licensing and Innovation in an Endogenous product Cycle Model. Journal of International Economics, 53: 169-187.

- Maskus, K. (2000), Intellectual Property Rights in the Global Economy. Institute for International Business, Washington DC.
- Chen, Y. Pttinan, T. (2005), Intellectual Property Rights and Innovation in Developing Countries. *Journal of Development Economics*, 78 (2): 474-493.
- Jauhar A (2011), all talk and no bite: Copyright infringement and piracy trends in India. *Journal of computer law and security review* 27: 537-541.
- Al-Rafee S, Cronan TP (2006). Digital piracy: Factors that influence attitude toward behavior. *Journal of Business Ethics* 63: 237-259.
- Nkiko, Christopher (2-13), Book Piracy in Nigeria: Issues and Strategies. *The Journal of Academic Librarianship*. Volume 40, Issues 3-4: 394-398.
- Chiyevo GARWE, Evelyn (2014), Reducing Book Piracy: The Role of the Higher Education Sector. *International Research in Education*. Vol. 2, No. 2.

پیوست

پیوست شماره ۱: راهنمای مصاحبه

بسمه تعالی

راهنمای مصاحبه طرح مطالعه عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق کتاب

همان‌طور که مستحضر هستید یکی از مشکلات عمده در حوزه کتاب و نشر در ایران پدیده‌ای است که به‌عنوان قاچاق کتاب شناخته شده است. در واقع هر ساله تعداد بسیار زیادی کتاب از مسیرهای غیرقانونی چاپ و در بازار منتشر می‌شوند. وقتی عبارت «قاچاق» مورد استفاده قرار می‌گیرد، شبکه‌ای از فعالیت‌های سازمان‌یافته به ذهن متبادر می‌شود که با هدف سودجویی از بازار کتاب انجام می‌گیرد. در این گفتگو هدف ما بررسی ماهیت و وضعیت کنونی کشور ما در رابطه با این مسئله، عوامل و زمینه‌های اصلی بروز و وقوع آن و نهایتاً شناسایی راهکارهایی برای کنترل و مقابله با آن است.

ماهیت پدیده قاچاق کتاب

- در ابتدا بفرمایید از نظر شما قاچاق کتاب یعنی چه؟ شما چه چیزی را قاچاق می‌دانید؟
- به‌طورکلی قاچاق کتاب به چه شکل یا اشکالی بروز می‌یابد؟
- به‌عنوان یک دست‌اندرکار در حوزه کتاب، به نظر شما در حال حاضر کشور ما در زمینه‌ی قاچاق کتاب چه وضعیتی دارد؟

- حقوق مادی و معنوی مؤلفان در کشور ما چه وضعیتی دارد؟ (لطفاً توضیح دهید وضعیت کنونی ما چگونه است؟)

- وضعیت بازار نشر (به لحاظ اقتصادی و فروش کتاب) در حال حاضر به چه صورت است؟ (ناشران و کتاب‌فروشی‌ها چه وضعیتی دارند؟)

- وضعیت قانون کپی‌رایت در کشور ما به چه صورت است؟

عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده قاچاق کتاب

- زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی پیدایش پدیده قاچاق کتاب کدامند؟

- برخی معتقدند قوانین مربوط به این حوزه با اقتضانات امروزی هماهنگی ندارد و برخی معتقدند مشکل از اجرای ضعیف قوانین موجود است. به نظر شما وجود ضعف و خلأ در قوانین مهم‌تر است یا عدم جدیت در اجرای قوانین؟

- چرا ما در این حوزه به معاهدات یا کنوانسیون‌های بین‌المللی نمی‌پیوندیم؟

- حوزه نشر و چاپ کتاب عاملانی دارد: ناشران، مؤلفان، دولت و نهادهای مسئول، کتاب‌فروش‌ها و ... این بخش‌ها طبیعتاً باهم در تعامل هستند. به نظر شما ماهیت این روابط و تعاملات چه تأثیری بر وضعیت کنونی بازار نشر دارد؟ (هدف این است که شما فرآیند چاپ کتاب و حمایت از حقوق مؤلف را آسیب‌شناسی کنید).

- آیا ضعف در آگاهی عمومی را می‌توان یک عامل مهم دانست؟ نقش رسانه‌ها در این حوزه چه می‌تواند باشد؟

- اینکه ما تاکنون ریشه‌های تاریخی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی این پدیده را بررسی نکرده‌ایم چقدر می‌تواند در تشدید پدیده اثرگذار باشد؟

- آیا می‌توانیم شوک قیمتی پس از سال ۱۳۹۰ را یک عامل مؤثر بدانیم؟ آیا پس از این سال وضعیت قاچاق کتاب بدتر شده است؟

راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب

- به نظر شما کدام‌یک از راهکارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی در کنترل این پدیده می‌تواند مفید باشد؟

- از نظر شما راهکارهایی که امکان کنترل و مدیریت این مسئله را برای ما فراهم می‌سازند مشخصاً چه هستند؟

- آیا با کنترل دست‌فروش‌ها این مشکل حل می‌شود یا اینکه می‌گویند پشت پرده کتاب در ایران مافیای عریض و طویلی هست صحت دارد؟ راه حل شما چیست؟ - نقش دستگاه‌های اجرایی و قضایی در این زمینه را چه می‌دانید؟ (مشخصاً چه دستگاه‌های و به چه صورت باید وارد عمل شوند؟)

- نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌طور مشخص در این زمینه چیست؟ - دبیرخانه‌ای برای تنظیم و اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در راستای مبارزه با تکثیر و عرضه غیرقانونی وجود دارد. کار این دبیرخانه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

پیوست شماره ۲: متن مکتوب مصاحبه‌ها مصاحبه با آقای کمالی

گفت‌وگو کننده: با سپاس از وقتی که به ما دادید؛ موضوع بحث ما در مورد قاچاق کتاب است و شما مطمئناً در این مورد می‌توانید به ما کمک کنید. در مورد مفهوم قاچاق کتاب برای ما توضیح دهید که دقیقاً به چه معناست و قاچاق کتاب را چه می‌دانید؟

کمالی: من این عبارت قاچاق کتاب را قبول ندارم. قاچاق کالایی است که نمی‌توانیم در مورد کتاب از این واژه استفاده کنیم. چون برخی از این آثاری که به آن‌ها قاچاق می‌گویند دارای مجوز هستند یعنی مسیر قانونی خود را طی کرده است و اثر وارد بازار شده و با اقبال روبه‌رو شده است؛ اما کسی آن را تکثیر و بهره‌برداری غیرقانونی می‌کند. در ادامه خواهم گفت که يك اثر دارای حق مالکیت معنوی است و يك حق مالکیت مادی. مالکیت معنوی آن سر جای خود هست از مالکیت مادی بهره‌برداری غیرقانونی می‌شود و از صاحب اثر اجازه ندارد. نمی‌توانیم به این قاچاق گفت بهتر است تکثیر غیرقانونی کتاب بگوییم. هنگامی که سخن از قاچاق به میان می‌آید ذهن به سمت کالاهایی که به خودی خود غیرمجازند می‌رود که پدیده وجود آن‌ها غیرقانونی است. کتاب که این‌گونه نیست. کتاب‌هایی وجود دارند که مجوز دارند و شماری دیگر مجوز ندارند اما هیچ‌یک از این دو گروه را نمی‌توان در میان کالاهای قاچاق قرارداد.

گفت‌وگو کننده: حتی در مورد کتب غیرمجاز یعنی اصلاً آن کتاب از ابتدا مجوز چاپ و نشر را نمی‌گیرد؛ در مورد آن نیز دیدگاه شما همین است؟

کمالی: این کتاب مسیر قانونی خود را طی نکرده است. کما این که اگر این مسیر را می‌گذرانند شاید مجوز هم می‌گرفتند. فرض کنید کالایی که در خارج از کشور تولید شده و از مسیر قانونی وارد کشور نمی‌شود و آن کالا در کشور وجود دارد در فروشگاه‌های مجاز عرضه می‌شود اما چون فردی این کالا را وارد می‌کند اما از راه قانونی این کار را انجام نمی‌دهد می‌گویند قاچاق می‌کند و ممکن است در کیفیت و برخی موارد دیگر کاستی‌هایی وجود داشته باشد. در واقع واژه‌ی قاچاق در کنار کتاب خوب نیست و به آن نمی‌آید.

گفت‌وگو کننده: از دید شما از چه واژه‌ای استفاده کنیم؟

کمالی: پیشنهاد من همان تکثیر غیرقانونی است. نزدیک به دو سال کارگروهی در مورد مباحث مربوط به این که چرا این اتفاق افتاد تشکیل شد در این جلسات مباحث در مورد این واژه خیلی بحث شد که قاچاق بگوییم یا تکثیر اما هیچ کس با واژه‌ی قاچاق موافق نبود. همه می‌گفتند تکثیر غیرقانونی بهتر است. هنگامی که شما از واژه‌ی قاچاق استفاده می‌کنید جرم و مسائل دیگرش متفاوت است. در قانون هم اگر ببینید جرم بسیار سنگینی دارد. ما باید به دنبال کلیدواژه‌ای باشیم که هم بار حقوقی نداشته باشد و هم این که با شأن کتاب هماهنگی داشته باشد.

گفت‌وگو کننده: این تکثیر غیرمجاز و غیرقانونی چه اشکالی دارد و از چه راه‌هایی اتفاق می‌افتد؟

کمالی: تکثیر غیرقانونی؛ پدیده‌ای داریم که این روزها در حال رخ دادن است که برخی از افراد سودجو که بیشتر آن‌ها از گذشته و از دهه‌ی ۷۰ در حوزه‌ی نشر بودند دوره‌ای ما یارانه می‌دادیم و این‌ها از روش‌های غیرقانونی از این یارانه‌ها ارتزاق می‌کردند. بعد که یارانه‌ها فروکش کرد و کارها تا اندازه‌ای هدفمند و نظام‌مند شد و نمی‌توانستند از این حوزه ارتزاق کنند به این سمت آمدند که کار تازه‌ای انجام دهند. رصد کردند و کتب پرفروش ناشران را پیدا می‌کنند حتی روی شخصیت ناشر آن‌هم مطالعه می‌کنند که چگونه افرادی هستند آیا پیگیرند یا خیر آیا می‌توانند با این کار مقابله کنند یا خیر و مسائل دیگری که این افراد در حاشیه انجام می‌دهند

و پس از آن به تکثیر کتاب می‌پردازند. کتاب در ۵، ۴ یا ۱۰ نوبت منتشر شده است. دقیقاً مانند همان را می‌زنند با همان نام، اسم و ناشر و نویسنده را حفظ می‌کند. برای نمونه می‌گوید نوبت پنجم و در همان نوبت به تعداد تکثیر می‌کند. هیچ تغییر شکل و ماهیتی در کتاب نمی‌دهد.

گفت‌وگو کننده: من به‌عنوان یک خواننده چگونه می‌توانم تشخیص دهیم این کتاب اصل یا کپی است؟

کمالی: چگونه ناشر متوجه می‌شود؟ این افراد که این کتاب‌ها را در تیراژ بالا تکثیر می‌کنند با قیمت‌های بسیار پایین و تخفیف‌های عالی در سراسر کشور توزیع می‌کنند. پیشنهاد می‌دهند که من این کتاب را از سوی ناشر سمت یا هرمز و فلان و فلان نشر دارم و با ۶۰ درصد تخفیف آن را به شما می‌فروشم.

گفت‌وگو کننده: پس نخستین کسی که متوجه می‌شود فروشنده است

کمالی: فروشنده متوجه می‌شود اگر فروشنده‌ای وجود داشته باشد که با آن ناشر کار کند و انصاف داشته باشد با آن ناشر تماس می‌گیرد که فلانی چنین چیزی شده است و متوجه می‌شوند یا این که ناشر متوجه می‌شود؛ تیراژ را زده کتابی که مثلاً یک نوبت و در تیراژ هزارتایی این کتاب در بازار نشر به فاصله‌ی ۴ یا ۵ ماه فروش می‌رفته ناگهان می‌بینید هزار نسخه کتاب یک سال طول کشیده است چه اتفاقی افتاده است؟ متوجه می‌شود کتابش را تکثیر کرده‌اند. از این راه متوجه می‌شود. این نیازمند پیگیری است و تبعات انتظامی و هماهنگی‌های حقوقی و قضایی می‌خواهد که سرمنشأ ماجرا را پیدا کنند. این یک شمه از تکثیر غیرقانونی است که هیچ تغییری در ماهیت کتاب و از حیث حقوق معنوی آن داده نمی‌شود و عیناً مانند اثر ناشر را چاپ می‌کنند و با قیمت بسیار پایین در کتاب‌فروشی‌های کشور توزیع می‌کنند.

گفت‌وگو کننده: پس می‌توانیم بگوییم با دو ناشر روبه‌رو هستیم یک؛ ناشر اصلی و یک ناشر تقلبی که به‌صورت موازی با هم یک کتاب را در یک زمان منتشر می‌کنند؟

کمالی: البته این‌ها ناشر نیستند با نام ناشر اصلی می‌زنند.

گفت‌وگو کننده: بله اما به‌هرروی در حال نشر دادن است؟

کمالی: می‌توانیم بگوییم یک شخص سودجو و دلال.

گفت‌وگو کننده: اما آشنا به این فرایند که شبکه‌ی چاپ و نشر را کامل می‌شناسد؟
کمالی: این یکی از راه‌هایی است که انجام می‌دهند: روش دیگری که کار می‌کنند این است که کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنند که به نوعی در گذشته یا پس از انقلاب مجوز نگرفتند یا مجوز به دلایلی باطل شده است.

گفت‌وگو کننده: یا کسی وجود ندارد که پیگیر مجوز آن باشد؟

کمالی: یا کسی نیست که این ماجرا را پیگیری کند.

گفت‌وگو کننده: چون به قول شما ممکن است مجوز بگیرد؟

کمالی: دقیقاً؛ اما اصلاً صاحبی ندارد. ممکن است ناشر آن ایران نباشد و آثارش صاحبی ندارد کسی نیست که پیگیری کند. این کتاب‌ها را هم پیدا می‌کنند و تکثیر می‌کنند. در اینجا به صورت این کار را انجام می‌دهند اگر خیلی منصف باشد به نام همان ناشر چاپ می‌کند یا به نام نشر دیگری بانامی قلبی منتشر می‌کند.

گفت‌وگو کننده: نشری که وجود خارجی ندارد؟

کمالی: بله نشری که هیچ ماهیتی ندارد با شابک و تمام موارد تقلبی منتشر می‌کند. چون می‌دانند این کتاب کمیاب است قیمت آن متفاوت است و نسبت به کتبی که ناشر آن وجود دارد گران‌تر است و به میان دست‌فروشان بازار می‌آید و در کتاب‌فروشی‌ها نیست چون کتاب‌فروش می‌گوید من باید کتاب مجوز دار داشته باشم و کتاب بدون مجوز را عرضه نمی‌کنیم چون تعهد صنفی دارند.

گفت‌وگو کننده: یعنی حتی کتابی که از سوی ناشر تقلبی منتشر شده است را

ارجحیت می‌دهند چون به هرروی این کتاب مجوز دارد؟

کمالی: بله چون فروشنده هم راه فراری دارد و می‌تواند بگوید من متوجه نشدم و نام کتاب و نشر همان است و مجوز هم دارد اما در این شکل از ماجرا کتاب‌فروش نمی‌پذیرد. چون کتاب‌فروش‌ها کتاب‌ها را می‌شناسند و کسی که چندین و چند سال در این حوزه کار کرده با کتاب و اسامی آن نا آشنا نیست و کتاب‌شناس است و این کتاب‌ها تنها در میان دست‌فروشان جای می‌گیرند. خود من کتاب قیمت کردم که مثلاً می‌گویند ۵۰ هزار تومان.

گفت‌وگو کننده: بله معمولاً گران هم هست؟

کمالی: اگر همین کتاب را ناشری بفروشد مخاطب می‌گوید چقدر گران است اما از

او می‌خرم نمی‌دانم چرا و البته با رغبت هم می‌خرم اما اگر همین در کتاب‌فروشی‌ها عرضه شود اعتراض می‌کنند که خیلی گران است. این‌ها را در نمایشگاه دیدیم که برخی می‌گویند چرا قیمت‌ها این اندازه بالاست. حال مصداق یک خریدار در نمایشگاه کتاب بوده که از نشر بیرون آمد و گفت قیمت بالاست گفتم اگر این کتاب را دست‌فروش به شما ۳۰ هزار تومان قیمت دهید می‌خرید یا نمی‌خرید؟ اما چون این را ناشر تولید کرده و کیفیتش هم خوب است و با کتاب‌هایی که در بساطی‌ها وجود دارد قابل قیاس نیست و چون این فرد را می‌شناختم و می‌دانستم کتاب‌خوان است گفتم شما کتاب‌های غیرمجاز را می‌خرید اما این کتاب چون مسیر قانونی خود را طی کرده و مجوز گرفته ناشر با کاغذ بسیار مرغوبی هم آن را چاپ کرده و از هر جهت از آن کتاب‌های عرضه شده در میان دست‌فروشان بهتر است می‌گویید گران است. قانع شد و رفت. متأسفانه این نوع نگاه وجود دارد. در این ماجراها ارشاد کاره‌ای نیست و نمی‌تواند کاری انجام دهد و بحث صنفی و کسب و کار است و باید تدبیرهایی کرد که حوزه‌ی قانونی نشر محترم شمرده و تقویت شود. این قدر ابهام درست نشود که آن کتاب‌ها سانسور نشده و این‌ها سانسور شده است و به این موضوع دوستان اهالی نشر بیش از دیگران دامن می‌زنند. این هم شکل دیگری از تکثیر است. شکل دیگر این‌گونه است که این آقایان محترم دلال کتاب، کتاب را به گونه‌ای منتشر می‌کنند که در واقع سرقتی هم رخ می‌دهد؛ حقوق معنوی آن را به نام فرد دیگری می‌نویسد. کتاب را به نام کسی منتشر می‌کند که اصلاً وجود ندارد. کتاب هم صاحبی ندارد و مربوط به ۴۰ یا ۵۰ سال پیش است و ماهیت کتاب را به هم می‌زند. به‌ویژه کارهایی که مربوط به ادبیات کلاسیک می‌شود مانند کتاب‌های شعر و دیوان شعرا و کتب مرجع و کتاب چندپاره می‌شود.

گفت‌وگو کننده: از این کار چه سودی می‌برند؟

کمالی: از یک سو می‌گویند اگر قرار باشد این کتاب را با چنین حجمی منتشر کنم قیمتش بالا می‌رود و بخشی از آن را انتخاب و چاپ می‌کنم. این کار بسیار زشت و بد است کتاب سازی می‌شود. شاید کسی که اصلاً به این حوزه آشنا نیست و شاید نویسنده هم نباشد ناگهان نویسنده و مترجم می‌شود و به آن آثار هم ضربه

می‌زند. خوشبختانه چنین مواردی بسیار اندک است.

گفت‌وگو کننده: بله چون من هم با چنین موردی برخورد نکردم.

کمالی: این نوع کتاب‌ها بیش‌تر در شهرستان‌ها هستند چون در تهران افراد زود متوجه می‌شوند. نمونه‌هایی از این کتاب‌ها را در برخی از ناشران خودمان هم داشتیم.

گفت‌وگو کننده: بیش‌تر در چه حوزه‌هایی هستند؟

کمالی: بیش‌تر در حوزه‌ی کتاب‌های دینی یا ادبیات است.

گفت‌وگو کننده: برای نمونه دیوان حافظ را نصف کند و بنویسد به تصحیح آقای ایکس؟

کمالی: بله با مثنوی یا دیوان حافظ و سعدی این کار را انجام می‌دهند. بیش‌تر روی اشعار کلاسیک و کهن مانور می‌دهند. این هم جنبه‌ی کتاب‌سازی و هم سرقت ادبی پیدا می‌کند و همه‌جوره ضربه می‌زند. در برخی از موارد منجر به توقف نشر شده است. در یک شهرستان‌های کوچک فرد تمکن مالی ندارد که گلستان یا مثنوی را بخرد و بخشی از آن را خریداری می‌کند. تشخیص آن نیز برای کسی که آشنا نیست دشوار است. متأسفانه از نادانی مردم سوءاستفاده می‌کنند. خوشبختانه این بخش کم‌رنگ‌تر است و هنوز گسترش پیدا نکرده است؛ اما دو موضوع نخستین که در مورد آن بحث کردیم بسیار گسترده است و باجرات و بدون واهمه از قوانین انضباطی این کار را انجام می‌دهند.

گفت‌وگو کننده: قوانین در این‌باره به چه صورت است اصلاً قوانین جدی و سختی وجود دارد؟

کمالی: با قوانین کنونی می‌توان کاری انجام داد.

گفت‌وگو کننده: چون برخی بر این باورند که قوانین موجود به اقتضای امروز ایران نیست و چون این قوانین مربوط به گذشته است کارایی چندانی ندارد؟

کمالی: بله درست است. قانونی که مربوط به حقوق مادی معنوی اثر باشد مربوط به سال ۱۳۴۸ است و تاکنون هیچ اتفاقی نیفتاده است اما با همین قانون کنونی هم می‌توان کارهای بسیاری انجام داد.

گفت‌وگو کننده: که همین کار هم انجام نمی‌شود؟

کمالی: دقیقاً. می‌توان مانع برخی رویدادها شد. باید قانون بازبینی شود و اختیارات

وزارت ارشاد در این حوزه گسترده‌تر شود. باید اختیارات فراوانی داشته باشد تا بتواند با این موضوع مقابله کند. چون بر اساس قانون کنونی وزارت ارشاد هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مرجع آن قوه قضاییه است و باید به آن در مراجع قضایی رسیدگی شود.

گفت‌وگو کننده: یعنی خلأهایی که در قانون کنونی وجود دارد نبود اختیار برای وزارت ارشاد است که در این حوزه تخصص دارد؟

کمالی: بله. در هر حوزه‌ای در فرهنگ و هنر که وزارت ارشاد متولی این کار است در باب حقوق مالکیت مادی و معنوی نقش بسیار کم‌رنگی دارد و شاید در برخی مواقع هیچ‌کاره است.

گفت‌وگو کننده: پس حقوق مادی و معنوی در اختیار چه کسی است؟ چه نهادی متولی این امر است؟

کمالی: قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان که در سال ۴۸ تصویب شده است؛ در اینجا مجری قانون قوه قضاییه است یعنی وزارت دادگستری.

گفت‌وگو کننده: مانند هر قانون دیگری؟

کمالی: بله از این تاریخ به بعد این قانون کماکان به همین شکل بوده است. وزارت ارشاد پس از انقلاب تاکنون اگر خواسته کاری انجام دهد در حد اختیارات خود به صورت کدخدا منشی وارد می‌شده است. يك موضوع اختلافی و یا مباحثی که مربوط به حقوق مادی و معنوی يك اثر می‌شود و اختلافی است رسیدگی و حل کند. در بسیاری مواقع هم موفق بوده اما در بسیاری اوقات هم نمی‌توانسته کاری انجام دهد. در واقع می‌دیده که این رویداد قانونی نیست اما نمی‌توانسته کاری هم انجام دهد. قوه قضاییه و وضعیت دادرسی این قدر ناچیز است البته این را هم باید بیفزایم که خیلی جاها این دوستانی که در این حوزه دچار آسیب می‌شوند اصلاً انگیزه‌ای برای پیگیری ندارد شماری از این افراد شخصیتشان اجازه نمی‌دهد.

گفت‌وگو کننده: که به دادگاه مراجعه کنند؟

کمالی: بله و نامش مطرح شود و در رسانه وارد شوند و با این روزنامه و با آن مجله گفتگو کنند و اصلاً رغبت به انجام چنین کارهایی ندارد.

گفت‌وگو کننده: به‌ویژه نویسندگان که در حوزه دیگری هستند و طبع متفاوت‌تری دارند؟

کمالی: یا این که این قدر پروسه‌ی دادرسی طولانی می‌شود که طرف از ادامه‌ی راه منصرف می‌شود. عده‌ای هم که می‌روند می‌گویند باید برویم از حقوقمان دفاع کنیم. ما در همین جریانی که چند سال با همکاری اتحادیه اتفاق افتاده به این نتیجه رسیده‌ایم که بسیاری از افراد اصلاً انگیزه‌ای برای شکایت ندارند. دلایل گوناگونی دارد که باید در جای خود به آن‌ها رسیدگی شود. جلوی چشمش روز روشن می‌بیند کتابش را تکثیر می‌کنند و مالش را می‌برند اما تنها کاری که می‌کند تماشا کردن است.

گفت‌وگو کننده: چرا این انگیزه را ندارند؟

کمالی: پس از این که جریان دو سالی که روی ماجرای تکثیر قوانین کار شد کارگروه به این نتیجه رسید که وزارت فرهنگ و ارشاد به‌عنوان معاونت فرهنگی با اتحادیه‌ی ناشران تفاهم‌نامه‌ای منعقد کنند. تفاهم‌نامه تدوین شد و در آن تعهداتی میان هر دو سو برقرار شد. تعهد وزارت ارشاد و معاونت فرهنگی این بود که يك تأمین اعتباری برای این کارگروه انجام دهند و نام این کارگروه صیانت از حقوق نشر شد. گفت‌وگو کننده: یا همان حقوق معنوی اثر البته گمان می‌کنم مادی هم شامل آن می‌شود؟

کمالی: بله حقوق مادی هم جزو آن است. این کارگروه اعضای ثابت و متغیر داشت اعضای ثابت آن از مدیرکل دفتر حقوقی وزارت ارشاد و مدیرکل ارشاد استان تهران، به‌عنوان رئیس این کارگروه، رئیس اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران حضور داشتند و سه تن از کارشناسان خبره‌ی حوزه‌ی نشر که در اتحادیه هستند و به انتخاب اتحادیه و افراد متغیر. بر اساس هر موضوعی که در جلسه مطرح می‌شد عضو مهمان داشت و آن فرد در مورد آن موضوع خاص به جلسه دعوت می‌شد. این کارگروه شکل گرفت و تأمین اعتبار انجام شد و برخی از شرکت‌ها آمدند و در کارگروه مطرح شد و به این منجر شد که فردی که متضرر شده و شاکی است به اتحادیه اختیاری دهد. در وظایف اتحادیه درج شد که با دفتر وکالت. صحت و مذاکره کند و قراردادی ببندند و چند وکیل در خدمت این کارگروه باشند. شکایت‌هایی که می‌شود به لایحه تبدیل شود و صفر تا صد ماجرا را وکیل در قوه‌ی قضاییه پیگیری و تبدیل به رای کند. ناشر یا صاحب اثر تنها وارد اتحادیه یا نزد وکیل فقط برای دادن

وکالت نامه می رفت، اظهاراتش را می نوشت و از آن پس کاری نداشت.

گفت وگو کننده: در اینجا باید ناشر یا نویسنده هزینه‌ی وکیل را می داد؟

کمالی: خیر وزارت ارشاد این هزینه را تقبل و تأمین اعتبار کرده بود و انجام و پرداخت شد. در چند جلسه‌ای که بودیم نزدیک به ۱۰ شکایت انجام شد. یکی از ناشران به اینجا آمدند تا وکیل از سوی آنها برای رسیدگی به دادگاه برود. باقی افراد نیامدند.

گفت وگو کننده: چرا؟ هزینه‌ای هم که نباید می پرداختند؟

کمالی: با چند تن از آنها صحبت کردم و گفتم چرا نمی آید؟ وزارت ارشاد که نمی تواند مدعی العموم آثار شما باشد. جرم عمومی رخ می دهد و حقی از شما، ارشاد به دلیل جرم عمومی از سوی خود شکایتش را انجام می دهد شما که صاحب این اثر هستید و می خواهید خسارت بگیرید و فرد خاطی را تنبیه کنید و موارد و مسائل دیگری که باید حل و فصل شود باید شکایت کنید تا لایحه شود و برای آن حکم صادر شود. می گفتند تضمین شما چیست؟ گفتم چه تضمینی؟ اگر این فرد مرا دید و با ماشین به من زد چه می شود؟ گفتم برادر من اگر قرار باشد هر خلافی که در جامعه شکل می گیرد همین نگاه شما وجود داشته باشد که سنگ روی سنگ بند نمی شود. طرف دزدی می کند مال باخته باید بگوید من شکایت نمی کنم چون فردا ممکن است این فردی که دزدی کرده مرا در خیابان بزند؟ نگاه موجود این است و کسی این حرف را می زند که در این حوزه بیشترین صدمه را دیده است حاضر نیست شکایت کند. من در این موضوع به نتایج بدی رسیدم و آن این است که خود این افراد مقصرند. ضد تبلیغ هم داریم و این که شما در مورد چیزی تبلیغ منفی کنید کارکرد بهتری خواهد داشت. در این مورد کتابی سر زبان‌ها می افتد که کتاب فلانی و فلانی و فلانی دچار این مشکل شده است. تمام ایران نسبت به این موضوع و کتاب حساس می شوند که این کتاب چیست باید آن را بخوانم.

گفت وگو کننده: پرسشی برای من پیش آمد، این افراد خاطی شناسایی شده اند؟

یعنی ناشر می داند چه کسی این کار را انجام می دهد؟

کمالی: بله. در جایی و موضوعی همان فردی که نامش را نمی آورم چون همه‌ی دوستان او را می شناسند در يك روز پنجشنبه به من زنگ زد که من هم اینک در فلان

جا و در خیابان انقلاب هستم کتابم را با نیشان بار می‌زنند و می‌خواهند به فلان جا ببرند. ما با دوستان بازرس اتحادیه هماهنگ کردیم و متقاعدشان کردیم و به همان مکان رفتند. آن فرد خاطی هم مشخص بود که چه کسی است. مأمور گذاشتند و مراقبت کردند و به اینجا رسید که این اتفاق افتاد. مشابه همین موضوع را دوستان و بازرسان اتحادیه در يك مجتمع تجاری دیگری پیدا کردند و گرفتند و صورت جلسه کردند و تنها به شکایت نیاز داشت اما حاضر به این کار نشد.

گفت وگو کننده: مجازاتی که برای این کار در نظر گرفته شده است چیست؟

کمالی: مجازات سنگینی دارد

گفت وگو کننده: مالی؟

کمالی: هم مالی و هم جزایی. دست کم شش ماه زندان دارد.

گفت وگو کننده: و جالب اینجاست که فرد خاطی از مجازات نمی‌ترسد و این کار

را انجام می‌دهد؟

کمالی: تا هنگامی که من شکایت نکنم؛ مثالی برای شما می‌زنم؛ جریان فیلم‌ها

در حوزه سینما را به یاد دارید که از روی پرده فیلم می‌گرفتند؟

گفت وگو کننده: بله و همین مردم با شتاب برای دیدن آن فیلم می‌رفتند.

کمالی: معضلی در کشور شده بود. چه شد که این موضوع جمع شد؟ همان

دوستان در کارگروه صیانت از تجربیات خود گفتند. در آنجا وزارت ارشاد تنها نقش

معنوی و پدران داشت و اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان و کارگردانان و بازیگر آن‌همه جمع

شدند. چراکه حیثیت مالی و معنوی‌شان در خطر بود. هجمه وارد کردند و به کف

خیابان و پاساژهای میدان امام خمینی می‌رفتند و خودشان در این مکان‌ها فیلم‌های

غیرمجاز را کشف می‌کردند و با آگاهی تماس می‌گرفتند که این اتفاق افتاده است.

ما چنین چیزی در میان ناشران نداریم. خیلی کم داریم. تنها تماشا می‌کنند؛ اما

سینماگران می‌رفتند و شکایت می‌کردند و خاطیان ناچار به پرداخت جریمه‌های

سنگین شدند تا این موضوع حل شد. خودشان هم می‌گویند ۱۰۰ درصد نشده اما

توانستند تا ۸۰ و ۹۰ درصد مانع انجام این کار شوند. این موضوع باید برای ناشران

و نویسندگان هم رخ دهد اما نمی‌شود. آن‌ها می‌گویند باید وزارت ارشاد این کار

را انجام دهد اما دست‌وبال ارشاد در این زمینه بسته است. وزارت ارشاد نمی‌تواند

به جای ناشر و نویسنده و به عنوان مدعی العموم طرح شکایت کند. در جرم عمومی ارشاد شکایت می کند.

گفت وگو کننده: در این میان کسی که بیش تر متضرر می شود ناشر است یا نویسنده؟

کمالی: ناشر. البته نویسنده هم ضرر می کند.

گفت وگو کننده: اما کم تر؟

کمالی: اما سرمایه ی ناشر به خطر می افتد.

گفت وگو کننده: چون حق تألیفی هم که نویسندگان یا مترجمان از ناشران می گیرند شاید چندان زیاد هم نباشد.

کمالی: شاید در اینجا رخداد دیگری هم روی می دهد و آن بدبینی ای است که میان نویسنده و ناشر اصلی به وجود می آید.

گفت وگو کننده: من در جریان هستم چون با یکی از نویسندگان از نزدیک در ارتباط بودم.

کمالی: بله شکایت های این چنینی شده که فرد آمده و می گوید کتاب من این اندازه منتشر شده است اما این ناشر این مقدار به من حق تألیف داده است. بنابراین بررسی کردیم و متوجه شدیم کتاب غیرقانونی تکثیر شده است.

گفت وگو کننده: البته شاید بدبینانه باشد اما من این مطلب را از یکی از نویسندگانی که از یکی از انتشاراتی های مشهور شاکی بودند نقل قول می کنم که البته تنها یک تن شاکی نبود. من از چند کتاب فروش هم این موضوع را شنیده ام که ناشر برای این که حق نویسنده یا مترجم را ندهد این کار را انجام می دهد. این موضوع تا چه اندازه حقیقت دارد؟

کمالی: متأسفانه وجود دارد.

گفت وگو کننده: شاید به این دلیل است که چند آن هم تمایلی به شکایت کردن ندارند چون به راستی عجیب است چون هر کسی حقی از او ضایع می شود باید به دنبال آن برود.

کمالی: این جنبه های دیگری پیدا می کند. ما به این نمی توانیم بگوییم تکثیر غیرقانونی و باید نام کتاب سازی را برای آن بیاوریم. برای نمونه ناشر به نویسنده بر

مبنای تیراژ دو یا سه هزار جلد پرداخت می‌کند و فروش کتاب خوب است چه کاری انجام می‌دهد؟ البته موضوع تازه‌ای نیست اینجا مشکل قانونی داریم و در گذشته هم چنین مواردی پیش آمده بود. کتاب که پرفروش می‌شود نوبت دوم را باید دو هزار نسخه می‌زده است اما چه کسی می‌تواند این دو هزار نسخه اما چه کسی می‌تواند این تعداد را کنترل کند که این مقدار چاپ کرده است. نویسنده که بالای سر اثر خود نیست تا کامل در جریان باشد. در اینجا زیرساخت‌های قانونی ما ایراد دارد. چون مبنا و نظام فروش در ایران اشکال دارد. اگر در اروپا و دیگر کشورها بروید این نظام به گونه‌ای طراحی شده که بین تولید و فروش ارتباط منطقی و قانونی و فرایندی مستحکمی وجود دارد که هر صاحب اثری هرگاه بخواهد از تولید اثر خود آگاه شود که در چه تیراژی منتشر شده می‌تواند متوجه شود.

گفت‌وگو کننده: یعنی می‌تواند این فرایند را تحت کنترل داشته باشد.

کمالی: بله. چقدر تولید و منتشر شده چه اندازه فروش رفته و چه مقداری وجود دارد.

گفت‌وگو کننده: از دید من با پیشرفت اطلاعات امروز کار سختی نیست تنها يك سامانه است

کمالی: بله اما در ایران این گونه نیست. در ایران من به‌عنوان ناشر اثری را می‌گیرم که پرفروش است و با شما قرارداد می‌بندم که به ازای بر مبنای تیراژ کتاب ۱۲ تا ۱۵ درصد به شما حق‌التألیف دهم. ۵ هزار نسخه منتشر می‌کنم و حساب و کتاب می‌کنم متوجه می‌شوم باید ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان به نویسنده پرداخت کنم. بنابراین فکری که نباید را می‌کنم و تیراژ می‌زنم ۵ هزار نسخه اما ۱۰ هزار نسخه منتشر می‌کنم و با نویسنده همان اندازه‌ی ۵ هزار نسخه حساب می‌کنم چون نظام نظارتی چاپ و فروش ایراد داد. اگر نویسنده‌ای بخواهد این موضوع را پیگیری کند این قدر باید از خود کار آگاه بازی دریاورد تا شاید متوجه شود. این هم یکی از اشکالات بسیار جدی‌ای است که در این زمینه وجود دارد.

گفت‌وگو کننده: در این مورد هم ناشر می‌تواند ادعا کند که خبر ندارد؟

کمالی: بله این چیزی است که ناشر انجام می‌دهد و یا انجام نمی‌دهد. اگر سوگند هم بخورد و قسم راستی هم باشد ممکن است با کسی شریک شود در همین

جریان تکثیر غیرقانونی برخی از این دوستان ناشر هم شریک‌اند. گفت‌وگو کننده: چون این گونه که مشخص است ما در مورد يك شبکه‌ی پیچیده و مافیا سخن می‌گوییم که همه به گونه‌ای در ارتباط‌اند. می‌توانیم این گونه بیان کنیم که از آغاز فرایندی که يك مؤلف اثرش را به ناشر می‌دهد و می‌خواند و وارد پروسه‌ی چاپ می‌شود و پخش می‌شود و به دست مصرف‌کننده می‌رسد؛ بیشترین معضل یا کلیدی‌ترین بخش موضوع ناشران هستند. مشکل ما در بحث چاپ و نشر غیرقانونی بیشتر است.

کمالی: مشکلی که اکنون در بحث نظارت وجود دارد وزارت ارشاد کار نظارت را انجام می‌دهد. از حیث قوانین و مقررات و بحث نظارت شکلی را انجام می‌دهد. نمی‌گوییم ۱۰۰ درصد اما انجام می‌شود. چیزی که می‌ماند آن چیزی است که در کف بازار روی می‌دهد. این متولی ندارد. اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران؛ در مورد يك شهر می‌گوییم و نمونه‌ای برای کشور نمی‌آورم؛ به‌عنوان يك نهاد صنفی که وظیفه دارد این مسائل را در حد اختیارات خود رسیدگی کند چندان جدی نیست. یا سازوکار نداریم یا به‌راستی نمی‌توان نظارت کرد. نمی‌توان بالای سر هر کسی هم کسی را گذاشت. در همین خیابان انقلاب این قدر پستو وجود دارد که ممکن است در هر يك از آن‌ها یا هر زیرزمینی يك دستگاه تکثیر وجود داشته باشد. این‌ها هم وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد. برخی می‌گویند کتاب‌ها در افغانستان چاپ می‌شوند و وارد ایران می‌شوند این گونه نیست و این حرف خنده‌دار است. ناشر افغانستانی در افغانستان داریم که کتاب‌های نویسندگان ایرانی را منتشر می‌کند اما این که از آنجا بخواهد بار شود و وارد ایران شود خنده‌دار است و اصلاً مقرون‌به‌صرفه نیست. فیلمی گرفته بودند در مورد کالاهای قاچاق که درون آن‌ها جی‌پی‌اس گذاشته بودند از گمرک به راحتی رد شد و کسی هم مانع نشد کتاب که نمی‌صرفد. کالاهایی که سود میلیاردی دارند برایشان می‌صرفد. بله کتاب در افغانستان و یا اروپا منتشر می‌شود يك نسخه از آن وارد ایران می‌شود و از آن تکثیر می‌شود. این درست است. گفت‌وگو کننده: اکنون که می‌توانند فایل پی‌دی‌اف هم بدهند؟

کمالی: بله می‌توانند این فایل را ایمیل کنند. متأسفانه در بحث صنفی و کسب‌وکار ما چندان جدی نیستیم و قاعده ندارد. برای همین هم نمی‌شود نظارت جدی‌ای

انجام داد. وزارت ارشاد هم نمی‌تواند در کسب و کار دخالت کند چون يك موضوع صنفی است. اگر بخواهیم این‌گونه شود نیاز به زیرساخت‌های بهتری داریم و اتحادیه باید در این مورد جدی‌تر باشد. بحث‌ها و نظارت صنفی باید دقیق‌تر شود. یکی از مباحثی که در این کارگروه مطرح می‌شد این بود که وزارت ارشاد نمی‌تواند در میدان انقلاب با کسی که کتاب غیرمجاز می‌فروشد برخورد کند. هنگامی که وارد سبزه میدان می‌شوید می‌بینید شماری دست‌فروش هستند که لباس می‌فروشند. مغازه‌دار بازار به اتحادیه‌اش اعتراض می‌کند که من مالیات و عوارض می‌دهم نمی‌شود که این دست‌فروشان بدون پرداخت هزینه‌ای مزاحم کسب و کار من شوند. آن‌ها این دست‌فروشان را جمع می‌کنند. در اینجا است که اتحادیه‌ی نشر باید خودی نشان دهد و هماهنگ کند و کسانی که کتاب بساط می‌کنند را جمع کنند چرا که کتاب‌فروشان و ناشران متضرر می‌شوند. ناشر حرفه‌ای در همین اتاق من می‌گفت روبه‌روی فروشگاه من کتاب خودم را روزی ده تا پانزده جلد از کتابی که من حتی يك جلد هم نمی‌فروشم می‌فروشد. این برای او سنگین نیست؟ می‌گوید به اتحادیه هم گزارش دادم اما کاری نمی‌کنند شما کاری بکنید؛ ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ ارشاد در بالاترین سطح جلسات هماهنگی گذاشته است از فرمانده نیروی انتظامی و قوه‌ی قضاییه و اتحادیه‌ی ناشران یعنی در بالاترین سطح و با حضور وزیر این اتفاق افتاده است اما نمی‌تواند وارد کف خیابان شود چون وظایف انتظامی بر عهده‌اش نیست. این وظایف به عهده‌ی اتحادیه‌ی ناشران است که به نیروی انتظامی گزارش کند. گفتند نمی‌شود این‌ها حق و حقوقی دارند و کسب و کارشان این است و خانواده دارند. پیشنهاد دیگری مطرح شد. در تمام دنیا آدینه بازارها مکان‌هایی برای کالاهای دست‌دوم وجود دارد. این‌ها را شناسایی و دسته‌بندی کنید و در هفته يك روز يك راسته را از جای دیگر به این افراد اختصاص دهید. ما در گذشته داشتیم که کتاب‌های کتابخانه‌ای را می‌خریدند و همان دست‌فروشان در حاشیه‌ی پارک لاله این کتاب‌ها را عرضه می‌کردند. مجوز دار و قانونی این مشکلی نداشت کسی هم با این‌ها کاری نداشت. اکنون این‌گونه نیست همه چیز باهم مخلوط شده است کتاب مجوز دار و بدون مجوز و هر چه پیدا کند را می‌فروشد.

گفت‌وگو کننده: اگر شما بخواهید میان این عواملی که وجود دارد مهم‌ترین آن را

بیان کنید کدام مورد را عنوان می‌کنید؟ چون ضعف در قانون و اجرای آن وجود دارد. مسائل فرهنگی که من به‌عنوان قشر فرهنگی جامعه که با کتاب هم سروکار دارم چه اندازه این را رعایت می‌کنم و حقوق مادی و معنوی ناشر و نویسنده تا چه اندازه برایم مهم است و بحث اقتصادی آن نیز پررنگ است. از دید شما ریشه و هسته‌ی اولیه ماجرا کجاست؟

کمالی: از دید من مشکل اصلی در میان ناشران است. چون هیچ انگیزه‌ای برای برخورد با این ماجرا ندارند و در این مورد جدی نیستند.

گفت‌وگو کننده: پس می‌توانیم بگوییم بیشتر بحث اقتصادی مطرح است؟

کمالی: بله این‌گونه است و این افرادی که در حاشیه‌ی انقلاب کار می‌کنند همه در گود هستند و شاگرد همان کتاب‌فروشی‌ها هستند.

گفت‌وگو کننده: چون بیشتر هم کتاب‌های مجاز را می‌فروشند و کتاب‌های غیرمجاز کم‌تر هستند.

کمالی: بله. چون کتاب‌ها غیرمجاز جرم سنگین‌تری دارد.

گفت‌وگو کننده: البته من خودم هیچ‌گاه نویسنده یا ناشر نبودم که بخواهم این موضوعات را دنبال کنم اما گمان می‌کنم کتاب‌های بسیاری هستند که به چاپ می‌رسند. یعنی اگر کسی بخواهد دنبال مجوز باشد فرض می‌کنیم من می‌گویم کتابی بوده که پیش از انقلاب در حوزه‌ی جامعه‌شناسی چاپ شده است چون رشته‌ی من جامعه‌شناسی است؛ دیدم که از همان نویسنده پس از انقلاب کتاب با مجوز منتشر می‌شود. هنگامی که این دو را کنار هم قرار می‌دهم می‌بینم محتوایی ندارد که با دیگری مغایرت داشته باشد که یکی بتواند مجوز بگیرد و دیگری نتواند.

کمالی: امیدوارم تحلیل من نادرست باشد چون این دامنه در میان کتب مجوز دار است به‌گونه‌ای می‌خواهد ماهیت قانونی حقوق نشر را زیر سوال ببرد. این نظام نظارت بر کانون‌های کتاب بی‌تأثیر است و این را انجام می‌دهند این یک سوی داستان است. سمت دیگر بعد اقتصادی ماجراست، ناشران برای این که از پرداخت بسیاری از مسائل مالی فرار کنند این کار را انجام می‌دهند.

گفت‌وگو کننده: مالیات هم پرداخت می‌کنند؟

کمالی: نه از پرداخت مالیات معاف‌اند. انگیزه است و انگیزه‌ها به این موضوع

برمی‌گردد که نخواهند خود را درگیر کنند. این هم ناشی از همان است که ما می‌گوییم کارکردهایی که تاکنون در حوزه نشر انجام داده‌ایم تأثیر خود را از دست داده است و باید به دنبال مسائل تازه‌تری باشیم.

گفت‌وگو کننده: مانند چه چیزهایی؟

کمالی: مانند این که ممیزی کارکرد خود را از دست داده است. شما می‌توانید هرگونه کتابی را تکثیر کنید و در خیابان بفروشید و این نگاه متأسفانه وجود دارد. گفت‌وگو کننده: یعنی فکر می‌کنند نیازی وجود ندارد که وزارت ارشادی وجود داشته باشد که بخواهد کتاب‌ها را بازبینی کند؟

کمالی: اینجا می‌آیند و همین حرف‌ها را می‌زنند که شما زمانی حمایت می‌کردید اکنون همان حمایت را هم ندارید و اصلاً چرا باید از شما مجوز بگیریم، هم اینک کتاب‌هایی منتشر می‌شوند که مجوز ندارند.

گفت‌وگو کننده: در واقع قصد بی‌اعتبار کردن این نهاد را دارند.

کمالی: چرا؟ دوباره به بدنه‌ی نشر برمی‌گردد. عرض من این است که اگر قرار به درست شدن این‌هاست باید از صنف شروع شود. ما در همین جریان کارگروه صیانت و وظیفه‌ای که بر عهده‌ی ماست باید انجام دهیم؛ ما یک لایحه که منجر به رای شود با وجودی که اعتبار و هزینه‌ی آن به حساب اتحادیه‌ی ناشران تهران واریز شده که ناشر محترمی شکایت کند و در مورد آن فرد خاطی ما یک رای هم نداشته‌ایم.

گفت‌وگو کننده: می‌توانیم بگوییم که ناشران بهانه‌گیری می‌کنند؟

کمالی: قطعاً و بدون شک. اعلام و مصاحبه شده، آقای آموزگار مصاحبه کرده است. معاون ارشاد هم به هم چنین. خیلی‌های دیگر هم مصاحبه کرده‌اند که این بستر فراهم است و این اتفاق‌ها وجود دارد هرکسی شکایت دارد به آنجا برود.

گفت‌وگو کننده: از یک سو می‌گویند ما شاکی هستیم؟

کمالی: اما پای ماجرا نمی‌ایستند.

گفت‌وگو کننده: با این که خودشان متصدی هستند؟

کمالی: کسی با من تماس گرفت و گفت فلان جا کتاب من در حال بار کردن است بلافاصله به آنجا اعزام شدند و صورت جلسه شده است ما به اتحادیه نامه زدیم که حتماً از این فرد شکایت کنید چرا که این فرد سابقه‌دار است. دست کم ده سال

است که این کار را انجام می‌دهد و آقای آموزگار یک محموله‌ی سنگین از این آقا گرفته است اما چنین اتفاقی نمی‌افتد.

گفت‌وگو کننده: پس با این وضعیت ما به این بخش نمی‌رسیم که قانون وجود ندارد یا اجرا نمی‌شود؟

کمالی: عرض کردم که با همین قوانین کنونی کارهای بسیاری می‌توانیم انجام دهیم.

گفت‌وگو کننده: اما تا هنگامی که شاکی خصوصی وجود نداشته باشد؟

کمالی: دقیقاً و من به‌عنوان ارشاد باید از چه چیزی شکایت کنم؟ به من می‌گویند مگر شما صاحب این اثرید؟ جرم عمومی آن را بله که ارشاد در کنار صاحب اثر می‌تواند شکایت کند.

گفت‌وگو کننده: کسی از همکاری شکایت نمی‌کند چون...؟

کمالی: در دوستان سینمایی معاف نکردند بلافاصله همه را لایحه کردند و جریمه‌های سنگین بریدند و این کار سبب شد جلوی کار گرفته شود؛ اما ناشران و نویسندگان و همه تنها تماشا می‌کنند. اشکالات زیرساختی در حوزه‌ی نشر بسیار داریم قوانینی که وجود دارد ناکارآمد است درست است نظام فروشمان به هم‌چنین.

گفت‌وگو کننده: اما به قول شما هسته‌ی اولیه همان اتحادیه است که باید از خود دفاع کند. من به‌عنوان ناشر که ادعا می‌کنم متضرر می‌شوم باید پیگیر کارم باشم و این موضوع وکلا هم که برای آن‌ها بدون هزینه فراهم شده بود؟

کمالی: بله

گفت‌وگو کننده: ماجرای کارگروه به کجا رسید؟

کمالی: متأسفانه متوقف شده است و اکنون آمدند و چون از آن کارگروه حاصل نشد و با وجودی که اقدامات خوبی برای پشتیبانی آن شکل گرفت آقای وزیر پس از جلسه‌ای که با مقامات مسئول انتظامی و قضایی گذاشتند مصوبه‌ای بود که کارگروه ماجرا را پیگیری کند. اختیار این کارگروه را به معاون هماهنگی ارشاد دادند و معاون فرهنگی هم آقای مدیرکل دفتر توسعه‌ی کتاب را به‌عنوان رئیس کارگروه انتخاب کردند. هم‌اینک کارهای دبیرخانه‌ای آن در حال سامان‌دهی شدن است که اعضای ثابتی که در آن کارگروه بودند. باید نمایندگان تام‌الاختیارشان را معرفی

کنند که کارگروه در قالب دیگری شروع به کار کند. در این کارگروه باز هم رئیس اتحادیه‌ی ناشران عضو است. اگر ما بخواهیم در این مورد کار جدی‌ای انجام دهیم وزارت ارشاد تاکنون برادری خود را ثابت کرده است. همه جوره اعلام کرده که از ناشران و صاحبان آثار دفاع خواهد کرد. در بالاترین سطح از وزیر گرفته تا معاونت فرهنگی چه در گذشته و چه در حال از این موضوع پشتیبانی می‌کند. اما این که ناشر و اتحادیه‌ی ناشران از وزارت ارشاد این انتظار را داشته باشد که به کف خیابان انقلاب رود و با تکثیرکنندگان غیرقانونی برخورد کند خیر ارشاد این کار را انجام نمی‌دهد. گفت‌وگو کننده: چنین کاری را بدون شکایت انجام نمی‌دهد؟

کمالی: اتحادیه‌ی ناشران تهران باید با اعضای خود صحبت کند و به آن‌ها این اطمینان را بدهد که اتفاقی نمی‌افتد. این همه جرم‌های دیگر رخ می‌دهد آیا کسی می‌گوید من شکایت نمی‌کنم چرا که ممکن است این فرد متخلف بعدها مرا با ماشین له کند؟ اگر ما چند حکم مؤثر در این حوزه داشته باشیم مطمئناً تأثیرگذار خواهد بود و افراد سودجو متوجه می‌شوند که کسانی دنبال کار را گرفته‌اند و خود را جمع می‌کنند.

گفت‌وگو کننده: حکم با چه مضمونی؟

کمالی: جریمه‌های سنگین برای آن‌ها در نظر بگیرند. ۵ یا ۶ سال پیش بود؛ انتشارات مازیار از نشری به دلیل تکثیر غیرقانونی کتابش شکایت کرد؛ در دادگاه برای نشر متخلف ۶۰ میلیون تومان جریمه در نظر گرفتند.

گفت‌وگو کننده: نشر مازیار به پولش رسید؟

کمالی: بخشی از آن را گرفت و بخش دیگر را به جایش کتاب گرفت و رها نکرد. آن ناشر هم آسیب دید و نتوانست خود را جمع کند. من می‌گویم افرادی سودجویی که این کار را انجام می‌دهند و شناسایی شدند من این اطلاعات را ندارم اما اتحادیه اطلاعات بسیار مهمی از این اشخاص دارد؛ چند حکم قضایی با جرائم سنگین به این افراد ببرند حتماً تأثیر خواهد گذاشت. هنگامی که کارگروه با مصاحبه‌هایی آغاز به کار کرد به گفته‌ی دوستان اتحادیه که در کارگروه بودند گویا اتفاقاتی در حال افتادن است. شماری ترسیده‌اند.

گفت‌وگو کننده: به شرطی که شاکی با خاطی یکی نباشد.

کمالی: شما جای من؛ اگر در این مورد به من بگویند رسیدگی کنید آیا شما بین شاکی و خاطی شك نمی کنید؟

گفت وگو کننده: بله شك می کنم جای شك هم دارد.

کمالی: در اینجا مورد دیگری بانام نویسنده هم داریم.

کمالی: بدبخت نویسنده.

گفت وگو کننده: در این جا هنگامی که بحث می کنیم می گوئیم منافع مادی ناشر در خطر است. شاکی باید ناشر باشد و باید از حق خود دفاع کند و تمهیداتی هم که انجام شده برای ناشران است. نویسنده چطور؟ که نه عضو اتحادیه است و نه صنف دارد او دستش به کجا بند است؟ اگر نویسنده ای از نشر شکایت دارد و می گوید ناشر کتاب را به من نمی دهد یا فلان و فلان کار را می کند. من با نویسندگان و مترجمان زیادی در این مورد صحبت کردم که بسیار شاکی هستند. از دید من در این میان کسی که حقش به راستی ضایع می شود ناشر نیست. چون اگر این گونه بود درصدد گرفتن آن بر می آمد مانند دوستان سینمایی. اما دست مترجم و نویسنده از زمین و زمان کوتاه است. در اینجا شما نمی توانید کارگروهی برای آنها درست کنید؟

کمالی: فرمایشات شما کاملاً درست است. ما در اینجا واحدی با نام واحد حل اختلاف داریم و تا همین چند سال پیش کار می کرد. منتها مشکلات به اندازه ای زیاد شد و دوستان ناشر معترض می شدند می گفتند ماهیت این واحد غیرقانونی است. البته درست هم می گفتند چون ما نمی توانستیم به ماجرا وارد شویم. نویسندگان و مترجمان به راستی حقشان پایمال می شود.

گفت وگو کننده: و البته جزو اقشار ضعیف هم هستند؟

کمالی: ناشر هم یا متوجه است یا نیست؛ اتحادیه ی ناشران تهران به عنوان متولی کسب و کار نشر کشور دست کم در شهر تهران چون ۸۰ درصد انتشارات در تهران است؛ اگر ناشران اتحادیه برای نویسندگان و مترجمان بروند جایی ندارند و قوانین کنونی هم که ناکارآمد است. با این قوانین کسی حوصله نمی کند طرح شکایت کند. برای نمونه می خواهد حق تألیف ۱۵ میلیون تومانی بگیرد باید ۳۰ میلیون تومان برای آن هزینه کند. در اتحادیه ی ناشران تهران اتاق داوری تشکیل شده است که در آن همگی ناشر هستند. نویسنده ای در آن وجود ندارد. درست است که نویسندگان و

مترجمان صنف ندارند اما اگر شما قصد داوری داشته باشید باید از نویسندگان در آن حضور داشتهباشند. دست کم دو یا سه تنی که بتوانند از حقوق نویسنده دفاع کنند و حرف او را بیان کنند. هنگامی که ما سخن از نویسنده و مترجم می‌آوریم منظورمان نویسنده و مترجمان واقعی هستند و نه کسانی که کتاب سازی کرده‌اند. مگر ما در این کشور چه تعداد نویسنده و مترجم داریم؟ اگر از این‌ها حمایت کنیم که ناشر متضرر می‌شود چرا که کاری برای تولید نخواهد داشت. البته افرادی نویسنده نما داریم که جعل می‌کنند و یا چند بخش از يك متن را به هم می‌چسبانند و يك اثر را تولید می‌کنند اما کسی که فکر می‌گذارد و ماه‌ها و یا حتی سال‌ها می‌نشیند و يك اثر را می‌آفریند بسیار کم است.

گفت‌وگو کننده: و البته خود شما در جریان هستید که این پروسه کار يك یا دو سال نیست.

کمالی: بله دقیقاً نیست.

گفت‌وگو کننده: پس به‌طور معمول می‌توانیم بگوییم در زندگی فکری و کاری يك نویسنده یا مترجم می‌تواند چند اثر خوب وجود داشته باشد. باید به گونه‌ای باشد که بتواند زندگی‌اش را از این راه تأمین کند و این را نیز باید ناشر با حق تألیفی که پرداخت می‌کند عملی کند. البته ما ناشرانی داریم که همین اندازه حق تألیف اندک را هم پرداخت نمی‌کنند.

کمالی: همین امروز به خانه‌ی کتاب بروید کتاب‌های پرفروشی که چندین و چند بار چاپ شده است را سرچ کنید و زنگ بزنید و پیگیری کنید که آقای ناشر کتابی که شما ۲۰ یا ۵۰ بار چاپ کرده‌اید چه تقدیری از صاحب اثر کردید؟ سود برده‌اید. به اینجا می‌آیند و می‌گویند این گونه نیست من می‌گویم یا این ۱۰ یا ۲۰ بار چاپ درست است یا نیست اگر درست است باید حق نویسنده را ادا کنید که نمی‌کنند. انتشارات سخن مجموعه‌ای با نام فرهنگ سخن را منتشر کرد که فرهنگ خوبی شد و چند بار برای نویسنده بزرگداشت گذاشت و تقدیر کرد. ما موارد این چینی بسیار داریم. خیلی از نویسندگان ما افراد قابل و شایسته‌ای هستند که بسیار تأثیرگذار و جریان ساز بودند. چه تعداد از این ناشرها از این‌ها تجلیل کردند؟ این که دولت باید کاری را انجام دهد يك بحث است این که ناشر که از قبل نویسنده و مترجم کسب

درآمد می‌کند موضوع دیگری است. حالا نویسنده یا مترجم می‌خواهد حق خود را بگیرد چگونه باید این کار را انجام دهد؟

گفت‌وگو کننده: جدا باید چه کار کنند؟

کمالی: می‌خواهد اینجا شکایت کند می‌گویند به شما چه ربطی دارد مگر شما در این ماجرا قاضی هستید؟ اگر فرد تندی باشد؛ اگر بخواهد احترام بگذارد می‌گوید من شما را به عنوان حکم نمی‌پذیرم به قوه‌ی قضایی برود و شکایت کند و من همان‌جا پاسخ می‌دهم.

گفت‌وگو کننده: مگر ناشران برای شکایت و غر زدن اینجا نمی‌آیند؟ اما اگر نویسنده و مترجم این کار را انجام دهند نمی‌پذیرند و می‌گویند شما نباید دخالت کنید.

کمالی: بله جاده يك سو به است. نویسنده یا مترجم می‌خواهد برای ۱۰ یا ۱۵ تومان باید کلی هزینه کند و وکیل بگیرد و اعتبار و وقتش را در این راه بگذارد. برخی از این‌ها استاد دانشگاه و یا چهره‌های علمی هستند و از انجام این کار شرم دارند. این طیف افراد با این وضعیت هم در بخش نشرهای دولتی وجود دارند و هم در خصوصی. در يك نشر دولتی و عمومی و وابسته به دولت با یکی از این افراد صحبت می‌کردم می‌گفت متوجه شدم کتابی سی، چهل بار تجدید چاپ شده است و پول مؤلف را نداده‌اند گفتند چك آن را بکشید گفتند پول نداریم گفتم باید این پول را پرداخت کنید. چك دادند خود من زنگ زدم آقای فلانی شما قصد ندارید حق تألیف خود را بگیرید؟ نویسنده گفته است جدا؟ شگفت‌زده شده است مگر چنین چیزی هم در ایران اتفاق می‌افتد که شما حق تالیف را بگیرید. می‌گفت هنگامی که در دفتر من نشست اشك شوق را در چشمان این فرد دیدم که می‌گفت به این پول خیلی نیاز داشتم. هرگاه به این انتشارات زنگ می‌زدم کسی که تلفن را بر می‌داشت می‌گفت آقای فلانی کتاب شما منتشر نشده اما این کتاب چندین و چند بار چاپ شده است. به‌ویژه اگر کسی باشد که چندان پیگیر نباشد.

گفت‌وگو کننده: خیلی طبیعی است که در اینجا نویسنده به دنبال نشر غیرقانونی نیست. منظورم این است که نویسنده می‌گوید هنگامی که این پول در جیب من نمی‌رود مهم نیست چه اتفاقی برای کتاب خواهد افتاد این که سود را ناشر ببرد یا

افرادی که غیرقانونی آن را تکثیر می کنند؛ برای او تفاوتی ندارد.

کمالی: نویسنده اصلاً به دنبال نشر غیرقانونی نیست.

گفت و گو کننده: چون بیشتر کتاب‌هایی که حتی غیرقانونی منتشر می شود نام نویسنده وجود دارد و ما خوانندگان، نویسندگان و مترجمان را می شناسیم که دنبال چه آثاری هستند. پس نویسنده نه ضرری می بیند و نه سودی می برد؛ اما حلقه‌ای که در این میان مهم است حلقه پخش است.

کمالی: چرا پخش هم مؤثر است گاهی ممکن است این گرا از پخش باشد. هنگامی که کتاب وارد پخش می شود حلقه‌ی توزیع که کتاب معرفی می شود روبه‌رو می شود در این حلقه وارد می شود حتی امکان دارد ناشر را هم دور بزنند.

گفت و گو کننده: بله شنیدم برخی از پخش‌ها بسیار قوی کار می کنند.

کمالی: بله و ناشر را هم دور می زنند. طرف ۵۰۰ نسخه از کتابش را برای توزیع داده است این ۵۰۰ نسخه به ۵ هزار نسخه تبدیل می شود و به جای آن توزیع می شود. چون نظام توزیع و فروش ما مکانیزه و شفاف نیست هر جایی ممکن است اتفاقی بیفتد.

گفت و گو کننده: یعنی پخش در اینجا افزون بر کتب مجاز، غیرمجازها را نیز پخش می کند. یعنی ۱۰ نسخه مجاز و ۵۰ غیرمجاز پخش می کند؟

کمالی: محصولی تجاری وجود داشت که از سوی شرکتی تولید می شد. تیراژ و مرکز توزیع آن نیز مشخص بود. نمایندگی روشن و شفاف هم داشت که مشخص بود چه تعدادی منتشر شده است و کجا توزیع شده است. کتاب این گونه نیست کتاب خیلی آسیب پذیر است. در هر يك از این حلقه‌ها می تواند رویدادی رخ دهد. چه کسی ضرر می کند؟ نویسنده.

گفت و گو کننده: کتاب فروش؟

کمالی: نویسنده.

گفت و گو کننده: نویسنده را که کنار گذاشتیم اصلاً. ناشر که کتاب را منتشر می کند و سپس به پخش می دهد و از آنجا وارد کتاب‌فروشی‌ها می شود. در اینجا هم ممکن است این اتفاق بیفتد یا نه در اینجا احتمالش کم‌تر است؟

کمالی: نویسنده اثر خود را به ناشر می دهد. در این بخش صرف حوزه‌ی نویسندگان

باید آسیب‌شناسی دیگری انجام شود. به‌راستی باید برای نویسندگان فکر اساسی کرد. چون در اینجا ثروت فراوانی شکل می‌گیرد. اصلاً خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند شاید به جایی رفت و دید این کتاب (مشابه) کتاب خودش است.

گفت‌وگو کننده: در مورد داستان از چند تنی که خودشان نویسنده هستند این موضوع را شنیده‌ام که چنین چیزی برای آن‌ها رخ داده است.

کمالی: کتاب را به ناشر داده‌اند و برخی از این دوستان نویسنده به‌ویژه نسل تازه‌ای که به تازگی نویسنده یا مترجم شده‌اند و با قوانین هم آشنا نیستند من به‌عنوان نویسنده برای قرارداد بستن رفته‌ام. کسی از من نمی‌پرسد من مدیر انتشار هستم یا چه سمتی دارم. برگه‌ای در برابر من قرار می‌دهد و با حالتی کاسب‌کارانه به صحبت کردن می‌پردازد تا او را برای امضا کردن ترغیب و تشویق کند.

گفت‌وگو کننده: گاهی هم در لحنشان تحقیر هم وجود دارد که کارچندان جالبی هم نیست.

کمالی: کتاب را نگاه می‌کند و می‌خواند اگر حرفه‌ای باشد البته باید بگویم که ناشران حرفه‌ای این کار را انجام نمی‌دهند.

گفت‌وگو کننده: به‌هرروی اعتبار خود را خدشه‌دار نمی‌کنند.

کمالی: اصلاً و دارای نظام و قاعده و مشاور علمی و تشکیلات و ساختار اداری هستند. هیچ‌گاه پیشینه‌ی علمی و فرهنگی انتشارات خود را زیرسوال نمی‌برند. یک عده‌ای از ناشر آن‌که کاسبند و کسب و کار بر کار فرهنگی برای آن‌ها ارجحیت دارد این کارها را انجام می‌دهند.

گفت‌وگو کننده: شنیده‌ام که در ازای انتشار کتاب نویسنده پول می‌گیرند که ما این پول را می‌گیریم تا اثر شما را چاپ کنیم؟

کمالی: کسی آمده و با او دو نوع قرارداد می‌بندد. می‌گوید من حاضریم این اثر را با هزینه‌ی خودم منتشر کنم و شما حقوق دائمی مادی این اثر را امضا کنید. یا این که هزینه‌ی چاپ را شما دهید در ازای آن ۵ تا ۱۰ درصد از قیمت پشت جلد به‌عنوان خدمات نشر به من پرداخت می‌کنید در اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر به‌طور دائم حقوق مادی اثر را واگذار کند کتاب را برمی‌دارد. پس از مدتی نویسنده در آن لحظه از سر ناچاری می‌بیند این کتاب تاکنون ۱۰ یا ۲۰ بار چاپ شده است.

نویسنده چقدر گرفته است؟ ۷ تا ۱۰ میلیون تومان؛ اما این کتاب ده بار چاپ شده است و مدام هم تجدید چاپ می‌شود. اگر به صورت خدمات نشری این کار را انجام دهد پول هم برای چاپ کتاب می‌دهد در اینجا این قدر بالا و پایین می‌شود پول کم داده‌اید یا فلان شد، هنوز آماده نشده است؛ اکنون نمی‌توانیم آن را چاپ کنیم و مسائلی از این قبیل. به هر روی نویسنده وارد ماجرای کش و قوس‌داری می‌شود که در آخر هم کتابی با کیفیت بسیار پایین به او تحویل می‌دهند. پول هم داده و کیفیت کتابش هم بسیار پایین است و به درد نمی‌خورد و تازه مسئولیتی هم برگردنش است که باید کتابش را توزیع کند. این جای کار بسیار سخت است و نمونه‌هایی بدین شکل در اینجا فراوان داشتیم. نه می‌توان کتاب را برگرداند چون کتاب چاپ شده است یعنی آن را خمیر کند؟ نویسنده بخواهد ادعای خسارت کند می‌گویند بروید قوه قضاییه شکایت کنید. که اگر وارد این ماجرا شود که پروسه‌ی تازه‌ای آغاز می‌شود که پایان آن اصلاً مشخص نیست. این آسیب‌ها در حوزه‌ی نشر وجود دارد. قانون حمایت از حقوق نویسندگان باید هر چه زودتر عملیاتی شود. لایحه‌ی آن حتی آماده شده است باید مصوب شود. اگر این گونه نشود آسیب‌های ما فراوان خواهد بود. البته نمی‌گوییم این قانون بسیار جامع و کامل است اما تا اندازه‌ای می‌تواند مشکلات حوزه‌ی نشر را پوشش می‌دهد و اختیارات وزارت ارشاد را در این مورد افزایش می‌دهد. ارشاد می‌تواند جدی‌تر شود.

گفت‌وگو کننده: یا اجازه‌ی ورود به صنف را پیدا کند؟

کمالی: اجازه‌ی حضور قانونی داشته باشد و بتواند کارهای زیادی انجام دهد. اکنون زمره‌ی این است که ارشاد تصدی خود را به اصناف واگذار کند. این خیلی خوب است چرا صنف وجود دارد؟ صنفی باید باشد که ساختارهای نظام حقوقی و قانونی و نظارتی درستی داشته باشد. اینجا شمار دیگری متضرر می‌شوند. به همین آسانی نیست والا شماری چنان ضربه‌ای می‌خورند که قابل جمع کردن نیست. بله این در جایی است که می‌گویند واگذار کن، قوانین و زیرساخت‌های نظارتی در این حوزه قوی و نیرومند است. یعنی مالکیت مادی و معنوی محترم شمرده می‌شود کسی جرأت نمی‌کند در این حوزه خطایی کند.

گفت‌وگو کننده: که ما در ایران چنین چیزی نداریم.

کمالی: خیر در ایران این کار از آب خوردن آسان تر است.

گفت‌وگو کننده: موضوع دیگری هم این است که می‌گویند چرا ما عضو کنوانسیون بین‌المللی و رعایت حق کپی‌رایت نمی‌شویم؟ البته ما از بسیاری از نرم‌افزارها هم بدون کپی‌رایت استفاده می‌کنیم و می‌گویند حال که ما برای نویسنده‌ی خارجی برای انتشار کتابش در ایران هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنیم برای نویسنده‌ی داخلی چنین حقی در نظر بگیریم. چون ما به حقوق معنوی باوری نداریم. برای نمونه من می‌توانم بگویم از آمریکا یا اروپا کتابی برای من بیاورند و در بهترین حالت اگر سواد این کار را داشته باشم آن را ترجمه کنم و ناشر آن هم چندان نه روی ویراست و نه روی ترجمه سخت نمی‌گیرند و با کیفیتی کتاب منتشر شود.

کمالی: ما نمی‌توانیم خود را از دنیا جدا و مستثنا کنیم. خواه ناخواه باید به این قانون پیوندیم. از ما می‌پرسند که یک ناشر خارجی باید حق رایت خود را به ما واگذار کند. شما چه حمایتی از او انجام می‌دهید؟ قانون مؤلفان و مصنفان که هم‌اینک وجود دارد می‌گوید اگر اثری برای نخستین بار در دنیا در ایران منتشر شود می‌گوید مشمول قوانین داخلی ایران می‌شود. اگر این‌گونه نباشد نمی‌شود. طرف خارج رفته است و برای این که بتواند در صحنه‌ی بین‌المللی رقابتی داشته باشد و کتابش را به دنیا معرفی کند و صادرات کتاب داشته باشد و بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد رایت بفروشد و بگیرد و نشرش را بین‌المللی کند باید مطابق قوانین بین‌المللی باشد. رایت بخرد و به ایران بیاید هیچ کس از آن حمایت نمی‌کند. تا منتشر می‌کند به سرعت دیگران چاپ می‌کنند. این فرد ضرر می‌کند. شمار بسیاری از ناشران حرفه‌ای ما به همین صورت ضرر می‌کنند. در نمایشگاه بین‌المللی و مکان‌های مختلف می‌رود اما در ایران هیچ کس توجهی به حقوق مادی و معنوی نشر ندارد.

گفت‌وگو کننده: در اینجا چه کسی باید وارد شود؟

کمالی: در اینجا لایه و کارهای زیرساختی حقوقی آن انجام شده است به صحن دولت و مجلس رفته است و در حال شکل‌گیری است اما این که چه کسی باید سبب پیشرفت آن شود مشخص نیست.

گفت‌وگو کننده: پس از آن تازه بحث اجرا را داریم.

کمالی: باید این امر زودتر تبدیل به قانون و ابلاغ شود. حرف این است که در

همین نمایشگاه بین‌المللی، برخی از ناشران بین‌الملل می‌گویند این کتاب‌ها حق ندارد در بخش داخل عرضه شوند. ناشر می‌گوید در ایران ما تابع کپی‌رایت نیستیم و آزاد است و خارج از کشور هم با بی‌توجهی روبه‌رو می‌شود. ما می‌خواهیم با ناشران بین‌المللی مبادله‌ی کتاب داشته باشیم. نمی‌شود ما را نمی‌پذیرند کار ما دشوار می‌شود. باید به هر شکل ممکن است موضوع حل شود. اکنون خیلی از کشورها عضو کپی‌رایت هستند. مگر کشورهایی که عضو این قانون هستند آن را به صورت صد در صد رعایت می‌کنند؟ خیر آن‌ها هم زیرآبی می‌روند. گفت‌وگو کننده: اما دست کم عضو هستند.

کمالی: بله در روسیه و چین و اروپا و دیگر کشورها هم هست. این نیست که فکر کنید این قانون را به صورت صد در صدی رعایت می‌کنند. گفت‌وگو کننده: در هر مسئله‌ای این گونه است.

کمالی: چین مگر چه کاری انجام می‌دهد؟ مگر حقوق مادی و معنوی را پرداخت می‌کند؟ خیر اما این کار را انجام می‌دهد و کپی می‌کند؛ اما ما خیلی ضرر نمی‌کنیم اگر این گونه باشد بحث‌های دیگری دارد که در جای خود باید در مورد آن‌ها صحبت کرد؛ اما اگر قرار باشد ما در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم و ناشران ما بتوانند با ناشران خارجی ارتباط بگیرند باید به قانون کپی‌رایت پیوندیم. اگر نشود دست کم این است که باید يك مصوبه‌ی داخلی باشد که اگر ناشر ایرانی از يك ناشر خارجی حق راییت گرفت حقوقش در داخل ایران محترم شمرده شود. یعنی ما این را داشته باشیم چه به صورت مصوبه از سوی دولت و چه از سوی مجلس. که دست کم بتوانیم اعتبارمان را حفظ کنیم. ناشر سرمایه‌گذاری می‌کند و بر اساس عملکرد و کارکردش ناشر خارجی به او اعتماد می‌کند و می‌گوید راییت این کتاب برای شما. این برای کشور ما اعتبار است اما هنگامی که وارد ایران می‌شود رعایت نمی‌شود؛ اما می‌توانیم بر اساس مصوبات داخلی که هم می‌تواند ارشاد داشته باشد و هم اتحادیه پیشنهاد دهد و هم بسیاری دیگر می‌تواند مصوبه‌ی داخلی شود که این طیف از ناشران که راییت را از ناشر خارجی می‌گیرند در ایران حقوقشان محترم شمرده شود. دیگری از روی کتاب این‌ها کپی نکنند.

گفت‌وگو کننده: البته این بخش شامل کتاب‌های غیرمجاز نمی‌شود.

کمالی: خیر نمی شود.

گفت وگو کننده: در اصل ۹۰ قیمت‌ها تغییر کرد و در حوزه‌ی چاپ شوکی به بازار وارد کرد. از دید شما این موضوع تا چه اندازه در بروز تکثیر غیرقانونی کتاب مؤثر می‌دانید؟ این که قیمت کاغذ چقدر باشد؟

کمالی: اصلاً.

گفت وگو کننده: چون به هرروی چاپ غیرمجاز هم روی کاغذ انجام می‌شود.

کمالی: این شوک يك سال پیش از تحریم‌ها رخ داد و نمی‌توانیم بگوییم افزایش قیمت‌ها سبب این تکثیرها شده است. شماری از افراد در بازار نشر که در بدنه‌ی نشر هستند یا شاگرد پخش و کتاب‌فروش هستند و در این کار پیشینه و سابقه‌ای دارند و بازار نشر را می‌شناسند از قدیم در این حوزه بودند زمانی بر اساس کاغذ یارانه‌ای و اکنون با کتاب. این چیزی نیست که بگوییم چون کتاب افزایش قیمت داشته است این افراد این کار را انجام می‌دهند. این پدیده‌ای است که در گذشته در قالب دیگری بوده و اکنون در قالب دیگری ظهور پیدا کرده است.

گفت وگو کننده: دست‌فروشان را در این مورد چه اندازه مؤثر می‌دانید؟

کمالی: دست‌فروشان حلقه‌ی اصلی نیستند.

گفت وگو کننده: یعنی اگر خیلی جدی دست‌فروشان را جمع و مجازات کنند یا قانونی در ارتباط با آنها تنظیم کنند اثری دارد؟

کمالی: می‌توان این افراد را سامان‌دهی کرد. ما نمی‌توانیم با چنین افرادی که سرمنشأ اصلی نیستند برخورد خیلی سختی انجام دهیم

گفت وگو کننده: البته در این مسئله این‌ها کاره‌ای هم نیستند.

کمالی: خیر این‌ها عامل هستند و می‌توان سامان‌دهی شوند و با هماهنگی با شهرداری فضایی را در اختیار این افراد قرارداد که این‌ها بتوانند در حوزه‌ی نشر قانونی کتابشان را بفروشند. کتاب‌های دست دوم و مجوز دار را عرضه کنند. اما اگر کسی بخواهد کتاب‌های غیرقانونی بفروشد و به این کار اصرار ورزد باید برخورد شود. اما یکی از کارها و مباحثی که در کارگروه صیانت مطرح شد این بود که با هماهنگی شهرداری منطقه‌ی ۱۲ و ۱۳ دست‌فروشان را شناسایی و جایی نزدیک خیابان انقلاب را در نظر بگیرند و بگویند ساعت ۶ یا ۷ بعدازظهر می‌توانید در اینجا کتابتان را بفروشید.

بسیاری از صنوف دیگر وجود دارد شما وارد بازار می شوید، هستند یا در محلات دیگر دست فروشان ساعت ۶ به بعد بساط می کنند و در زمینه های مختلف مانند غذا و پوشاک و دیگر موارد کار خود را انجام می دهند و ضرری هم به کسی نمی رسانند. می توان برای دست فروشان کتاب در میدان انقلاب هم چنین کاری انجام داد که ضرری هم به کسی نرسانند.

گفت وگو کننده: در مورد نقش آگاهی مردم چه می شود کرد؟

کمالی: خیلی. تنها کاری که نشده همین است.

گفت وگو کننده: شما باید به من حق دهید من يك دانشجو هستم که بودجه ی مشخصی هم دارم سرکار هم نمی توانم بروم یا اگر هم بروم چندان انتظاری از يك دانشجو نداریم که بتواند درآمد خیلی خوبی داشته باشد. هنگامی که من ناچارم به واسطه ی کارم مدام کتاب بخرم و بخوانم و می بینم کتابی که می خواهم در دست دست فروشان نصف قیمت است از دید من عقلانی نیست با توجه به اوضاع جیبم سراغ کتاب ارزان تر اما غیرقانونی بروم؟ من می گویم نباید آرمان گرا بود و باید منطقی فکر کرد. اگر ما بخواهیم بگویم مردم یا دانشجویان این کار را انجام ندهند آیا نباید برای آن ها تمهیداتی در نظر بگیریم؟

کمالی: این دارای علتی نیست. هنگامی که ناشر قیمت تمام شده ی کتاب را برآورد می کند درصد قابل توجهی را برای پخش آن در نظر می گیرد. این درصد سبب گران رسیدن آن به دست مصرف کننده می شود. فرض کنید عدد ۳۰ تا ۴۰ درصد؛ خوب این بسیار زیاد است.

گفت وگو کننده: تقریباً نزدیک به نصف است.

کمالی: فرایند تولید کتاب در ایران ایرادات فراوان دارد ما در دنیا چیزی بانام پخش کتاب نداریم و حلقه ای با این نام اضافه کردیم.

گفت وگو کننده: حلقه ی نیرومندی است که بودجه ی زیادی را هم به خود اختصاص داده است.

کمالی: در دنیا ناشر تولید می کند و خودش هم توزیع می کند. آمازون را ببینید؛ حلقه ی نظام توزیع ندارند. این سبب شده که تا اندازه ای قیمت کتاب افزایش پیدا کند. من با کسی که کتاب را به صورت اینترنتی و تلفنی می فروخت کتابی را سفارش

دادیم و به در منزل آورد معادل پول کتاب از من هزینه‌ی پیک گرفت من به او زنگ زدم که این منطقی نیست شما انتظار دارید کسی از شما کتاب بخرد من با مترو اگر به میدان انقلاب می‌آمدم ارزان‌تر تمام می‌شد.

گفت وگو کننده: یا با اسنپ می‌رفتید و برمی‌گشتید هم ارزان‌تر تمام می‌شد.

کمالی: دقیقاً. گفت پخش‌های ما خوب کار نمی‌کنند و با ما نقدی کار می‌کنند. مردم به کتاب دسترسی ندارند و خیلی این دسترسی سخت است همه در خیابان انقلاب جمع شده است. کسی از شمال شرق یا جنوب غرب یا جنوب شرق تهران و از هر جایی بخواهد کتابی بخرد برایش دشوار است. اگر این ۴۰ درصد را از پخش بگیریم و به ناشر بدهیم و بگوییم کار پخش با خود شما باشد. این را بخواهد با پیک به در منزل خریدار بفرستد بسیار ارزان‌تر برایش تمام می‌شود. ده درصد بر روی قیمت کتاب خواهد آمد که هم به سود ناشر است و هم خریدار.

گفت وگو کننده: پس اینجاست که ما می‌توانیم از تبلیغ برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی استفاده کنیم. یعنی بستری را فراهم کنیم و در این بستر بگوییم مردم کتاب دارای مجوز قانونی چاپ را بخرید و سراغ تقلبی آن نروید.

کمالی: شرایط بازار نشر تولید نشر تغییر کرده است. انبار کتاب در حال خارج شدن از حلقه‌ی نشر است. هنگامی وجود پخش منطقی بود که انبار کتابی بود که تیراژ ۵ یا ۱۰ هزار نسخه‌ای وجود داشت. اکنون تیراژها بر اساس سفارش مخاطب است. ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه می‌زنند. بعد بلافاصله می‌توانید سفارش دهید شما سفارش می‌گیرید و من در فاصله‌ی دو یا سه روز به شما تحویل می‌دهم چون چاپ کتاب ۲۴ ساعت زمان می‌برد. پس بنابراین باید در نظام تولید بازنگری انجام شود تا قیمت کتاب پایین بیاید. وجود پدیده‌ای به نام توزیع کتاب هم‌اینک در بازار پخش معنا ندارد.

گفت وگو کننده: یعنی می‌توانیم امید داشته باشیم؟

کمالی: بله اگر ناشر این را به دست خود بگیرد و این حلقه‌ها را حذف کند بسیاری از مسائل حل می‌شود.

گفت وگو کننده: باز هم به ناشر بر می‌گردد. از هر جایی می‌رویم به ناشر بر می‌خوریم.

کمالی: از هر جایی بروید به منشأ اصلی آن برمی‌گردید. ناشر باید بر کارش نظارت داشته باشد. من می‌گویم اتحادیه به‌عنوان جایی که در بازار کسب و کار هستند بارها به آن‌ها گفتم این همه به خارج از کشور می‌روید و با ناشران گوناگون ارتباط می‌گیرید باید از تجربیات آن‌ها استفاده کنید باید متوجه شوید که آن‌ها چه می‌کنند که هم سود خود را می‌برند و هم بازار را دارند و ارتباطات خوبی هم دارند. فضای مجازی بسیار مؤثر است. شما می‌توانید کتابتان را معرفی کنید. برای نمونه در مشهد کسی است که این کار را انجام می‌دهد خودش کتاب تولید می‌کند و خودش هم توزیع می‌کند. مثلاً آقای قدسی نمی‌دانم می‌شناسید یا خیر این فرد چه می‌کند؟ در فضای مجازی تعدادی کتاب مشخص وجود دارد سفارش می‌گیرد و برای مشتری می‌فرستد. در شرایط کنونی با همان قیمت پشت جلد کتاب به در منزل مخاطب می‌رسد؛ اما این که من در شمال غرب تهران باشم و بگویم انتشارات چشمه به من کتاب دهید اما هنگامی که کتاب به دست من می‌رسد دو برابر قیمت پشت جلد برای من می‌شود نمی‌خرم هرگاه سمت کریم‌خان رفتم می‌خرم. این‌ها سبب سرخوردگی می‌شود باید نظام توزیع کتاب برچیده شود و ناشران باید این نظام را در دست گیرند.

گفت‌وگو کننده: و ناشر آن‌هم از همه بیش‌تر شاکی هستند.

کمالی: ناشر تا ساختار و نظام نداشته باشد نمی‌تواند نام ناشر را بر روی خود بگذارد. ناشری که تنها یک کیف و تلفن دارد ناشر نیست باید این را شخم زد.

گفت‌وگو کننده: پس من می‌توانم این‌گونه جمع‌بندی کنم که ما در اینجا چیزی با نام ناشر داریم که نطفه‌ی اصلی تمامی این رویدادهاست. اگر هم بخواهیم چیزی را جبران و درست کنیم باید از همین جا شروع کنیم و آن نیز در قالب اتحادیه‌های صنفی است که بتوانند حقوقشان را به رسمیت بشناسند. سازوکارهای منسجمی داشته باشند تا اگر شکایتی دارند آن را بتوانند پیگیری کنند و پخش را نیز باید خود ناشران سروسامان دهند و به قول شما می‌توانند حذف کنند.

کمالی: پژوهشی در اوایل دهه‌ی ۷۰ در حوزه‌ی نشر داشتیم و در آن مؤلفه‌ها، چرخه‌ی تولید کتاب در این حوزه را شناسایی کرده‌اند و به میزان تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها امتیاز دادند. از آن تاریخ تا امروز هیچ‌گونه پژوهشی در این حوزه

انجام نشده است. این پژوهش بر اساس يك نظام سنتی بوده است. اکنون خیلی تغییر کرده است. البته هنگامی که آقای دکتر سلگی بود جزو یکی از پیشنهادات من بود که گفتم اگر اینجا آمدید نخستین کارتان همین باشد. البته ما هم نامه‌ی آن را زدیم. که يك پژوهشی در این حوزه انجام شود تا مؤلفه‌های تأثیرگذار این حوزه شناسایی شوند از هر جهت از بحث بهای تمام شده‌ی کتاب تا بحث کتاب‌خوانی و قدرت‌های تصمیم‌گیرنده در این کار که چه اندازه می‌توانند در پیشبرد یا پسرفت آن تأثیر بگذارند. این‌ها باید شناسایی شوند تا بتوانیم متناسب با آن به نتیجه‌ای برسیم. هنوز ما نمی‌توانیم به نشر کشور بگوییم سنتی و نه می‌توانیم بگوییم مدرن. باید تکلیف این موضوع روشن شود و این‌گونه رهاشده نباشد.

گفت‌وگو کننده: این پژوهشی که گفتید انجام شده وزن کدام مؤلفه از همه بیش‌تر بود؟

کمالی: پخش. چون نظام سنتی بود پخش نقش مؤثری داشت.

گفت‌وگو کننده: با توجه به روند و فرایند نشر امروز باید تغییر کند؟

کمالی: در نظام سنتی چون بحث تولید و تیراژ بسیار بالا بود این که کتاب معرفی شود.

گفت‌وگو کننده: و ارتباطات میان حوزه‌های گوناگون؟

کمالی: ارتباط میان ناشر با کتاب‌فروشان سراسر کشور فراهم می‌کند فضا مجازی وجود نداشته است و ناشر نمی‌توانسته خود را کتاب‌فروشی که در دورافتاده‌ترین نقطه‌ی ایران است معرفی کند. ارتباط این‌ها باهم معمولاً باهمان سبک سنتی و مراکز پخش است. اینجاست که پخش می‌تواند کتاب را خوب معرفی کند یا بد معرفی کند. گاهی ممکن است کتابی بار معنوی خاصی هم نداشته باشد هیچ بار علمی هم ندارد اما ناگهان می‌بینیم پرفروش می‌شود. اگر ناشر در نظام تولید بازنگری کند امکانات زیاد است. در چند سال اخیر که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده است در برخی مواقع با کسی ارتباط می‌گیریم و متوجه می‌شویم سامانه‌ای درست کرده بیش از ۱۵ یا ۲۰ هزار فالوئر دارد کتاب معرفی می‌کند و خلاصه‌ی آن را می‌گذارد و سفارش می‌گیرد و فروش اینترنتی دارد ناشران ما خیلی از این کارها می‌توانند انجام دهند. اگر ناشر نظام داشته باشد و بخواهد در کارش

موفق باشد و هزینه‌ی اندکی بگذارد مطمئناً در حوزه‌ی توسعه‌ی کتاب و کتاب‌خوانی تأثیرگذار باشد.

گفت‌وگو کننده: و می‌تواند جلوی کتاب‌های غیرقانونی را بگیرد

کمالی: بله می‌تواند جلوی بسیاری از این کتاب‌ها را بگیرد یعنی از همین راه می‌تواند این کار را انجام دهد. آقای علی‌خانی نشر آموت سامانه‌ای دارد و می‌گوید من که دیدم حریف قاچاقچیان نمی‌شوم یکی از کسانی که می‌ترسد همین فرد است؛

گفت‌وگو کننده: اگر ایشان با آن ابهت اگر بترسند انتشارات ققنوس چه باید بگویند؟

کمالی: ایشان خیلی هم آسیب دیده است و گفت من تنها راهی که داشتم این بود که سامانه‌ای درست کنم و کتابم را معرفی کنم. تأثیر خود را گذاشته است. نتوانسته ۱۰۰ درصد مانع قاچاقچیان شود چون دسترسی که به همه و در شهرستان‌ها نداریم در همان حد ۷۰، ۸۰ تنی که با او ارتباط دارند؛ که البته همین هم می‌تواند تأثیر خود را بگذارد. بنابراین اگر ناشر در نظام تولید و پخش خود را داشته باشد می‌تواند خیلی از این کارها را انجام دهد.

گفت‌وگو کننده: پس شما راه کار اصلی را روی دوش ناشر می‌دانید. بیشتر اوست که هم زیاد می‌بینید و هم خوب؟

کمالی: بله. تا ناشر در نظام تولید و فروشش از شیوه‌های تازه و نوین استفاده نکند و اگر پیگیر حقوق مادی خود نباشد باید متوجه شود در دنیایی که همه‌چیز ساده و آسان شده است. برای به دست آوردن نیاز به تلاش و رقابت است تا بتواند تولیدات خود را حفظ و نگه‌داری کند باید حرکتی انجام دهد. این‌گونه نیست که هیچ کاری انجام ندهد و تنها چشم به راه کارهایی باشد که دولت قرار است انجام دهد. در دنیا دیگر این‌گونه نیست که دولت دنبال کار کسی باشد و بالای سر همه پلیس بگذارد دولت زیرساخت‌ها را فراهم می‌کند و دیگران باید دنبال کار خود باشند.

گفت‌وگو کننده: و تقویت اتحادیه هم کاری نیست که وزارت ارشاد بخواهد انجام دهد.

کمالی: آن به ساختار اتحادیه برمی‌گردد. اتحادیه درگیر تنش‌های بسیار

شگفت‌انگیزی هستند. اگر این‌ها بنشینند و زمانی که آقای لاریجانی می‌گفت شما تنها حرف می‌زنید شما لایحه دهید ما تصویب می‌کنیم. عرض من این است که شما به‌عنوان اتحادیه در مباحث مربوط به کسب‌وکار می‌توانید کارهایی را انجام دهید. گفتگوکننده: ارشاد می‌تواند چه نقشی داشته باشد؟

کمالی: ارشاد می‌تواند نقش معنوی داشته باشد و در قوانین و مقررات حمایت‌های معنوی انجام دهد و پیگیری کند. هم مادی آن می‌تواند لایحه شود و هم در جلسات کارشناسی اینجا مطرح شود. این کارهای ساختاری و زیرساختی است که به ارشاد مربوط می‌شود اما کارهایی که ساختاری نیست و به کسب‌وکار مربوط است نظام فروش می‌خواهد که ما به‌عنوان ارشاد نمی‌توانیم وارد شویم.

گفت‌وگو کننده: ناشر آن‌هم تنها گروهی است که تعریف شده باید اتحادیه داشته باشند. اتحادیه‌ی پخش کتاب داریم؟

کمالی: خیر یک شرکت تعاونی با نام توزیع کنندگان کتاب تهران گفتگوکننده: کتاب‌فروشان چطور؟

کمالی: کتاب‌فروش آن‌هم زیرمجموعه‌ی اتحادیه هستند در استان‌ها که به اتحادیه‌هایی می‌پیوندند که ممکن است سختی هم با آن‌ها نداشته باشند. گفتگوکننده: اما به‌طورکلی چون این پدیده نشر کتاب غیرقانونی به‌طور خاص کسی که متضرر می‌شود ناشر است چون حقوق مادی اوست که در حال از بین رفتن است اما ناشرها گمان می‌کنم دیدگاه دیگری داشته باشند. کمالی: ناشران می‌گویند ارشاد باید کاری کند.

گفتگوکننده: البته این نخستین مصاحبه است فکر می‌کنم باید با نشر ققنوس و چند نشر دیگر هم گفت‌وگو کنم و دیدگاه‌های آن‌ها را هم داشته باشم؟

کمالی: ناشران می‌گویند ارشاد؛ اما ارشاد چه کاری می‌تواند انجام دهد اگر حقی از شما ضایع شده است مگر ارشاد می‌تواند به جای شما اقدام کند؟ نمی‌تواند. از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اتفاقی افتاده که هم حقوق معنوی و هم حقوق مادی از سوی کسی سرقت شده است حاضر به شکایت نشدند. اگر بگویند قوانین از من حمایت نمی‌کند یا برخی از این‌ها حلقه‌های قدرتی بسته‌اند؟

گفتگوکننده: ناشران؟

کمالی: قاچاقچیان. می‌گوییم این استنباط شما نادرست است. آیا شما پیگیری کرده‌اید و به جایی رسیده‌اید که این افراد به جایی وصل‌اند؟ گفتگوکننده: قاعدتاً باید قدرت اقتصادی زیادی باشد.

کمالی: بله اقتصادی است مگر چنین چیزی می‌شود؟ کتاب مگر چیست که بخواهد چنین چیزی شود. آقای آموزگار و با دوستان پشت صحنه جایی را کشف کردند چه کسی؟ کسی که شاگرد یک انتشاراتی بوده و از آنجا اخراج شده و در جای دیگر از چند ناشر حرفه‌ای چندین و چند کتاب را تکثیر کرده است. این کار را چندین و چند وقت انجام داد و توجه نکردند و ناگهان رفتند و تازه یکی از انبارهای او را گرفتند. انبارهای دیگر و حلقه‌های دیگر در شهرستان‌ها هم دارد. اگر ناشر بخواهد وزارت ارشاد هیچ‌گاه نگفته حمایت نمی‌کنیم گفته است ما می‌توانیم حمایت کنیم اما معنوی دیگر از این مهم‌تر که وزیر ارشاد برای این موضوع جلسه می‌گذارد؟ بالاترین مقام قضایی و فرماندهی نیروی انتظامی را دعوت می‌کند.

گفتگوکننده: چیزهایی که می‌گویند برای تنظیم اجرای برنامه‌ها و اقدامات مبارزه با چاپ غیرقانونی کتاب ایجاد شده همان کارگروهی است که شما اشاره کردید؟

کمالی: خیر. این کارگروه تجربه‌ی بسیار خوبی بود. با برخی از این دوستان تاکنون گفت‌وگو نکرده بودیم در آنجا آقای با نام میرجلالی بود حتماً با ایشان گفت‌وگو کنید. ایشان دبیر این کارگروه بودند. کسی است که تمام نقاط ایران را برای این تکثیر غیرقانونی رفته است. از اصفهان و مشهد تا شهرستان‌های کوچک. برای شما خواهد گفت که در این زمینه چه حلقه‌هایی وجود دارد. این‌ها افراد تأثیرگذاری نیستند اما بی‌خود و بدون دلیل بزرگ شده‌اند. یک تابویی از این‌ها ساخته شده که انگار دست‌نیافتنی است و این نیز بر مشکلات افزوده است. در اینجا نیز با ناشران مقصرند. همان‌هایی که از این افراد سود می‌برند هم ناشر و هم کتاب‌فروش و هم پخش.

گفتگوکننده: دستشان در دست یکدیگر است.

کمالی: متأسفانه.

گفتگوکننده: گاهی شکایتی هم می‌کنند که کسی شک نکند.

کمالی: ما در آن کارگروه گفتیم نیازی به رفتن شما به دادگاه نیست وکیل شما از

سوی شما از شما دفاع خواهد کرد. حکم صادر شود آن زمان ببینید چه می شود. گفتگوکننده: بله و با این امکانی که گذاشته شده هنگامی که استفاده نمی کنند خیلی چیزها روشن می شود.

کمالی: جالب اینجاست که آقای میرجلالی می گوید همه ی این ها شناسایی شده اند. اصلاً می دانند چه ساعتی وارد خیابان انقلاب می شود. برای نمونه کسی که تا دیروز با وانت کتاب می فروخته امروز با سانتافه اینجا همان کار را انجام می دهد چگونه چنین چیزی می شود؟ من نادیده می گیرم اما کاسب بازار نادیده نمی گیرد و می گوید من مالیات و عوارض پرداخت می کنم. در برابر مغازه ی او نباید کسب و کار کند. این را دولت می تواند جمع کند؟

گفتگوکننده: کتاب فروش ها برای شکایت نزد شما نمی آیند؟

کمالی: خیر. بیش تر ناشران برای شکایت می آیند.

گفتگوکننده: شما در جریان نیستید که کتاب فروش ها بیش تر شاکی هستند یا ناشران؟

کمالی: کتاب فروشان نه کسانی که در خیابان انقلاب هستند هم ناشرند و هم کتاب فروش.

گفتگوکننده: بله خودشان بیش تر...

کمالی: بیشتر کتاب فروشند. این طیف از افراد خیلی توجه نمی کنند. این یک حلقه است که همه در آن مرتب اند.

گفتگوکننده: پس ما برای شناخت این مافیا باید نزد آقای میرجلالی برویم.

کمالی: بله با ایشان صحبت کنید. بازرس اتحادیه آقای حسن قربانی است ایشان هم می تواند کمک کند آقای امیر حسین زادگان یکی از متضرران این ماجرا هستند. کارهایی هم انجام دادند.

گفتگوکننده: ایشان چه نقشی داشتند؟

کمالی: ایشان هم می ترسند و تهدید هم شده اند. در دفتر خودشان تهدید شده اند. درست است که این افراد تهدید می شوند اما چه کسی باید از این ها حمایت کند؟ اتحادیه. اگر اتحادیه بخواهد ارشاد هم حمایت می کند.

گفتگوکننده: پس راه کار اصلی را در اتحادیه می بینید؟

کمالی: ارشاد از این که حمایت کند انجام می‌دهد هم حمایت معنوی و هم قضایی و مادی. در این حوزه‌ها همه چیز اتفاق افتاده است؛ اما اگر کسی روز روشن کسی را تهدید کند و بگوید مغازه‌ات را آتش می‌زنم نباید از او گذشت کرد باید بلافاصله تبدیل به استشهادی شود و علیه آنان شکایت شود. تهدیدهای آتش‌سوزی و تهدیدهای دیگر است که فلان و بهمان کار را انجام می‌دهیم. تا هنگامی که با این تهدیدها روبه‌رو شویم و عقب‌نشینی کنیم آن‌ها جری‌تر می‌شوند و می‌گویند تهدیدهای ما کارساز بود. نباید از این تهدیدها به‌آسانی گذشت و آن‌ها را رها کرد. گفتگوکننده: بیش‌تر مواردی که در این جلسه درباره‌ی آن‌ها صحبت کردیم حول همان موضوع اصلی که مسئله‌ی اقتصادی است بود که گویا انگیزه‌ی اصلی شکل‌گیری این ماجراست. اشاره‌ای هم در مورد بحث فرهنگی اگر به نظرتان می‌رسد بکنید آیا بحث فرهنگی است و یا نیست و اگر هست در کجا می‌تواند تأثیرگذار باشد یا از آنجا می‌توانیم مانع این کار شویم.

کمالی: بحث فرهنگی حتماً تأثیر دارد. در حوزه‌ی تبلیغ و این که از ظرفیت‌های فرهنگی برای مقابله با این موضوع استفاده کنیم انجام نداده‌ایم. گفتگوکننده: البته در حوزه‌ی فیلم شده است.

کمالی: در حوزه‌ی فیلم به‌شدت شد.

گفتگوکننده: در ابتدای هر فیلمی هنرپیشگان گوناگون؛ سخنانی از بزرگان در این مورد وجود دارد

کمالی: ما در حوزه‌ی فرهنگی کار خاصی نکردیم و از ظرفیت‌های افراد شاخص این حوزه استفاده نکردیم؛ که دست کم در نشست‌هایی که برگزار می‌شود برای نمونه بزرگداشت شخصیتی است این را بیان کند. جشنواره‌های مختلفی در حوزه‌ی نشر برگزار می‌شود این مسئله عنوان شود در شروع مطلب بگوییم به هم احترام بگذاریم درست مانند فیلم که این رویداد رخ می‌دهد. آدم‌های کمی نداریم که در این حوزه تأثیرگذارند. تلویزیون هم می‌تواند همکاری کند و از ظرفیت هنرمندان استفاده کند. روزی حرف بسیار زیبایی از یکی از هنرپیشه‌ها شنیدم در مورد همین موضوع صحبت می‌کردیم گفت ما نشر کتاب مادر تخصصی حوزه‌ی صنعت سینماست. ما خیلی می‌توانیم در این مورد کمک کنیم. خیلی از مخاطبان کتاب در حوزه‌ی سینما هستند.

گفتگوکننده: یا از استادان دانشگاه‌ها هستند.

کمالی: این که یک کتاب دانشگاهی در میان دانشجویان تکثیر می‌شود بعد اقتصادی دارد که دانشجو توان اقتصادی برای خرید کتاب ندارد و این بحث دیگری است. ناشر هم می‌تواند برای آن کاری انجام دهد.

گفتگوکننده: حتی جدایی از نمایشگاه کتاب همیشه برای قشر دانشجو تخفیف چشم‌گیری در نظر بگیرند.

کمالی: بله. می‌تواند این‌گونه شود اما نمی‌دانم چرا نمی‌شود و همان‌گونه که در همین مصاحبه هم بارها به این نکته رسیدیم از هر سخنی که می‌گوییم در پایان به ناشر و کم‌کاری‌هایشان می‌رسیم که همواره دوست دارند کار آماده و روزمره و بدون دردسر را انجام دهند. به هرروی کسب‌وکار و تجارت و یا هر شغل دیگری دردسرهای خود را دارد به‌ویژه در دنیای امروز که به دلیل رقابتی که وجود دارد باید حرفه‌ای تر بود. اتحادیه هم که جای خود دارد و باید به ناشران کمک کند. در همین حوزه‌ی تبلیغ با ارشاد صحبت کند و ما را ترغیب کند که برای تبلیغات بودجه‌ای در نظر بگیریم. متأسفانه در این زمینه‌ها انگیزه‌ی لازم وجود ندارد. من در جلسات آخر شرکت نمی‌کردم. البته من عضو مهمان بودم و نماینده‌ی اصلی ما آقای دکتر سلگی بود. من می‌رفتم و می‌گفتم ما مدام در حال حرف زدن هستیم پس چه زمانی قرار است اتفاق بیفتد. نمی‌شود که ما هر هفته در یک اتاق در بسته بنشینیم و جای و شیرینی بخوریم و چهار مصوبه روی کاغذ باشد و دوباره برویم تا هفته‌ی آینده. می‌توان از ظرفیت‌های فرهنگی استفاده کرد و تأثیر هم دارد.

پیش از آن ناشر و اتحادیه باید درست شوند. بودجه‌ای که برای این ماجرا قراردادند کم نبود؛ اما اتحادیه کم‌کاری کرد.

گفتگوکننده: درواقع هر آنچه شما می‌توانستید انجام دادید.

کمالی: بعد گفتند مقصر رئیس کارگروه است. من به دوستان عضو کارگروه گفتم. پیشنهاد دهید رئیس کارگروه را عوض کنید. هنگامی که وزیر وارد این مباحث می‌شود و می‌گوید این را جلدی انجام دهید من بخواهم در حد مدیرکل بخواهم کم‌کاری کنم. شما رئیس شوید یا رئیس ناشران اتحادیه‌ی تهران رئیس شود. آن‌ها گفتند اگر ما وارد تکثیر غیرقانونی شویم با کتبی روبه‌رو می‌شویم که مجوز ندارند با

آن‌ها می‌خواهید چه کنید. ما گفتیم شما آن را به ما واگذار کنید. یا ارشاد علیه آن‌ها شکایت می‌کند و جرمی روی می‌دهد یا این کار را نمی‌کند. شما فعلاً به کسب‌وکار خودت که ناشر در حال ضرر دادن است بچسبید. در همین جریان اخیر که از یکی از انبارهای میدان انقلاب بازدید کردند کتاب‌هایی وجود داشت که مجوز نداشتند. این با نیروی انتظامی است که به ارشاد می‌گویند دیدگاه خود را در مورد این کتاب‌ها ارائه دهید. هم‌اینک نیروی انتظامی جایی را که کتاب‌های غیرمجاز و بدون مجوز دارند کشف می‌کنند با ما مکاتبه می‌کنند. آیا این مجوز دارد یا خیر. این برای برخی از ناشرها بهانه می‌شود که ارشاد می‌خواهد با این کتاب‌ها چه کند.

گفتگوکننده: به این‌ها بهانه‌ی بنی اسرائیلی می‌گویند.

کمالی: ناشر و همکار شما در کسب‌وکارش لطمه می‌بیند باید به او فکر کنید به این ربط ندهید. مگر من می‌توانم در خیابان جمهوری بساط کنم و لباس بفروشم؟ مانع من می‌شوند. این مغازه لباس می‌فروشد شما اینجا چه کاره‌اید؟ شما به کسب و کار این فرد ضربه وارد می‌کنید. این مغازه مالیات و عوارض و حقوق می‌دهد. برای مقابله با این معضل بازارهای روزانه مانند یک شنبه بازار درست کرده‌اند و این مسائل حل شد. متأسفانه انگیزه‌ی جدی که ان‌شاءالله انگیزه‌ها به دلایلی که گفتیم نباشد.

گفتگوکننده: من پرسشی ندارم اگر فرمایشی دارید بفرمایید

کمالی: عرض پایانی من این است که اگر بخواهیم این موضوع را جمع کنیم که خیر آن‌هم به ناشر و هم به نویسنده و خریدار واقعی کتاب برسد اتحادیه باید در کارکرد خود تجدیدنظر کند.

گفتگوکننده: بهانه‌ی اتحادیه چیست؟

کمالی: اتحادیه حامی ناشر و کسب‌وکار آن‌هاست و یکی از وظایف اتحادیه‌ها همین است که از کسب‌وکار اعضای خود در برابر دولت، افراد سودجو و متقلب دفاع کند. در این حوزه من به این نتیجه رسیدم که کم‌کاری انجام می‌شود و اتحادیه جدی نیست با وجودی که تمام امکانات فراهم بود اتفاق مهمی رخ نداد. امیدوارم در کارگروه تازه‌ای که با مسئولیت آقای دکتر شکل می‌گیرد و اتحادیه هم عضو آن است حرکت جدی‌ای شکل بگیرد. چون اگر این‌گونه نشود در این اوضاع و احوال اقتصاد

بازار نشر به مراتب در درجه‌ی نخست کسانی که صدمه می‌بینند نویسندگان هستند. من ناشر را چندان متضرر نمی‌بینم.

گفتگوکننده: من هم به‌همچنین چون اگر متضرر بود تلاش بیش‌تری می‌کرد.

کمالی: در این موقعیت و وضعیت که تولید کتاب دشوار شده است ناشر دوست دارد بیش‌تر کارهای تجدید چاپش را انجام دهد کتاب چاپ نخست را منتشر نمی‌کند چراکه هزینه‌های سنگینی دارد در عمل قدرت اقتصادی نویسنده بسیار ضعیف می‌شود. ناشر به کارهای چاپ دوباره و چندباره خود بسنده می‌کند و امیدواریم که با تکثیرکنندگان غیرقانونی ارتباط نداشته باشند اما به هرروی خود را از وضعیت بد اقتصادی نجات می‌دهد اما نویسنده صدمه می‌بیند.

گفتگوکننده: ای کاش ارشاد می‌توانست برای نویسندگان کاری انجام دهد که حق مادی و معنوی اثرش حفظ شود.

کمالی: اتحادیه و دوستان ناشر باید به این برسند که باید نویسنده‌ای وجود داشته باشد تا شما بتوانید کاری انجام دهید.

گفتگوکننده: به قول شما تا تجدید چاپ وجود دارد شاید چند آن‌هم ضرورتی احساس نمی‌کنند.

کمالی: به هرروی ما هنوز از آثار گذشتگان استفاده می‌کنیم اما باید توجه جدی کرد. برخی از ناشران حرفه‌ای که در این حوزه هم نیستند اما ساختاری و حساب شده کار می‌کنند در این وضعیت می‌گویند تولید سخت شده است. هنگامی که من نیازم را بسیار آسان و با هزینه‌ی بسیار کم‌تر و غیرقانونی می‌توانم از جایی تأمین کنم کتاب ناشر را نمی‌خرم. در اینجا نویسنده و ناشر حرفه‌ای صدمه می‌بینند باید فکری شود. گفتگوکننده: حتی خواننده‌ی حرفه‌ای هم آسیب می‌بیند.

کمالی: دقیقاً. اعتماد هم از بین می‌رود. اطمینان میان ناشر و نویسنده آسیب می‌بیند و همین‌گونه میان خریدار و ناشر که خواننده می‌گوید من این کتاب را ۱۰ هزار تومان خریده‌ام و این ناشر آن را ۳۰ هزار تومان می‌فروشد. این چه بازاری است و این مسائل نظام را به هم می‌زند. امیدواریم بتوانیم کار جدی‌ای انجام دهیم و این کار جدی خواستم هم حتماً اتحادیه‌ی ناشران تهران می‌خواهد کارگروهی را که ما شکل دادیم اتحادیه‌ی خواست. من چرا می‌گویم دو سالی که ما مطالعه کردیم اتحادیه

نخواست ما به عنوان ارشاد خواستیم و از افراد گوناگون دعوت کردیم تا در مورد این موضوع صحبت کنیم.

گفتگوکننده: در صورتی که این مشکل آن‌هاست.

کمالی: در صورتی که اتحادیه می‌خواست که ارشاد باید در این مورد صحبت کنید. مگر هم اینک که کاغذ گران شده ناشران نیاز به آن ندارند؟ این هم یکی از همان پدیده‌هاست بنابراین آن‌ها باید بخواهند. اکنون کاغذ بندی ۱۶۰ تا ۱۷۰ تومان شده است.

گفتگوکننده: برای کاغذ درخواست دارند؟

کمالی: نه می‌گویند گران شده دولت کاری کند؛ اما این را نیز شما باید بخواهید چون به شما آسیب می‌زند.

گفتگوکننده: شاید متوجه نمی‌شوند.

کمالی: می‌زند چرا نزنند آقای میرجلالی به شما خواهد گفت چرا که آمارهای درست و حساب شده دارد که چه پول‌هایی از قبل این تکثیرهای غیرقانونی نصیب گرگ‌های دلال می‌شود. ما در گذشته دست فروش هم داشتیم که کتاب می‌فروخت کسی هم به او کاری نداشت. اکنون این وضعیت به چرخه‌های اقتصاد نشر ضربه می‌زند و البته به مؤلفه‌های این حوزه که تأثیرگذارند. این آقای ناشر برای فرار از خیلی از مسائلی که پاسخ ندهد و خود را رها کند و سود بیش‌تری دهد وارد این وادی می‌شوند و ناشران حرفه‌ای کماکان باهمان سبک و سیاق علمی به کار خود مشغول‌اند.

مصاحبه با آقای کیایان

گفت‌وگو کننده: بحث ما در مورد پدیده‌ی قاچاق کتاب یا همان تکثیر غیرقانونی کتاب است. ما حول چند محور گفت‌وگو خواهیم کرد که ماهیت این پدیده از دیدگاه شما و عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری آن در ایران و راه‌کارهایی که شما به‌عنوان کسی که سال‌ها در حوزه‌ی فرهنگ کار کرده است می‌توانید برای کنترل این معضل ارائه کنید. دیدگاه شما در مورد چیستی قاچاق و تکثیر غیرقانونی کتاب در ایران چیست؟

کیایان: سپاس از شما که در این مورد دست به پژوهش و بررسی زدید چون واقعیت

این است که در این سال‌ها با وجود تمامی صحبت‌هایی که در این باره شد کماکان برخورد جدی‌ای با این پدیده صورت نگرفته است. این که چرا این اتفاق می‌افتد و پدیده‌ای بانام قاچاق کتاب به وجود می‌آید به برخی از ناهنجاری‌های اقتصادی در جامعه‌ی ایران برمی‌گردد و نظارت‌هایی که باید باشد اما نیست. متأسفانه فکر می‌کنم این داستان هنوز متولی جدی‌ای ندارد. چند بار در این مورد جلساتی در ارشاد تشکیل شد و من هم در آن‌ها حضور داشتم اما در همان کاغذبازی‌های اداری افتاده و به گمان من باوجود حسن نیت برخی از مسئولان با حرکت لاک‌پستی پیش می‌رود و اصلاً مشخص نیست به نتیجه‌ای برسد یا خیر. به‌هرروی آنچه مسلم است ما با پدیده‌ی فقر و نداری در جامعه روبه‌رو هستیم تمامی این‌ها می‌تواند زمینه‌هایی برای ایجاد ناهنجاری‌هایی در حوزه‌های گوناگون که بعدها روی می‌دهد باشد. از اعتیاد خرید و فروش مواد مخدر گرفته تا ورود و خروج کالاهای قاچاق و سرقت و تشنجاتی که در کشور وجود دارد معلول علت بزرگی به نام فقر در جامعه است. در بخش کتاب هم طبیعتاً شماری هستند که یا به دلیل به‌اصطلاح بسته بودن دست و بالشان به کار بساط کتاب روی آوردند که بیش‌تر بچه‌های قدیمی صنف ما هستند و ۹۰ درصد آن‌ها افراد شریف و باحیا و خوبی هستند که از این راه ارتزاق می‌کنند و خانواده‌شان را اداره می‌کنند. این اشخاص به‌هیچ روی سراغ قاچاق کتاب نمی‌روند و به‌طور سنتی این‌ها از قدیم بوده است چون بساط کردن کار ساده‌تری بود و نیازی به پرداخت سرقفلی و قفسه‌بندی نداشت خیلی سبک و آسان می‌توانستند شماری کتاب را به کنار خیابان بیاورند و بساط کنند و در روز چندین جلد کتاب بفروشند و قوت آن روز خود را برای خانواده‌شان فراهم کنند؛ اما باگذشت زمان کسانی که از دیدن افراد بی‌بهره بودند که خودشان را جزو افراد باهوش می‌دانستند و گمان می‌کردند با استفاده از فرصت‌ها و رفتن به سمت کتب قاچاق هوش و ذکاوتی دارند که دیگران ندارند به این سمت رفتند درحالی که از دیدن این گونه نیست. دیگران رعایت حق‌الناس و مسائل حقوق و قانونی موضوع را می‌کردند نمی‌خواستند به اصطلاح حرام‌خواری کنند این‌ها کم‌کم به سمت داستان قاچاق کتاب رفتند و ما نخستین علائمی که در آغاز کار دیدیم این بود که کتاب‌های کمی از کتب پرفروش ناشران را که در گذشته جود داشت و این ناشران یا نویسنده و مترجم نیستند و متولی خاصی ندارد تکثیر کردند.

گفت‌وگو کننده: این اتفاق چه زمانی شروع شد؟

کیایان: ۱۵ تا ۲۰ سال پیش.

گفت‌وگو کننده: پس از انقلاب بود؟

کیایان: بله. پس از انقلاب بود منتها من کتاب‌های سیاسی یا حتی ادبی‌ای که پیش از انقلاب منتشر شده بود و امروز ممنوع شده است را از این مقوله جدا می‌کنم. این در سرفصل دیگری تعریف می‌شود.

گفت‌وگو کننده: می‌خواهم به همین جا برسم که برخی از مسائل اقتصادی وجود داشته و بعضی مسائل سیاسی؛ درست است؟

کیایان: بله هم سیاسی بود و هم به اصطلاح امروزی‌ها یک سری مسائل اخلاقی که سبب شد برخی از کتاب‌ها اصلاً منتشر نشوند. برخی کتب بودند که پیش از انقلاب منتشر شده بودند و متولی نداشتند. ناشر آن جمع کرده بود و نویسنده‌اش هم یا فوت کرده بود و یا از ایران رفته بود. برخی از این کتب هم در خارج از ایران چاپ می‌شدند و همان‌گونه که گفتم متولی نداشت مانند کتاب «شاه» یا «تولد دیگری» شجاع‌الدین شفا یا کتاب «شاه» اثر آقای میلانی که متولی نداشتند و آن‌سوی مرزها منتشر شده بود و در این سو پخش می‌شد. این سرفصل دیگری دارد و اگر قرار باشد بررسی جامعی انجام دهیم باید آن‌ها را ببینیم.

گفت‌وگو کننده: این‌ها را قاچاق نمی‌دانید؟

کیایان: در قاچاق بودنشان شکی نیست منتها تصور من از آمدن شما این است که اکنون شما قرار است روی مسائل مبتلابه ناشرانی که دست‌اندرکار هستند بیشتر توجه می‌کنید. بنابراین نباید این بار را سنگین کنیم مانند کشتی‌ای که قرار است به اقیانوس برود و ما این قدر روی آن بار بگذاریم که احتمال غرق شدن داشته باشد. اگر شما این بار را سنگین کنید صورت مسئله لوٹ می‌شود و ممکن است داستان پیگیری نشود. در آن مورد هم مشکلی ندارم و می‌توانم اگر لازم بود و شما تشخیص دادید با شما در گفت‌وگوی جداگانه‌ای به آن پردازم اما تصور کنونی من این است که حضور اکنون شما به این معناست که شماری از افراد کتاب‌های پرفروش ناشرانی که در صحنه وجود دارند را تکثیر کردند و این را باید از گروه پیش جدا کرد. من مدعی‌العموم نیستم که کتاب‌هایی را که در آن سوی مرزها منتشر شده و اینجا

کسانی آن‌ها را به صورت قاچاقی می‌فروشند را بگویم جمع کنید و همه را زندانی کنید. مدعی‌العموم می‌تواند این کارها را انجام دهد یا ندهد من تنها در حوزه کاری خودم عرض می‌کنم. چنین پدیده‌ای از ۲۰ سال پیش کم‌کم آغاز شده و با چاپ کتاب‌های پرفروش ناشرانی که در اینجا نبودند سیاسی هم نبود و به جایی هم بر نمی‌خورد اما با آهنگی شروع به انجام این کار کردند اما اندکی که پیش رفتند چند تن بودند که خودشان را انسان‌های باهوشی می‌دانستند و متأسفانه با آن‌ها برخورد جدی و ضروری نشد میدان را باز دیدند و این حتی به شایعاتی دامن زد که برخی در ارگان‌ها با این افراد همکاری می‌کنند به این دلیل که به نظر می‌رسد این افراد دارای حاشیه‌ی امنی هستند و از این حاشیه‌ی امن حداکثر سوءاستفاده را می‌کنند. برای نمونه اگر به جلوی دانشگاه تهران بروید چند بساطی بزرگ وجود دارد که البته نمی‌دانم هنوز هم هستند یا خیر که تمامی کتاب‌های پرفروش ناشران فعال اکنون را دارند. مگر می‌شود شما یک سوم خیابانی را بگیرید و شهرداری به شما کاری نداشته باشد مشخص است که شهرداری متوجه می‌شود. اگر شما یک گاری دستی کوچک را در دورافتاده‌ترین نقطه‌ی پیاده‌رو ببرید و بخواهید میوه بفروشید مأموران شهرداری به زور میوه‌هایتان را می‌گیرند و چرخ‌دستی را هم با خود می‌برند که نتوانید این کار را انجام دهید چگونه ممکن است سر فخر رازی در دو سوی خیابان و در برابر دانشگاه تهران و بخشی از پیاده‌رو بساط‌های وحشتناک کتاب وجود دارد که من یک‌بار شمردم ۶۰۰ عنوان کتاب داشتند. بنابراین بی‌خود نیست که در این صنف شایعه شده که احتمالاً برخی با این افراد همکاری می‌کنند. خود این افراد هنگامی که در یک محفل خصوصی گفت‌وگو می‌کنند یا دروغ یا راست تلاش می‌کنند به این شایعات دامن بزنند که ما این حاشیه‌ی امن را داریم و این که جزئیات ماجرا چیست چیزی نمی‌دانیم. ما به عنوان یک فرد عادی در این جامعه موارد بسیاری هست که نمی‌توانیم متوجه شویم. این داستان گسترش پیدا کرد و دامنه‌ی وسیع‌تری به خود گرفت و به دلیل مماشات‌هایی که با این دسته افراد شد تشکیلات گسترده‌ای را درست کردند و به کمک ریسوگراف‌هایی که درست کردند که چیزی بین کپی دستگاه چاپ است می‌تواند در یک اتاق بگذارد و هر چند کتاب که خواستید به وسیله‌ی آن چاپ کنید. کتاب‌های ناشران را تکثیر کردند. این‌ها از راه‌هایی مانند سایت‌های ناشران و

تماس با توزیع کنندگان و روزنامه‌ها و مجلات در جریان کتب پرفروش قرار می‌گیرند و همان‌ها را تکثیر می‌کنند. برای نمونه کتاب «عقاید يك دلڪ» دو یا سه ترجمه از آن وجود دارد اما این کتاب سی و خرده‌ای بار منتشر شده است و مشخص است که کتاب پرفروشی است. این آقایان این را زدند یا کتاب آقای دولت‌آبادی که حتماً می‌شناسید که کتاب مشهوری است و بارها تجدید چاپ شده نیز به صورت قاچاق تکثیر شد. در عرض سه تا چهار سال کتاب «جزء از کل» بالای سی بار تجدید چاپ شده است و طرف می‌فهمد که این کتاب مخاطب دارد. در يك بساطی کنار پمپ‌بنزین دیانا سر وصال، نه عنوان از کتاب‌های پرفروش را داشت. فکر کنید ما در سال ۲۰۰ کتاب تازه منتشر می‌کنیم از این تعداد ممکن است پنج عنوان پرفروش شوند ۱۹۵ مورد در حد چاپ نخست و دوم باقی می‌مانند. ما به كمك این پنج عنوان است که می‌توانیم این ۲۰۰ عنوان را منتشر کنیم. اگر این پنج عنوان کتاب را دیگران بزنند و بخشی از بازار را دست کم بخشی از آن را بگیرند ما برای چاپ کتب در آینده با مشکل روبه‌رو می‌شویم. این روشن است یعنی اگر می‌بینید که ما از این بابت بسیار رنجیده‌خاطر هستیم و مشکل داریم به این دلیل است و اگر این کار ادامه پیدا کند و به همین صورت تندتر شود از دید من شماری از ناشران باید جمع کنند.

گفت‌وگو کننده: کما این که این گونه هم شده است؟

کیایان: متأسفانه. انتظار و توقع ما این است دوستانی که در این زمینه تصمیم‌گیرنده هستند به‌صورت ضربتی مگر اگر کسانی برای تظاهرات به خیابان بیایند برای برخورد با آن‌ها منتظر دستور و اجازه‌ی قوه‌ی قضاییه می‌مانید؟ یا اگر بخواهید دزدی را بگیرید که به خانه‌ی کسی رفته است اول پشت در می‌ایستید و در و دیوار را نگاه می‌کنید بعد می‌گویید باید از قوه‌ی قضاییه نامه بیاورند تا ما بتوانیم از دیوار بالا رویم و دزد را دستگیر کنیم؟ اگر پلیس چابکی‌های این چنینی نداشته باشد دزد کار خود را انجام می‌دهد و می‌رود. اکنون در حوزه‌ی کتب پرفروش و قاچاق این رخداد روی می‌دهد. یعنی توپ در زمین و بین قوه‌ی قضاییه و نیروهای انتظامی و وزارت ارشاد و حراستش و اماکن و شهرداری در رفت و آمد است. این فکر می‌کند دیگری باید بزند و دیگری فکر می‌کند ارگان دیگر مسئول است. مسلم است که به آسودگی توپ در میان این‌ها روی زمین می‌افتد. اکنون این توپ مدام در میان این ارگان‌ها در حال زمین

خوردن و پایین آوردن طرف مقابل است و تجارتی به راه انداخته‌اند. یکی از همکارهای ما آقای علی‌خان صاحب نشر آموت؛ ایشان پیگیری کتاب‌ها پرفروش و کپی زده بودند. پرسیان پرسیان یکی این افراد را در يك دفتر جلوی دانشگاه پیدا کرد. آقای علی‌خان فردی قدبلند و چهارشانه است؛ به آقای که در آن دفتر بود در مورد تکثیر غیرقانونی کتاب‌ها اعتراض کرد و آن فرد گفت به شما چه مربوط است؟ گفت این کتاب من است گفت باشد شما می‌خواهید ۱۲۰ بساطی‌ای که با آن‌ها کار می‌کنم را بی‌کار کنید و از نان خوردن بیندازید؟ حسابی کتکش زدند و از دفتر بیرونش کردند. که البته این‌ها را منعکس کردند اما اتفاقی نیفتاد و کسی پیگیری نکرد. از دید من اراده‌ی لازم تاکنون وجود نداشته است. شماری از حرکات انفرادی از سوی برخی از مسئولان دلسوزتر ارشاد وجود داشت منتها کافی نبود. من پارسال شماره‌ی واتس را که از کاغذفروش ما به صورت مداوم کاغذ می‌خرید به آقای سیدآبادی دادم که این فرد این وانت را به داخل ساختمانی با این نشانی برد که در آنجا احتمالاً کتاب‌ها را چاپ می‌کردند که اگر در همان زمان این‌ها را می‌گرفتند بسیاری از مسائل حل می‌شد. آقای سیدآبادی چون مسئول مستقیم این کار نبود به من گفت آن را به مسئول مستقیم این کار داده‌ام که کاری در این باره انجام نشد. با این فردی که وانت وانت کاغذ می‌خرید نه تنها برخوردی نشد و تنبیه نشد و ناچار به تعطیل کردن کارش نشد و یا زندانی نشد و یا هر مجازاتی که من نمی‌دانم و برای چنین افرادی قانون در نظر می‌گیرد بلکه در عرض يك سالی که از این ماجرا می‌گذرد فربه‌تر و منتفع‌تر هم شده و وضعیت بسیار خوبی دارد. چند بار هم که شنیدیم او را دستگیر کردند اما چند ساعت بعد آزاد شده است.

گفت‌وگو کننده: شما در این مورد مشکل اصلی را نه دست‌فروشان بلکه مافیایی که پشت این ماجراست می‌دانید؟

کیایان: دست‌فروشان دو دسته هستند یکی گروهی هستند که از گذشته در صنف ما بودند. این‌ها کتاب‌های دیگران را نمی‌فروشنند و کتب قدیمی و دست دوم را از خانه‌ها می‌خرند و می‌فروشنند. ما با آن‌ها مشکلی نداریم این افراد از گذشته بودند و هستند و احتمالاً هم خواهند بود که ما با آن‌ها مشکلی نداریم. مشکل ما با کسانی است که در این حوزه به شکل مافیا کار می‌کنند. این‌ها افرادی را که بویی

از کتاب به دماغشان نخورده است را به عنوان دست فروش استخدام کرده اند حالا درصد می دهند یا حقوق ماهیانه من نمی دانم. طرف نمی داند کتابی که می فروشد مثلاً برای انتشارات شماسست. هر روز صبح این کتب را به او می دهند و حتماً آمارش را هم می گیرند که چه چیزهایی فروختند و بساط را پهن می کند و می نشیند مشتری می آید و می گوید این کتاب را می خواهم او هم می دهد. این فرد عامل نیست مأمور و معلول است. عامل دیگری است که باید با او برخورد شود. اگر با معلول برخورد شود در قدیم مثلی بود می گفتند اگر می خواهید يك درخت را از بین ببرید برگ برگ آن را نکنید آن را از ریشه خشك کنید. اگر در این داستان بخواهید با بساطی ها برخورد کنید مانند این است که يك درخت بزرگ را بخواهید برگ هایش را جدا کنید. دوباره جوانه خواهد زد. اگر بخواهید از ریشه آن را بخشکانید باید سراغ کلان های کار روید و با آن ها برخورد کنید.

گفت وگو کننده: در مباحثی که بیان کردید اشاره کردید به چند عامل اصلی که می توانید برای این پدیده بگویید و اشاره به این کردید که در کشور قوانین و متولی مشخصی نداریم و مسئولان به هم پاس می دهند. اگر امکان دارد با جزئیات ژرف تر دیدگاه خودتان را در مورد عواملی که روی این پدیده در کشور ما اثر گذاشته بیان کنید.

کیابیان: زمینه آن به ناهنجاری های اقتصادی برمی گردد. بیش از این هم نمی توانم توضیح دهم احتمالاً خودتان می دانید. اگر این افراد پای بساط این آقایان در ۱۲۰ مکان مختلف می نشینند به احتمال زیاد کار دلخواه این ها نیست. اگر این افراد در شهر و ولایت و محل خودشان کار بود مهاجرت نمی کردند و یا در تهران اگر کاری بود سرکار دیگری می رفتند و در گرما و سرما پای بساط نمی نشستند. از دید من زمینه ای این ناهنجاری ها فقر و نابرابری و تبعیض اجتماعی و اقتصادی است و رفع رجوع آن از دست من و شما و حتی وزارت ارشاد ساخته نیست. این به سیاست های کلان نظام و دولت جمهوری اسلامی برمی گردد که امیدوارم در آینده درست شود؛ اما در مورد خاصی که پس از این سرفصل سخن می گویم بله از دید من اگر قوانین شفاف و وجود داشت مأمور شهرداری بی شک با این مسئله همراهی می کند و الا جمع کردن این بساطی ها کاری ندارد. این ها چه زوری دارند که می توانند در خیابان بساط

کنند افراد نیرومندی هستند یا سوپرمن‌اند؟ این‌ها چه کسانی‌اند؟ عده‌ای از افراد کم‌بینه‌ی اقتصادی و اجتماعی‌اند که جمع‌کردنشان کاری ندارد. شهرداری اداره‌ای دارد به نام جمع‌کردن مشاغل مزاحم و مناطق مختلف نیروهای دارند که مأمورند سد معبر را جمع‌کنند بعید است که از پس این داستان برنایند. متأسفم که پس از این همه سال به نتیجه رسیدیم که در اینجا بی‌صدافتی‌ای وجود دارد که باید آن را پیدا کرد. اگر این اراده وجود داشته باشد شهرداری به‌تثایی می‌تواند این مشکل را حل کند. هنگامی که منافذ تنفسی مافیا بسته شود که همین بساطی‌ها هستند کتاب را می‌خواهد چه کند؟ بنابراین ناچار به از بین بردن این کسب و کار می‌شود. این اتفاق هنوز نیفتاده است. به‌گونه‌ای شده که اکنون من شنیدم بسیاری از کتاب‌فروشی‌های شهرستان با این مافیا همکاری می‌کنند. چرا؟ چون درصد بالایی تخفیف می‌دهند. برای این که هزینه‌هایشان از دید کیفیت کم است حق تألیف و سود ناشر نمی‌دهند و هر چه هست برای خودشان می‌ماند. فرض کنید ما کتاب‌هایمان را ۲۵ تا ۳۰ درصد تخفیف می‌دهیم آن‌ها با ۵۰ درصد تخفیف می‌فروشند. کتاب‌فروشی شهرستانی در هر صورت تا جایی مقاومت می‌کند مگر این که فرد بسیار شریفی باشد. خیلی انسان‌های شریف وجود دارند که زیر بار این موضوع نمی‌روند؛ اما به‌رروی بحث پول است و با توجه به تورم و هزینه‌انگیزه‌ای به وجود می‌آید که آرام آرام مقاومت آن‌ها در هم می‌شکند مانند قطاری که به سمت جنوب می‌رود و در هر ایستگاهی شماری از افراد از آن پیاده می‌شوند. کسانی که به مقصد می‌رسند از قطار شرافت پیاده می‌شوند. شخص می‌داند این کتاب مشکل دارد و ممنوع است اما می‌گیرد و از ناشر و توزیع‌کننده‌ی شناخته‌شده و شناسنامه‌دار نمی‌گیرد. می‌داند این کتاب قاچاق است اما چون درصد بالایی به او می‌دهند می‌گیرد و این رویدادی که رخ می‌دهد این است که ترس این‌ها در حال ریختن است و این‌ها جذب این ماجرا در شهرستان می‌شوند. پیش‌بینی و تصور من این است اگر این داستان ادامه پیدا کند همین اتفاق در تهران هم خواهد افتاد و بخشی از کتاب‌فروشان در تهران هم مقاومتشان می‌شکند.

گفت‌وگو کننده: مگر این که با آن‌ها برخورد جدی‌ای شود. بحث دیگری هم

وجود دارد که برخی بر این باورند که پس از انقلاب ضعف توجهی در حوزه‌ی فرهنگ به وجود آمد و این توأم با این شده که ما قانون کپی‌رایت نداشتیم و این موضوع را تا اندازه‌ای کلان‌تر می‌بینند. می‌گویند ضعف توجه به حوزه‌ی فرهنگ بوده و قانون کپی‌رایت هم نداشتیم و قانونی دیگری هم که وجود داشته چندان جدی نبوده و این مشکلات به وجود آمده است. شما به این موضوعات باور دارید؟

کیایان: من سال‌ها مسئول اتحادیه بودم و هنگامی که این مسئولیت را داشتم به‌عنوان یک ارگان و نهاد صنفی پذیرفتیم که ایران به قانون کپی‌رایت پیوندد. از دید من این پدیده جدای از این مسئله است. فرض کنید ما به این قانون پیوسته باشیم فردی در اتاقی نشسته و کتابی را که کپی‌رایتش در اختیار من است تکثیر می‌کند و از راه شماری ویزیتور به شهرستان‌ها می‌فروشد. چه تفاوتی می‌کند؟

گفت‌وگو کننده: اگر قانون درست و جدی داشتیم بر اساس همین قانون نمی‌شد با این افراد سخت‌تر برخورد کرد؟

کیایان: از دید من داشتن اراده از این‌ها مهم‌تر است. در ایران در حال حاضر قوانین زیادی داریم و محدودیت‌های فراوانی وجود دارد اما چرا نظم و نسق لازم جامعه از بین نمی‌رود چون نگاه به قانون ضعیف است برای این که مردم احساس می‌کنند قانون را رعایت کنند یا نکنند چندان تفاوتی ندارد. برای شما نمونه‌ای می‌آورم؛ سی سال بود که اتومبیل‌های ما مانند پیکان و ژیان و هر ماشین دیگری که بود کمر بند داشت و هیچ‌یک از ما نمی‌دانستیم چیست و گمان می‌کردیم زائد است. می‌دانستیم کمر بند است اما نمی‌دانستیم چه کارایی‌ای دارد. پلیس راه یک روز گفت هرکسی می‌خواهد از تهران به رشت برود در جاده‌ی رشت باید کمر بند ببندد. نخست شماری از مردم گفتند این سوسول‌بازی‌ها چیست و کمر بند چیست و اعتراض کردند چند تصادف رخ داد که هنگامی که پلیس جریمه کرد و مردم ناچار به بستن کمر بند شدند. چند تصادف اتفاق افتاد و منجر به مرگ و جراحت زیاد نشد چون کمر بند بسته بودند از آن هنگام مردم جدی شدند و با خود گفتند پس کمر بند این اندازه خوب است؟ من بارها در اطراف خود دیدم که ماشین معلق زد اما چون فرد کمر بند بسته بود از بین نرفت و نهایتاً دستش ضربه دید یا سرش شکست. از زمانی که

گفتند هرکسی کمر بند نبندد جریمه می شود این داستان به صورت فرهنگ درآمد. هم اینک شما اگر سوار اتومبیلی به عنوان مسافر می نشینید بی اختیار کمر بند خود را می بندید. برخورد بسیار مهم است. قانون بستن کمر بند شاید بیست سال هم بود که وجود داشت اما ما خبر نداشتیم. من یادم نمی آید اما شاید در سال ۵۳ یا ۵۴ که من گواهینامه گرفتم شاید در تصدیق ما بود که هنگام رانندگی باید کمر بند بسته شود اما چون به آن توجهی نشده بود و روی آن تمرکزی صورت نگرفته بود کسی از آن استفاده نمی کرد اما از مقطعی که به آن توجه شد همه بستند. این در مورد بسیاری مسائل صادق است. شما اگر به کپی رایت پیوندید رایت بسیاری از کتب اعم از داخلی و خارجی و ترجمه و تألیف را بخرید اما برای برخورد با متخلف اراده ای نداشته باشید. برای پلیس کاری ندارد ما تمام این افراد را می شناسیم یک کمیته ی کارگروهی در اتحادیه تشکیل شده تمامی این افراد را تک به تک با نشانی و نام و نام خانوادگی می شناسیم هشت تا ده نفر روسای این کار هستند. این ۱۰ نفر را بگیرند و مجازاتشان کنند و ملکی به عنوان وثیقه از آنها بگیرند و آزادشان کنند و بگویند اگر این کار تکرار شود ملکشان را مصادره می کنیم این کار مناسب است من نمی گویم آنها را بکشند یا زندانی کنند. فرد خانه ی خود یا خانواده و فامیلش را برای این کار به خطر نمی اندازد و وارد کار شرافتمندانه ای می شود. البته من می دانم این مبارزه با معلول است و علت که همان نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و تبعیض و فقر است سر جای خود هست تا هنگامی که این موضوعات ریشه کن نشود باز هم امکان دارد از سوی شاخه های این درخت جوانه بزند؛ اما دست کم در این مقطع می توانید این داستان را پیش برید که این افراد به این آسانی نتوانند ترک تازی کنند.

گفت و گو کننده: در واقع این عمده راه کاری است؟

کیایان: راه کار کوتاه مدت. شما می توانید در مدت یک هفته تمام این ها را دستگیر کنید ما نشانی انبارهای این افراد را به ارشاد داده ایم. انبارهای این افراد را بگیرند و این گونه خسارت سنگینی به آنها وارد می شود. شنیدم کتاب های زیادی دارند. هنگامی که چنین چیزی شود قطعاً این افراد در کوتاه مدت از صحنه خارج می شوند. دیگر این گونه نخواهد بود که کتاب فروشی شهرستانی زمانی که کتاب

قاچاق می‌فروشد احساس امنیت کند. آن‌ها هم خود را جمع می‌کنند. بساطی‌های میدان انقلاب هم که جمع می‌شوند؛ بنابراین کل ماجرا روال بهتری می‌گیرد.

مصاحبه با آقای جعفریه

گفتگوکننده: مصاحبه با آقای جعفریه از نشر ثالث

چهارم مهرماه هزار و سیصد و نود و هفت.

نخست تشکر می‌کنم از این که لطف کردید و وقت خود را در اختیار ما قرار دادید. بحث را با ماهیت پدیده‌ی قاچاق کتاب شروع می‌کنم. افرادی اعتقاد دارند که عنوان قاچاق مناسب نیست و باید بر روی چاپ و تکثیر غیرقانونی بحث شود. لطفاً دیدگاه خود را بفرمایید و اکنون شرایط بازار نشر در این پدیده چگونه است؟

جعفریه: این قضیه‌ای که شما می‌فرمایید دو بخش دارد که باید هردوی آن‌ها اطلاق شود. یکی از آن‌ها قاچاق کتاب و دیگری چاپ و تکثیر غیرقانونی است. به گمانم حدود شصت تا هفتاد سال درگیر آن هستیم. این موضوع از پیش از انقلاب بوده است و هر هنگام دولت‌ها از چاپ کتاب جلوگیری کرده‌اند منحنی آن به بالا و پایین رفته و ناشرین و کسانی که دنبال این موضوع بوده‌اند کتاب‌های غیرقانونی آن زمان را چاپ کرده‌اند. در پیش از انقلاب کتاب‌های جلال آل احمد، دکتر شریعتی و رساله‌ی امام ممنوع بود و به‌صورت غیرقانونی چاپ می‌شد. پس از انقلاب این پدیده بسیار رشد و زمانی فروکش کرد و کار آن‌ها به کتاب‌هایی مانند عایشه پس از پیغمبر، محمد پیامبری که باید از نو شناخت، دیوان ایرج میرزا و یا فرخی یزدی، همسایه‌های احمد محمود که وزارت ارشاد مجوز نمی‌داد ختم می‌شد. افرادی چنین کتاب‌هایی که ناشران نمی‌توانستند آن‌ها را چاپ کنند، چاپ و تکثیر کردند و در کنار خیابان فروختند. ولی در یک تا دو سال گذشته باندهایی درست شده و هر کتابی که فروش خوبی دارد را چاپ و توزیع می‌کنند و متأسفانه دولت هم هیچ برخوردی با آن‌ها نمی‌کند. ما چندین جلسه هم با مسئولین ارشاد داشتیم و بسیار راحت می‌توان از این موضوع جلوگیری کرد. به‌عنوان مثال در یک سال، نشر ثالث دو بیست عنوان کتاب چاپ می‌کند و از این بین ده کتاب پرفروش می‌شود و یا نشر چشمه از چهارصد کتابی که چاپ می‌کند بیست عنوان آن پرفروش می‌شود و نشرهای دیگر هم به

همین صورت. این آقایان کتاب‌های پرفروش را چاپ می‌کنند و چون حق تألیف، آماده‌سازی و ... ندارد به قیمت ارزان‌تری می‌فروشند. این سیستم باعث شده است یک ضرر هنگفت به ناشران بخورد. مسئله‌ای که وجود دارد و به وزارت ارشاد مربوط می‌شود این است که به راحتی باهماهنگی نیروی انتظامی و شهرداری می‌توانند از این مشکل جلوگیری کنند ولی این کار را انجام نمی‌دهند. نمی‌دانم که مشکل چیست. دست‌فروش یک تعریف دارد و آن این است که کیفی دارد و اگر شهرداری بیاید فرار می‌کند و یا رشوه‌ای می‌دهد. دست‌فروشان در خیابان فخر راضی مقابل دانشگاه، یکی این سمت و دیگری در آن سمت خیابان کتاب‌های قاچاق می‌فروشند و شما نمی‌دانید باید با این مقوله چه کرد و کسی هم با آن‌ها کاری ندارد. پهن کردن و جمع کردن آن بساط دو ساعت زمان می‌برد و ماشین آن‌ها نیز به‌عنوان انبار در پشتشان قرار دارد و مأمور شهرداری هم کاری ندارد. شما پرتقال فروش را پیدا کنید.

گفتگوکننده: آیا فکر می‌کنید مافیایی در پشت پرده وجود دارد؟

جعفریه: مافیا نیست. خود وزارت ارشاد نمی‌خواهد کاری انجام دهد و من ناشر هم توان برخورد ندارم.

گفتگوکننده: زمانی که ما با ارشاد صحبت می‌کنیم آن‌ها می‌گویند ما فضایی را فراهم کرده‌ایم و از ناشران برای شکایت درخواست کردیم ولی آن‌ها همکاری نمی‌کنند.

جعفریه: ساعت بعد همین جا ما با چند تن دیگر از ناشران، در مورد این موضوع جلسه داریم که خودمان اقدام کنیم. اتحادیه‌ی ما توان ندارد و نمی‌خواهد و یا به هر دلیلی نمی‌شود، در صورتی که به نظر من بسیار راحت می‌شود این کار را انجام داد. متأسفانه روز به روز بر تعداد آن‌ها در سطح شهر افزوده می‌شود. چند روز پیش در مقابل دانشگاه تهران بودم و دست‌فروسانی که کتاب قاچاق و زیراکسی می‌فروختند بسیار بیشتر از دست‌فروسانی بودند که کتاب عمومی می‌فروختند.

گفتگوکننده: شما در جایی توضیح دادید که ریشه‌ی این مشکلات در قوانینی است که در دوره‌هایی وضع شده است. مثلاً تعدادی از کتاب‌ها در دوره‌ای ممنوع و غیرقانونی چاپ شده است و در دوره‌هایی دارای اوج و فرود بوده است. آیا ممکن

است در این مورد توضیح بدهید.

جعفریه: هر هنگام ارشاد با مقوله‌ی کتاب سخت‌تر برخورد کرده است، ممیزی و در نتیجه، کتاب‌های قاچاق نیز بیش‌تر شده است و هر هنگام که بهتر بوده و کتاب‌ها چاپ شدند مردم اعتماد کرده و از کتاب‌فروشی‌ها خرید می‌کنند. اکنون مردم در خیابان و بساط دست‌فروشان کتاب‌هایی می‌بینند که در خواب هم نمی‌توانستند ببینند که یک ناشر بتواند آن را چاپ کند پس بنابراین هر کتابی که باشد را می‌خرند. کتاب‌هایی که از ابتدا تا انتهای آن دشنام به جمهوری اسلامی است و ... چاپ می‌شود ولی عرضه‌ی آن در کتاب‌فروشی نیست و در کنار خیابان است. مشکل این است که چرا من ناشر حق ندارم یک خط اضافه چاپ کنم و با من برخورد می‌شود. ما کتابی با عنوان آمریکای زمین گیر چاپ کرده‌ایم و عکس ترامپ روی جلد آن است و مجوز نمی‌دهند در صورتی که پانزده کتاب با عکس روی جلد ترامپ منتشر شده است و مجوز ارشاد دارد. این همه دستگاه عریض و طویل وزارت ارشاد به همراه نیروی انتظامی و شهرداری نمی‌تواند برخورد کند؟ اگر ناشر آن‌هم بخواهند خود به‌صورت مستقیم عمل کنند باید درگیر شوند و آن‌ها افرادی لات و لمپن هستند و از توان ما خارج است. اگر صنف دیگری بود امکان داشت این‌گونه نشود ولی متأسفانه ناشران به دلیل شرایطی که دارند دست به عصا تر کار می‌کنند.

گفتگوکننده: یعنی شما ریشه‌ی اصلی این موضوع را عدم برخورد ارشاد می‌دانید؟

جعفریه: ریشه‌ی اصلی این قضیه این است که دولت برخورد نمی‌کند. ما که به‌عنوان شخص، ضمانت اجرایی نداریم و فقط می‌توانیم شکایت کنیم ولی در آخر آن‌ها برنده‌اند. یک همت ملی می‌خواهد که با این پدیده برخورد شود. چگونه کسی را که سر خیابان مواد بفروشد بازداشت می‌کنند ولی کسی که کتاب، قاچاق می‌کند را نمی‌گیرند؟

گفتگوکننده: ما با ققنوس هم صحبت کردیم و گفتند ما برای کتاب ملت عشق و ... شکایت هم کرده‌ایم ولی انگار از نظر دستگاه قضایی این مسئله‌ی مهمی نیست و به‌عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود.

جعفریه: علت این است که این موضوع برای دستگاه قضایی روشن نشده است.

دو وزیر دادگستری و ارشاد می‌توانند یک تفاهم‌نامه بنویسند و بسیار راحت برخورد کنند زیرا افرادی که این کار می‌کنند دو یا سه نفر و شناخته شده هستند. یکی از آن‌ها با قرار پانصد میلیون تومان آزاد است. کتاب نشر نور را چاپ و آقای جعفری از او شکایت کرده بود و اکنون با قرار بیرون است.

گفتگوکننده: این پیوستن و یا نپیوستن ما به کپی‌رایت را چه مقدار مؤثر می‌دانید؟

جعفریه: این موضوع به آن مربوط نمی‌شود. کسانی چنین کاری را انجام می‌دهند که به کپی‌رایت کاری ندارند و هر کتابی را چاپ می‌کنند. چه کپی‌رایت خریده و یا نخریده باشند. ناشران شناسنامه‌دار که این کار را انجام نمی‌دهند. این‌ها باهمان شناسنامه‌ی ناشر چاپ می‌کنند. کتاب‌سازی یا قاچاق کتاب چند مورد است. یکی به این صورت است که مانند کتاب ناشر را باهمان آرم، قیمت و جلد چاپ می‌کند و در شبکه‌ی قاچاق می‌فروشند که متداول‌ترین گونه است. مورد دیگر این است که شما کتابی چاپ می‌کنید و پرفروش می‌شود. شبه ناشران و کسانی که از این بازار سوء استفاده می‌کنند، مثلاً کتاب ملت عشق از انتشارات ققنوس را برمی‌دارد و به فرد دیگری می‌دهد و او از همان ترجمه استفاده و جای چند فعل و فاعل و جمله را عوض و بالا و پایین می‌کند و از ارشاد مجوز می‌گیرد و کتاب را با نام مترجم دیگری که اصلاً آن را ترجمه نکرده است چاپ می‌کند؛ یعنی از نسخه‌ی فارسی رونویسی کرده است. اکنون کتاب‌های پرفروش چندین جنریک دارد. این‌ها ناشرانی پخته‌خوار هستند و تعداد آن‌ها هم زیاد است. اکنون شما نمایشگاه استانی که بروید نود درصد آن از این ناشران هستند و ارشاد هم هیچ‌گونه برخوردی نمی‌کند، یعنی سره را از ناسره تشخیص نمی‌دهد.

گفتگوکننده: از نظر شما ارشاد، نیروی انتظامی و اتحادیه برای این دو حالت چه راه کاری را می‌توانند ارائه دهند؟

جعفریه: کار اصلی ارشاد این است که با این پدیده برخورد و چک کند کتابی که به دست مردم می‌رسد تقلبی نباشد و باید کارشناس داشته باشد و ببیند این کتاب چیست و به هر کتابی مجوز ندهد ولی کار اصلی خود را انجام نمی‌دهد. کار ارشاد این نیست که کتابی را که من می‌خواهم چاپ کنم بگوید این قسمت

آن مشکل دارد و باید ممیزی بخورد. قضیه‌ی آن‌هم این است که باید فعال شود و به‌عنوان مدعی‌العموم برخورد کند. یک قسمت از این وزارتخانه فعال است و با سی‌دی‌هایی که به‌صورت کپی می‌آید برخورد و آن‌ها را از مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و ... جمع می‌کند و برای ما جای پرسش وجود دارد که چگونه در حوزه‌ی کتاب این کار را نمی‌کنند.

گفتگوکننده: دقیقاً می‌خواهم بدانم دیدگاه شما در این مورد چیست.

جعفریه: من در تمام مصاحبه‌ها و به دیگر دوستان گفته‌ام آن‌همت ملی که باید برای جمع‌آوری این مورد باشد وجود ندارد و علت نبود آن را نمی‌دانم. شاید یک فکر دنبال این قضیه است که ناشرانی با کتاب‌های پرفروش به نوعی ضربه بخورند. گفتگوکننده: شما که مشکل اصلی را در ارشاد می‌دانید و من هم در ارشاد کار نمی‌کنم که نظر بدهم و یک پژوهش‌گر هستم. چرا اتحادیه کاری انجام نمی‌دهد؟ جعفریه: مشکل ما در اتحادیه این است که مشکل ما مشکل هیئت مدیره‌ی اتحادیه نیست زیرا که هیئت مدیره کتاب آموزشی چاپ می‌کند و برای آن‌ها مسئله‌ای نیست. برای آقای آموزگار رئیس اتحادیه کمی مهم است که به تنهایی نمی‌تواند کاری انجام دهد. چیزی که وجود دارد این است که در این مملکت ارشاد به‌عنوان متولی نشر است و نیرو، بودجه، قدرت، تفنگ و همه‌چیز دارد و چون به دولت وصل است، می‌تواند با کمک نیروی انتظامی برخورد کند ولی ما نمی‌توانیم زیرا درگیر می‌شویم.

گفتگوکننده: یک کارگروه صیانت از ناشران، مؤلفان و مترجمان وجود دارد. آن‌ها کاری انجام نداده‌اند؟

جعفریه: خیر. آن کارگروه هم نتوانسته است کاری انجام دهد.

گفتگوکننده: آیا شما در این کارگروه هستید و از شرایط و کارهایی که تا اکنون انجام داده‌اند اطلاعاتی دارید؟

جعفریه: خیر. من در این کارگروه نیستم و کاری انجام نداده‌اند. به نظر من اگر کاری انجام داده بودند که شما با بیرون رفتن از در اینجا بساطت دست‌فروشان را نمی‌دیدید. هنگامی که این‌ها جمع شد بدانید کاری انجام داده‌اند. کسانی که این

کار را می‌کنند پنج الی شش نفر شناخته شده هستند و کتاب را چاپ و در اختیار پانصد یا هزار نفر قرار می‌دهند.

گفتگوکننده: یعنی این پنج یا شش نفر چاپ می‌کنند و دست‌فروشان عامل آن‌ها هستند.

جعفریه: بله.

گفتگوکننده: آیا کسی آن‌ها را شناسایی کرده است؟

جعفریه: بله. حتی شکایت کرده‌اند و می‌گویند آقای خان‌زاده و پدر و برادر او هستند که کتاب همه را چاپ می‌کنند. اصلاً ارشاد به برخی از آن‌ها در نمایشگاه‌های استانی غرفه می‌دادند.

گفتگوکننده: بسیار خوب. اگر نکته‌ی دیگری هست من در خدمت شما هستم.

جعفریه: خیر. نکته‌ای وجود ندارد.

گفتگوکننده: گمان کنم شما به اتفاقی که ممکن است روی دهد چندان امیدوار نیستید.

جعفریه: بله. کلاً در این مدت زمان هم نشده است و ما هیچ‌گونه حرکتی ندیده ایم.

مصاحبه با آقای آموزگار

گفتگوکننده: با این توضیح شما چرا که یکی از پرسش‌های ما این است نمی‌دانم چه اندازه در جریان موضوع پروژه‌ی ما هستید. این که ما در مورد چه موضوعی کار می‌کنیم. مسئله‌ی اصلی کار ما به قاچاق کتاب مربوط است و به همین دلیل به مالکیت فکری و معنوی مربوط است. نخستین پرسش را می‌خواهم از اینجا آغاز کنم؛ پدیده‌ای بانام چاپ و نشر غیرمجاز کتاب که با عنوان قاچاق کتاب از آن نام می‌برند. آیا شما با این عنوان موافقت می‌کنید یا باید چاپ غیرمجاز و غیرقانونی و یا پخش غیرقانونی باشد؟

آموزگار: قاچاق واژه‌ای است ترکی به معنای چیزی که فرار می‌کند موضوعی که فرار می‌کند و در واقع اگر وارد مقررات حقوقی شده است مقصود این است که موضوعی است که از چارچوب قانونی فرار می‌کند و این در ارتباط با واردات استفاده

می‌شد و به این معنی بود که عوارض گمرکی و حقوق دولت و مالیات مربوطه را پرداخت نمی‌کنند. به‌هرروی چیزی که در عرف جا افتاده به معنی غیرقانونی است؛ یعنی چیزی که قانون آن را تأیید نمی‌کند و یا تشریفات قانونی در مورد آن اجرا نمی‌شود؛ بنابراین من گمان می‌کنم این واژه‌ی رسایی نیست و به‌هرروی این موضوع نوعی سرقت ادبی است. منتها از آنجایی که سرقت ادبی در ادبیات نشر و فرهنگ و هنر ما واژه‌ی کماکان مهجوری است واژه‌ی قاچاق متعارف‌تر است برای این که در آن مقطع هنگامی که می‌خواستند روی این مسئله نام بگذارند دیدگاهشان این بود که نامی گزینش کنند که توجه‌ها را جلب کنند گفتند. اگر سرقت ادبی بگذاریم می‌گویند مگر ادب هم چیزی است که سرقت شود و یا مگر ارزشی دارد که دزدیده شود؛ اما اگر از واژه‌ی قاچاق استفاده کنیم شاید به موضوع توجه بیش‌تری جلب کند. دلیل این نام این است. از دید من ماجرا از این قرار است اکنون دو رخداد در حال روی دادن است و آن دو این‌ها هستند؛ کتبی در ایران منتشر و تکثیر و توزیع می‌شوند که یا مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارند و یا ندارند آن‌هایی که مجوز را دارند به این معناست که ناشری با یک نویسنده قراری گذاشته است نویسنده و مترجم مدت‌ها زحمت کشیده کاری را آماده کرده و به ناشر می‌دهد و تا این کار به محصولی تبدیل شود که پول به وجود آورد. ممکن است این پرسش به وجود بیاید که برای تکثیر و چاپ این کتاب‌ها چه انگیزه‌ای وجود دارد چرا که ناشر آن را منتشر می‌کند. این‌ها که چاپ می‌کنند چه چیزی نصیبشان می‌شود. باید به این نکته توجه شود سودجویانی که این کار را انجام می‌دهند به‌طور مشخص به سراغ عناوینی می‌روند که پرفروش هستند. این عناوین هم به این صورت است که هر ناشر شاید ده درصد از تولیداتش به این موقعیت برسند که پرفروش شوند و به اصطلاح غربی‌ها بست سلر شوند. نود درصد کارهایشان این ویژگی را ندارند. این ده درصد پرفروش است که شرایطی را برای ناشر فراهم می‌کند تا زیان‌های احتمالی ۹۰ درصد باقی کارها را پوشش دهد و بقا داشته باشد. سودجویان دقیقاً به سراغ این کتاب‌ها می‌روند مانند کتاب ملت عشق.

گفتگوکننده: در طول این گفت‌وگوها این نام را چندین و چند بار شنیده‌ام.

آموزگار: این آخرین کتابی است که به این اندازه از فروش رسیده است از ققنوس شنیدم که می‌گوید نمی‌خواهم این را دوباره چاپ کنم چون سودی ندارد.

گفتگوکننده: چرا؟

آموزگار: چون به انواع و اقسام و با روش‌های گوناگون مورد سرقت قرار گرفته است. برخی کتاب ققنوس را با قیمت پایین‌تر تکثیر کردند قیمت همان قیمت پشت جلد است اما هنگامی که با ۵۰ درصد تخفیف عرضه می‌کنند یعنی جلوی فروش کتاب‌های ققنوس گرفته می‌شود.

گفتگوکننده: این‌ها را کجا عرضه می‌کنند؟ چون من هیچ‌گاه چنین کتابی به دستم نرسیده است.

آموزگار: قرار بگذاریم همین بعد از ظهر از سر چهارراه ولی عصر تا انقلاب.

گفتگوکننده: در بساط دست‌فروش‌ها؟

آموزگار: دست‌فروش‌ها و نمایشگاه‌های کتاب و نمایشگاه‌های کتاب استانی و حتی نمایشگاه بین‌المللی تهران. نمایشگاه‌های موردی که در جاهای مختلف مانند ایستگاه مترو یا خروجی‌های ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها و در شهرستان‌ها می‌گذارند به‌ویژه زمانی که نظام کنترل کتاب‌فروشی هم وجود نداشته باشد وارد کتاب‌فروشی‌ها هم می‌شود چون این‌ها هزینه‌های آماده‌سازی کتاب را ندارند مسلماً روی قیمت مانور می‌دهند و مهم این است که بازار را بگیرند و قیمت‌هایی را مطرح می‌کنند و همین قیمت برای ما نشانه است یعنی اگر با کتابی با ۵۰ درصد تخفیف روبه‌رو شدیم به‌طور جدی تردید می‌کنید که سرقت ادبی شده است.

گفتگوکننده: من گمان می‌کردم این پروسه به این شکل طی می‌شود که این ناشران غیرمجاز از راه عمده‌فروشی‌هایی که می‌توانند با تخفیف ۵۰ درصد به دست کتاب‌فروش‌ها یا فروشندگانی برسانند که آن‌ها به خواننده‌ها بدهند.

آموزگار: این فروشندگانی نهایی که در ایستگاه مترو است.

گفتگوکننده: چون فکر می‌کنم با این شکل سود بیش‌تری نصیبشان شود. من تعدادی کتاب چاپ کرده‌ام و به یک کتاب‌فروشی می‌دهم و می‌گویم از فلان ناشر نگیرید از من بگیرید منتها من ۵۰ درصد تخفیف می‌دهم؟

آموزگار: این‌ها مغازه دارند یکی از آن‌ها که بسته شد ما ده وانت کتاب از آنجا گرفتیم همین بود. هنگامی که فروشنده‌ی نهایی ۵۰ درصد تخفیف می‌دهد شما می‌خواهید سفر بروید در فرودگاه می‌بینید کتاب‌فروشی‌ای وجود دارد که نوشته ۵۰ درصد تخفیف یعنی ۵۰ درصد تخفیف به شما می‌دهد. هنگامی که این ۵۰ درصد تخفیف را می‌بینید موارد دیگری هم هست مانند این که کتاب‌هایی را ناشران به صورت واقعی و درست که سرقت ادبی هم نیست قیمت بالا می‌زنند اما با واژه‌ی تخفیف مخاطب را فریب می‌دهند اما در این موارد این گونه است طبیعی است پخش‌کننده‌های خوبی دارند دست‌فروشان را تغذیه می‌کنند در اداره‌های مختلف و ارگان‌های دولتی و شرکت‌ها.

گفتگوکننده: پس یک شبکه‌ی کاملاً حرفه‌ای که بازاریابی می‌کنند؟

آموزگار: بله دقیقاً می‌دانند مخاطب چه می‌خواهد یا چه کتابی پرفروش شده است. اوایل ناشران این موضوع را به این صورت متوجه شدند برای نمونه کتاب ناشر ۲۰ هزار نسخه در سال فروش می‌رفت ناگهان دید به ۵ هزار نسخه رسید دنبال علت رفت و به این موضوع پی برد. اکنون در حد گسترده‌ای اتفاق می‌افتد.

گفتگوکننده: گفتید این یک نوع از چاپ و تکثیر غیرمجاز است؟

آموزگار: نوع دیگر این است که برای نمونه کتابی که ققنوس ترجمه و منتشر کرده است را رونویسی می‌کنند و به نام فرد و ناشر دیگری چاپ می‌کنند. همان ملت عشق است منتها با ترجمه و انتشارات دیگری اما موضوع اینجاست که کتاب به ققنوس تعلق دارد. در اینجا این کتاب مجوز هم می‌گیرد.

گفتگوکننده: در اینجا افزون بر سرقت مادی سرقت فکری هم وجود دارد چون در روش نخست بیشتر سرقت مادی است چون کتاب هنوز به ققنوس و همان مترجم تعلق دارد.

آموزگار: در چارچوب حقوقی نمی‌توان از این تعبیرات استفاده کرد.

گفتگوکننده: بله متوجه هستم برای شفاف‌تر شدن گفته‌های خودمان عرض می‌کنم.

آموزگار: بله نکته این است که اثری را به نام خود منتشر می‌کند و درواقع

درجه‌بندی این متفاوت است وگرنه هر دوی این‌ها از دید من سرقت ادبی است؛ یعنی در طبقه‌ای قرار می‌گیرد که قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مطرح شده است؛ اما همین کتاب از ارشاد مجوز می‌گیرد و ارشاد از این که این کتاب را تشخیص دهد ناتوان است. پیشنهادی که ما دادیم و من کماکان این پیشنهاد را دارم این است هنگامی که به کتابی برخورد می‌کنیم که بین دو ناشر مشترک است این نسخه را برای ناشر پیشین بفرستند که او چک کند که این ترجمه‌ی خودش است یا خیر. این موضوع بار موضوع را از دوش ارشاد برمی‌دارد. ناشر هم چون ذی‌نفع است آن را با دقت می‌خواند اگر ببیند این همان ترجمه‌ی خودش است به ارشاد اعلام می‌کند و به آن مجوز نمی‌دهند. ارشاد هم تخطئه نمی‌شود.

گفتگوکننده: کدام یک از این دو نوع پررنگ‌تر است و بیش‌تر اتفاق می‌افتد؟

آموزگار: بخش نخست ماجرا این‌گونه است که این کتاب‌ها دو دسته هستند. دسته‌ی اول آن‌هایی که از ارشاد مجوز دارند دسته‌ی دیگر ندارند آن‌هایی که ندارند کدام‌ها هستند؟ کتاب‌هایی هستند که در گذشته در ایران منتشر شدند و دارای مجوز بودند اما اکنون مجوز ندارند و کتاب‌هایی که خارج از ایران منتشر می‌شود در ایران تکثیر می‌شوند که حتی در مورد آن‌ها از تعبیری کتب ضاله در مورد آن‌ها استفاده می‌شود. دیروز در حال قدم زدن بودم دو عابر هم در کنارم قدم می‌زد که به هم گفتند کتابی بود که عکس شاه روی جلدش بود بانام مأموریت برای وطنم، کتاب معروف محمدرضا پهلوی است که البته برای او نوشته‌اند روی جلد کتاب نوشته شده بود مأموریتی برای وطنم به قلم اعلی‌حضرت همایونی محمدرضاشاه پهلوی آریامهر و هر چه القاب داشت روی آن بود آن دو عابر گفتند آقا انقلاب شده وسط خیابان انقلاب این کتاب را می‌فروشند یعنی از این قبیل کتب.

گفتگوکننده: اما فکر نمی‌کنم این کتاب‌ها چون مخاطب کم‌تری نسبت به کتاب‌های پرفروش دارد و قشر خاصی دنبال آن‌ها می‌روند.

آموزگار: اگر بخواهید وارد تشخیص میزان کمیت و مانند آن‌ها شوید بله درست است اما منظور من چیز دیگری است. اهمیتی که این موضوع در بررسی‌های ما پیدا می‌کند این است که این داستان پیشینه‌ی قدیمی دارد یعنی کتاب‌هایی که اجازه‌ی

انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی گرفتند یا این که یقیناً می دانستند که این کتاب مجوز نمی گیرد مسیر دیگری را برای تکثیر پیدا می کردند. با این به نوعی برخورد هم می شد.

گفتگوکننده: اما دزدی محسوب نمی شد؟

آموزگار: چرا این هم دزدی محسوب می شد چون صاحب حق دارد. نگویند به هرروی مردم آن را می خوانند چون این بحث دیگری است.

گفتگوکننده: فرض کنید نویسنده یا مترجم فوت کرده اند یا ناشر زندان است یا کشته شده است.

آموزگار: مگر این که جزو کتابهایی باشد که حقوقی به آنها تعلق نمی گیرد جز حق معنوی برای نویسنده وگرنه دوران حقوق مادی آن سپری شده است. بحث من این نیست که این سرقت ادبی است یا نه برای نمونه کتاب رفیق آیت الله سرقت ادبی است یا نیست نویسنده یا حتی ناشر آن مشخص نیست چه کسی است تا شما متوجه شوید صاحب اثر کیست موضوعی که از دید من اهمیت دارد این است با این گونه کتابها زیرزمین فعالیت می کردند و به این شکل رو نبودند. اکنون این کتابها کنار خیابان بفروش می رسند. این از این موضوع حکایت می کند که جدیتی که در گذشته وجود داشت امروز نیست. اتفاقاً مأموران امنیتی و انتظامی و پلیس و مجموعه ی قضاییه زیاد اهمیتی نمی دهند چرا؟ از دید من اینها ناکارآمدی ممیزی را متوجه شده اند اما در مورد این موضوع نتیجه این شده که آن را رها کرده اند. هنگامی که رها شد در عمل تعداد افرادی که این کار را می کردند اندک بودند که چندی پیش یکی از آنها را دستگیر کرده بودند چند روز هم در اوین بود و سپس با وثیقه بیرون آمد. باری چند تن را برای دیدن من واسطه کرد و آمد و گفت به خدا من کتابهای ناشرها را تکثیر نمی کنم من کتابهایی که در خارج از کشور منتشر می شود را منتشر می کنم چند سال هم هست که در این کار هستم اما اکنون دست زیاد شده است. سر خیابان فرشته بساط کتاب پهن است و سفارش می گیرد عابری رد می شود می گویند فلان کتاب را ندارید می گویند فردا برایت می آورم. از شبکه کتاب را می گیرد و می آورد. موردی که از دید من مهم است نشان دادن بی تفاوتی

نسبت به آن دسته از کتاب‌ها آن‌ها را جری کرد که باقی کتاب‌های ناشران قانونی کشور را نیز می‌توانیم تکثیر کنیم؛ و این‌گونه این ماجرا به کتاب‌های پرفروش ناشران سرایت کرد. چون شخص گفت من کتاب‌های ناشران را نمی‌زنم این کار را بد می‌دانست و می‌گفت گویی در جیب کسی دست می‌کنم.

گفتگوکننده: یعنی در این حوزه هم اخلاقیات برای برخی مهم است؟

آموزگار: در ده وانت کتابی که گرفتیم بیش از نیمی از آن‌ها کتاب‌هایی بود که در خارج از کشور منتشر شده بود و ناشر و صاحب حق در اینجا ندارد؛ اما کتاب‌هایی که اینجا صاحب داشت نزدیک به ۴۵ درصد بود.

گفتگوکننده: برابر بودند.

آموزگار: نزدیک بود اما کتاب‌هایی که اینجا صاحب حق نداشت بیش‌تر بود یعنی همین نشان می‌داد که بی‌توجهی به این موضوع سبب گسترده شدن این مسئله شده است. موضوعی که هست این است جدای از مسائل کلی‌ای که در کشور جریان دارد اکنون برخورد فیزیکی ضرورت دارد چرا که حجم قابل توجهی از برخوردهای انجام نشده انباشته شده است که این‌ها اکنون به جایی رسیده‌اند که انبار و دفتر دارند و علنی این کار را انجام می‌دهند و ۳۰۰ میلیون قیمت پولی بوده که برای این کتاب‌هایی که گرفتیم هزینه کرده است پیغام می‌دهد ۱۰۰ جلد که چیزی نیست. این نشان‌دهنده‌ی این است که هم‌اینک این برخورد لازم است.

گفتگوکننده: شنیده‌ام که حتی این‌گونه نیست که کسی اطلاعی نداشته باشد این افراد را می‌شناسند.

آموزگار: بله دو روز پیش حکم جلب یکی از سردسته‌های آن‌ها را گرفته‌ایم. ده روز هم مهلت دارد تا خود را معرفی کند و باید او را پیدا و دستگیر کنیم.

گفتگوکننده: بعد چه اتفاقی می‌افتد؟

آموزگار: او را می‌برند و وثیقه‌ای از او می‌گیرند و آزاد می‌شود.

گفتگوکننده: یعنی تمام می‌شود؟

آموزگار: نه وثیقه‌ای از او می‌گیرند که پرونده‌اش به دادگاه برود.

گفتگوکننده: در این مورد قوانین را چگونه می‌بینید؟ چون فکر می‌کنم پس از

انقلاب در ارتباط با کپی‌رایت و حقوق مادی و معنوی نداشتیم.

آموزگار: بیس و پایه‌ی اصلی قوانین ما در این زمینه قانون سال ۱۳۴۸ است. فکر می‌کنم مشکل ما آنجاست یعنی نویسندگان و بحث حقوق مؤلف و حق تألیف و حقوق مالکیت فکری همان‌گونه که گفتم مربوط به غرب است. چرا این‌گونه است به دو دلیل؛ یکی این که ماشین چاپ در غرب اختراع شد و ویژگی ماشین چاپ این بود که امکان تکثیر انبوه کتاب را فراهم کرد. این موضوع سبب شد برای نخستین بار حرفه‌ی تازه‌ای به نام ناشر پا به عرصه‌ی وجود بگذارد و این ناشر ضرورت پیدا کرد با نویسنده و افرادی که در این زمینه مرتبط بودند برخورد داشته باشد و حقوق این‌ها تعریف این مبانی چه می‌شود و حقوق و تکالیف این‌ها نسبت به هم به چه صورت است؟ اینجا حقوق مالکیت فکری تدوین شد که به مجموعه‌ی مناسبات افراد درگیر و پدیدآورندگان این کالا پاسخ دهد. تا پیش از اختراع ماشین چاپ این کالا نبود پس از آن است که کتاب به کالا تبدیل می‌شود. هنگامی که کالا می‌شود قواعد بازار و بازرگانی مربوط به خود را نیاز دارد؛ بنابراین قوانین باید تدوین شود. این سوی داستان نگاه می‌کنید با وجود پیشینه‌ی بسیار غنی‌ای که این کشور در حوزه‌های گوناگون مانند علم و دانش و ادبیات و هنر و ... داشته است اما به این ترتیب بوده که آنچه نوشته شده دست‌نویس بوده و بدین شکل تکثیر می‌شده است و کالا نبود. در فقه ما نیز به همین دلیل هنگامی که می‌خواهند مال را تعریف کنند می‌گویند مال عین است یعنی شما باید بتوانید به آن دست بزنید. در واقع باید قابل لمس باشد. باید بتوانید آن را ببینید و مشهود باشد؛ بنابراین فکر نمی‌تواند مال باشد چون لمس شدنی نیست و قابل دیدن نیست. به همین دلیل چون فقه در باقی حوزه‌ها غنای قابل توجهی دارد در حوزه‌ی اموات و قراردادهای اما چون چنین چیزی وجود نداشته است و بستر آن نبوده وارد نشده است به این دو دلیل یک پدیده‌ی غربی است و اگر شما در اینترنت سرچ کنید من این کار را دو سه سال پیش به دلیل پژوهشی که در مورد چیزی می‌کردم انجام دادم. گفتم بینم در مورد کپی‌رایت و حقوق نویسنده و نقد قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان یا هر چیز دیگر به زبان فارسی چه چیزی داریم. چیزی که در مجموعه‌ی این جستجو پیدا کردم شاید

حداکثر ده نمونه مقاله بود که از این ده عدد دو دو شماره از مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق پیش از انقلاب منتشر شده بود. یعنی پس از قانون حمایت سال ۴۸ احتمالاً در سال‌های ۴۹ و ۵۰ بوده است. در آنجا دکتر سید حسین صفایی در مورد مواد گوناگون این قانون صحبت کرده بود و در واقع این قانون را توضیح داده بود که می‌شد روی آن نام مقاله گذاشت. مقاله‌ی دیگری هم بود که دکتر کیوان آذری که در آن زمان استاد دانشگاه حقوق شهید بهشتی بود که در آن هنگام دانشگاه شهید ملی ایران نام داشت. از این که می‌گذشتیم مواردی بود که دقیقاً شما می‌توانستید متوجه شوید پارچه‌های چهل تکه را دیده‌اید؟

گفتگوکننده: مقالات دانشگاهی به همین صورت است از هر بخش مقداری را بیان می‌کنند و تفاوتی هم میان استاد و دانشجو وجود ندارد همه همین کار را انجام می‌دهند.

آموزگار: فرض کنید یک پاراگراف آن جالب بود نکته‌ای را عنوان می‌کند که بسیار هم زیباست اما از یک نظم واحدی پیروی نمی‌کند. کسی که در کار حرفه‌ای باشد متوجه می‌شود که وصله‌پینه است. بیش‌تر هم باید گمان کرد که این‌ها پایان‌نامه‌هایی بوده که در دفاتر مربوطه در انقلاب بوده و به مردم دادند و چند میلیون می‌گیرند.

گفتگوکننده: فکر نمی‌کنید اگر استادان یا دانشجویان هم بخواهند چیزی بنویسند چیزی بهتر از این باشد؟

آموزگار: این یک نکته موضوع بعدی این است. دو سال و نیم است من در بخارا ستونی با نام در حواشی کتاب دارم که در اینجا در مورد موضوعات مختلف کتاب سخن می‌گویم. چهاردهمین نوبت آن این شماره منتشر شد که مقاله‌ی نخست آن مربوط به کاری است که سیدآبادی و دوستانش انجام دادند. در آنجا فکر می‌کنم چند جا به کپی‌رایت در ایران برگشتم و یکی از آن‌ها با همین نام است. چرا این گونه است و تلاش کردم ریشه‌های آن را پیدا کنم و دلایل این موضوع چیست. من در صفحه‌ای با نام داستان‌نویسان هستم صد تا دویست تن از بچه‌های داستان‌نویس هم در آن هستند و از هر قشری نیز وجود دارند. پرکار و کم‌کار؛ مشهور و ... در

آنجا کسی می گوید دنبال فلان کتاب هستم دیگری می گوید من پی دی اف آن را دارم بعد می بینیم ده تن داوطلب می شوند که پی دی اف آن کتاب را به او بدهند. یک بار من اعتراض کردم که خود شما صاحب عله اید هنگامی که احترام مسجد را متولی نگه ندارد چه انتظاری از دیگران دارید؟ یعنی خود شما کپی رایت را رعایت نمی کنید. دست کم ادایی در آورید و بگویید چاره ای نداریم مانند این است که شما وارد سوپرمارکت می شوید و می گویی یک بطری آب به من بدهید و سپس یک ده هزار تومانی می دهید می گوید آقا پول خرد ندارم می گویید ندارید چه کنیم می گوید بروید بعداً حساب می کنیم چقدر می شوید گفت ۶۰۰ تومان من تمام این مدت رنج می کشیدم که نشد سر راهم ۶۰۰ تومان او را بدهم اگرچه او حتماً به یاد ندارد. دو سه روز پیش رفتم و گفتم اگر بروم و باز ده هزار تومان بدهم و بگویم ۶۰۰ توماتان را بردارید گفتم یک آب دیگر برمی دارم و ۵ هزار تومان پرداخت می کنم خلاصه یک آب دیگری برداشتم و هنگامی که خواست حساب کند گفت هزار و دوست تومان گفتم من ۶۰۰ تومان هم به شما بدهکارم گفت دست شما درد نکند کمی اندیشیدم و گفتم ببخشید آقا این برای خیلی وقت پیش است البته چون آب ۶۰۰ تومان بود. در واقع منظورم به این است این داستان خیلی اهمیت دارد ادبیات ما از این موارد انباشته است. امروز صبح زود تاریخ مبارک غازانی را می خواندم در دوران غازان خان که چه چیزهایی بود و چه مواردی را اینها تلاش می کردند در مورد عرف و اخلاق جامعه حفظ کنند. پس در این حوزه بی توجهی شده است و ادامه دارد یعنی از صاحب اثر بگیری که نسبت به این موضوع بی توجه است یعنی هنوز باور نکرده که این حق است.

گفتگوکننده: اگر هم باور داشته باشد قوانینی که سال ۴۸ در مورد این موضوع تصویب شده و به اجرا درمی آید چه اندازه می تواند از نویسنده یا ناشر حمایت کند؟ آموزگار: قانون سال ۴۸ قانونی در حمایت از نویسندگان نوشته شده است دو یا سه مورد در آن وجود دارد که مشخص است که می خواهد ناشر را محدود کند. حقوق ناشر را محدود کرده و اختیار عمل بیشتری به نویسندگان می دهد و این قانون برای نخستین بار در ایران تصویب شده است؛ بنابراین که این قابلیت اجرایی پیدا کند در

این دیدند که حقوق نویسندگان را گسترده‌تر ببینند و وسیع‌تر دیدن حقوق برای نمونه این است که برخلاف عرف جهانی در قانون ما آمده است که حتماً شمارگان کتاب درج شود به چه دلیل؟ برای این که مبنایی نزد نویسندگان باشد تا بتواند حق تألیف خود را محاسبه کند. برای این که ناشر بتواند اطلاعات نادرستی از این موضوع ارائه دهد و در این میان پای جای دیگر یعنی اداره‌ی کتاب و ... نیز وسط است

گفتگوکننده: این قانون رعایت و اجرا می‌شود؟

آموزگار: بله شمارگان می‌زنند اما این که آن را اشتباه می‌زنند بحث دیگری است.

گفتگوکننده: منظورم این است قانونی که وجود دارد از دید شما پاسخ‌گوی نیاز امروز کشور هست؟

آموزگار: این بحث دیگری است در وهله‌ی نخست خواستیم این گونه بگوییم که این قانون حقوق مؤلف را گسترده‌تر دیده است. برای نمونه در حقوق مالکیت فکری دو شاخه دارد که در اینجا به اشتباه آن را مالکیت معنوی می‌نامند. این معنوی نیست ترجمه‌ی دقیق آن نیز حقوق مالکیت فکری است. حقوق مالکیت فکری دو شاخه است یکی حقوق مالکیت صنعتی و علامت تجاری و ابداعات و اختراعاتها چون این‌ها هم به فکر برمی‌گردد اما بیش‌تر وارد حوزه‌ی صنعت می‌شود به همین دلیل حقوق مالکیت صنعتی شده است. این شاخه که به هنر و فرهنگ مشهور است حقوق مالکیت ادبی-هنری شده است. حقوق مالکیت صنعتی دارای یک کنوانسیون جداگانه‌ای که به پاریس تعلق دارد است و ایران به آن پیوسته است.

گفتگوکننده: چرا در این عضو نیست؟

آموزگار: از زمان شاه پذیرفتند در آن عضو شوند

گفتگوکننده: چرا؟

آموزگار: برای این که در آن زمان هم روشن‌فکران ما مانند آقایان نجف دریابندری، شمس لنگرودی و احمد شاملو و بسیاری دیگر مطالبی وجود دارد که نسبت به این قانون موضع‌گیری می‌کردند و می‌گفتند هم‌اینک در ایران کتاب گران است اگر قرار باشد اگر قرار باشد بابت ترجمه‌ی این‌ها به خارجی‌ها پولی پرداخت کنیم کتاب از این هم گران‌تر خواهد شد و کتاب‌خوانی و شمارگان پایین می‌آید. در واقع

روشن‌فکران با پیوستن به کنوانسیون برن و حقوق مالکیت ادبی-هنری مخالفت می‌کردند. اگر در مورد نجف دریابندری و کپی‌رایت سرچ کنید دیدگاهشان را خواهید دید.

گفتگوکننده: اکنون به چه صورت است فکر نمی‌کنم بتوانیم عضو شویم می‌توانیم؟

آموزگار: مانعی ندارد

گفتگوکننده: در همه‌چیز بدین شکل است نرم‌افزار خیلی ساده مانند ورد کپی‌رایتش در ایران را رعایت نمی‌کنیم فکر کنید من می‌خواهم ویندوز کامپیوتر هم را نیز عوض کنم با دلار این قیمت و نرم‌افزار هم بخرم و در عمل هیچ‌کس نمی‌تواند استفاده کند. بسیاری این بحث را مطرح می‌کنند از آنجایی که در ایران حقوق مالکیت فکری را نسبت به خارج از کشور رعایت نمی‌کنیم و هر چیزی را در ایران ترجمه و تکثیر می‌کنیم بدون این که بخواهیم پولی بپردازیم قاعدتاً در داخل کشور هم بنا بر همان منطق چندان نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این را رعایت کنیم

آموزگار: درست است اما نکته‌ای که وجود دارد این است که دلایل این بی‌توجهی این قانون را بی‌خاصیت می‌کند. شخص کتاب را ترجمه و منتشر کرده است برای نمونه نشر آموته کتاب من پیش از تو و من پس از تو جوجو مویز که نه حقوق صاحب اثر را پرداخت کرده و نه هیچ کار دیگری و پرفروش هم شده است دیگری دقیقاً مانند این کتاب را تکثیر کرده است صدای نشر آموته درآمده است که وا اسلام‌ها این‌گونه نمی‌شود برادر من خود شما هم کار درستی انجام نداده‌اید در واقع نمی‌توان چشم‌داشت این را داشت دقیقاً مانند این است که مالی را از خانه‌ای بیاورید و از آن استفاده کنید اگر کسی آن را بدزد می‌گویید آن مال به من تعلق دارد چرا آن را برداشتید این‌ها داستان‌هایی است که ما مطرح می‌کنیم فرض کنید اگر دزدی زشت و جرم است تفاوتی ندارد

گفتگوکننده: چه این سمت و چه خارجی؟

آموزگار: بله یک بام و دوهوا که نمی‌شود. نمی‌توانیم بگوییم دزدیدن از خارجی‌ها

مباح است و ایرادی ندارد. البته از آن‌ها بعید هم نیست که چنین چیزی بگویند. یعنی اسلام عزیز «الاسلام یعلو ولا یعلیٰ علیه» یعنی قاعده‌ای که دارند به نفی سبیل تعبیر می‌کنند در اسلام هست که غیرمسلمان نباید حاکم شود یعنی شما می‌توانید هر بلایی خواستید سر غیرمسلمان پیاده کنید. غیرمسلمان در صورتی در حکومت اسلامی در امان است که خراج دهد و در دوره‌های مختلف اگر در تاریخ بخوانید می‌بینید که به ذوالنار می‌بستند؛ یعنی باید از دیگران که مسلمان بودند مشخص می‌شدند تا مبادا مسلمانان نجس شوند.

گفتگوکننده: گفتید برای این که یک کتاب آماده شود در حوزه‌های گوناگون از هنگامی که نویسنده کتاب را به ناشر تحویل می‌دهد و ناشر آن را به ویراستار می‌دهد و اتفاقاتی این چنین و کتاب منتشر می‌شود سپس به دست پخش می‌رود و در این پروسه که بعد به من به‌عنوان کتاب‌فروش و من خواننده می‌رسد از دید شما در مورد تکثیر غیرقانونی کدام بخش آسیب‌پذیرتر است؟

آموزگار: یعنی از آن سوءاستفاده شود؟

گفتگوکننده: بله.

آموزگار: اکنون داستان این گونه نیست. در مورد کتاب‌هایی که فرض کنید اکنون بحث‌هایی مطرح است که مثلاً کتاب کلنل که مجوز نگرفته چگونه قاچاق آن در بازار وجود دارد. ناشر می‌گوید من فایل آن را جز به ارشاد برای بررسی و گرفتن مجوز به کسی نداده‌ام. به‌هرروی نشان می‌دهد که در یکی از این‌جاها لورفته است یا در لیتوگرافی بوده و صفحه‌بندی و یا بخش‌های دیگر. هم‌اینک من می‌توانم کامپیوترم را باز کنم شمار بسیاری کتاب نشان دهم که برای من فرستاده‌اند تا ببینم که آیا آن را منتشر می‌کنم یا خیر و من آن‌ها را چاپ نکردم دیگری آن‌ها را منتشر کرده یا نکرده است؛ اما به‌هرروی من فایل آن را دارم. از دید اخلاقی متعهد هستم که این فایل به دست کسی نیفتد؛ اما هنگامی که می‌بینید می‌گویند خاطرات شما را منتشر می‌کنم نقد و اقساط، کتاب بنویسید شما خاطره تعریف می‌کنید و صدای شما را ضبط می‌کنند و پول می‌گیرند و می‌گویند چند نسخه می‌خواهید. یا برای نمونه، پایان‌نامه‌ی شما را حتی در یک نسخه منتشر می‌کنیم با فیلد شایبک. این‌ها

ناشر نیستند اکنون نامی در ارشاد روی این افراد گذاشتند و می‌گویند این‌ها خدمات نشر انجام می‌دهند. سرهنگ آگاهی‌ای بود که درس می‌خواند و روز در نمایشگاه مرا دید و پس از سلام و احوال‌پرسی گفت من فلانی هستم در فلان آگاهی اگر فرمایشی داشتید در خدمت هستم. گفتم سپاس گزارم و خدمت می‌رسم و برای انسان هم سروکار پیدا کردن با چنین مکان‌هایی بعید هم نیست. گفت من عرضی داشتم می‌خواستم پایان نامه‌ام را منتشر کنم. حقیقت این است که به کسی اطمینان نکردم و گفتم این را برمی‌دارد من یکی از بچه‌های دانشگاهی را صدا کردم و گفتم بین پایان‌نامه در چه موردی است همان روز آن ناشر با من تماس گرفت که آقا کاری که توصیه کردید انجام شد به شما زنگ نزده راضی بوده است؟ گفت یک نسخه از آن را نیز به شما تقدیم کرده و نزد من است. گفتم چند نسخه چاپ کردید؟ گفت ده نسخه یک جلد آن را برای آرشیو خودمان برداشتم و یک عدد هم برای شما، دو جلد از آن را نیز برای اعلام وصول به ارشاد فرستادیم. همان‌گونه که می‌بینید این صنعت کتاب در ایران است و اکنون آن فرد صاحب کتاب شده است.

گفتگوکننده: در نشر غیرقانونی چه کسی بیش‌تر ضرر می‌کند؟ ناشر یا نویسنده؟

آموزگار: نویسنده‌ها که در ایران که وضعیت بدی دارند. شمار ناشران زیاد نیستند و شاید شما برخی از آن‌ها را ببینید که نشر به‌صورت جدی کار و حرفه‌ای آن‌هاست اما نویسنده‌ای را پیدا نمی‌کنید که این فرد از نوشتن امرار معاش کند. گفتگوکننده: بله بسیار اندک‌اند.

آموزگار: اصلاً نیستند. فرض کنید دولت‌آبادی که اموراتش با این پول‌ها با این که حق تألیفش بالاست نمی‌چرخد. شوخی نیست. اگر درجه‌ی شما هم از این پایین‌تر آید اوضاع از این هم بدتر می‌شود. تمامی این نویسنده‌ها شغل دیگری دارند. خانم رمان‌نویسی است که اتفاقاً من سبک و کارش را دوست دارم. این فرد چند کتاب هم دارد. چندی پیش فشار زندگی با توجه به این که مستأجر هم هست در فضای مجازی دیدم برای این که بتواند ادامه دهد چون هم علاقه‌مند است و هم مسلط و باسواد در حوزه‌ی سینما و فیلم، درواقع خوره‌ی فیلم است و آرشیو بسیار خوبی دارد گفت من آرشیوی از سینمای دنیا دارم. ۸۰۰ فیلم دارد این ۸۰۰ فیلم با زیرنویس

را با یک هارد ضد آب و حسابی یک میلیون تومان قیمت آن است. بسیار ناراحت شدم دوست من است چندین و چند بار اینجا آمده و در مورد کارش صحبت کرده بود. هنگامی که این را دیدم بلافاصله آن را ریتوییت کردم که بله من این خانم را می‌شناسم و چنین چیزی دارد که می‌فروشد و نویسنده‌ی بسیار شایسته‌ای است در این فاصله هم با ایشان در تماس بودم و می‌گفت که فلانی از سوی شما زنگ زده بود و من نیز تصمیم گرفتم آن را بخرم. با من تماس گرفت و گفت چون شما این اندازه برای من زحمت کشیده‌اید ۲۰۰ فیلم برای شما اضافه می‌کنم و این ۸۰۰ فیلم را ۱۰۰۰ فیلم می‌کنم. هنگامی که انسان بد می‌آورد این‌گونه است. مثلاً سیل که می‌آید زیر پای شما که خالی می‌شود ناگهان می‌بینید دستتان تنها به جایی بند است که آن نیز جدا می‌شود و می‌رود. بلافاصله پس از آن خبردار شدم که دل درد گرفته بوده و تشخیص اشتباه داده‌اند و به‌گونه‌ای که کارش به پیوند کلیه کشیده بود. این‌یک نمونه از نویسندگان خوب ماست. بچه‌هایی هستند که ده تا دوازده کتاب دارند و به زحمت اموراتشان را می‌گذرانند. اینجا مقاله و آنجا یادداشت می‌نویسند و با این خرده کاری‌ها زندگی خود را می‌گذرانند و خرده کاری سبب می‌شود که هر کاری را نتوانند به درستی انجام دهند. این خیلی فرق می‌کند و در نشر متفاوت است چراکه استحکام بیش‌تری دارد. نشر دارای اتحادیه است.

گفتگوکننده: اتحادیه در کار شما تا چه اندازه جدی است؟

آموزگار: خیلی جدی است.

گفتگوکننده: آن‌گونه که باید و شاید از ناشر حمایت می‌کند؟

آموزگار: بله البته در برابر چه چیزی؟

گفتگوکننده: در برابر رخدادی که روی داده است.

آموزگار: تمامی کارهایی که در مورد قاچاق کتاب در حال انجام شدن است را

اتحادیه انجام می‌دهد.

گفتگوکننده: وزارت ارشاد که رفته بودم با آقای به نام کمالی گفت‌وگو کردم.

آموزگار: کمالی نژاد؟

گفتگوکننده: بله با ایشان که صحبت می‌کردم گفتند خیلی کوشش کردیم حتی

کارگروهی تشکیل دادیم.

آموزگار: من در آن کارگروه بودم و دیروز هم جلسه داشتیم. می گفتند ارشاد هر آنچه از دستش برمی آمده انجام داده است و حتی بودجه ای برای وکلا در نظر گرفته است تا بتوانند ناشران بدون هزینه از آن استفاده کنند. اما در اینجا اتحادیه کم رنگ عمل می کند و شکایات زیادی از سوی ناشرها به دست ما نرسیده است که ناشر پیگیر کار خود باشد که از کتاب من این اندازه منتشر کردند و قصد دارم شکایت کنم.

آموزگار: چه زمانی با ایشان گفت و گو کردید؟

گفت و گو کننده: چند روز پیش

آموزگار: برای این که به اخبار این ها دسترسی پیدا کنید دو ماه یا سه ماه پیش حمله ای داشتیم و یک مغازه را گرفتیم و چند تن را دستگیر کردیم و دوازده وانت را گرفتیم.

گفت و گو کننده: منظورشان این بود که به هرروی این ناشر است که ذی نفع است او باید بیش تر پیگیر این موضوع باشد.

آموزگار: درست است و این گلایه ای است که ما نیز از ناشران داریم. برای نمونه فرض کنید ما شخص خاصی را گرفتیم و موضوع به این شکل بود که در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، پدیده ی تازه ای را کشف کردیم از موارد سرقت ادبی که در مورد آن سخن گفتم که عیناً کار دیگری را کپی کنید و به نام فرد جعلی به نام مترجم و ناشری هم به صورت قانونی از ارشاد برای آن مجوز بگیرد. این کشف شد و هنگامی که این گونه شد غرفه ی او را در نمایشگاه بستیم و متوجه شدیم کتاب های ۴۰ ناشر را کپی کرده و تغییر داده و با اطلاعات جعلی به نام خود منتشر کرده است. این شخص حتی گفت من چک سفید امضا می نویسم هر کاری می خواهید انجام دهید. ۱۲ تا ۱۳ ناشر جمع شدند و بین هم کمیته ای به وجود آوردند که این موضوع را پیگیری کنند و وکیل بگیرند گفتند باشد و در این میان گفتند چرا خودتان می خواهید هزینه ی وکیل دهید به اتحادیه بروید و وکیل آنجا کار شما هم رسیدگی کند. روشی که برای این ها به وجود آوردیم چون اگر قرار باشد هر یک به تنهایی این کار را

انجام دهند خسته می‌شوند یا وکیل با هر يك از این‌ها قرارداد ببندد با توجه به بودجه‌ی اندکی که وجود دارد کار دشوار می‌شود. این‌ها در دفترخانه به اتحادیه وکالت می‌دادند که شما از سوی ما وکیل بگیرید و این پرونده را پیگیری کنید. ما گفتیم همگی شما در دفترخانه این وکالت را به اتحادیه بدهید از این دوازده ناشر سه ناشر این کار را انجام دادند.

گفت‌وگو کننده: چرا؟

آموزگار: شخص می‌گفته آقا قربان شما در واقع می‌خواهم بگویم ناشرها خودشان هم باور ندارند که این حق است.

گفت‌وگو کننده: شاید چندان مورد زیان قرار نمی‌گیرند؟

آموزگار: خیر این‌گونه نیست. فرض کنید يك کتاب از ناشر را تکثیر کرده‌اند که ده میلیون تومان است. یعنی این موضوع يك نکته است که البته عمومیت ندارد. نکته این است که مدام افرادی را واسطه می‌کند یا خودش می‌ترسد چون مورد تهدید قرار می‌گیرد از این مسائل رخ می‌دهد تا از دوازده ناشر به ۳ ناشر می‌رسد. در نهایت می‌گوییم بسیار خوب همین سه ناشر اقدام کنند. دو ناشر به دفترخانه می‌روند و ناشر سوم نمی‌رود همان دو ناشر هم امضا نکردند دلیل آن را که پرسیدیم گفتند آن دو ناشر که متوجه شدند ناشر سوم نیامده با او تماس گرفتند و او دلایلی آورد و آن‌ها نیز رفتند. در مورد اخیر من تمامی این‌ها را جمع کردم. کسانی که کتاب‌هایشان بدین شکل تکثیر شده بود را جمع کردم و از همه‌ی آن‌ها امضا گرفتم که این کار را انجام دهند یعنی وکالت بدهند حتی در صندوقی که درست کردند قرار شد پولی قرار دهند تا هزینه‌های بعدی را بتوانند تأمین کنند.

گفت‌وگو کننده: پس اتفاقات خوبی در حال افتادن است؟

آموزگار: بله این بخشی از ماجراست.

گفت‌وگو کننده: شما این کارگروه را کارا می‌دانید؟

آموزگار: چاره‌ی دیگری وجود ندارد. منتها مشکلی که وجود دارد این است در بحث برخورد با این پدیده نه اتحادیه و نه ارشاد هیچ‌يك به‌تنهایی نمی‌توانند و نه ترکیب این دو می‌توانند کاری انجام دهند.

گفت‌وگو کننده: پس مشکل کجاست؟

آموزگار: مشکل این است کسی که این کار را آنجا می‌دهد چگونه می‌توانید مانع آن شوید؟ حتماً باید قوه قضاییه و نیروی انتظامی همکاری کنند و شهرداری‌های مناطق چون سد معبر در صلاحیت آنهاست باید همکاری کنند. باقی ارگان‌های دولتی که نمایشگاه‌های ۵۰ درصد تخفیفی را برگزار می‌کنند که همه از همین کتاب‌هاست. آنها نیز باید همکاری کنند و همان‌گونه که می‌بینید کار بسیار گسترده‌ای است ما نمی‌توانیم بگوییم اتحادیه همکاری نکرده است یا حتی ناشر چون خود او مایوس می‌شود و می‌گویند این همه کار می‌کنیم در نهایت چه می‌شود؟ بدون هیچ نتیجه باید ادامه دهیم.

گفت‌وگو کننده: جمع‌آوری دست‌فروشان را در این مورد چه اندازه مؤثر می‌دانید؟

آموزگار: به هرروی باید بدانیم که دست‌فروشان تعیین کننده نیستند چرا که عامل اصلی نیستند. باید با منبع تکثیر و تولید برخورد شود. دست‌فروش‌ها در گذشته با خطرهای زیادی دست به گریبان بودند و کتاب‌هایی ممنوعه می‌فروختند و به همین دلیل در حوزه‌ی نشر برخورد با دست‌فروش را درست نمی‌دانند و می‌گویند به هرروی دست‌فروشی دارای پیشینه‌ی خوبی است و شما کتابی را که نمی‌توانستید پیدا کنید آنها داشتند.

گفت‌وگو کننده: در واقع برای دست‌فروش‌ها حرمتی قائل هستند؟

آموزگار: بله. در دنیای واقعی هم اگر نگاه کنیم دست‌فروشی در مرحله‌ی پایانی اهمیت قرار دارند. می‌گویید دست‌فروش‌ها را جمع کنند آنها را می‌زنند و چه کارهایی که انجام نمی‌دهند. اگر جدی باشند باید بپرسند کتاب را از چه کسی گرفته‌اید می‌گویند از حسن، بسیار خوب حسن کیست؟ این شبکه‌ی گسترده‌ای است؛ اما اگر انباری را گرفتید.

گفت‌وگو کننده: درست است همین کار اساسی است.

آموزگار: یا هنگامی که وارد چاپخانه‌ای می‌شوید و کتاب‌هایی که به این شکل تکثیر می‌شود را می‌گیرید مشخص است. این هم مستلزم همکاری نیروی انتظامی است. ما ژنرال بدون ارتشیم. من رئیس اتحادیه‌ی ناشران هستم ژنرال بدون ارتشم

یعنی خود من باید پشت ماشینم بنشینم یا موتور بگیرم و این‌ها را شناسایی کنم. هر کاره‌ای هستم باید خودم به‌تنهایی انجام دهم کسی به من کمک نمی‌کند. گفت‌وگو کننده: آقای کمالی هم می‌گفتند که اتحادیه چنین مشکلاتی دارد و می‌گفتند در اینجا قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی با جدیت باید وارد شود.

آموزگار: واقعیت این است و چون شما از سوی دفتر مطالعات این کار را انجام می‌دهید بسیار خوب است که به این نکته بپردازید. من به‌طور کلی این کارگروه را مفید نمی‌دانم. تجربه به من نشان داد که این کارگروه به‌گونه‌ای نیست که بتواند نتیجه‌ی خاصی بدهد. ارشاد و در رأس آن وزیر نهایت‌اً اهتمام را نشان داد حتی بودجه تعیین کردند من دلایل را گفتم برای نمونه برای کسی دو میلیون تومان مالیات می‌زنند و ده بار از من خواهش می‌کند با توجه به طرح معافیت مالیات از من دفاع کنید. گاهی می‌گویم دو میلیون تومان را پرداخت کنم چرا که وقتی که می‌خواهم برای آن بگذارم بیش‌تر ارزش دارد. پول را نیز آماده کردند اما هنگامی که پیش می‌روید مدام جلسات گوناگون با نیروی انتظامی و هزار جای مختلف و حرف‌هایی که در آنجا زده می‌شود بسیار بزرگ و نشدنی فرمانده‌ی پلیس تهران به من گفت هرگاه اراده کنید ۳۰۰ بنز و ۹۰۰ مأمور به شما می‌دهم.

گفت‌وگو کننده: دادند؟

آموزگار: آن زمان اطلاع‌ان خاصی نداشتیم اکنون که همه‌ی این‌ها را داریم البته آن فرمانده چون معاونت عملیات نیروی انتظامی در کل کشور بود عوض شد و از دید من خود او به این کار علاقه داشت اما اکنون این کار را انجام نمی‌دهند. همین دیروز جلسه‌ای داشتیم و من در آنجا سه انبار را معرفی کردم اما هیچ کاری نکردند. من که به‌تنهایی نمی‌توانم وارد انبارها شوم اصلاً بروم چه کاری از من برمی‌آید؟ در انبار را بزنم بگویم آقا در انبار را باز کنید می‌گویند شما چه کسی هستید؟ همان‌جا مرا کتک هم می‌زنند و بیرونم می‌کنند. در مورد این کارگروه که رئیسش هم تغییر کرد چرا که در میان هزار گرفتاری رئیس آنجا هم شده بود که رئیس کل استان تهران بود. ایشان فرد بسیار خوبی هستند و قرارها را نیز تنظیم می‌کرد و ما رأس داستان را می‌دیدیم اما در بدنه هیچ رخدادی روی نمی‌داد. چه کردیم؟ در اداره‌ی اماکن دوستی

که يك جوان كرد کرمانشاهی بود داشتیم که هفت سال پیش مسئول اتحادیه‌ها بود و کتاب می‌خواند و به پایگاه هشتم که انقلاب زیر پوشش آن است منتقل شد. من با او گفت‌وگو کردم که می‌توانید به ما برای پیدا کردن این افراد کمک کنید؟ بچه‌ها شماری را شناسایی کرده‌اند.

گفت‌وگو کننده: یعنی مهره‌هایی که در این کارگروه هستند درست است که اشخاص با سمت‌هایی بالا هستند اما کلیدی و اجرایی نیستند درست است؟

آموزگار: بله دقیقاً. بحث من این است من با این فردی که گفتم بحث را شروع کردم و او مطالعاتی انجام داد و گفت من باید برای این کار دستور بگیرم گزارشی تهیه کردم و فرستادم که باید دید چه می‌شود و این به درازا کشید. در ۲۵ اسفند سال ۹۶ وزیر در دفتر خود جلسه‌ای گذاشت. سه معاون رئیس قوه‌ی قضاییه و فرمانده‌ی پلیس تهران بزرگ و فرمانده‌ی پلیس امنیت کشور آمدند. معاون‌های خود وزیر و من؛ سه معاون رئیس قوه‌ی قضاییه بودند که یکی معاون فرهنگی که به من گفت که توضیح دهم ماجرا چیست و من توضیح دادم و گفتم در این مورد هم مشکل قانونی داریم و هم پیگیری انتظامی. موضوع این است که به سراغ نیروی انتظامی می‌رویم و می‌گوئید من نمی‌توانم در مورد سد معبر کاری انجام دهم و به شهرداری مربوط است و آن‌ها هم کاری نمی‌کنند. به نیروی انتظامی می‌گوئیم کاری به سد معبر نداریم اکنون يك انبار کتاب پیدا کرده‌ایم فلان جاست می‌گویند نیاز به دستور قضایی است هنگامی که می‌خواهیم دستور قضایی بگیریم می‌گویند شکایت شاکی خصوصی کجاست؟ این جرم خصوصی است و نیاز به شاکی خصوصی دارد. این سوچه کسی است؟ ناشری است که کتابش را به صورت غیرقانونی تکثیر کرده‌اند و به او می‌گوئیم شکایت کنید عرف حرفه این گونه نبوده که کسی شکایت کند. گفت‌وگو کننده: اما این عرف باید تا اندازه‌ای از بین برود و تغییر کند.

آموزگار: بله اما به هرروی اخلاقیاتی بوده که وجود داشته است. من نمی‌گویم این کار درست است یا اشتباه. اما این چیزی است که من می‌دانم شکایت خصوصی هم نداریم. می‌گویند شکایت شاکی خصوصی تا من بگویم آقای رئیس دادسرای رسانه این فرد این گونه است و این کتاب‌ها را به صورت غیرقانونی تکثیر کرده است

و شکایت را ثبت کنم تا او از احضار کنند و مراحل قانونی پیش رود آن فرد کارش را انجام داده و جمع کرده و رفته است چون موضوع را متوجه می‌شود. این يك کار فوری است که باید به سرعت انجام شود. تمامی راه کارها را در این جلسه نشان دادم و گفتم اگر کتاب ضاله را جمع کنید جرم عمومی است و نیازی به شاکی خصوصی ندارد چون صاحب حقی ندارد اما هنگامی که کتاب آیت‌الله را در اینجا منتشر می‌کنند و می‌فروشند شما باید آن را بگیرید اگر آن را بگیرید در میان آن‌ها کتاب‌های بچه‌های ما هم هست. تمامی این‌ها هستند که کتاب‌های ما را نیز تکثیر می‌کنند.

گفت‌وگو کننده: یعنی راه کار شما این است که کتاب‌هایی که باید شاکی خصوصی داشته باشند در کنار کتاب‌هایی که صاحب حقی ندارد و ضاله هستند همه باهم جمع شوند و این‌گونه مشکل حل می‌شود.

آموزگار: من به این نتیجه رسیدم.

گفت‌وگو کننده: یعنی با يك چوب همه را بزیم؟

آموزگار: موضوع زدن نیست موضوع انجام يك کار است. این‌ها افراد گوناگونی نیستند. تجربه به ما نشان داد که يك شخص است که هم از آن کتاب‌ها منتشر می‌کند و هم از کتاب‌های ما. دلیل بی‌توجهی به کار کتاب‌های ناشران این است که این را رها کردند. او نیز مصمم شده است و می‌گوید کسی به کسی نیست بنابراین این کار را هم می‌کنم.

گفت‌وگو کننده: اگر از اینجا شروع کنیم می‌توانیم آن را نیز کنترل کنیم.

آموزگار: من يك مشکل حقوقی را با این تحلیلی که انجام می‌دهم برای صنف خود و ناشران رفع می‌کنم. ممکن است من به‌عنوان يك فرد و شهروند و يك شخص حقیقی اکنون به یکی از این دست‌فروش‌ها به‌صورت پنهانی بگویم فلان کتاب را دارید من به آن نیاز دارم اما اکنون من در يك موقعیت صنفی و دارای مسئولیتی هستم گفت‌وگو کننده: این را يك راه کار عملی می‌دانید.

آموزگار: باید راه کاری ارائه دهم و آن‌ها در برابر من مانعی با عنوان شاکی خصوصی قرار می‌دهند و شاکی خصوصی یعنی هیچ کاری انجام نمی‌شود. شما در موارد جرم

عمومی می‌توانید جلب سیار صادر کنید اما در مورد شاکی خصوصی خیر.
گفت‌وگو کننده: چون جرم عمومی قوی‌تر است و ضمانت اجرایی بیش‌تری دارد.
آموزگار: جرم عمومی نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد و به محض مشاهده دادستان وظیفه دارد برخورد کند.

گفت‌وگو کننده: قانون‌گذار هم از حق خود نمی‌گذرد.

آموزگار: بله مدعی‌العموم است یعنی به محض مشاهده می‌گویند جرم مشهود یعنی اگر دیدید نباید منتظر دستور قضایی باشید باید اقدام کنید.

گفت‌وگو کننده: می‌توانیم بگوییم این يك راه کار غیرمستقیمی است که پاسخ می‌دهد.

آموزگار: بله فرض کنید من می‌گویم این‌ها انبار فلان است یا فهرستی دارم که کتاب‌های ضاله در آن است اگر این را ببینند و جرم مشهود است بنابراین نیازی به دستور قضایی هم نیست.

گفت‌وگو کننده: پاسخ آن‌ها چه بود؟

آموزگار: پاسخشان افضاح بود در دفتر وزیر صورت جلسه‌ای تنظیم شده است که این سخنان از آن حذف شده است. اما به هرروی اعتراض من در آن گویاست. معاون فرهنگی می‌گفت کتاب‌های مرا نیز تکثیر می‌کنند. معاون آی تی و بخش کامپیوتر قوهی قضاییه می‌گفت سامانه‌ای برای شما درست می‌کنیم چون مأموران نمی‌دانند که کدام کتاب‌ها قاچاق است و کدام‌ها نیست. این کتاب‌ها را آنجا تعریف کنید. معاون سوم قوهی قضاییه معاون پژوهشی بود که هر سه هم روحانی بودند. گفت می‌توانیم این را در پژوهشگاه قوهی قضاییه بررسی و آسیب‌شناسی کنیم. من دیدم جلسه در حال تمام شدن است ناچار دستم را بلند کردم که حرف‌هایم را بزنم. گفتم من با امیدی به اینجا آمده بودم. بغضی هم گلویم را می‌فشرد فکر کردم نتیجه می‌دهد اما از این سخنانی که می‌شنوم متأسفم. امیدم را از دست دادم. اکنون به صنف می‌گویم سودی ندارد از من هم نخواهید در این مورد کاری انجام دهم چون نمی‌توانم. پس از من آقای صالحی گفت بله آقای آموزگار زحمات فراوانی کشیده‌اند و فلان شده و کارهای مرا برشمرد. رئیس پلیس امنیت کشور گفت من

کاری می‌کنم که آقای آموزگار از این جلسه امیدوار خارج شود. تلفن مرا گرفتند و تا شب ده‌ها سروان با من تماس گرفتند. چه شده که سردار رضاییان گفته با شما تماس بگیریم و حتماً مشکل او را حل کنید. گفتم من مشکل شخصی ندارم مشکل من قاچاق کتاب است. گفتند دوباره جلسه‌ای بگذارید حالا نزدیک نوروز و روزهای پایانی و اسفند و همه جا شلوغ و من مسافر بودم و باید می‌رفتم. تمامی این‌ها بود یک جلسه در این میان با فرماندهی پلیس اماکن کل کشور گذاشتیم که چه کاری می‌توانیم انجام دهیم.

گفت‌وگو کننده: طرح شما در آنجا در مورد جمع کردن کتاب‌های ضاله و در کنار آن کتاب‌های ناشران داخلی بررسی شد؟
آموزگار: من گفتم این راه وجود دارد منتها در دستگاه بوروکراسی دادستان برای خود سازی می‌زند، دیگری نیز همچین.

گفت‌وگو کننده: یعنی از لحاظ قوانین برای این کار مانعی وجود دارد؟
آموزگار: خیر. یعنی اگر شما کتب ضاله ببینید جرم عمومی است و نیازی به شاکی خصوصی ندارد.

گفت‌وگو کننده: متولی آن را که دستگیر کنند او نمی‌تواند کتاب‌های دیگر را نیز غیرقانونی چاپ کند؟

آموزگار: بله به هرروی موضوع اینجاست که باید به سراغ آن‌ها بروید و دستگیر که می‌شوند انبارشان را هم پیدا می‌کنید کتاب‌های دیگران نیز در آن وجود دارد و اینجاست که شاکیان خصوصی افزوده می‌شوند. این موضوعات به جایی نرسید اما کاری که در پایگاه هشتم با آن افسر جوان شروع کرده بودیم به جایی رسید و بدون اطلاع بالایی‌ها هماهنگ کردیم و وارد یکی از انبارها شدیم و بچه‌ها ده تا دوازده ماشین کتاب آوردند و مصاحبه‌ی مطبوعاتی انجام دادیم و چند روزی هم از این‌ها خبری نبود و از لاک خود بیرون نیامدند و شوکه شده بودند؛ اما ماجرا چه شد ناگهان فرماندهی پلیس امنیت گفت بله با هماهنگی ما بوده است درحالی که خود او اصلاً از این ماجرا خبر نداشت.

گفت‌وگو کننده: پس در واقع اتحادیه به تنهایی آستین‌ها را بالا زده است.

آموزگار: بله باید این کار را انجام دهم و بگویم آقای بازپرس کاری کنید چون ناشران در حال نابودی هستند و فریادرسی نبوده است. مدام شو و حرف‌های گنده و بی‌نتیجه. برای نمونه دیروز جلسه‌ی کارگروه را تشکیل دادند و می‌بینید از جاهایی که باید بیایند از قوه‌ی قضاییه تا افراد دست‌چندم خود را فرستاده‌اند. مثلاً در جلسه‌ی وزیر، معاون فرهنگی قوه‌ی قضاییه حضور داشت اکنون در معاونت فرهنگی کسی مدیرکل فلان است آن آقا کارمندی دارد که او را فرستاده است. یا نیروی انتظامی که فرض کنید فرمانده‌ی پلیس امنیت کشور شرکت کرده بود اکنون یکی از مأمورانی که این سو و آن سو می‌روند از اداره‌ی پلیس امنیت آمده است. در شهرداری اگر در آن روز شهردار فلان منطقه آمده بود در این جلسه کارمند فلان آمده است و دیروز جداً خنده‌دار بود.

گفت‌وگو کننده: پس اصلاً امیدی نیست؟

آموزگار: به من زنگ می‌زنند چون من يك ربع دیر رسیدم در جلسه‌ی دیگری بودم گفتند همه منتظر شما هستند گفتم مگر همه آمدند؟ باری رفتم دیدیم بله چه کسانی آمدند بنابراین داستان تعریف کردیم و شلیلی خوردیم و آمدیم.

گفت‌وگو کننده: در این زمینه آگاهی عمومی را چه اندازه مؤثر می‌دانید؟

آموزگار: یکی از مواردی که در برنامه‌ی ما در نظر داشتیم انجام کار فرهنگی بود که از چند بخش تشکیل می‌شد. فرض کنید یکی از آن‌ها این بود که از میان ناشران يك جمله را به‌عنوان يك شعار در نظر بگیرند مانند این که کوشش کنید کتاب اصل بخرید و خرید کتاب اصل کمک به این می‌کند که حقوق نویسنده و ناشر و دیگر دست‌اندرکاران تولید يك کتاب مراعات شود. این حرکت فرهنگی استمرار پیدا کند و خرید يك کتاب کپی این عوارض را دارد. هنگامی که مردم کتاب قاچاق می‌خرند پولی به دست نویسنده نمی‌رسد. بزرگ‌ترین کسی که زیاد می‌بیند نویسنده است. بسیاری از آن‌ها امروز به سمت برگردان کتاب رفته‌اند. اکنون هم گوگل ترنسلیت آمده و چیزهایی می‌بینیم حتی مترجم‌های خوب، کتابی بانام اینترنت با مغز ما چه می‌کند خواندم و نشر همام و خشایار دیهیمی آن را ترجمه کرده بودند. کتاب بسیار خوبی از پژوهش‌گری آمریکایی بانام نیکلاس کار و این کتاب بی‌مانند است تاریخ

شعور از ابتدا تاکنون. عصر نخست که دوره‌ی نقش‌ها بود و سپس خط آمد و عصر خط و الواح گلی و پس از آن ماشین چاپ و اکنون عصر دیجیتال در این کتاب تعبیری با عنوان اخلاق فکری وجود دارد این تعبیر به چه معنی است؟ مگر اخلاق فکری می‌شود مگر اخلاق مادی هم داریم؟ روی این موضوع بسیار کنجکاو شدم انگلیسی آن را نداشتم سفر که رفتم نخستین کاری که کردم خرید این کتاب بود و پیدا کردم. Intellectual ethick را اخلاق فکری ترجمه کرده است در صورتی که منظور اخلاق روشن فکری است. اخلاقی که به تیپ خاصی مربوط است. نسل تازه شاید چندان نمی‌دانند در دوره‌ی جوانی ما به روشن فکر، اتلکتوال می‌گفتند یعنی از واژه‌ی فرانسه‌ی آن استفاده می‌کردند. ناشر دیگری نیز همین کتاب را منتشر کرده است. من بسیار کنجکاو هستم هم‌اینک روی میز مرا نگاه کنید دو نسخه‌ی عقاید يك دلک و یکی از آن نیز دستم است این‌ها را من باهم مطابقت دادم و به این نتیجه رسیده‌ام که کتاب‌هایی که تازه منتشر شده مزخرف است و بهترین برگردان آن شریف لنگرانی است. این‌ها کاسبی‌هایی است که در نشر شکل می‌گیرد. اکنون این کتاب مشهور شده و به چاپ هجدهم رسیده است از این کتاب‌ها با ترجمه‌های گوناگون تنها می‌بینم مترجم تنها يك فعل و فاعل را تغییر داده است. در مورد همین کتاب اینترنت با مغز ما چه می‌کند که گفتم ناشر دیگری آن را چاپ کرد را دیدم او نیز آن عبارت را اخلاق فکری ترجمه کرده است و این‌گونه متوجه شدم این شخص از روی آن رونویسی کرده است. چون نمی‌شود دو فرد هر دو يك عبارت را یکسان ترجمه کنند و يك اشتباه را مرتکب شوند.

گفت‌وگو کننده: پرسش‌های من تمام شد.

آموزگار: کار فرهنگی بسیار ضروری است در واقع بخش اصلی موضوع است یعنی به‌طور کلی ما نیاز داریم که این موضوع را در ادبیات و فرهنگمان جا بیندازیم که این يك حق است و باید محترم شمرده شود. تصور می‌کنم ضمن این که رخداد بدی بوده اما تکان‌هایی داده است

گفتگوکننده: یعنی می‌توان امید داشت؟

آموزگار: اکنون توجه‌ها به این سمت می‌رود که باور کنید من می‌خواهم رایت آن

را بخرم چگونه می‌توانیم برای این‌ها پول بفرستیم. اصلاً نمی‌پذیرند و می‌گویند ما به ایران رایت نمی‌فروشیم و این نشان‌دهنده حرکت به سوی جلو است. این موضوعی است که وقتی آن‌ها را کنار هم قرار دهید این موضوع در حوزه‌ی کتاب‌های چاپی است. در حوزه‌ی کتاب‌های ایبوک هم مطرح است یعنی واگذاری غیرقانونی کتاب‌ها در کانال‌های تلگرامی. فرض کنید کانالی وجود دارد که چهل هزار جلد کتاب دارد. گفت‌وگو کننده: بله اکنون شما هر کتابی که منتشر می‌شود می‌توانید پی‌دی‌اف آن را پیدا کنید.

آموزگار: در این کانال‌ها این داستان بیش‌تر مشاهده می‌شود که ادعا می‌کنند ما قصد سود بردن نداریم چرا که کتاب‌ها را نمی‌فروشیم قصد ما فرهنگی است یعنی ظاهر بسیار خوبی از خود ارائه می‌دهند.

گفت‌وگو کننده: تجربه‌ی شخصی من از رویارویی با کسانی که اهل مطالعه هستند این است که خواننده‌ی حرفه‌ای حاضر به پرداخت بهاست. برای نمونه من تمامی نسخ پی‌دی‌اف کتاب‌ها را دارم اما حتماً کتاب را جستجو می‌کنم و می‌خرم. چون دوست دارم کتاب باشد. کسی که دنبال خواندن است مانند این که دنبال خودکار هست و می‌خرد با کتاب هم همین برخورد را می‌کند.

آموزگار: پی‌دی‌اف هم می‌خوانید؟

گفت‌وگو کننده: خیر. مگر این که به‌راستی نسخه‌ی کتاب آن را بتوانم پیدا کنم.

آموزگار: یعنی پیشنهادی وجود دارد؟

گفت‌وگو کننده: بسیار کم. یا آن را چاپ می‌کنم. منظور این است کسانی که می‌گویند ما این‌ها را می‌گذاریم تا افراد استفاده کنند اتفاقاً افراد خیلی هم استفاده نمی‌کنند ممکن است هوسی برای دانلود آن‌ها وجود داشته باشد اما جداً چند بار هر يك از ما پی‌دی‌اف کتابی را باز می‌کنیم و ۵۰۰ صفحه را به این شکل می‌خوانیم؟ کسی این کار را نمی‌کند. کسی که به‌راستی خواننده است این‌قدر این موضوع برایش اهمیت دارد برای آن حاضر به پرداخت بهاست. خواننده‌ی حرفه‌ای که به دنبال چیزی است برای آن بها می‌پردازد. در کانال‌های تلگرامی نگاه می‌کنم این اندازه کتاب و فایل صوتی سرمایه‌ی مارکس را از روخوانی کرده است این کتاب را از رو

می خوانیم متوجه نمی شویم. هزار بار می خوانیم متوجه نمی شویم فایل صوتی این کتاب به چه دردی می خورد؟
آموزگار: کتاب اینترنت با مخ ما چه می کند را اگر بخوانید خیلی خوب است برای من کتاب سودمندی بود.

مصاحبه با آقای سناپور

ماهیت پدیده قاچاق کتاب

در ابتدا بفرمایید از نظر شما قاچاق کتاب یعنی چه؟ شما چه چیزی را قاچاق می دانید؟

به طور کلی قاچاق کتاب به چه شکل یا اشکالی بروز می یابد؟

شک دارم که کلمه «قاچاق» برای آنچه در بازار کتاب ایران اتفاق می افتد کلمه‌ی درستی باشد. قاچاق ظاهراً به معنای انتقال غیرقانونی کالایی از جایی به جای دیگری است. اینجا ما چندان با جابه‌جایی مواجه نیستیم، بلکه با همان بی‌قانونی و استفاده از مال غیر مواجهیم. در قانون حتماً کلمه‌ی مناسبی برای این رفتار غیرقانونی وجود دارد که طبعاً باید اهل فن آن را توضیح بدهند. موارد بی‌قانونی در کار نشر هم البته متعدد و متفاوت است و ممکن است با یک یا دو عنوان مجرمانه نشود آن را توضیح داد. به هر حال کلیت این اتفاق این است که کتاب‌هایی متعلق به نویسندگانی وجود دارد که به صورت غیرقانونی و بدون اجازه‌ی آنها توسط کسانی منتشر می‌شود که ممکن است ناشری شناخته‌شده یا ناشناس باشند. البته طبعاً و به‌طور معمول ناشناس‌اند و به‌صورت ناشناس هم کتاب‌هایی را در چاپخانه‌هایی نامعلوم تکثیر و بعد توسط شبکه‌های نامعلوم منتشر می‌کنند که ما فقط فروشندگان کنار خیابانی‌شان را می‌شناسیم. می‌دانیم که بعضی از این کتاب‌ها هم ممکن است با رضایت نویسنده منتشر شوند. یا حق مالکیت نویسنده کتاب بر کارش به دلیل گذشت زمان طولانی از درگذشت او (مثلاً کتاب‌های هدایت) منتفی شده باشد و در این حالت عمل غیرقانونی نداشتن اجازه‌ی ارشاد است. به هر حال چنان که گفتم موارد متعددی شامل این بازار غیرقانونی می‌شود. بدترین آن طبعاً انتشار کتاب‌هایی است که هم نویسنده و هم ناشر دارند و هم مجوز انتشار از ارشاد و باز به دلیل پرفروش بودن

توسط همین شبکه‌های ناشناخته و به اصطلاح زیرزمینی منتشر می‌شوند.

به‌عنوان یک دست‌اندرکار در حوزه کتاب، به نظر شما در حال حاضر کشور ما در زمینه‌ی قاچاق کتاب چه وضعیتی دارد؟

ج: به نظرم هر چه جلوتر آمده‌ایم انتشار غیرقانونی وسعت گرفته. اگر زمانی فقط کتاب‌های خیلی محبوب ناموجود در بازار به این شکل منتشر می‌شد، حالا این شبکه که حتماً قوی‌تر و گسترده‌تر شده هر کتابی را که در آن سود ببیند منتشر می‌کند. احتمالاً دستگاه‌های جدید چاپ، منسجم‌شدن شبکه‌ی توزیع، گران‌تر شدن سال‌به‌سال کتاب‌ها، کم‌تر شدن کتاب‌فروشی‌ها به نسبت جمعیت کتاب‌خوان، ضعف نهادهای نظارتی و جزایی و احتمالاً چند عامل دیگر باعث شده که این شبکه‌ی زیرزمینی به‌شدت قوی شود و دیگر نتوان به‌راحتی آن را نادیده گرفت یا از میدان به در کرد. انتشار کتاب‌های مجوز دار ناشران در سال‌های اخیر هم نشانه‌ی قوت این شبکه است.

حقوق مادی و معنوی مؤلفان در کشور ما چه وضعیتی دارد؟ (لطفاً توضیح دهید وضعیت کنونی ما چگونه است؟)

ج: به نظرم سال‌به‌سال در حال ضعیف شدن است. یکی از نشانه‌هایش بستن قراردادهای سخت‌تر از طرف ناشران با مؤلفان است. یکی دیگر از نشانه‌هایش از دور خارج شدن بسیاری از نویسندگان بعد از چند سال کار به دلیل بی‌اجر و مزد بودن این کار. حرفه‌ای نشدن نویسندگان حتی بعد از دو سه دهه کار مداوم (و باوجود جمعیت ۸۰ میلیونی و با رفتن درصد تحصیل کردگان) هم دلیل دیگر خرابی وضعیت حقوق مؤلفان است. مقایسه وضعیت نویسندگان معروف قبل و بعد از انقلاب از این نظر مؤید نظر من خواهد بود.

وضعیت بازار نشر (به لحاظ اقتصادی و فروش کتاب) در حال حاضر به چه صورت است؟ (ناشران و کتاب‌فروشی‌ها چه وضعیتی دارند؟)

ج: ناشرانی که بیش‌تر کتاب‌های ترجمه منتشر می‌کنند وضعیت‌شان بد نیست و به نظرم درآمد اندک از هر کتاب را با بالا بردن تعداد عناوین جبران کرده‌اند. گرفتن وام و کارهای مانند این هم باعث شده دوام بیاورند و یا رشد کنند. به همین

دلیل ظاهراً از تعداد ناشران فعال کم نشده است؛ اما کتاب‌فروشی‌های کوچک وضع خرابی دارند و یک به یک دارند از گردونه خارج می‌شوند. بقای آن‌ها به نظرم یا در گرو گرفتن کمک و بزرگ‌تر شدنشان است، و یا روش‌های دیگری مثل تخصصی فعالیت کردن.

وضعیت قانون کپی‌رایت در کشور ما به چه صورت است؟

ج: اگر منظور کپی‌رایت جهانی است که طبعاً چنین چیزی وجود ندارد، مگر ناشران و نویسندگان اندکی که به دلایل معنوی و یا احیاناً مادی خاصی (مثل داشتن دفتر نشر در خارج کشور و سعی در فروش کپی‌رایت به کشورهای دیگر) خودخواسته آن را اجرا می‌کنند. نپیوستن ما به کپی‌رایت جهانی حتی از وجود سانسور هم به حال نشر ما مضرت‌تر بوده و بی‌قانونی گسترده‌ی آن را تقویت کرده است (اگر نگویم باعث آن شده). به نظرم من علت رعایت نکردن حقوق مؤلفان ایرانی از طرف ناشران و یا ناقص رعایت کردن آن‌هم ریشه در نپیوستن ما به کپی‌رایت جهانی دارد. چون از اساس حقوق مؤلف را شبیه دار کرده است و به قانون‌گريزان اجازه‌ی فعالیت داده است. در شرایطی هستیم که حتی حقوق مؤلفان ایرانی هم از طرف ناشران ایرانی کم‌تر رعایت می‌شود و این را از شکایات و گلایه‌های نویسندگان می‌توان دریافت. عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده قاچاق کتاب

زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی پیدایش پدیده قاچاق کتاب کدامند؟

ج: ۱- بی‌قانونی فراگیر در همه‌ی ارکان اجتماع و رفتارهای اجتماعی ۲- نپیوستن ما به کپی‌رایت و معاهدات بین‌المللی ۳- نداشتن قوانین سخت‌گیرانه برای قانون‌شکنان ۴- نبودن مراجع مشورتی آشنا برای مؤلفان در صورت از بین رفتن حقوقشان. برخی معتقدند قوانین مربوط به این حوزه با اقتضائات امروزی هماهنگی ندارد و برخی معتقدند مشکل از اجرای ضعیف قوانین موجود است. به نظر شما وجود ضعف و خلأ در قوانین مهم‌تر است یا عدم جدیت در اجرای قوانین؟

ج: نمی‌دانم. به نظرم هر دو به یک اندازه.

چرا ما در این حوزه به معاهدات یا کنوانسیون‌های بین‌المللی نمی‌پیوندیم؟

ج: چون اصولاً نپذیرفته‌ایم که ما هم جزئی از جهانیم و رعایت قوانین بین‌المللی در نهایت به نفعمان است و مدام این به قانون‌گذاران القاشده که آن قوانین به نفع کشورهای قوی‌تر وضع شده؛ اما حتی اگر چنین هم باشد، تجربه نشان داده که پیوستن به آن قوانین حقوق حداقلی ما را تأمین می‌کند، اما پیوستن به آن همان را هم تأمین نمی‌کند.

حوزه نشر و چاپ کتاب عاملانی دارد: ناشران، مؤلفان، دولت و نهادهای مسئول، کتاب‌فروش‌ها و ... این بخش‌ها طبیعتاً باهم در تعامل هستند. به نظر شما ماهیت این روابط و تعاملات چه تأثیری بر وضعیت کنونی بازار نشر دارد؟ (هدف این است که شما فرآیند چاپ کتاب و حمایت از حقوق مؤلف را آسیب‌شناسی کنید).

ج: این سؤال خیلی کلی است. به نظرم در جواب سؤال‌های دیگر جواب این سؤال را هم داده‌ام.

آیا ضعف در آگاهی عمومی را می‌توان یک عامل مهم دانست؟ نقش رسانه‌ها در این حوزه چه می‌تواند باشد؟

ج: اگر منظور آگاهی عمومی دست‌اندرکاران است، بله آگاهی‌شان می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، اما اگر آگاهی عموم مردم مورد نظر است، فکر نمی‌کنم تأثیر چندانی داشته باشد. رسانه‌ها حتماً نقش خوبی دارند، اما نه نقش تعیین‌کننده و اصلی.

اینکه ما تاکنون ریشه‌های تاریخی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی این پدیده را بررسی نکرده‌ایم چقدر می‌تواند در تشدید پدیده اثرگذار باشد؟

ج: سؤال خیلی کلی است و جواب کلی روشنی هم دارد: حتماً تأثیر دارد، اما باز به نظرم نه چندان تأثیر تعیین‌کننده. به نظرم امروز دیگر خیلی نکته‌ها و وجوه قضیه روشن است و بیش‌تر احتیاج به تصمیم‌گیری و عمل دارد. به نظرم کم‌تر موضوعی ممکن است ناروشن باقی مانده باشد، گرچه حتماً هم هست.

آیا می‌توانیم شوک قیمتی پس از سال ۱۳۹۰ را یک عامل مؤثر بدانیم؟ آیا پس از این سال وضعیت قاچاق کتاب بدتر شده است؟

ج: قبلاً هم گفتیم که بالاتر رفتن قیمت در تقویت این شبکه مؤثر بوده است. این شبکه هزینه‌های پیش از چاپ را (که آن‌هم بالاتر رفته) ندارد و کم‌ترین هزینه را هم در توزیع دارد، در نتیجه می‌تواند کتاب‌ها را با قیمت پایین‌تر تولید و عرضه کند و همین رغبت خواننده‌ها را هم به کتاب‌های دست‌فروشان افزایش داده.

راهکارهای کنترل و کاهش قاچاق کتاب

به نظر شما کدام‌یک از راهکارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی در کنترل این پدیده می‌تواند مفید باشد؟

ج: در درجه‌ی اول حقوقی و بعد اقتصادی.

از نظر شما راهکارهایی که امکان کنترل و مدیریت این مسئله را برای ما فراهم می‌سازند مشخصاً چه هستند؟

به‌جز روش‌های حقوقی کتاب باید ارزان‌تر تولید شود و آن‌هم با بالا بردن شماره‌گان کتاب‌ها و ارزان‌تر کردن جنبه‌های فنی‌شان. شماره‌گان بالای کتاب‌ها امکان ارزان‌تر شدن و نیز سودی را برای ناشر فراهم می‌کند و در این صورت ممکن است چندان برای آن شبکه به‌صرفه نباشد رقابت با کتاب‌های ارزان. کتاب‌فروشی‌ها هم باید جذاب‌تر باشند تا خواننده به‌جز خریدن کتاب دلیل دیگری هم برای رجوع به کتاب‌فروشی‌ها داشته باشد. در نهایت وجود کتاب‌خانه‌ها و خریدشان از ناشران معتبر هم به حذف شبکه‌ی غیرقانونی کمک خواهد کرد.

آیا با کنترل دست‌فروش‌ها این مشکل حل می‌شود یا اینکه می‌گویند پشت پرده کتاب در ایران مافیای عریض و طویلی هست صحت دارد؟ راه حل شما چیست؟

ج: برخورد با دست‌فروش‌ها کم‌ترین کار ممکن است و بهتر در آخرین مرحله اتفاق بیفتد، و آن‌هم نه با حذفشان، بلکه با قانون‌مند کردنشان. دادن کیوسک‌های مشخص و جالب در برخی نقاط شهر و ترغیبشان به کار قانونی، حتماً به کتاب‌فروشی و کتاب‌خوانی هم کمک خواهد کرد. این کار در کشورهای دیگر هم اتفاق افتاده است.

نقش دستگاه‌های اجرایی و قضایی در این زمینه را چه می‌دانید؟ (مشخصاً چه دستگاه‌های و به چه صورت باید وارد عمل شوند؟)

ج: از چگونگی کار این دستگاه‌ها بی‌خبرم.
نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌طور مشخص در این زمینه چیست؟
ج: به‌صورت پراکنده در جواب سؤال‌های بالا جواب این سؤال را هم داده‌ام.
دبیرخانه‌ای برای تنظیم و اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در راستای مبارزه با تکثیر و عرضه غیرقانونی وجود دارد. کار این دبیرخانه را چطور ارزیابی می‌کنید؟
ج: اصلاً از وجودش بی‌خبر بودم تا الان؛ بنابراین ارزیابی هم نمی‌توانم داشته باشم، یا همین بی‌خبری کسانی مانند من لابد خودش می‌تواند نوعی ارزیابی از کار این دبیرخانه باشد.

مصاحبه با آقای حسن پور

گفت‌وگو کننده: مصاحبه با آقای حسن پور در مورد بحث قاچاق کتاب.

سوم شهریورماه ۱۳۹۷

با سپاس از شما. بحث ما در مورد قاچاق کتاب است و همان‌گونه که می‌دانید یکی از مسائل اصلی در حوزه‌ی نشر کتاب و فرهنگ پدیده‌ی قاچاق کتاب است. گفت‌وگوی ما حول سه محور اصلی ماهیت پدیده‌ی قاچاق کتاب، عوامل و زمینه‌های رشد آن در ایران و راه کارهای کنترل آن از دید شما است. بحث را با ماهیت پدیده‌ی قاچاق کتاب شروع می‌کنم. از دید شما قاچاق کتاب چیست و در حال حاضر کشور ما در این زمینه چه وضعیتی دارد؟

حسن پور: امیدوارم حاصل این پژوهش خوب باشد. در مبحث ماهیت قاچاق، از دید من نام قاچاق نادرست است. در واقع هنگامی که کد اشتباه می‌دهیم مسلماً پاسخ نادرست دریافت می‌کنیم. سیستم‌های فرهنگی پلیسی اجتماعی امنیتی کشور برای هر واژه‌ای باری دارد هنگامی که می‌گوییم قاچاق؛ به چه معناست. این کار و واژه از پایه نادرست و اشتباه است. چون من با دوستان گوناگون جلسات مکرر داشتم و جزو کارگروه منع تکثیر و پس از آن نیز حقوق صیانت تمام این‌ها رفتارهای متفاوت که حتی از جامعه‌ی قضات و پلیس و نهادهای تأثیرگذاری که می‌توانند دخیل باشند. هنگامی که در مورد قاچاق سخن می‌گفتیم واژه‌ی قاچاق برای آن‌ها گنگ بود. درست هم هست و من نمی‌دانم این واژه چگونه وارد این بحث شد. چون

یکی از کسانی که پیگیر این موضوع شد دست کم در چهار سال اخیر من بودم و در گفت‌وگوهای من هم اگر دقت کنید متوجه می‌شوید هیچ‌گاه از واژه‌ی قاچاق به این صورت استفاده نکرده‌ام.

گفت‌وگو کننده: از دید شما مفهوم مناسب چیست؟

حسن‌پور: خیلی ساده است تکثیر غیرقانونی کتاب که با قاچاق بسیار متفاوت است.

گفت‌وگو کننده: اگر امکان دارد بیشتر توضیح دهید.

حسن‌پور: قاچاق می‌تواند در ماهیت اصل باشد. از يك مرجع نادرست وارد بازار می‌شود. مگر جز این است؟ اگر شما يك جنس قاچاق را در نظر بگیرید. الزاماً این نیست که جنس نادرست و نامرغوب باشد از مجاری معتبر قانونی وارد نشده است. به این قاچاق می‌گویند. ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد. ممکن است ما دفترچه‌ی کولرگازی را قاچاق می‌کنیم و وارد کشور می‌کنیم و یا ممکن است مواد مخدر را وارد کشور کنیم یعنی فلسفه‌ی قانونی و غیرقانونی بودنش به لحاظ قاچاق خیر از لحاظ ذات و اصالت کالا هم مدنظر است بنابراین در مورد کتاب نمی‌دانم چرا این واژه درست شد. شاید هم من از آن درک درستی ندارم تنها نام درستی که من می‌توانم روی آن بگذارم و به همه این‌ها بفهمانم که حرف و درد چیست چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب ناشران. تکمیل‌تر چاپ و تکثیر کتب قانونی ناشران.

گفت‌وگو کننده: چاپ و تکثیر غیرقانونی کتب قانونی ناشران؟

حسن‌پور: دقیقاً. اگر کسی این جمله را بشنود کمی که آن را باز کنید تمام مسئله در همین يك جمله خلاصه شده است. این از کجا شروع می‌شود و منبع و مقصد آن کجاست. این سبک کار را در تمام دنیا داشتیم و داریم اما بحث اینجاست که در کشورهای دیگر قانونی به نام کپی‌رایت دارند. برای نمونه اگر در يك کشور توسعه‌یافته اگر يك سی‌دی را کپی کنید و بفروشید و شما را دستگیر کنند برای آن‌ها با فروش کوکائین تفاوتی ندارد. یعنی در آنجا قانونی و غیرقانونی ندارند. در واقع جرم نخست اصل داستان است می‌گویند. کاری نداریم این سی‌دی قانونی است یا غیرقانونی، می‌گوییم شما حق نداشتید آن را کپی کنید و بفروشید. در همان مبدأ شما

را دستگیر می‌کنند اما اینجا نمی‌گویند کاری نداریم در برخی مواقع به آن بخش حساس می‌شوند و در بعضی اوقات به این بخش حساسیت کم‌تری دارند چراکه مسائل دیگری هم وجود دارد که باید با دید کلان در مسئله‌ی فرهنگی کشور دیده شود. در نتیجه رویدادی که رخ می‌دهد پدیده‌ای نامیمونی می‌شود که این روندی است که فزاینده و خیلی خطرناک است. هنگامی که کتاب‌ها را تعریف می‌کنیم می‌گوییم شماری از افراد غیر ناشر کتاب ناشران را چاپ می‌کنند. از سال ۴۵ و ۵۰ این داستان را در کشور داشتیم اما خیلی کم یعنی اگر در کل اقتصاد نشر می‌خواستید این‌ها را در نظر بگیرید چیزی نبود. حتی افرادی هم که این کار را انجام می‌دادند مشخص بودند و می‌گفتند فلانی و فلانی و فلانی این کار را انجام می‌دهند و همکاران روابط اقتصادی خود را با این افراد تعریف می‌کردند و کوشش می‌کردند سمت او نزنند. چون خطر داشت چاپ کنند. در آن هنگام موضوع دیگری هم وجود داشت و آن وسایل و ابزار چاپ و تکثیر به شکلی که مخاطب اصل و فرع را درک نکند وجود نداشت. اگر فرد می‌خواست درست مانند کتاب چاپ کند باید چاپ افست می‌کرد که برایش خیلی خطر داشت و بسیاری از چاپخانه‌ها زیر بار چنین موضوعی نمی‌رفتند اکنون هم به همین صورت است؛ شکل دیگری هم در کار نبود باید کپی می‌کرد باید دستگاه پلی‌کپی دستی می‌کرد و به هرروی امکانات بسیار کم و محدود بود؛ اما امروز در عصری که شما می‌توانید کتابی را با چاپ دیجیتال منتشر کنید و با کیفیتی تقریباً برابر با اصل آن ارائه دهید می‌بینید که تشخیص سره و ناسره دادن بسیار دشوار می‌شود. حتی ناشر آن‌هم گاهی نمی‌توانند تشخیص دهند. کار هنگامی بدتر می‌شود که بازار کتاب یکی از معضلاتی که بازار کتاب را فرو می‌ریزد همین موضوع است؛ کار به جایی می‌رسد که بازار به اندازه‌ای بد می‌شود که ناشری که چاپ کتابش دست کم ۳ تا ۵ هزار نسخه بود به ۴۰۰ یا ۳۰۰ نسخه و یا حتی ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه می‌رسد. مسلماً ۱۰۰ نسخه را نمی‌تواند با افست چاپ کند چون هزینه‌های افست سرشار ثابت است که در تیراژ بالا پاسخ‌گوست. هنگامی که ناشر دیجیتال منتشر می‌کند خطر را بیشتر می‌کند. چون تشخیص دیجیتال با دیجیتال چگونه ممکن است؟ البته این را برای مصرف‌کننده می‌گوییم.

گفت‌وگو کننده: از دید شما مصرف کننده دارای این فرهنگ هست که فرض کنید تشخیص هم بدهد هنگامی که دست فروش کتاب را با قیمت پایین تری می فروشد. حسن پور: داستان در اینجا متفاوت می شود. در اتحادیه که صحبت می شد من این موضوع را با دوستانم مطرح می کردم؛ کار کتاب و نشر در این کشور همیشه مانند جای نزدیک به ساحل بوده است در واقع آب همواره از ما دور بوده است. ما به خشکی خو گرفته ایم و مخاطبان ما نیز این گونه هستند. اتفاقاً مخاطبان ما کسانی اند که به آن‌ها باور و اعتقاد دارم و جالب اینجاست که وضعیت اقتصادی کنونی بسیار بد است و همه چیز به هم ریخته است و ما خیلی صدمه می خوریم فروش کتاب هم پایین آمده اما نه به اندازه‌ی دیگر کسب و کارها. ناشر هنوز مشتری خود را دارد از روز نخست هم مشتری‌ها جزو کسانی نبودند که از روی شکم سیری کتاب بخرند. کتاب دارای مشتری و مخاطب خاص است اگرچه افرادی که در سبد کالایشان کتاب وجود دارد اندک‌اند اما همان شمار کتاب از نان شب برایشان واجب‌تر است. این تفاوت دارد آنجا که به شما می گویم آن که ۵ هزار تومان می خرد با دیگری متفاوت است اینجاست چون آن فرد نگاه فرهنگی دارد البته من در مورد همه این را نمی گویم مگر تمامی ناشران دید فرهنگی دارند که مخاطبان داشته باشند؟ در جامعه‌ی آماری چیزی که بیش‌تر است را تلقی می کنیم.

گفت‌وگو کننده: پس شما تقصیر را به گردن مصرف کننده نمی‌اندازید؟

حسن پور: خیر ابتداً. هنگامی که من با مصرف کننده حرف نزدیم و هنوز در مورد قاچاق سخن می گویم متوجه منظور من نشده است. زمانی ممکن است شما بگویید من می‌خواهم کولرگازی مارک فلان بخرم می‌گویید من قاچاق نمی‌خرم. بارهایی وجود دارد که از کردستان می‌آورند و احتمال دارد دویست تا پانصد هزار تومان برای شما ارزان‌تر تمام شود در واقع اصالت جنس همان جنس است و ۵۰۰ هزار تومان هم ارزان‌تر. هنگامی هم که می‌پرسید چرا ارزان‌تر است می‌گویند مالیات و گمرک و هزار مورد دیگر ندارد برخی از افراد از دید اخلاقی این را درست می‌دانند و شماری دیگر نمی‌دانند. افراد آینده‌نگرتر می‌گویند گارانتی معتبرتر می‌خواهیم و فلان و بهمان و در اینجا افراد از هم جدا می‌شوند. البته همیشه هم این گونه نیست که

کسی که این کار را انجام می‌دهد اخلاق‌مدار است و برعکس؛ اما گاهی ممکن است جنسی از آن سوی مرزها بیاید اما درون جعبه به جای این که کولر بگذارند آجر گذاشته‌اند و تحویل شما می‌دهند. اصلاً قاچاق برای من مفهوم نشد و آن را در مورد کتاب درک نکردم. از این واژه‌ها استفاده می‌کنند چون آسان است و بدون فکر آن را به کار می‌برند. شاید در ذهن خودشان هم معنی دیگری مدنظر دارند و این گونه بیان می‌کنند. خواننده اگر متوجه شود با خرید کتابی که ۵ یا ۱۰ یا ۲۰ هزار تومان ارزان‌تر است چه صدمه‌ای به چه فرایندی وارد می‌کند امکان ندارد آن را بخرد. من در ۹۹/۹ درصد در میان مخاطبان کتاب این حالت و درک و فهم را می‌بینم اگرچه افراد زیادی هم نیستند یک جامعه‌ی ۸۰ میلیونی بیشترین تیراژ کتاب در آنچه اندازه است؟ مثلاً اگر کتابی ۱۰۰ هزار نسخه چاپ شده می‌گویند کتاب بسیار پرفروشی بوده است. درحالی که تنها صد هزار جلد است شما هفتاد میلیون جمعیت دارید در این ۷۰ میلیون اگر از دید جامعه‌شناسی جامعه‌ی فعال را بررسی کنید نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ میلیون از این جمعیت فعال‌اند. یعنی نه بچه هستند و نه سالمند که در حال زندگی کردن هستند از این ۲۵ میلیون تن چند صد هزار عدد است. این مربوط به کتاب پرفروش است کتاب کم‌فروش که ۵۰ نسخه هم فروش نمی‌رود. افراد زیادی هم نیستند که بگوییم امکان ندارد می‌توان گفت امکان دارد و سبب تقویت این ادعای من می‌شود. ماهیت از دید من تا اندازه‌ای روشن شد.

گفت‌وگو کننده: کاملاً متوجه هستم که تفاوت در چیست منظور شما همان ماجراست که به جای کولر در جعبه آجر قرار داده‌اند و ما به اشتباه درک نادرستی از آن داریم.

حسن‌پور: اکنون باید ببینیم چه تأثیری خواهد گذاشت چون سرفصل‌هایی که شما مشخص کردید خود به خود وارد هم می‌شود و چاره‌ای هم نیست. این موضوع کجای کار را خراب می‌کند؟ ناشر در عمر حرفه‌ای خود از بیست تا سه و یا چهار هزار جلد کتاب منتشر کند. به‌طور نسبی آماری که ما داریم ۵ تا ۱۰ درصد از کتاب تولید ناشر در کشور ما پرفروش می‌شوند؛ یعنی به‌گونه‌ای که بتوانند بار دیگر کارها را به دوش بکشند. در اینجا آسیب اصلی را می‌خوریم یعنی چه؟ یعنی ۵ تا نهایت ۱۵

درصد و من به کتاب‌های پیش مخاطب و یا مخاطب ناچار مانند کتاب‌های آموزشی کاری ندارم و مخاطب برای انتخاب آن اختیاری ندارد و چاره‌ای جز خواندن آن ندارد. در این هم ما این مشکل را داریم و در این آمار لحاظ نمی‌شود. اگر بیاید شاید آن آمار بالاتر رود. در کتاب‌هایی که مردم گزینش می‌کنند و می‌خرند و می‌خوانند این شمار است و چرخه‌ی اقتصادی ناشر با این‌ها می‌چرخد. اگر این شمار را هدف قرار دهیم گویی شما خزانه‌ی ناشر را هدف گرفته‌اید. این موضوع حساسیت برانگیز می‌شود و در اینجاست که نشان می‌دهد این مسئله چه اندازه خطرناک است. چرا؟ ناشر کم‌کم ضعیف می‌شود پس از این که ضعیف می‌شود از کارهای حاشیه‌ای خود مانند تبلیغات و معرفی خود کم می‌کند و محافظه‌کارتر عمل می‌کند سپس در بازاریابی خود ضعیف‌تر می‌شود و تولید کتاب را پایین می‌آورد و به همین ترتیب که پیش می‌رویم می‌بینیم چیزی که در این میان فدا می‌شود و از بین می‌رود کتاب‌ها و قلم‌های نو است. در گذشته ناشر این‌گونه حساب می‌کرد که از ممر درآمد بودجه‌ای که در سال به‌دست می‌آورم بیست درصد از آن را برای قلم‌های نو می‌گذارم. جوان شاعر یا نویسنده و یا محقق و پژوهش‌گر یا ریاضی‌دان و یا هر رشته‌ی دیگری است و تاکنون هم کسی او را نمی‌شناخته است پسر خاله‌ی کسی هم نیست اما بچه‌ی دانشمندی است. ناشر می‌گفت گویی من این سود را نمی‌خواستم این به این بخش تعلق بگیرد تا بتوانم استعدادیابی کنم و افراد تازه‌ای را معرفی کنم. اکنون می‌بینید که تولید محتوای شما به صفر رسیده است. جالب است اگر به شمار کتاب‌هایی که منتشر شده است در خانه‌ی کتاب مراجعه کنید کتاب‌های تازه‌ی تألیفی ایران را ببینید چه تعدادند. نسبت دهشتناک است چون انگیزه‌ای وجود ندارد. ناشر چون جانی ندارد اقدامی نمی‌کند. می‌گوید همین اندازه که بتوانم موقعیت و برند خود را حفظ کنم سود بیش‌تر نمی‌خواهم. تنها بتوانم سرجای کنونی خود بایستم و پسرقت نکنم کافی است. جالب اینجاست که اصلاً کتاب تازه‌ای هم منتشر نمی‌کنند. نخست تولید محتوای داخلی از بین می‌رود و در این میان شهید شده است سپس ترجمه‌های تازه هم از بین رفت و سبک جدیدی از خلاف تازه‌ای هم در حال رشد است که در گذشته هم بود و آن کپی‌کردن ترجمه است. چرا؟ چون می‌بینند تنها ۵۰۰ کتاب

در بازار نشر پر فروش‌اند و نگاه که می‌کنید می‌بینید ۵۰ تا ۱۰۰ ناشر همان را چاپ کرده‌اند؛ یعنی شما هم قلم نو را می‌شکنید و ترجمه از کارهای تازه و ادبیات روز دنیا آشنا شویم که خبری نیست و اصلاً وجود ندارد. در واقع در حال رسیدن به بن‌بست فرهنگی می‌رسیم. کتاب‌ها تنها تجدید چاپ‌ها شده است که ای کاش همان هم درست باشد و فرد به‌راستی ترجمه کرده باشد و مترجم زحمت کشیده باشد این که رونویسی نشده باشد و متن درست باشد و تخلفات بسیار فاحشی که امروز متأسفانه با آن‌ها برخورد می‌کنیم. یکی از کتاب‌های ما را کپی کردند این قدر این خانم یا آقا ابله بودند یک بار کتاب را دست کم می‌خواندید مقدمه‌ای که من به‌عنوان ناشر در کتاب نوشته بودم و نامم نیز زیر آن بود هم کپی کرده بود. خیلی خنده‌دار است. برای نمونه ناشر دیگری بگوید این کتاب را فلانی و فلانی منتشر و شخصی هم ترجمه کرده است و کتاب را اسکن کرده‌اند من که مقدمه نوشته‌ام و با نام خود امضا کرده‌ام نیز در آن کتاب وجود دارد. این چه چیزی را نشان می‌دهد؟ نشان‌دهنده‌ی این است کسی که وارد این تجارت شده است اندکی شعور فرهنگی ندارد؛ و این خطرناک است. کسی که اصلاً شعور فرهنگی ندارد و یک تاجر فاسد است چه بلایی می‌تواند بر سر بازار فرهنگی شما بیاورد؟ از آن سو افراد نو قلم را از بین بردیم کتاب تازه‌ی ترجمه شده هم نداریم به سراغ مولف‌هایمان می‌رویم و می‌گوییم تاکنون شما بیست تا سی کتاب منتشر کرده‌اید چرا نمی‌نویسید؟ می‌گویند بنویسیم که چه شود؟ در گذشته می‌نوشتیم ناشر آن را سالی یک بار چاپ می‌کرد اکنون می‌نویسیم همه‌جا کتاب‌هایمان هست هرگاه نزد ناشر می‌روم آنجا وجود دارد قلم‌های جا افتاده‌ی پیشین هم کنار می‌گذاریم. پس قلم نو نداریم قلم‌های جا افتاده هم خودشان کار نمی‌کنند سودی ندارد ترجمه‌ی تازه و کار جدیدی در این حوزه هم نداریم نتیجه چه می‌شود؟ این که اکنون می‌بینید شما به سینما نگاه کنید یا به تلویزیون نگاه کنید در این دو، سه سال اخیر اگر همه‌ی پدیده‌ای که در فیلم و سینما دیده‌اید برای من نام بیاورید که در گذشته نمونه‌ی خارجی یا داخلی آن نبوده باشد. ما در مورد فرهنگ مکتوب سخن می‌گوییم. فرهنگ مکتوب پایه‌ی فرهنگ کشور است. نمایش‌نامه و فیلم‌نامه‌نویس و کارگردانان و مجریان، همه‌ی این افراد از یک

فرهنگ استفاده می‌کنند هنگامی که من تولید نمی‌کنم ناگهان می‌بینید شخصیتی در سال هزار و سیصد و هفتاد و اندی به نام آقای «میم» در تلویزیون ظهور می‌کند نویسنده‌ای هم بانام «ژ» داشتیم آن را می‌سازد هنوز نتوانستیم چیزی مشابه آن بسازیم. چرا نتوانستیم؟ چون نویسنده دیگر کار نمی‌کند. کلاً باطل است. جلسه‌ای گذاشتیم متأسفانه تمامی دستگاه‌ها باید همکاری کنند کارهایی که انجام شده و راه کارها و اقداماتی هم که باید انجام شود تا جایی که بدانم و تجربه‌اش را داشته باشم عرض می‌کنم؛ اما واقعیت این است که هنوز لمس نشده است. هنوز در حد این که من به‌عنوان مدیر فلان جا یا فرماندهی فلان جا از سوی به من می‌آید مقطعی باید آن را رد کنم يك کار کوچک انجام می‌دهم و تمام. آن را ادامه نمی‌دهم اگر ادامه دهم حل می‌شود مانند تمامی سیستم‌های فسادى که به وجود آمده است. مگر در مورد سی‌دی همین مشکل را نداشتیم؟ مگر حل نشد؟ به نقطه‌ای رسیدند یادم می‌آید در مورد این موضوع که در کارگروهی در اتحادیه کار می‌کردیم که با ارشاد گروه‌های صنفی مشترك بود شرکت داشتند پای ثابت آن نیز بودند. یکی از دوستان از معاونت سینمایی آمده بود از تجربیات خود می‌گفت که مانند ما تا جایی رفته بودند به آنجا که رسیدیم این همکاری که صورت گرفت توانستیم يك کار انجام دهیم. دست‌کم کاری کنیم تا هنگامی که روی اکران است سی‌دی آن فروش نرود و انجام هم دادیم. می‌گفت تا هنگامی که فیلم روی اکران است خیالمان آسوده است به محض این که سی‌دی می‌شود وارد بازار و کپی می‌شود. خیلی خوب است چون مقطعی که روی اکران هست. هزینه‌های فرهنگی ساخت فیلم را به دست می‌آوردی و این هزینه‌ها را به بدنه‌ی کسی که آن کار را انجام داده پمپاژ می‌کنید. از صداپردار و فیلم‌بردار و نویسنده و کارگردان و... در مورد کتاب هم به همین صورت است اگر از این حفاظت نشود چندی دیگر نویسنده و ناشر و مترجم نداریم و به کلی کار باطل می‌شود. ناشران کارشان را تعطیل می‌کنند چون دلیلی برای بودن و ادامه دادن ندارد. این هزینه‌ی هنگفت را متقبل شوند و این تعداد کتاب منتشر کنند و در پایان هم دو کتاب از تمامی کتاب‌هایش گل کنند و همان‌ها را به اصطلاح شما آقای قاچاقچی چاپ و تکثیر کند. چرا می‌تواند ارزان‌تر بفروشد؟ همیشه بحث می‌کنیم دوستان

می پرسند فلانی کتاب صفحه‌ای چند تمام می‌شود؟ می‌گویم این ناشیانه‌ترین و توهین‌آمیزترین پرسشی است که می‌توان پرسید. اگر حساب کنم شما دانایی ندارید می‌گویم ناشیانه والا همان توهین‌آمیز است. می‌پرسند چرا؟ چون کتاب چیزی است که زمین تا آسمان متفاوت است. ممکن است مترجمی کتابی را از شما بگیرد و صفحه‌ای دو هزار تومان ترجمه کند. مترجم دیگری ۸۵۰۰ تومان و مترجم دیگر ۱۵ هزار تومان و مترجم دیگر ۲۵ هزار تومان. این پرسش اصلاً مفهوم نیست. تنها یک بخش از کار محاسبه شدنی است و آن بخشی است که کاغذ می‌خرید و صحافی و زینک و حروف چینی می‌کنید تمام. حتی حروف چینی؛ جالب است بگویم کتابی داریم نویسنده تایپ می‌کند ناشر بدون این که بخواند صفحه‌بندی می‌کند و به ارشاد می‌دهد و مجوز می‌گیرد و منتشر می‌کند. ناشر دیگری نخست از آن پرینت می‌گیرد و می‌خواند سپس ایرادها را به نویسنده می‌گوید که آن را بازنویسی کند دوباره بیاور. نویسنده برای بار دوم آن را می‌آورد ناشر آن را برای درست و کار کردن به ویراستار می‌دهد و ویراستار چند پرینت روی آن کار می‌کند و بعد نمونه‌خوان آن را بازخوانی می‌کند یعنی یک پروسه‌ی بلندی است. ناشری که نمونه آورد اصلاً هیچ‌یک از این فرایندها را نداشت و ویراستاری هستند که هر صفحه‌ی A۴ را ۵ هزار تومان می‌گیرند و ویراستار و نمونه‌خوان و چه و چه و این چندین و چند بار غلط‌گیری کردن‌ها هزینه دارد. استاندارد کتاب در تمام دنیا ۵ اشتباه در هر صفحه است ایرادی هم ندارد اما ناشران کوشش می‌کنند این هم نباشد اما هنگامی که کتابی را می‌بینید که از اول تا پایان آن اشتباه است یعنی حتی یک‌بار هم نمونه‌خوانی نشده است. گفت‌وگو کننده: طبیعی است بسیار ارزان‌تر تمام می‌شود.

حسن‌پور: اصلاً خنده‌دار است. کسی که از من می‌پرسد هر صفحه چند تمام می‌شود می‌گویم چه می‌گویید؟ حرفتان برای من مفهوم نیست. یا ناشیانه است و یا توهین‌آمیز. موضوعات هم متفاوت است. ساده‌ترین کار حروف چینی است؛ یک متن ساده است می‌بینید این متن ساده را طرف بیست بار خوانده است بارها شده و ویراستار و نویسنده با هم درگیرند این درگیری ایرادی ندارد چالش‌های حرفه‌ای است و باید انجام شود اما هر یک‌بار که ویراستار به نویسنده می‌دهد و نویسنده به

ویراستار تحویل می‌دهد در واقع يك سری پرینت در رفت و برگشت است حروف چین يك دوره ۴۵۰ صفحه می‌زند، غلط‌گیری يك دوره‌ی دیگر غلط‌گیری دوم و سوم و چهارم؛ نویسنده هم مدام دوست دارد آن را زیباتر کند ویراستار هم کار خود را انجام می‌دهد و به هرروی این ذات کار ماست. ناشران مانند پانوسازها هستند و یا سازهایی که کارخانه‌ای هستند و سازی وجود دارد که دستی ساخته شده است تفاوت میان ناشر آن‌هم به همین شکل است. این مواردی که بیان کردم در مورد ناشرانی بود که قانونی کار و عمل می‌کنند. فرض کنید شما تمامی این فرایندها را انجام داده‌اید کتاب را منتشر کرده‌اید دیگری این را اسکن و چاپ می‌کند. بنابراین هیچ‌یک از این هزینه‌ها را ندارد. نه حق ترجمه‌ی صفحه‌ای به مترجم می‌دهد نه حق تألیف و نه حق ترجمه و تألیفی درصدی پرداخت می‌کند. نه حقوق ویراستار می‌دهد و نه بابت حروف چینی پولی پرداخت می‌کند. این‌ها هزینه‌های فراوانی هستند که دیده هم نمی‌شوند. به جرأت می‌گویم اگر با کاغذ برابری نکنند کم‌تر هم نیست. این درصد از کتاب تلورانس ۱۵ تا ۳۰ و ۳۵ درصد بازی می‌کند. این کسی که تکثیر غیرقانونی می‌کند هیچ‌یک از این هزینه‌ها را ندارد. تألیف و ترجمه هم اگر بخواهید درصدی حساب کنید از ۷ تا ۲۵ درصد داریم. با يك حساب سرانگشتی تکثیرکنندگان غیرقانونی ۵۰ درصد هزینه‌هایشان پایین‌تر است. هیچ‌یک از این‌ها را ندارد. افزون بر این‌ها بیمه و مالیات هم ندارد و کارکنان به شکل قانونی هم ندارد چرا که اصلاً نمی‌تواند کارش را به صورت قانونی انجام دهد. خواهرش و برادرش و فامیل‌هایش را زیر پله‌ای جایی مستقر می‌کند چون باید جایی باشد که دیده نشوند چون اگر دیده شوند برایشان مشکل ساز خواهد شد. از همه بدتر این است که ملزم به این نیست که باید از هر کتاب ۵۰۰ نسخه چاپ کند. کار به جایی رسیده که به مغازه‌ی طرف می‌گوید این را می‌خواهم می‌پرسد چه تعداد می‌خواهید می‌گوید دو نسخه می‌گوید اگر يك دوری بزنید آماده است. یعنی حتی پول ۵ جین کاغذ را هم نمی‌خواهاند. فایل پی‌دی‌اف دارد جلد را نیز اسکن شده آماده دارد. این شخص که میدان انقلاب را دور می‌زند کتاب را با دستگاه‌های سری که چاپ می‌کنند اگر اشتباه نکنم دقیقه‌ای ۷ تا ۸ جلد کتاب چاپ می‌کند. فایل را چاپ می‌کند و مانند نان بربری داغ کتاب را

تحویل می‌دهد. مشخص است این رقابت اصلاً برابر نخواهد بود.

گفت‌وگو کننده: اصلاً رقابت درستی نیست و نباید وجود داشته باشد.

حسن‌پور: این فساد کامل است که هم ناشر را از بین می‌برد و هم نویسنده و مترجم را. از همه مهم‌تر تولید محتوای فکری جامعه را نابود می‌کند. جمعه به روز نمی‌شود. سال‌های ۱۳۷۳ و ۷۴ واژه‌ای به نام پاچه‌خواری به وجود می‌آید هنوز در سال ۹۷ وجود دارد به این معناست که جامعه در حال درجا زدن است. تولید واژه و مفهوم انجام نداده‌ایم چه به لحاظ طنز و چه جدی. هنگامی که این همه فیلم تولید می‌شود و مردم هم بندگان خدا تماشا می‌کنند بهترین‌های آن‌ها را که می‌بینید متوجه می‌شوید فیلم‌نامه‌اش از فلان فیلم دنیا در سال فلان کپی شده است. تولید محتوایی نکرده چون برایش نمی‌صرفد.

گفت‌وگو کننده: درواقع فرهنگ مکتوب ما ضعیف است که فیلم‌نامه ندارد.

حسن‌پور: چشمه‌ی فرهنگ مکتوب خشک شده است. این هم می‌بیند نمی‌تواند باید به چه کسی مراجعه کند؟ اگر تمامی ترانه‌های و آهنگ‌های خواننده‌ها در پیش و پس از انقلاب را ببینید اگر می‌بینید نام شاعر هم بسیار پررنگ در کنار آن قرار می‌گیرد به این دلیل است که فرهنگ مکتوب وجود داشته است.

گفت‌وگو کننده: ترانه و شعر مهم بود؟

حسن‌پور: اکنون طرف افتخار می‌کند که شعر و آهنگ به خودش تعلق دارد خودش هم ساز می‌زند و می‌خواند و می‌رقصد. جدا خنده‌دار است بعد می‌پرسیم شما چند سالتان است می‌بینید هفده ساله است. این‌هایی که شما مطرح کردید هر يك نیازمند گولی در آن حوزه است. آهنگ‌سازی و تنظیم و شعر نیازمند کار فراوان و گذاشتن عمر است. می‌گویید این حرف‌ها چیست من با يك کامپیوتر تمامی این کارها را انجام می‌دهم. چه می‌کند؟ نت آهنگ‌های مختلف را برمی‌دارد و از هر شعری هم يك خط بیت برمی‌دارد و تمام. این گونه آهنگش را که گوش می‌کنید می‌بینید همه چیز آن کپی است. همه‌ی آهنگ‌ها شبیه به هم هستند و متوجه نمی‌شوید که این آهنگ جدید است یا قدیمی. همه به همان دلیلی است که عرض کردم و چندین سال است شروع شده چون با آن مقابله هم نشد بدتر هم خواهد شد.

گفت‌وگو کننده: اجازه دهید گامی به جلو رویم تا اینجا در مورد ماهیت و زمینه‌های این پدیده گفت‌وگو کردیم

حسن پور: کاملاً روشن شد؟

گفت‌وگو کننده: برای من خیلی جالب بود. در واقع شما تصویری درست کردید که من تاکنون نداشتم. در اینجا می‌خواهم در مورد عوامل مؤثر در این پدیده صحبت کنیم. مباحث زیادی مطرح است برخی آن را به عوامل اقتصادی مربوط می‌دانند و برخی دیگر فرهنگی. در میان بحثان به مواردی اشاره کردید؟

حسن پور: عامل اقتصادی اصلاً عامل این کار نیستند. چون تفاوت این‌ها صفر است. خنده‌دار است اگر بگوییم در برابر دانشگاه تهران کتاب خود من را زدند کتابی که من چاپ کرده‌ام آن را روی آسفالت می‌سابند روی کتاب خط می‌اندازند و می‌گویند این سانسور شده نیست آن‌که در مغازه وجود دارد سانسور شده است. این فاجعه است. قیمت کتاب من ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان است و دست‌فروشان ۵۰ هزار تومان می‌فروشند. این به این دلیل است که ما در مدیریت فرهنگی نتوانستیم اطمینان مردم را جلب کنیم. چگونه می‌توانند چنین کلاهی سر مردم بگذارند؟ طرف فکر نمی‌کند که این ناشر وجود دارد کتاب هم که هست همان صفحه هم هست چگونه می‌گوید این اصل است و آن فرع. یک‌بار نمی‌پرسد کجای آن عوض شده است؟ چون به دست‌فروش بیش از شما اعتماد دارد. باید به این دقت کرد. بنابراین من عامل اقتصادی را دخیل نمی‌دانم. عامل اقتصادی دانستن نشانی نادرست دادن است. هیچ‌گاه هم به مسیر درستی نمی‌رسیم. این با خرید بلیتی که ۲۰ هزار تومان است هزار تومان کپی کنید متفاوت است. چون به‌هرروی کاغذ قیمت دارد و طرف پایین‌تر از ۵۰ درصد نمی‌تواند قیمت بزند چون مواد را مصرف می‌کند چون کاغذ و مقوا را باید خریداری کند. پس نخست یک بی‌اعتمادی عمومی و فرهنگی وجود دارد دوم بی‌اعتمادی بدعملی یا کم‌عملی از هر دو سوی فرهنگی اجتماع چه طبقه‌ی حاکم و چه طبقه‌ی شبه روشن‌فکر.

گفت‌وگو کننده: یعنی چه؟

حسن پور: تیپ روشن‌اندیشان ما که می‌گویید ده تا بیست کتاب دارم نویسنده

نوشته و دو جلد از آن اجازه‌ی انتشار گرفته است و دوست دارد این ۱۸ جلد باقی مانده به دست مردم برسد و این حس بغض درونی است تعریف من در مورد کتاب قانونی و غیرقانونی‌ای که در موردش سخن گفتم در اینجا معنا پیدا می‌کند فلسفه‌ی آمدن کتاب در بازار این گونه شد کتاب‌هایی که اجازه‌ی انتشار نمی‌گرفت وارد بازار سیاه می‌شد. در دوره‌ای کتاب‌های بیش‌تری اجازه‌ی چاپ گرفتند ما تجارتنی به راه افتاده بود. فرهنگ کنار خیابان خریدن کتاب به وجود آمده بود. عدم اطمینان به ساختار فرهنگی کشور اما این فرهنگ که سر جای خود است. شما می‌گویید فلان کتاب مجوز نگرفته است می‌گویند در بازار هست می‌گویند نیست هرچه شما پافشاری می‌کنید که به خدا همان است می‌گویند نه باور نمی‌کند. از دید من هر دو سو مقصرند. یکی از استادان نویسنده که به ایشان بسیار ارادت دارم تعداد قابل توجهی کتاب داشت که به چند تعداد از آن‌ها اجازه‌ی چاپ نداده بودند. آن زمان بود که من می‌گفتم می‌خواهیم برای مردم تیزر فرهنگی بسازیم که چه کاری نکنند و می‌خواهیم از شما خواهش کنیم در این تیزر با مردم سخن بگویید. ایشان گفت کتاب‌هایی که اجازه‌ی انتشار ندارند چگونه به دست مردم برسد؟ به ایشان گفتم از این کتاب‌هایی که دارید ده درصد اجازه چاپ نمی‌گیرد اما مردم از ۹۰ درصد از نوشته‌های شما استفاده می‌کنند. باید به این ۹۰ درصد بچسبیم و آن ده درصد در خارج از کشور منتشر شود و کسانی که در خارج از ایران هستند آن‌ها را بخوانند. شما با اصل موضوع مخالفت کنید. چون اگر این کار را نکنید روزی ما آسیب می‌بینیم و این را دیدیم. همین بزرگوار روزی به من زنگ زد و گفت شما در اتحادیه هیچ کاری انجام نمی‌دهید گفتم به یاد دارید آن شب با هم سخن می‌گفتیم من از شما خواهش کردم يك تیزر تلویزیونی درست کنیم شما چهره‌ی سرشناسی هستید و به تکثیر غیرقانونی کتاب نه بگوییم نه تنها شما بسیاری از نویسندگان و افراد مشهور در این مورد سخن بگویند و در سینماها آن را پخش می‌کنیم. نخست باید مردم را تاندازه‌ای توجیه کنیم که داستان چیست و بعد بگیر و ببند که صورت می‌گیرد رخداد دیگری به وجود نیاید. نبود اطمینان فرهنگی ایراد دیگری هم دارد ما با پیگیری‌هایی که انجام دادیم چند باند بزرگ از این افراد را پیدا کردیم کوشش مشترك میان ارشاد

و اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران، اماکن و پلیس امنیت بود باور نمی‌کنید هنگامی که وارد کتاب‌فروشی می‌شدیمف البته ما که نه معمولاً بازرسان این کار را انجام می‌دادند کتاب قاچاق به تعبیر شما را می‌گرفتند زمانی که می‌خواستند جنس را ببرند و به‌صورت موقت مغازه را تعطیل کنند تا مسائل قانونی آن انجام شود مردم معترض می‌شدند که چرا کتاب‌فروشی را می‌بندید می‌بینید؟ ما ساختاری مشکل داریم. یعنی اطمینان ندارند و فکر می‌کنند آن کتاب‌فروش فرد خوبی است و شما به بهانه‌ی این که کتاب غیرقانونی را می‌گیرید اعتراض می‌کنند متوجه هستید؟ از این موارد بسیار بود. در جلساتی که با دوستان گفت‌وگو می‌کردیم آخرین آپشن ما این بود که بی‌بی‌سی و VOA چه می‌کنند. یکی از کارهایی هم که یک یا دو ماه پیش انجام شد این بود که حرکت بسیار بزرگی بود بالای دو میلیارد تومان یک نفر کتاب مردم را چاپ کردند.

گفت‌وگو کننده: کتاب چی؟

حسن‌پور: کتاب مردم. بالای دو میلیارد تومان آن را انبار کرده بودند. یعنی هیچ ناشری نبود که جزو این گروه که کتاب‌هایش را چاپ کرده بودند باشد و ما را که می‌دید نگوید دستتان را می‌بوسیم؛ اما جالب است هنگامی که انعکاس رسانه‌های خارجی را که می‌دیدید خنده‌تان می‌گرفت. آقا گرفتند و بردند کتاب‌فروشی‌ها بسته شد ناشران در حال قلع و قمع شدن هستند و یک چیز بسیار شگفت‌انگیزی. اشکال کار اینجاست هنگامی که نمی‌توانید وقایع کشور را تبیین کنید و اطمینان دیگران را جلب کنید برخی از افراد مخالفند و دنبال سوژه برای کوبیدن شما می‌گردند. این سوژه است و چه چیزی از این بهتر. کتاب و کتاب‌فروشی و بحث فرهنگی و سانسور فکری بهترین سوژه است. البته در این بخش ما مقصریم. در واقع هیچ‌گاه فرهنگ‌سازی نکردیم و هرگز حرف نزدیم چه ایرادی دارد اگر بی‌بی‌سی و صدای آمریکا فلان حرف را می‌زنند ما هم در رسانه‌ی ملی در مورد همان حرف بزیم و مردم را نسبت به آن دروغ‌ها آگاه و روشن کنیم. این کتاب مربوط به این ناشر بدبخت است و غیرقانونی از آن تکثیر کرده‌اند و تمام ماجرا را با صداقت و راستی برای مردم توضیح دهیم. ما این افراد سودجو را دستگیر کرده‌ایم.

گفت‌وگو کننده: خیلی هم خوب است.

حسن‌پور: ناشر از این موضوع شادمان شده است و از ما قدردانی می‌کند چرا ما این کار را انجام نمی‌دهیم؟ می‌دانید چرا این کار را انجام نمی‌دهیم؟ باید به این موضوع فکر کرد. چون همیشه گمان می‌کنیم ورود ما به این موضوع کار درستی نیست. بنابراین در میان عواملی که گفتید بی‌اعتمادی بسیار زیاد میان هر دو سو وجود دارد. نبود مسئولیت‌پذیری مشخص یعنی هر کسی مسئولیتی که بر عهده‌اش است را بپذیرد اما افراد در ایران مدام می‌خواهند از زیر بار مسئولیت کنار روند چون در این میان از هر سو نهادها زیر فشارند. فلان نهاد امنیتی می‌گوید تنها به کتابی فلان کاری داشته باشید این‌گونه است اما با مردم که صحبت می‌کنیم می‌گویند این‌ها گفته‌اند تنها فلان کتاب را جمع کرده‌اند پس تکلیف فلان کتاب چه می‌شود؟ تمام این فلان‌هاست که من عرض کردم در فلان کشور اروپایی کاری ندارد در سی‌دی چیست. می‌گوید شما کپی کردید بنابراین مجرم هستید و تمام. کپی کرده‌اید باید به زندان بروید و در مورد پس از آن و اتهامات احتمالی بعدی سخن می‌گوییم. برای نمونه در آنجا اگر فیلم پورن باشد و بگیرید و سن نخورده باشد غیرقانونی است و طرف را به خاک سیاه می‌نشانند. در واقع در حکم اولیه شما را برای کپی کردن دستگیر می‌کنند و سپس به مراحل بعدی رسیدگی می‌کنند. این رویداد باید در اینجا رخ دهد. برخی از قضات در این مورد بحث دارند قاضی می‌گوید البته شاید به دلیل نقص قوانین هم هست چون قوانین ما همه قانون‌هایی هستند که طرف می‌تواند از زیر بار آن فرار کند و البته می‌تواند فرار هم نکند و ما با فشار مانع از فرار کردن شخص خاصی می‌شویم. چرا وزارت ارشاد قوانین تازه‌ای وضع و لایحه نمی‌کند به دولت و مجلس ببرد و به قانون تبدیل شود؟ مصداق ما این‌ها هستند. شوخی هم نداریم قاضی هم بر اساس آن حکم می‌دهد و اگر این کار را انجام ندهد و کیل به او فشار می‌آورد که این بند قانونی است و شما باید حکم دهید. شخصی کتاب را از سایت خریداری کرده است و برای او فلان کتاب فاکتور شده است فاکتور آن را دارد کتابش را تحویل گرفته است شخص متخلف فاحش است قاضی می‌گوید از کجا معلوم است همین کتاب را برای او فرستاده‌اید؟ درحالی که وقتی شما دزدی

را دستگیر می‌کنید قاضی هیچ‌گاه نمی‌پرسد از کجا معلوم که این شخص در حال دزدی بوده است؟ شاید می‌خواستند از ماشین شما آب بردارد و بخورد. دزد را می‌گیرند شما شکایت می‌کنید که فلانی از من دزدی کرده و او را دستگیر می‌کنند پلیس او را در محل دستگیر می‌کند شب را در کلاتتری می‌ماند و فردا به دادگاه می‌رود و تمام. قاضی از دزد نمی‌پرسد آیا به‌راستی شما دزدی کرده‌اید؟ یا آقای کلاتتری ثابت کنید این فرد دزدی کرده است. آقا ما این شخص را در حین ارتکاب دستگیر کرده‌ایم. این شاید خلأ قانونی است و یا نبود توجیه و یا این که اصلاً نمی‌خواهیم خود را وارد ماجرا کنیم. این قدر مسائل پیچیده داریم که به این موضوع نمی‌رسیم هر چیزی می‌تواند باشد. در واقع هنوز سیستم قضایی و پلیس ما در مورد این موضوع توجیه نیست. می‌گویند کتاب می‌فروشد یعنی چی؟ بله کتاب می‌فروشد اما کتاب به دیگری تعلق دارد. اگر من کنار خیابان طلا بفروشیم خوب طلا می‌فروشم کار خاص و بدی که انجام نمی‌دهم. این گونه است که اگر کسی بخواهد از من طلا بخرد فاکتور طلافروشی می‌خواهد این نیز خلأ قانونی است. کسی که هدیه گرفته است باید چه کند؟ همه‌ی ما در خانه‌هایمان چنین افرادی را داریم شخصی دو یا سه یا ده سکه و اکنون هم بیشتر در عروسی‌ها هدیه گرفته‌اند مگر کسی فاکتور می‌دهد؟ طلافروش هم این را می‌داند. ما خلأهای فراوانی داریم که از روی آن قل می‌خوریم و می‌توان از روی آن سر خورد اما در مورد کتاب به‌صورت فاحش با این موضوع درگیریم البته راه هم دارد کارگروه درستی تشکیل شود قوانین را آماده کنیم ما این قدر با قاضی و وکیل و دادسرا کل کل کردیم تمام خلأها را استخراج کرده‌ایم و متوجه شده‌ایم کنون داسرای ویژه‌ی کتاب داریم که تنها روی این موضوع کار می‌کنند. به اندازه‌ای توضیح داده‌ایم که نگفتی است و البته بازهم شبهاتی به وجود می‌آید و بازهم قاضی در حکم صادر کردن شك دارد.

گفت‌وگو کننده: شما گفتید تاکنون کارهایی انجام شده است و کارهایی هم ایده‌ی شماست که گمان می‌کنید باید انجام شود اگر ممکن است در این مورد پیش‌تر توضیح دهید.

حسن پور: جلب اطمینان فرهنگی.

گفت‌وگو کننده: چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟

حسن‌پور: بسیار ساده است. کارگروهی که تشکیل دادیم کارگروه صیانت بود در آنجا اتحادیه روی ارشاد می‌انداخت و برعکس. چون هر يك ناتوانایی‌هایی داشتند. ارشاد به دلیل مسائل سیاسی که می‌توانست مشکلاتی را برای دولت در پی داشته باشد دقت کنید مشکل ما هم‌اینک این است در برخی جاها تلاش می‌کرد از بحث‌ها حرکت کند. اتحادیه به‌عنوان يك نهاد مردم‌نهاد نمی‌دانست باید چه کند. مطالبات صنفی را پیگیری کند. اتفاقاً اتحادیه پای کار است و می‌گوید من هستم بازرس هم خواهد آمد و فلان و بیسار کار را انجام می‌دهیم. اکنون به مرحله‌ی خوبی رسیده‌ایم با جایی رسیده‌ایم که به پیگیری حقوقی رفتیم گفتند فرد خاطی را پیدا کنید تا بتوانیم او را پیگیری حقوقی کنیم. ما باید به سمتی حرکت کنیم که این را يك جرم کاملاً محرز تلقی کنیم اگر شما کلید بیندازید و کسی در منزل شما باشد چیزی هم ندزیده باشد به کلاتری زنگ بزنید بگویید دزد را گرفته‌ام نمی‌گوید ثابت کنید دزد بوده است. او را دستگیر می‌کنند و می‌برند. قاضی هم از شما چنین پرسشی نمی‌کند. قاضی از شما می‌پرسد چیزی دزدیده است اگر شما فرد منصفی باشید می‌گویید هنوز نمی‌دانم. اینجا آن فرد است که باید ثابت کند در خانه‌ی شما چه می‌کرده است. اگر خلاً قانونی ما با ایجاد لایحه و وضع قانون مانند همان دزد شود قاضی می‌داند چگونه رفتار کند و این موضوع ریشه‌کن می‌شود. جریانی که این‌ها درست کرده‌اند جریانی برابر با ناشران نیرومند مملکت است. گاهی حتی از برخی از ناشران قوی ما نیرومندتر هستند. چرا؟ نه اخلاق دارند؛ یکی از نویسندگان خوب ما را تهدید کرده‌اند و گفته‌اند می‌کشیمت. خیلی راحت. همین دست‌فروشان خیابان انقلاب او را کتک زدند. دست‌فروشان خیابان انقلاب ۷۰ تن هستند که از سوی يك نفر مدیریت می‌شوند. داخل دفترشان که می‌شوید تفنگ بالای سرشان قرار داده‌اند و شوخی هم ندارند. تگ‌زاس هستیم اما در تهران با شما سخن می‌گوییم. این که شما تمام این‌ها را می‌دانید و چیزی نمی‌دانید باید دنبال این باشید که کجای کار می‌لنگد. فرهنگ‌سازی خوبی که باید انجام شود این است که صداوسیما باید وارد کار شود؛ این را باید مفهوم کنیم که نباید در مورد کتاب خوب و بد صحبت کنند

یا فیلم خوب و بد نباشد با این موضوع صحبت کنید که اگر اکنون حمایت نکنید اکنون کتاب فلانی را تکثیر می کنند و فردا کتاب شما را. سینمایی ها چه زمانی حرکت کردند؟

گفت وگو کننده: هنگامی که مخاطباتشان بسیار کم شده بود.

حسن پور: گمان کنم زمان فیلم اخراجی های دو یا سه بود که احساس کردند جریانی سیستماتیک به این شکل با سینما مبارزه می کند. بنابراین پشت داستان ایستاد و آن را ریشه کن کردند. اگر اراده وجود داشته باشد از بین بردن این موضوع کاری ندارد؛ اما هنگامی که من به عنوان صداوسیما به دلیل توجیه نشده چون ما ادبیات گفت وگو نداریم ارشاد به کتابی مجوز داده من هم برای خود این شأن قضاوت را قائلم که آن را بررسی کنم در صورتی که اصلاً به من ربطی ندارد. نهادی بانام ارشاد این مجوز را داده است. یا آن را می گیرم چون صلاحیت من از ارشاد بیش تر است و آن را دقیق بخوانم و همه را حذف کنم یا اگر این کار را نمی کنم دست کم به قانون احترام بگذارم اما این گونه نیست. گاهی در حاشیه من واژگانی شنیدم که اصلاً باورم نمی شود. نام پدر را فراموش کردم نمی گویم این موضوع فراگیر است اما این داستان مانند نمک هایی است که لابه لای یخ می ریزیم یخ چگونه منهدم می شود این هم همان تأثیر را دارد. روابط فرهنگی ما بدین شکل در حال از بین رفتن است. درحالی که موضوع حل شدنی است. برای نمونه شما نقد دارید و می گویند نباید اجازه می دادید این کتاب منتشر شود برای من متنی بنویسید تا من به بازرس بگویم آن را بار دیگر بررسی کند و اگر جایی از آن ایراد دارد اصلاح می کنیم. من در جایگاه ارشاد بیان می کنم شما نهاد نظارت مرا سبک نکنید من بر اساس قانون در اینجا هستم. ممکن است بررس متوجه نشده باشد به من بگویند. در نهایت این است که می گوئیم هزار نسخه منتشر کرده اید پول آن را پرداخت می کنیم و به ما تحویل دهید. هر دو سو حرف خود را بدون اعتنا به دیگری می زنند درواقع دو جای مختلف دیدگاه های خود را بیان می کنند بدون این که گفت وگویی باهم انجام داده باشند و رویدادی که رخ می دهد به همه مربوط است. این موضوع در مورد پدیده ی کتاب اصلاً به کتاب های، از کتاب های خیلی خوب رمان، دانشگاهی، مذهبی،

در واقع خوب‌های همه‌ی رشته‌ها و کسی هم که این کار را می‌کند تفاوت میان کتاب ریاضی و رمان را متوجه نمی‌شود هر چه می‌خرند چاپ می‌کند. بنابراین او از دید ایدئولوژیک ساختاری فکری ندارد مانند این که سیب‌زمینی می‌فروشد حالا یک سیب‌زمینی سبز یا زرد است و درون یکی اندکی سفیدتر است. در همین اندازه و او نیز در همین حد می‌فهمد. این من هستم که باید این اجماع را به وجود آورم. من هستم که متولی فرهنگی کشورم دیگری متولی امنیتی کشور است و به همین ترتیب ما باید باهم بنشینیم و مشکلاتمان را حل کنیم برون دهی‌ای که پایین می‌آید یکجا باشد. صداوسیما باید به این موضوع بسیار جدی کمک کند. این کار را انجام نمی‌دهد؟ سینماها زیر نظر وزارت ارشادند فیلم‌هایی که مجوز می‌گیرند زیر نظر ارشاد هستند یک پیام به اول همه‌ی آن‌ها افزوده شود کار فرهنگی انجام دهیم مردم آگاه شوند شما عاشق آن نویسنده یا ناشر هستید وارد صفحه‌اش می‌شوید و می‌گویید چرا نمی‌نویسید زودتر این کار را انجام دهید در صورتی که نویسنده از گرسنگی در حالت بدی است و در خانه‌اش نشسته است. پول اینترنتی که بخواهد لایک و کامنت شما را ببیند ندارد. اگر این را متوجه شوید آیا به‌راستی کتاب او را کنار خیابان می‌خرید؟ نمی‌خرید امکان ندارد این کار را انجام دهید. شما باید این را به مخاطب بگویید تا او روشن شود و خلأ قانونی و سیستم‌های امنیتی و پلیسی و نظارتی همه باهم به‌صورت یکپارچه عمل کنند. ما حرکات روبه‌جلوی بسیاری داشتیم این موضوع مانند حرکات در بازی پینگ‌پنگ است چون بحث فرهنگی است انعکاس بسیاری دارد؛ یعنی باید افرادی باشند که به محض کوچک‌ترین واکنش هر رسانه‌ای پاسخ دهند نه این که آن را خفه کنند. شاید بتوان رسانه‌های داخلی را خفه کرد اما رسانه‌های خارجی که با شما هم مشکل دارد را نمی‌توانید خفه کنید چرا که دنبال بهانه هم می‌گردد؛ اما به محض این که او گفت شما پاسخ داشته باشید داستان را به‌خوبی توضیح دهید چهار ناشر مشهور هم تأیید کنند ارشاد هم متوجه می‌شود هزینه‌ی کم‌تری خواهد داد و بیش‌تر می‌تواند سرمایه بگذارد. هماهنگی است که همه چیز را درست می‌کند. موضوع دیگر قانون کپی‌رایت است بله ما در ایران این قانون را نداریم و مشکل ما هم همین است اما به‌راستی در حال حاضر می‌توانیم در ایران این قانون را داشته

باشیم؟

گفت وگو کننده: از دید شما نمی شود؟

حسن پور: خیر

گفت وگو کننده: چرا؟

حسن پور: کدام کالا در ایران کپی رایت دارد؟ اگر از این واژه استفاده کنیم مانند قاچاق است در واقع یک واژه مانند قاچاق پیدا می کنیم. در این مملکت عجیب غریب عمل می کنیم. هیچ چیز در اینجا قیمت نداشت و نخستین چیزی که دارای قیمت شد کتاب بود و من نمی دانم چگونه چنین رخدادی روی داد. از دید خواب سرمایه و فلان جنسی که کاملاً بخواب و بیچاره بکن است قیمت ندارد از کتاب هفت و هشت ریال من نمی دانم این روش های روشن فکری که به اشتباه ساختارهای فرهنگی ما را ضعیف کرده است از کجا آمده است؟ اگر قیمت ماست امروز با فردا تغییر کرده باشد کسی اعتراضی نمی کند فقط می خواهد قیمت روی آن درج شده باشد اما کتابی که ۵ سال پیش منتشر شده را بخواند امروز بخرد می گوید ۵۰۰ تومان گران شده است. بی انصاف ظرف دو هفته قیمت ماست دو برابر شده است اعتراض نمی کنید و می گویند چون قیمت روی آن نوشته شده است ایرادی ندارد اما من پس از ۵ سال ۵۰۰ تومان کتابم را گران کرده ام ایراد دارد؟ این که ۵ سال کتاب من خوابیده است اشکالی ندارد؟ نمی خواهم دفاع کرده باشم یا حتی نکرده باشم اما می خواهم بگویم اینجاست که ما فرهنگ خودمان را ضعیف می کنیم. داستان کپی رایت هم همین است که یک کنوانسیون و قرارداد و تعهد بین المللی است که دارای ابعاد و چارچوب های بسیار بزرگی است. شما نمی توانید تنها درباره ی کتاب و فرهنگ وارد شوید بعد دمپایی ای که در امامزاده حسن با آرم نایک می خرید و چه می کنید؟ کپی رایت شامل همه ی این ها می شود. با مغازه ی ساندویچی ای که از همه جای آن سوسک بالا می رود و نام خود را کنتاکی گذاشته است چه می کنید؟ داستان بسیار پیچیده تر از این حرف هاست. در مصارف مختلف در ایران این مسائل را می بینید از موتور و ماشین و هواکش و ... هر چه ساخته می شود یک مارک خارجی روی آن می خورد. در مورد همه ی این ها باید پاسخ گو باشید. ایرادی ندارد پاسخ

می‌دهیم و راه اصلی و درست هم همین است اما رسیدن به این خط اصلی چندین الزام دارد که برخی از آن‌ها را داریم و بسیاری را نیز نداریم. ما هنوز در کشورمان قانون ضدانحصار نداریم. اکنون همه فکر می‌کنند کپی‌رایت یعنی این که درک شما از کپی‌رایت چیست که من می‌خواهم پژوهش شما را بخرم پژوهش گر هم هستید من می‌خواهم کپی‌رایت آن را از ناشر خارجی بخرم درک شما از این موضوع چیست؟ این یعنی چه؟

گفت‌وگو کننده: یعنی باید روی هر چاپ آن هزینه‌ای پرداخت کنید؟

حسن‌پور: یعنی در ایران این کتاب به من تعلق پیدا می‌کند.

گفت‌وگو کننده: بله حق برگردان آن به شما تعلق پیدا می‌کند.

حسن‌پور: این اشتباه است. داستان هم همین‌جاست می‌دانید این فکر شما ناشی از کجاست؟ جامعه‌ای که انحصار زده است این اندیشه در آن نهادینه شده است. من این امتیاز را خریده‌ام. اصلاً این گونه نیست او می‌گوید دو هزار نسخه از این کتاب را چاپ کنید هر جلد از آن را این اندازه می‌گیرم و به شما می‌دهم. شاید دو هزار و یک جلد ندهم و بخواهم آن را به دیگری بدهم. می‌دانید چرا؟ چون او دوست دارد به شما بدهد و سال‌ها با شما کار می‌کند. قوانین ضدانحصار است که در آنجا نیرومند است کنار او می‌ایستد و می‌گوید شما تمام کتاب‌هایت را به این ناشر داده‌اید باقی ناشرها باید چه کنند؟

اینجاست که غولی مانند ماکروسافت اینترنت اکسپلورر خود را در نصب الزامی می‌کند در دادگاه او را می‌خواهند که چه می‌کنید؟ دیگری می‌خواهد با فایرفاکس یا اپرا کار کند به شما چه ربطی دارد؟ آن را جمع می‌کنند و باید جریمه هم پرداخت کند. در ایران هیچ قانونی وجود ندارد یعنی اگر این قدرت را به کسی بدهید تمام نشر را جارو می‌کنند. می‌بینید ناشری تمامی امتیازها را خریده است و باقی ناشرها باید تعطیل کنند و به خانه روند. در همه‌ی کارها وضعیت به همین شکل است. کشوری که در آن ۴۵۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی دارد پول‌ها دست چه کسانی است؟ در دست مردم دو درصد از این پول است. این آمار است که به تازگی بانک مرکزی اعلام کرده است. من در صنعت شما کپی‌رایت کنید تمام آن تا ابد به

من تعلق دارد. در اینجا شما کاملاً از کار بی‌کار می‌شوید و باید تعطیل کنید. در آنجا اگر قانون کپی‌رایت دارند این قانون انحصار را نیز دارند. بنابراین چون ما در اینجا هیچ‌یک از این قوانین را نداریم نباید ناشیانه کاری کنیم که نشر کشور به کلی تعطیل شود. ساختار و نهاد تکثر در تولیدات فرهنگی یکی از مسائل مهم است و در تمام دنیا هم به همین صورت است.

گفت‌وگو کننده: در واقع باید روی تمامی این‌ها مطالعه شود؟

حسن‌پور: دقیقاً بله شوخی ندارد می‌توانید آن را امضا کنید اما کشور خود را بیچاره می‌کنید. چند فرد بسیار ثروتمند تمامی کارها را می‌خرند برای نمونه یک ناشر قوی در کشور که هم‌اینک دارای ۵ هزار عنوان کتاب است. فرض کنید ۵ هزار عنوان کتاب از ناشرهای متفاوت دارد کپی‌رایت ۳۰۰ تا ۴۰۰ عنوان از بهترین کتاب‌های دنیا را می‌خرد و تمام. ناشر دیگری هم ۳۰۰ عنوان دیگر می‌خرد و باقی باید بروند. مگر در تمام دنیا چند عنوان کتاب وجود دارد که ملت بخرند؟

گفت‌وگو کننده: مانند ایران خودرو و سایا انحصار به وجود می‌آید.

حسن‌پور: تمام شد. چرا ما در ایران ایران خودرو و سایا داریم؟ چون قوانین ضدانحصار نداریم بنابراین حمایت از تولید داخل که باید در تمامی کشورها کمک کند به ضرر ما تمام می‌شود. تمامی این‌ها نیازمند زیرساخت است. این که من بینم در تمامی کشورها حمایت از تولید داخل دارند و پس چه خوب است ما نیز همان را در کشور پیاده کنیم که نمی‌شود کپی و پیست می‌کنیم و تمام. باید به این افراد که این قوانین را در دیگر کشورها دیده‌اند بگوییم آیا دو خط پایین‌تر قانون را هم خواندید؟ خیر. مگر این هم بود؟ بله. بنابراین به غولی بدل می‌شود که نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. اگر آن را تعطیل کنیم ۳۰۰ هزار تن شورش می‌کنند تعطیل نکنیم باید وام و بهره و سود آن را خود شما پرداخت کنید قیمت را بالا یا پایین ببرد اصلاً چرا این‌گونه است چون قانون انحصار نداریم. نخست تعریف نکرده‌ایم که چه کسی این حرف را زده است. به محض این که به این اندازه رسید در سیستم فروشگاه و به صورت اتومات باید فاکتور با این درصد صادر کنید و ارائه دهید. قطعه‌ای که می‌خرید باید دارای این استاندارد باشد مهم نیست چه چیزی باشد اما باید این

استاندارد را داشته باشد. شما می‌دانید ما چه اندازه صنایع قطعه‌سازی در ایران خودرو داریم؟ در مورد این قطعه‌سازی‌ها قوانین انحصار نداریم من پسرخاله‌ی شما هستم و تمام هر چه می‌خواهید وارد انبار کنید و پول آن را نیز بگیرید. جنس دیگری ده برابر جنس شما کیفیت دارد ناز مرا نیز می‌کشد اما من يك هزار شما از او خرید نمی‌کنم و برای سه سال دیگر هم به او چك می‌دهم. این چه معنایی دارد؟ این فرد باید تعطیل کند و از این بازار برود و خود به خود تنها شما باقی می‌مانید؛ اما شما این قدر بزرگ می‌شوید که حتی من هم گرفتار شما می‌شوم. برای نمونه ایران خودرو گرفتار چند قطعه سازان بزرگ خود می‌شود. چرا؟ چون فضا به گونه‌ای نبوده که قطعه سازها باهم رشد کنند. فضا نابرابر است. جنس شما کیفیت نداشت اما از شما خرید کردم پول شما را نقد دادم از دیگری که جنس بهتری داشت خرید کم‌تری کردم. چك چند سال بعد را به او دادم و سبب عقب راندن او شدم. او جمع کرد و رفت. شما مانند کپی‌رایت هم به همین صورت است اگر قرار باشد فردا مانند قانون حمایت از تولید داخل تلقی شود انحصار و ضدانحصار در آن دیده نشود از چیزی که اکنون وجود دارد بدتر خواهد بود؛ اما بله برای این موضوع بسیار کارگشاست. چون ما با این معضل بزرگ غیرقانونی دعوا و جنگ داریم.

مصاحبه با آقای حسین زادگان

گفتگوکننده: گفت‌وگو با آقای حسین زادگان مدیر انتشارات ققنوس

نوزده شهریور ۱۳۹۷

با سپاس از شما. گفتگو را با موضوع ماهیت پدیده‌ی قاچاق کتاب از دید شما آغاز می‌کنیم. این که این پدیده چیست و دارای چه مختصاتی است و وضعیت ایران در این مورد به چه صورت است؟

حسین زادگان: اگر بخواهیم تنها در این مورد سخن بگوییم بحث ابتر می‌ماند؛ ما باید در مورد عواملی که سبب می‌شود حق نویسنده و ناشر از بین برود صحبت کنیم که یکی از آن تکثیر غیرقانونی در شبکه‌های مجازی است که مربوط به بحث ما نمی‌شود. یکی از عوامل شایعی که این روزها شایع و مد شده است برگردان‌های کپی است. یعنی به نام دیگری آن کتاب‌ها منتشر می‌شود اما هنگامی که مقایسه می‌کنید

می‌بینید همان ترجمه‌ها بازنویسی شده و به نام مترجم دیگری چاپ می‌شود. این متأسفانه وجهه‌ی قانونی دارد چراکه نهادی برای بررسی صحت و درستی ترجمه‌ها وجود ندارد. این‌ها با اعلام مجوزی که دریافت کرده‌اند می‌توانند در نمایشگاه‌ها حضور داشته باشند و آن‌ها را ارائه کنند ما نیز هنگامی که کتاب منتشر و پخش شد کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر حکم هم بگیریم این را با همان شناسنامه‌ی پیش‌منتشر می‌کنند و می‌گویند همان شماری است که از قبل وجود داشته است.

گفت‌وگو کننده: متوجه نشدم یعنی کتاب رسمی شما را کی نمی‌کنند؟

حسین زادگان: برای نمونه در مورد کتاب «ملت عشقی» که ما منتشر کردیم دیگری آن را با ترجمه‌ی آقای مهرداد انتظاری چاپ کرد ما کتاب را مقایسه کردیم و متوجه شدیم حتی يك ویرگول جابه‌جا نشده است. در این میان برخی بازنویسی می‌کنند و ویرایش می‌کنند تا کمی متفاوت‌تر از کتاب اصلی باشد اما این کتاب حتی این کار را هم نکرده بود. حالت دیگر این است که درست با آرم و لوگو و طرح جلد ما کتاب را منتشر می‌کنند و می‌فروشند. زمانی بود که این کتاب‌ها را تنها دست‌فروش‌ها می‌فروختند و محل برخورد زیادی نبود می‌گفتیم این کتاب افست نیست و در تیراژ محدود منتشر می‌شود و در عمل دست‌فروش‌ها این کار را می‌کنند؛ اما هم‌اینک بدین شکل نیست کتاب‌ها افست می‌شوند یعنی برای آن‌ها فیلم و زینک تهیه می‌شود. یعنی دست‌کم تیراژی که منتشر می‌کنند بالای ۲ تا ۳ هزار نسخه است. ما چندین و چند پرونده داشتیم که کتاب «ملت عشق» را با تیراژ بالا مانند ۲۵۰۰ و ۱۰۰۰ و ۸۰۰ و ۵۰۰ نسخه گرفتیم. این نمی‌تواند چاپ زیراکس باشد حتماً فیلم و زینک است و از سوی چاپخانه‌دار و صحاف و سلفون کش در این کار وجود دارند درواقع گروه و بانندی هستند که با همکاری هم این کار را پیش می‌برند. تمام آن‌ها نیز می‌دانند کاری که انجام می‌دهند خلاف است. یعنی هنگامی که چاپخانه‌دار می‌خواهد از او پول بگیرد پول چاپ معمولی را از او نمی‌گیرد چرا که آن را به عنوان کار قاچاق می‌داند. این کار را زیرزمینی و شبانه انجام می‌دهد و معمولاً این چاپخانه‌ها جایی نیستند که بتوان آن‌ها را دید احتمالاً زیرزمینی هستند. البته چاپخانه‌های قانونی‌ای هم وجود دارند که این کار را به صورت مخفیانه انجام

می‌دهند. شما گفتید از کجا شروع شد. این مسئله از پیش از انقلاب هم بود اما در گذشته به این صورت بوده است که کتاب‌هایی که مجوز و اجازه‌ی انتشار در داخل کشور را نداشتند و یا در خارج از کشور چاپ شده بودند را منتشر می‌کردند و می‌فروختند. اکنون به این مرحله رسیده است که کتاب‌های پرفروش را تکثیر می‌کنند و برای آن‌ها هم اصلاً تفاوتی ندارد که این کتاب دانشگاهی است یا رمان، ایرانی است یا خارجی نویسنده‌ی آنچه کسی است. تألیف یا ترجمه است، دولتی یا خصوصی است. هر کتابی که پرفروش است را این افراد منتشر می‌کنند. از کتاب «سیلور من» دانشگاهی گرفته تا کتاب‌های نهاد رهبری که در میان آن‌ها کتاب معارف آن تا کتاب‌های «سمفونی مردگان» و «ملت عشق» و «چهار اثر از فلورانس اسکاول شین» و به کلی کتاب‌هایی که مخاطب دارد را چاپ و تکثیر می‌کنند. مشکل از جایی زیاد شد که متأسفانه کتاب‌فروشی‌های بزرگ هم به این سمت و سو می‌روند. ما از شهر کتاب تا کتاب‌فروشی‌های بزرگ بر خیابان اصلی پرونده داریم یا نمایشگاه‌های بسیار زیادی که در مترو یا دانشگاه‌ها و دیگر مکان‌ها وجود دارد بیش‌تر کتاب‌های آن‌ها قاچاق‌اند.

گفت‌وگو کننده: شما می‌گویید این کتاب‌ها را درست مانند کتاب‌های شما منتشر می‌کنند آیا امکان تشخیص وجود دارد؟ کتاب‌فروش مقصر است؟ حسین زادگان: بله کتاب‌فروش می‌داند. هر کتاب‌فروشی که بگوید نمی‌دانستم حتماً دروغ می‌گوید. چرا؟ کتاب‌ها پرفروش ما دارای هولوگرام است یعنی از چاپ هفتم ملت عشق که متوجه شدیم پرفروش شده است هولوگرام زدیم. اکنون چاپ هشتم این کتاب است شما به‌عنوان کتاب‌فروش هنگامی که ببینید چاپ هفتم این کتاب را برای فروش می‌خرید شك نمی‌کنید؟ یا درصد تخفیف کتاب کاملاً روشن است. ۲۵ تا ۳۰ درصد آخرین حد تخفیف کتاب است اما هنگامی که به کتاب‌فروش ۵۰ تا ۶۰ درصد تخفیف پیشنهاد می‌شود متوجه می‌شود که این کتاب سالم نیست. از کجا این موضوع بیشتر شد؟ در دوران آقای احمدی‌نژاد مجوز بسیاری از کتاب‌های پرفروش را صادر نمی‌کردند و تنها مربوط به کتاب‌های ایرانی یا نویسنده‌های ویژه مانند عباس معروفی و مانند آن نبودند برای نمونه برای کتاب «عشق در زمان وبا» ی

مارکز، «ناتور دشت» سلینجر و کتاب‌های معروفی و بسیاری دیگر مجوز نمی‌گرفتند.

گفت‌وگو کننده: چرا؟

حسین زادگان: دولت احمدی‌نژاد به شماری از کتاب‌ها مجوز نمی‌دادند و سیاست ضعیف کردن ناشران خصوصی را در پیش داشتند. فهرست را نگاه می‌کردند که کتاب کدام ناشر پرفروش شده است آن‌ها را تک به تک ممنوع‌الچاپ می‌کرد.

گفت‌وگو کننده: یعنی سیاست این بود که ناشران خصوصی دولتی شوند؟

حسین زادگان: خیر ناشران خصوصی را می‌خواست ضعیف کند /

گفت‌وگو کننده: چرا این کار را می‌کردند؟

حسین زادگان: سیاست‌ها بدین شکل بود. جایی هم مطرح کردند که ناشرانی که با ما هستند بمانند و دیگران که با ما نیستند باید بروند. یعنی در عمل این حرف از سوی معاون وزیر گفته شد. که ناشران باید تلاش کنند در سیاست‌های نظام که البته ما اکنون هم در این سیاست‌ها کار می‌کنیم اما چیزی که آن‌ها تشخیص داده بودند اگر به آن‌ها نزدیک بودید اجازه‌ی کار داشتید در غیر آن صورت خیر. از نشر چشمه گرفته تا بسیاری دیگر که کتاب‌هایشان اعلام وصول نمی‌شد. نمی‌گفتند شما حق فعالیت ندارید اما کتابی را از شما اعلام وصول نمی‌کردند. یعنی هیچ کتابی از ما در خانه‌ی کتاب ثبت نمی‌شد. در این دوره این کار تشدید شد. ما هم گفتیم ما که نمی‌توانیم این کتاب‌ها را منتشر کنیم دست کم اجازه دهیم چاپ شود و مردم بخوانند. درست است سودی به حال ما ندارد اما به‌هرروی به دست مردم می‌رسد و این اشتباهی بود که در آن دوره مرتکب شدیم و با این موضوع جدی برخورد نکردیم. از آنجا بود که وقیح شدند و دایره‌ی انتخاب‌هایشان را گسترده کردند. یعنی اگر ما ده کتاب پرفروش داشتیم سه جلد از آن‌ها تکثیر می‌شد این موضوع برای آن‌ها جذاب بود و به قول معروف زیر زبان‌شان مزه کرد تا جایی که اکنون به سراغ هر ده کتاب رفته‌اند یعنی اگر هر کتاب پرفروشی وجود داشته باشد حتماً کپی آن نیز وجود دارد. این‌گونه نیست که بگویید با فلان ناشر یا نویسنده کاری ندارند. هر چه باشد تکثیر می‌کنند. این موضوع آسیب فراوان می‌زند. برای نمونه کتاب‌فروشان انقلاب یا از کرج به ما نامه نوشته‌اند که با این‌ها برخورد کنید. می‌گویند ما «ملت عشق» را

۳۵ هزار تومان می‌فروشیم و دست‌فروشی که در برابر مغازه‌ی من نشسته است آن را ۲۰ هزار تومان می‌فروشد. در عمل من امکان رقابت با او را ندارم ما نیز نمی‌توانیم قیمت را کم کنیم او حق تألیف و ریسک بازار را ندارد و هزینه‌ی برای انتشار کتاب به او تحمیل نمی‌شود و آسان‌تر می‌تواند کتاب را قیمت‌گذاری کند و آن را بفروشد. آبروریزی دیگری که برای ما وجود دارد این است که در هفته چندین و چند تماس داریم که می‌گویند به‌محض این که یکی از کتاب‌هایتان پرفروش شد کیفیت آن را پایین آوردید؟ کتابی خواندم که بیست صفحه ندارد یا کتابی را برداشتم جلد خوبی ندارد یا سررشته است هنگامی که پرس‌وجو می‌کنیم متوجه می‌شویم کتاب کپی است و این به اعتبار ما آسیب می‌زند. همان‌گونه که بسیاری از کتاب‌فروشی‌ها می‌دانند کتابی که می‌فروشند کپی است بسیاری از مخاطبان هم نمی‌دانند که کتاب کپی می‌خرند. از سوی دروغ‌هایی که دست‌فروشان مبنی بر این که این کتاب سانسور نشده است و اصل است و وجهه‌ی فرهنگی هم به آن می‌دهند که ما حامی گسترش کتاب‌خوانی هستیم و ما کتاب را مستقیم و بدون واسطه به شما عرضه می‌کنیم و به همین دلیل کتاب را ارزان‌تر می‌فروشیم و این‌گونه مخاطب را مجاب به خریدن می‌کنند. بسیاری از مردم آگاهی ندارند.

گفت‌وگو کننده: از دید شما این که در دوره‌ای در کشور کتاب‌هایی را به هر دلیلی به‌ویژه در اوایل انقلاب ممنوع کردند و این در فرهنگ مردم جا افتاده است که دست‌فروشان کتاب‌های بهتر، اصل و بدون سانسور می‌فروشند.

حسین‌زادگان: متأسفانه خواننده‌ی ما به ناشر و ارشاد بی‌اعتماد است.

گفت‌وگو کننده: دقیقاً من قصد دارم موضوع اعتماد را طرح کنم. دیدگاه شما در این مورد چیست؟

حسین‌زادگان: این مسئله به گسترش دست‌فروشان کمک کرد. اکنون این‌ها کتاب‌هایی می‌فروشند که به‌راستی ارزش خواندن و وقت گذاشتن ندارند. در مجلات بانام مجلات زرد بود اما اکنون خوب فروخته می‌شود. این موضوع هم به دلیل همان محدودیت‌هایی است که وجود دارد. اگر این کتاب در فضای باز چاپ و نقد می‌شد شاید اصلاً دیده نمی‌شد؛ اما در بساط دست‌فروش بهتر دیده و فروخته می‌شود.

شعار آن‌ها نیز همین است می‌گویند این کتاب «سمفونی مردگان» یا «سال بلوا» از عباس معروفی کتابی است که نسخه‌ی اصل است آن کتابی که در کتاب‌فروشی وجود دارد سانسور شده است. بسیاری از خواننده‌ها به ما هم می‌گویند من اصل این کتاب را دارم و کتاب شما سانسور شده است.

گفت‌وگو کننده: این‌گونه شده چون از آغاز که مردم به این شکل فکر نمی‌کردند. دوره‌ای به این صورت بود.

حسین‌زادگان: بله صددرصد. بسیاری از کتاب‌ها جمع‌آوری یا ممنوع شد و هرگز دوباره منتشر نشد و از این راه توانست وارد بازار شود. کتاب راه خود را پیدا می‌کند و همین‌گونه مخاطب. اگر شما دنبال کتابی باشید آن را پیدا می‌کنید. مسئولان هم در این مورد نمی‌توانند کاری انجام دهند. خواننده کتابی را که می‌خواهد چه به‌صورت پی‌دی‌اف و چه به‌صورت چاپی به‌دست می‌آورد. بله موضوعی که گفتید به این مسئله بسیار کمک کرد به این دید که کتاب دست‌فروش نسبت به کتاب‌فروش حتماً کتاب بهتری است.

گفت‌وگو کننده: من به یاد دارم در گذشته که دنبال کتاب‌های صادق هدایت بودم همیشه آن‌ها را از همین دست‌فروشان پیدا می‌کردم. جایی نبود که بتوانیم آن‌ها را بخریم.

حسین‌زادگان: بله بیش‌تر کارهای او ممنوع شد و ناشر رسمی نداشت و قلع‌و‌قمع شد و این‌قدر آن را پایین آوردند که امروز در کنار کتاب‌های ضاله فروخته می‌شود. باز هم می‌گویم این کار به منزله نگاه داشتن ظاهر دست‌فروشی کمک فراوان کرد. گفت‌وگو کننده: به نظر می‌رسد دست‌فروشان کاره‌ای نیست انگار بانندی پشت آن‌هاست که دست‌فروشان برای آن‌ها کار می‌کنند.

حسین‌زادگان: نمی‌خواهم بگویم تمامی دست‌فروشان قاچاق‌فروش هستند. دست‌فروشان بسیاری داریم که کتاب‌های دست‌دوم و نایاب می‌فروشند و در بساط آن‌ها حتی یک جلد کتاب قاچاق هم دیده نمی‌شود. در همین انقلاب هم زیاد است از سر خیابان اردیبهشت تا خیابان دانشگاه شانزده بساطی وجود دارد سه یا چهار دست‌فروش هستند که اگر درخواست کتاب قاچاق هم بدهید نمی‌آورند. می‌گویند

من همین کتاب‌ها را دارم اما سفارش کتاب نایاب را می‌گیرند برای نمونه کتابی که سال ۵۴ منتشر شده و پس از آن نیز چاپ نشده است. این افراد بسیار شریف‌اند. گفت‌وگو کننده: این دست‌فروشان از قدیم هم بودند کتاب‌خانه‌های منازل را می‌خریدند و می‌فروختند.

حسین زادگان: بله از گذشته بودند متأسفانه دست‌فروشان که به این صورت کتاب می‌فروشد چهره‌ی شهر را بسیار زشت کردند. گفت‌وگو کننده: نوع دم دست‌فروشان چگونه؟ فکر می‌کنید این‌ها سازمان‌دهی شده هستند؟

حسین زادگان: بله بخشی از آن‌ها این گونه‌اند. یک مرکز توزیع در کرج وجود دارد که خود کتاب‌فروشی دارد آمار آن را دوستان ۵۰ تن اعلام کرده بودند اما من به چشم دیدم افرادی که هر روز صبح می‌آمدند شماری کتاب تحویل می‌گرفتند و می‌رفتند و بساط می‌کردند. برای نمونه از مهرشهر تا فردیس کرج بساط می‌کردند. می‌گفتند این ۵۰ دست‌فروش دارد که برای او کار می‌کنند و هر کتابی که بفروشند ۳۰ درصد به فروشنده تعلق دارد؛ اما خرده‌کار هم داریم که این کتاب‌ها را از مراکز توزیع کتاب‌های قاچاق تهیه می‌کنند و بساط می‌کنند.

گفت‌وگو کننده: پس می‌توانیم این‌گونه نتیجه بگیریم که ریشه کسانی‌اند که توزیع می‌کنند.

حسین زادگان: خیر.

گفت‌وگو کننده: یعنی دست‌فروشان را نیز مقصر می‌دانید؟

حسین زادگان: بله صد در صد در این زمینه مقصرند. اگر یک دست‌فروش از کتابی ۵ تا ده جلد بفروشد اگر ضرب در تعداد کنید می‌بینید یک تیراژ کتاب ظرف شاید یک هفته فروخته است.

گفت‌وگو کننده: بله اما در نهایت باز هم توزیع‌کننده است که این کتاب‌ها را به او می‌دهد.

حسین زادگان: من نمی‌توانم بگویم همه‌ی دست‌فروشان از سوی یک باند تغذیه می‌شوند. این وجود دارد. کسی را داریم که بررسی می‌کند و کتاب پرفروش بازار

را انتخاب می‌کند و آن را چاپ می‌کند و کتاب را برای پخش به عواملش می‌دهد. چنین کسی داریم اما فردی هم وجود دارد که به‌تنهایی کتاب تهیه می‌کند و می‌فروشد.

گفت‌وگو کننده: در بحث عوامل این پدیده تا اندازه‌ای اشاره کردید، اما می‌خواهم با جزئیات بیشتری در مورد آن بحث کنیم؛ عوامل اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه حقوقی اثرگذار در این پدیده را چه می‌دانید؟

حسین‌زادگان: مشکل کار این است که قبح این عمل ریخته و به عنوان یک جرم شناخته نمی‌شود. کوشش می‌کنم چیزی را که لمس کردم با نمونه برای شما توضیح دهم. ۲۵ اسفندماه یک وانت مملو از کتاب «ملت عشق» را گفتیم؛ دو هزار و ۸۰۰ جلد کتاب بود. به کلاتری زنگ زدیم و آمدند و گفتند از لحاظ جرم مشهود برای ما قابل قبول نیست. شما باید از دادسرا حکم بیاورید. گفتم اگر من تا دادسرا بروم که این وانت رفته است کاری کنید گفتند ما نیز نمی‌توانیم آن را نگه داریم. با دردرس فراوان او را در کلاتری نگه داشتیم رئیس کلاتری آمد و گفت اگر مشروب یا مواد مخدر بود می‌شد کاری کرد اما از دید من این کتاب است و نمی‌توانم او را در اینجا نگه دارم. داشتند کارهای آزادی او را انجام می‌دادند ما در پلیس امنیت آشنایی داشتیم و در مورد قاچاق کتاب شنیده بود و در مورد آن می‌دانست و در مورد همین موضوع چندین جلسه با ایشان داشتم با وی تماس گرفتم و گفتم چنین پرونده‌ای داریم اگر به‌راستی قصد دارید کاری انجام دهید همین جاست. از سوی کلاتری در حال آزاد شدن بود که پلیس امنیت وارد شد و پرونده را به‌دست گرفت و به دادسرا فرستاد و آن شخص یک شب بازداشت بود و فردای آن روز با قرار وثیقه آزاد شد؛ اما به هرروی صد میلیون تومان وثیقه‌ای بود که برای او تأمین شد و یک شب هم بازداشت بود. این از دید ما حرکت مثبت و موفقیتی بود که رخ داد. در دادسرای رسانه قاضی به من گفت شما ۵۰۰ هزار جلد کتاب کپی بیاورید بار نخست اخطار است گفت حکم شما درجه‌ی شش است. یعنی از این حکم‌های جدی‌تری هم وجود دارد که نوبت به احکام ما نمی‌رسد و متأسفانه قضاتی که پرونده‌های ما را رسیدگی می‌کنند با مقدار و حجم جریان آشنا نیستند. می‌گویند برای دو جلد کتاب آمده‌اید اینجا؟

می‌گویم بحث دو جلد کتاب نیست بحث تیراژ است. برای نمونه يك كتاب با قیمت ۳۳ هزار تومان ضرب در دو هزار نسخه می‌شود و مبلغ حجمی می‌شود. گفت‌وگو کننده: مبلغ بخشی از موضوع است اما این کار به فرهنگ مکتوب کشور صدمه‌ی جدی‌ای وارد می‌کند. هنگامی که ناشر و کتاب‌فروش فلج می‌شود. حسین‌زادگان: هنگامی که نویسندگان نتوانند زندگی‌اش را از راه نوشتن بگذرانند چه اشتیاقی برای نوشتن اثر دیگری دارد؟ متأسفانه جزیایی که در برابر این جرائم وجود دارد ناکارآمد است. آخرین قانونی که در این زمینه وجود دارد مربوط به سال ۵۴ است. در آن هنگام اصلاً به‌ای صورت مطرح نبود. به این شکل بود که کسی بخواهد از دیدگاه دیگری استفاده کند. یعنی قانون ما آن است. باید قانون تازه‌تری وضع شود تا بتوانیم کاری انجام دهیم. در این مورد دست قاضی بسته است.

گفت‌وگو کننده: با یکی از دوستان وزارت ارشاد گفت‌وگو کردیم ایشان می‌گفت ما شرایط را برای ناشران فراهم کردیم اما ناشران کاری نمی‌کنند. برای نمونه شکایت نمی‌کنند اما در این مورد که گفتید خوب شما شکایت هم کردید.

حسین‌زادگان: ما ۸ پرونده‌ی رسمی شکایت شده داریم. ناشر چرا نمی‌آید؟ چون در عمل می‌بیند به جای نمی‌رسد پرونده جلو می‌رود به دلیل نبود ادله‌ی محکم پرونده بسته می‌شود. برای نمونه ما از سایتی سه بار کتاب خریدیم که قاچاق بود این را به قاضی نشان دادیم و گفتیم کتاب قاچاق است عروسک کتاب برداشته شد و البته زنگی آن‌ها و ناشی‌گری‌های آن‌ها بود. که سبب می‌شد ما نتوانیم ثابت کنیم. این مستلزم این است که برای قاضی محرز شود این کتاب همان کتاب قاچاق است. در پایان هم نزدیک بود ما به بدنام کردن آن‌ها محکوم شویم. یعنی این‌ها به ما کتاب اصل فروختند و ما کتاب قاچاق را به نام این‌ها ارائه می‌دهیم. حتی ما یک بازرسی نداریم. کتاب‌فروشی‌ای در خیابان فاطمی که عضو اتحادیه هم هست و معتبر و قدیمی است. پشت ویتترین مغازه‌اش کتاب قاچاق قرار داده بود. حکم تفتیش گرفتیم و وارد مغازه شدیم گفت همان یک کتاب است اما ما داخل مغازه را گشتیم و نزدیک به ۴۸ کتاب پیدا کردیم. این موضوع مربوط به تاریخ ۱۷ فروردین است؛ پرونده شد و به دادسرا رفت اما از آن تاریخ تاکنون هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است.

کتاب چاپ کردن برای ناشر هزینه دارد.

گفت وگو کننده: کتاب فروشی هنوز به کار خود ادامه می دهد؟

حسین زادگان: بله. ما حکم داریم و پرونده هم برای آن تشکیل شده است اما متأسفانه هیچ اقدامی برای تنبیه کتاب فروشی انجام نشده است.

گفت وگو کننده: پس شما در این مسئله خلأ قانونی می بینید.

حسین زادگان: صد درصد. اتحادیه نیز در این مورد کم کاری می کند.

گفت وگو کننده: می خواستم به همین نکته اشاره کنم که اتحادیه باید بازرس بفرستد.

حسین زادگان: چندی است که عضو کارگروه صیانت از حقوق مؤلفان و مصنفان هستم که در آنجا نیز فعالیت می کنم. در آنجا گفتم بازرس بگذاریم بررسی کند اگر کتابی پیدا کرد آن را گزارش کنیم اتحادیه برخورد کند می گویند نه تا هنگامی که حکم قضایی نباشد اتحادیه نمی تواند کاری انجام دهد. با پلیس امنیت که صحبت می کردم می گفتند اتحادیه ی نخود فروش ها از اتحادیه ی شما قوی تر است. شما به اتحادیه حق عضویت می دهید که از حقوق شما در برابر متخلف دفاع کند اما در عمل چنین چیزی نیست. کتاب فروشی هایی داریم که هنوز کتاب قاچاق می فروشند. شاید برای شما جالب باشد روزی وارد یک کتاب فروشی شدیم و کتاب قاچاق دیدیم و گفتیم این را برای ما مهر و فاکتور کنید امتناع کرد و ما را شناخت و متوجه شد داستان چیست با ۱۱۰ تماس گرفتیم و آمدند کتاب فروش حرفی زد که من حیرت زده شدم. گفت این افراد کتاب قاچاق از بیرون خریده اند و به اینجا آمدند و می خواهند من آن را مهر کنم و من این کار را انجام نمی دهم. این ها به اندازه ای این موارد را با خود تمرین کرده اند که بسیار حرفه ای شده اند. چون گفتن چنین چیزی به عقل شیطان هم نمی رسد. من فکر کردم اکنون می خواهد بهانه بیاورد که مهر ندارم یا همراهم نیست و مانند این ها. من پیش از آن به رئیس اتحادیه و بازرس آنجا زنگ زدم و گفتم یک بازرس به من بدهید به کتاب فروشی ها برویم از ساعت ۸:۳۰ تا ۲ بعد از ظهر دنبال کسی دویدم که از اتحادیه با من همراه شود. متأسفانه هیچ کس نیامد.

گفت‌وگو کننده: پس متغیر دیگری هم اضافه شد و آن ضعف عملکرد اتحادیه است.

حسین زادگان: شاید اتحادیه مقصر نباشد و نظام صنفی دست آن‌ها را بسته است. در کل از شهرداری گرفته تا نیروی انتظامی و قوه قضاییه و ارشاد همه در این میان مقصرند هیچ برخورد قاطعی در این زمینه انجام نمی‌شود در واقع عزمی جدی برای جمع‌آوری این‌ها وجود ندارد.

گفتگوکننده: بحث کی‌رایت سال‌هاست که در کشور ما وجود دارد چرا به این‌گونه کنوانسیون‌های جهانی نمی‌پیوندیم؟

حسین زادگان: بخشی از کنوانسیون برن کتاب است بخش دیگر آن صداوسیماست یعنی اگر به این کنوانسیون پیوندیم صداوسیما ما در عمل تعطیل می‌شود. صداوسیما بسیاری از فیلم‌ها یا فوتبال‌هایی که پخش می‌کند غیرقانونی است. اگر به این قانون پیوندیم حق سانسور نداریم به همین دلیل کشور ما نمی‌تواند آن را امضا کند و متأسفانه بسیاری از ناشران و فعالان فرهنگی هم فکر می‌کنند نیوستن به این کنوانسیون به سود آن‌هاست چون می‌گویند ما چیزی برای عرضه به دنیا نداریم و تنها واردکننده هستیم پس همین‌گونه وارد کنیم و ترجمه کنیم.

گفتگوکننده: این نادرست است؟

حسین زادگان: صدرصد

گفتگوکننده: چرا؟

حسین زادگان: دزدی است. در فرانکفورت قرار شد در مورد حق راییت با ناشری صحبت کنیم. گفت شما نخست دستتان را از جیب من بیرون آورید سپس برای صحبت بیایید. نخست متوجه منظورش نشدیم گفت فلان کتاب مرا فلان سال منتشر کردید کی‌رایت آنچه شد؟ پول آن را پردازید سپس در مورد کتاب تازه سخن بگویید؛ یعنی این‌قدر به نشر ایران ذنیت بدی دارند که اندازه ندارد. حضور ایران در نمایشگاه‌های خارجی دستاورد خاصی برای ما ندارد. با این‌که انتشارات ققنوس کوشش می‌کند بسیاری از کتب را به صورت خودمختار حق آن را بخرد اما با این حال بسیاری از ناشران به‌ویژه انگلیسی و آمریکایی هستند که اصلاً پاسخ ایمیل

انتشاراتی‌های ایران را نمی‌دهند.

گفتگوکننده: پس با این حساب اصلاً برای ایران مقدور نیست که به این کنوانسیون پیوندد.

حسین زادگان: بله تا اندازه‌ای برای ما مقدور نیست. دست من و شما هم نیست کلیت نظام باید بخواهد که این را بپذیرد. من به صورت خودمختار رایت ده کتاب را خریدم و به ایران آوردم اما ناشر دیگری همان کتاب را بدون پرداخت هزینه‌ای منتشر می‌کند. با این کار من که این کار را انجام داده‌ام نیز دلسرد می‌شوم. اگر ارشاد بگویید کسی که قرارداد رایت کتاب را برای من بیاورد به ناشر دیگری مجوز آن را نمی‌دهم. این حداقل کاری است که ارشاد می‌تواند به ناشر کمک کند تا برای قرارداد تشویق شوند.

گفتگوکننده: بحث دیگری که وجود دارد در مورد این موضوع بسیاری بر این باورند که آگاهی مردم پایین است. مردم تفاوت میان کتاب‌ها را نمی‌دانند و تشخیص نمی‌دهند خیلی آسان کتاب دزدی را می‌خرند. نقش آگاهی عمومی را چه اندازه می‌دانید؟

حسین زادگان: متأسفانه حق مالکیت در ایران تعریف نشده است. اگر قهوه‌ی تلخ برای ما هیچ چیزی نداشت این بود که فرهنگ این را جا انداخت که مردم سی‌دی را کپی نکنند. از پیش از قهوه‌ی تلخ تا پس از آن آمار کپی خیلی جابه‌جا شد؛ یعنی رونق این سی‌دی‌ها نشان دهنده‌ی داشتن بازار خوب است. در نمایشگاه به کسی گفتن فلان کتاب را بخوانید گفت پی‌دی‌اف آن را دارم گفتن این کار غیرقانونی است گفت نه من نگاه کردم در صفحه‌ی سوم آن نوشته بود حق چاپ محفوظ است؛ یعنی این جمله را این‌گونه برداشت کرده بود که می‌تواند آن را کپی و منتشر کند. اطلاعات بسیار پایین و شاید خیلی‌ها هم نمی‌خواهند برای به دست آوردن اطلاعات به خود سختی دهند و درستی و نادرستی آن را بسنجند. هنگامی که کتابی در کتاب‌فروشی ۳۵ هزار تومان است و همان کتاب کنار خیابان ۲۰ هزار تومان است حتماً باید این اختلاف قیمت دلیلی داشته باشد. ما کوشش فراوان کردیم اطلاع‌رسانی کنیم که از دست‌فروش کتاب نخرید و از کتاب‌فروشی‌های معتبر کتاب بخرید دست‌کم فاکتور

و مهر بخواهید. تلاش کردیم این گونه فرهنگ سازی‌ها را انجام دهیم اما برای نمونه انتشارات ققنوس چه اندازه مخاطب و نیروی تأثیرگذاری دارد؟ من به اتحادیه گفتم به‌عنوان کار نمادین پنج‌شنبه‌ی پیش رو ساعت ۳ بعدازظهر همه‌ی کتاب‌فروشی‌های انقلاب ببندند و همه یک بنر با مضمون این که قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی برای جمع‌آوری دست‌فروشان همکاری نمی‌کنند در برابر مغازه‌ی خود نصب کنند که برای اعتراض تعطیل کرده‌ایم. این راه کار وارد شورای برای بحث شده که ببینند آیا شدنی است یا خیر. دست کم شو و موج خوبی ایجاد می‌کند. رسانه‌ها دعوت شوند و خبر آن می‌چرخد و دست کم دست‌فروشان احساس ناامنی می‌کنند. درخواست دیگری که داشتم این بود که از خیابان دانشگاه تا میدان انقلاب چند تابلو داریم که قیمت چندانی هم ندارد و ماهانه چهار یا پنج تومان می‌توان به‌عنوان کار فرهنگی اجاره کرد که در آن نوشته شود کتاب را از کتاب‌فروشی معتبر تهیه کنید. چنین چیز باشد یا مضرات کتاب قاچاق را بگوید اگر بالای کسی که بساط کرده چنین تابلویی باشد شاید بسیاری از آن‌ها از انجام این کار شرم کنند.

گفتگوکننده: اگر هیچ یک از این رویدادها هم رخ ندهد برای مردم خوب است بسیاری از آن‌ها نمی‌دانند. برای نمونه خود من به‌عنوان یک شخص دانشگاهی و کتاب‌خوان دقیقاً تفاوت میان کتاب اصل با کپی شده را نمی‌دانم. به‌ویژه اکنون با چاپ دیجیتال و بسیار هم حرفه‌ای منتشر می‌کنند.

حسین زادگان: بله می‌پذیرم برخی از آن‌ها به اندازه‌ای تمیز است که تشخیص آن برای ما هم سخت است. تمامی «ملت عشق» های آن قفسه قاچاق‌اند و برخی از آن‌ها به‌راستی کیفیت خوبی دارند. آن‌ها معمولاً چاپ می‌شوند و فیلم و زینک گرفتند کیفیت بهتری دارند.

گفتگوکننده: فکر می‌کنید برای تمامی این مسائل چه راه کارهایی وجود دارد؟ چگونه این مسئله را حل کنیم؟

حسین زادگان: چند وجهی است یعنی تنها ناشر یا ارشاد و یا صداوسیما یا حتی نیروی انتظامی یا قوه‌ی قضاییه نمی‌توانند. اتفاقی که خیلی خوب بود و پس از نمایشگاه در خردادماه روی داد این بود که با همکاری پلیس امنیت ۵ تا ۶ مرکز توزیع

کتاب قاچاق شناسایی شدند و چند دست‌فروش اصلی که عامل توزیع کتاب بودند دستگیر شدند به پاساژ نادر در خیابان کارگر که بیشتر کتاب‌هایشان دست‌دوم و قاچاق است ریختند و نزدیک به سیزده نیشان کتاب قاچاق و ضاله و غیرقانونی پیدا کردیم. کپی تمام کتاب‌های پرفروش آنجا بود در مغازه که به‌صورت خانوادگی اداره می‌شد چند نفر جلب شدند اما متأسفانه کوتاه مدت بود پس از آن اتفاق به مدت ده روز در خیابان انقلاب حتی یک دست‌فروش هم نمی‌دیدید. محل توزیع و فروش هر دو را زده بودند؛ یعنی اتفاق خوبی افتاد و ترسی به وجود آمده بود.

گفتگوکننده: گویا این برخورد نظامی و انتظامی پاسخ نداده است؟

حسین زادگان: اگر مستمر بود پاسخ می‌داد. این باید با کار اطلاع‌رسانی و فرهنگی همراه می‌شد در اینجا نیز تنها یک وجه پیش رفت. این خبر را بسیاری از خبرگزاری‌ها پوشش ندادند. بدهنگام هم بود چون در ماه رمضان بود و وقت مناسبی برای کار رسانه‌ای کردن نبود. با شب‌های شهادت هم مصادف شد یعنی خبر متأسفانه سوخت؛ یعنی افزایش فروش کتاب‌های قاچاق محسوس بود. بسیاری از کتاب‌فروشی‌های شهرستان که با ما کار نمی‌کردند تماس گرفتند و آن کتاب‌ها را می‌خواستند. از آن‌ها پرسیدیم چرا تا کنون سراغ ما نیامده بودید می‌گفتند از جاهای مختلف می‌گرفتیم. ما می‌دانیم که آن کتاب را تنها ما داشتیم و دیگری نداشت که بخواهد آن را تهیه کند و روشن است که قاچاق آن را می‌خریده است. به هرروی این اتفاق خوبی بود که بسیاری از درهای همکاری باز شد. ممکن است آن کتاب‌فروش دوباره به سمت قاچاق فروش‌ها برگردند البته شاید بیست درصد از آن‌ها دوباره برگردند؛ اما این یکی از نشانه‌هایی است که نشان می‌دهد آن اتفاق مؤثر بوده است.

گفتگوکننده: راه کار حقوقی قانونی را چه می‌دانید؟

حسین زادگان: گمان می‌کنم همان‌گونه که باید مردم را آگاه کنیم به همان صورت باید نیروی انتظامی و قاضی را نیز آگاه کنیم و با رقم موجود آشنا شوند. برای نمونه قاضی به ما می‌گفت پرونده‌ی شما که چیزی نیست پرونده‌ای که اکنون دست من است ۵ هزار میلیارد تومان است. بسیار خوب این ۵ هزار میلیارد تومان شامل چه بخشی است. اقتصاد نشر کوچک است می‌گویند اقتصاد یک سال تمام ناشران

ایران برابر با یک روز پاساژ موبایل علاءالدین است. رقم میلیارد اگر به میان بیاید شاید پای بسیاری از ناشران در این میان لنگ شود؛ یعنی اگر قرار باشد یک میلیارد آن‌ها این سو و آن سو شود.

گفتگوکننده: اتحادیه باید چه کند؟

حسین زادگان: اکنون در اتحادیه اتفاق‌های خوبی در حال رخ دادن است. شاید حرکت لاک‌پستی‌ای باشد اما من فکر می‌کنم اتفاق‌های خیلی بهتری خواهد افتاد. همین کارگروهی که تشکیل شده و فعال‌تر شده است. در گذشته سالی یک بار جلسه می‌گذاشتند اما این جلسات اکنون به دو هفته یک بار رسیده است. اعضا دیدگاه‌های خود را بیان می‌کنند همین تبادل نظرات این که به هم در مورد فلان کتاب فروشی که کتاب قاچاق می‌فروشد اطلاع می‌دهیم بسیار خوب است. اتحادیه نهادی است که من به‌عنوان یک ناشر و شخص نمی‌توانم با رئیس قوه قضاییه یا پلیس تهران صحبت کنم اما اتحادیه به‌عنوان یک نظام و نهاد صنفی و این که ۱۵۰۰ عضو دارد می‌تواند از هر یک از ما تأثیر بیشتری داشته باشد.

گفتگوکننده: نکته‌ی پایانی؟

حسین زادگان: ما تنها به این دلخوشیم که مردم تفاوت میان این‌ها را متوجه شوند خرید نکنند. اتفاقی که برای من خیلی خوشایند بود این بود که مشتری وارد مغازه‌ی ما شد و به دستش نگاه کردم دیدم کتاب ملت عشق قاچاق همراه دارد گفتن این را از کجا خریدید؟ گفت از سر خیابان چطور؟ گفتم این قاچاق است و برایش توضیح دادم این قدر ناراحت شد هرچه تلاش کردم سودی نداشت. او گفت از کسی کتاب را خریدم سر من کلاه گذاشته است رفت و نیم ساعت بعد آمد و گفت کتاب را جلوی دست‌فروشی که از آن خریده بودم پرت کردم و اعتراض کردم و اصل آن را به من دهید مرا ببخشید تاکنون چند بار از آن‌ها کتاب خریده بودم و هدیه داده بودم. این اتفاق‌ها ما را امیدوار می‌کند.

مصاحبه با آقای قدیانی

گفتگوکننده: همان‌گونه که می‌دانید پروژه‌ی ما در مورد قاچاق کتاب است؛ اگر در این مورد توضیح دهید که قاچاق کالا به چه معناست و به چیزهایی گفته می‌شود

و چه مواردی را در بر می‌گیرد. آیا با واژه‌ی قاچاق موافقید یا باید نام دیگری روی این پدیده گذاشت؟

قدیانی: مسئله‌ی کتاب پیش از انقلاب شرایطی داشت. به این معنا که کتاب‌هایی که از دید رژیم چاپشان ممنوع بود و با آگاهی نویسندگان آن با عنوان کتاب‌های جلد سفید منتشر می‌شد و حتی داخل آن نام نویسنده‌ای خیالی را می‌نوشتند در صورتی که مشخص بود این کتاب نوشته‌ی شهید مطهری یا محمدعلی جعفری است یا رساله‌ی علمی حضرت امام است اما نام‌های مستعاری روی این‌ها چاپ می‌کردند و نام و نشانی انتشاراتی‌ای را می‌زدند. برای نمونه من به همان نشانی به خیابان لاله‌زار مراجعه کردم کوچه‌ی نهم پلاک ۱۸ طبقه‌ی اول در صورتی که در خیابان لاله‌زار کوچه‌ی نهمی وجود داشت. این‌ها در جامعه فروش می‌رفت و رژیم هم به دنبال آن‌ها بود اما نمی‌توانست آن‌ها را پیدا کند. ما به این‌ها کتب زیرزمینی می‌گفتیم و به این منظور این نام را روی آن‌ها گذاشتیم که در اصل جاهای خاصی که مشخص نبود و جدا هم در زیرزمین‌ها منتشر می‌شد و هدف این‌ها مبارزه با رژیم بود. این تیپ کارها را در آن زمان و شرایط و به‌ویژه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را حداقل من که از سال ۴۵ در این حوزه بودم به‌خوبی درک می‌کردم و این‌ها را می‌فروختم و آگاه بودم؛ اما پس از پیروزی انقلاب آن چیزی که در کشور ما روی داده یکی در دهه‌ی نخست انقلاب بود؛ کتاب‌هایی که در گذشته ممنوع بود و این کتب بسیار پرفروش بود و با تیراژهای صد و دویست هزار نسخه منتشر می‌شد مانند کتاب‌های شریعتی و مطهری یا کتاب‌های عامیانه مانند کتاب آشپزی رزا منتظمی. عده‌ای از روی این کتاب‌ها و همان زیرزمینی افسست می‌کردند.

گفتگوکننده: با چه انگیزه‌ای؟

قدیانی: انگیزه‌ی کاملاً اقتصادی. آن سیاسی بود و این اقتصادی. در چنین وضعیت اقتصادی هنگامی که شما کتابی از ناشری را برمی‌دارید از روی عکس و مشخصات و متن آن کپی می‌کنید و درواقع نشانی و همه چیز مربوط به ناشر است اما خود ناشر خبر ندارد و این مسائل اختلافات بسیاری را میان نویسنده و ناشر شکل داد. ناشر می‌گفت من کتاب شما را ده هزار نسخه بیشتر منتشر نکرده‌ام و حق تألیف شما این

اندازه می‌شود و نویسنده هم می‌گفت ده هزار نسخه نیست چراکه کتاب من در جامعه پر است. در اینجا هم ناشر درست می‌گفت و هم نویسنده. ناشر صادقانه از آن کتاب ده هزار نسخه منتشر کرده بود و این قاچاقچیان بودند که از روی آن کپی کرده بودند و رنگ و لعابشان هم با کتاب اصلی متفاوت و البته قیمتشان هم ارزان‌تر و نگاه کاملاً تجاری بود؛ اما در سال‌های اخیر به‌ویژه در يك تا دو سال گذشته این‌ها هم همان مسائل اقتصادی روزهای نخست انقلاب را دنبال می‌کنند. این افراد کسانی هستند که کاملاً در حوزه‌ی نشر بزرگ شده‌اند.

گفتگوکننده: یعنی دست‌اندرکار هستند؟

قدیانی: بله برای نمونه کارگران انتشاراتی‌ها بودند یا مدیر تولید آنجا بودند و یا برخی از آن‌ها که می‌توان نام آن‌ها را ناشر نما گذاشت که پروانه‌ی نشر هم گرفته‌اند و چند کتاب هم چاپ کرده‌اند اما به‌هرروی هدفشان به هر قیمتی به‌دست آوردن پول است. در نتیجه کتاب‌های پرفروش ناشران را درست مانند اوایل انقلاب افسست و تولید و منتشر می‌کنند و به‌ویژه با دستگاه‌ها و ماشین‌آلات پیشرفته‌ای که در این سال‌ها وارد کشور شده و در عمل در يك مکان ۵۰ متری طبقه‌ی پنجم یا زیرزمین به‌آسانی می‌تواند از این کتاب دو تا ۵ هزار جلد چاپ کند.

گفت‌وگو کننده: باکیفیت مناسب؟

قدیانی: و این‌ها هم از سوی عواملی در بیرون توزیع می‌شود. برخی هم این‌قدر این را هنرمندانه درست می‌کنند اصلاً مشخص نمی‌شود که این کتاب متعلق به ناشر اصلی است و یا کپی. در اینجا از دید من نویسنده و ناشر حرفه‌ای دچار ضرر و زیان می‌شود. نویسنده‌ای که سال‌ها تخیل می‌کند تا رمان بنویسد و یا ده‌ها داستان می‌نویسد تا یکی از آن‌ها تا اندازه‌ی موفق شود و امنیت این نویسنده و ناشر از بین می‌رود و باید برخوردهای جدی انجام شود.

گفت‌وگو کننده: شما می‌فرمایید باهمان کیفیت و به‌گونه‌ای که تشخیص آن به‌راستی دشوار است چگونه می‌توانند بازار را از ناشر اصلی بگیرند؟ یعنی در اینجا اختلاف قیمتی وجود دارد؟ من به‌عنوان يك خریدار و خواننده اگر از انتشارات بخرم برای نمونه قیمت پشت جلد بیست هزار تومان است و اگر از کنار خیابان و

دست فروش تهیه کنم.

قدیانی: این‌ها به دو صورت به مسائل اقتصادی دسترسی پیدا می‌کنند و این کار برایشان می‌صرفد.

گفت‌وگو کننده: بله صرفه‌ی اقتصادی آن به چه صورت است؟

قدیانی: به يك صورت فرض کنید يك رمان ۵۰۰ صفحه‌ای را که مؤلف ترجمه می‌کند و فعلاً پولی از ناشر نخواسته و آن را به زمان چاپ آن موکول کرده است اما هنگامی که به ناشر تحویل دهد باید به ویراستاری فنی و ادبی و حروف‌چینی و صفحه‌آرایی و موارد گرافیکی برود و کارهایی روی این کتاب رخ می‌دهد و طرح جلدی که ناشر می‌زند و زحماتی که می‌کشد و درواقع به این کتاب هزینه‌هایی تحمیل می‌شود و هنگامی که این‌گونه شد در تیراژ دو و سه هزار نسخه ناشر هم امیدی به فروش کتاب ندارد و شاید از آن تنها ۷۰۰ جلد چاپ کند؛ اما اگر ناگهان کتاب گل کند ناشر می‌خواهد لذت اقتصادی ببرد اما آن طرف به‌آسانی از روی این کتاب که هیچ هزینه‌ای برای آن پرداخت نکرده افسست می‌کند.

گفت‌وگو کننده: درست است نه پول طراحی پرداخت می‌کند؟

قدیانی: و حق تألیف هم وجود ندارد. تمامی این‌ها چیزی حدود ۱۵ درصد هزینه دارد و حق تألیف هم نزدیک به ۱۲ درصد است و روی هم نزدیک به ۳۰ درصد هزینه‌ها کم می‌شود و سبب ارزان شدن کتاب می‌شود و کتاب را به همکاران ما به‌ویژه در شهرستان‌ها که چندان با کتاب آشنا نیستند و از ظاهر کتاب تشخیص نمی‌دهند که کتاب کپی است با تخفیف بیش‌تری می‌دهند و آن را می‌فروشند این مدل و شکل نخست آن است نوع دیگری هم وجود دارد؛ برای نمونه از يك کتاب استقبال بسیار خوبی صورت می‌گیرد و با تیراژ صد هزار نسخه منتشر می‌شود مانند ملت عشق ققنوس. در اینجا این افراد کتابی را که ناشر بیست هزار تومان زده را سی هزار تومان می‌زنند و درواقع قیمت را بالا می‌برد و در منطقه‌ی دورافتاده‌ای در استان فارس یا اصفهان پخش می‌کند. فرض کنید ناشر با سی درصد تخفیف ۱۴ هزار تومان کتاب را می‌فروخته است. قاچاقیان آن را سی هزار تومان کرده‌اند اما با ۵۰ تا ۶۰ درصد تخفیف و با همان قیمت ۱۴ یا ۱۲ هزار تومان می‌فروشد. قیمت همان قیمت

ناشر می‌شود اما قیمت آن را دست‌کاری کرده است. خیلی از کتاب‌فروشی‌هایی که می‌بینم به‌ویژه در ایستگاه‌های ترمینال‌های مسافربری شهری کتاب‌هایی می‌فروشند برای نمونه من در ایستگاه هواپیمایی مشهد می‌آمدم ساعت ۱۲ و ۱ نیمه شب می‌خواستم سوار هواپیما شوم متوجه جایی که کتاب می‌فروختند شدم دیدم نزدیک ۲۰۰ تومان از کتاب‌های من آنجا بود تمام کتاب‌های من با قیمت‌های دست‌کاری شده وجود داشت. هنگامی که اعتراض کردم گفتند اجاره‌ی اینجا بالاست و نمی‌صرفد با قیمت اصلی آن بفروشیم. مردم هم چون ترمینال است می‌خرند. به این کارها می‌توانیم کارهای غیرفرهنگی برای سودجویی بیش‌تر بگوییم. قاچاق کتاب معنای دیگری دارد این که سودجویان و محترک‌رانی که به پول می‌اندیشند و به هر قیمتی برای دست پیدا کردن به آن تلاش می‌کنند اما قاچاقچیان را افرادی که پیش از انقلاب بودند را می‌دانم که کار این‌ها سیاسی بود و کتاب سیاسی و ممنوع منتشر می‌کردند.

گفت‌وگو کننده: به قول شما جلد سفیدها.

قدیانی: بله. اگر چه این هم قاچاق است اما این دو نوع باهم متفاوت‌اند. جنس آن مبارزاتی و کار سیاسی است اما کار این کاملاً اقتصادی است و این دو باهم تفاوت بسیار دارند.

گفت‌وگو کننده: فکر می‌کنید این موضوع چاپ غیرمجاز تا چه اندازه به حوزه‌ی نشر لطمه زده است؟

قدیانی: در مورد مسائل اقتصادی بیش‌تر ناشران استخوان‌دار هستند و ضربه‌ی اقتصادی مسلماً می‌بینند و برای رو به جلو رفتن مشکلاتی دارند و به هرروی از این کار دلسرد می‌شوند و آزار می‌بینند اما بیش از ناشر نویسنده ضربه می‌خورد که از ده کتابش تنها یکی از آن گل کرده است. این سبب آلوده شدن جامعه می‌شود و اگر این‌گونه شود امنیت شغلی همه چیز از دست می‌رود.

گفت‌وگو کننده: چون نگاه نویسندگان به ناشران متأسفانه بسیار بد است.

قدیانی: این که این‌گونه شده است که حق و حقوقشان هم هست ما می‌گوییم نویسندگان نمی‌گوییم نویسنده‌ها آن‌ها نیز باید به ناشر نماها بدبین شوند و نه به ناشران درست.

گفت‌وگو کننده: شاید در برخی مواقع امکان تشخیص وجود نداشته باشد؟

قدیانی: چرا به خوبی نمایان است. شما که می‌خواهید برای خرید روزمره‌ی زندگی و برای تهیه‌ی سالاد کاهو یا خیار بخريد چگونه است که وارد فروشگاه خوبی می‌شوید و جنس خوب را جدا می‌کنید و یا هرگز روغن زیتون را از کنار خیابان نمی‌خرید ممکن است فاسد یا تاریخ گذشته باشد به هاپیری جایی که معتبر است می‌روید. نویسنده و ناشر خوب و من یقین دارم که مردم نشر برند را می‌شناسند. در نمایشگاه بین‌المللی اگر دقت کرده باشید جمعیت مستقیم به سراغ ناشرانی می‌روند که از پیش شناسایی کرده‌اند. این ناشران متقلب نیستند و از این اعمال انجام نمی‌دهند.

گفت‌وگو کننده: گفتید کتاب‌های خودتان را در فرودگاه دیدید که با قیمت بیش‌تری برای فروش گذاشته شده است منظور من این است هنگامی که گروهی سودجو با عنوان ناشر نماهایی که بانام ناشران معتبر کار غیرمجاز انجام می‌دهند. قدیانی: محدود است شاید در سراسر کشور از این‌ها ده مورد این‌ها پیدا کنید. برای نمونه انتشارات ما نشانی دقیق دارد میدان انقلاب خیابان فلان و ساختمان فلان. هر کسی به این نشانی رجوع می‌کند به قصد انتشارات ما می‌آید و روزانه بین ۸۰ تا ۱۰۰ تن ارباب رجوع داریم که ۵۰ تن از این‌ها خرید می‌کنند و این نشان می‌دهد که مردم ناشران خوب را پیدا می‌کنند و می‌روند در صورتی که برخی کلی هزینه می‌کنند اما مردم کتاب‌هایشان را نمی‌خرند. درست است که فرهنگ مطالعه پایین است البته از دید من این گونه نیست و دغدغه‌ها و مشکلات معاش زندگی مردم است. برای نمونه خود شما طرحی را گرفتید و پژوهش می‌کنید نمی‌دانید ماه سوم این کار وجود دارد یا خیر. آیا پژوهش دیگری وجود دارد تا شما انجام دهید یا خیر. امنیت شغلی وجود ندارد. این‌ها مواردی است که مردم به راه‌های گوناگون غیرقانونی روی بیاورند. بسیاری از مردم شغل دوم و یا حتی سوم دارند من خیلی‌ها را می‌شناسم که افزون بر کاری که انجام می‌دهد صبح و بعدازظهر پنج‌شنبه و آدینه‌ها هم در رستوران کار می‌کند و زن و شوهرها حتی هفته‌ای يك روز هم یکدیگر را نمی‌بینند. این‌ها مسائلی است که سبب می‌شود من کتاب‌خوان نشوم.

گفت‌وگو کننده: و برای این کار فرصت کافی نداشته باشم. در مرد کتاب ملت عشق که انتشارات ققنوس که ناشر معتبری هم هست آن را منتشر کرده است خواننده‌ها هم آن را می‌شناسند؛ این کتاب امروز مشهور شده است و ناشر نماهای سودجو از این برند استفاده و چاپ می‌کنند و در بازار توزیع می‌کند. از سوی دیگر نویسنده که سالیان سال با انتشارات ققنوس کار کرده و به آن اعتماد دارد اما از سوی دیگر می‌بیند این کتاب بسیار بیش‌تر از تیراژی که ناشر می‌گوید در بازار وجود دارد. آیا چنین حالاتی هم به وجود می‌آید؟ چون شما گفتید برخی موارد این‌گونه است که بر اثر پرفروش شدن يك کتاب به وجود می‌آید.

قدیانی: هنگامی که کتابی را من منتشر می‌کنم و حق تألیف نویسنده‌ای که سال‌هاست با من کار می‌کند را پرداخت می‌کنم و می‌بیند از من ده تا بیست هزار خرید گرفته است اما در جامعه با شمار زیادتری کتاب روبه‌رو می‌شود این‌ها همان کتاب‌هایی که افراد سودجو و قاچاقچی و یا هر نام دیگری که می‌خواهیم روی آن‌ها بگذاریم منتشر و توزیع کرده‌اند و این سبب اختلاف میان نویسنده و ناشر می‌شود. آقای رحمان دوست جمله‌ای دارد که می‌گوید نویسنده و ناشر حرفه‌ای باهم مشکلی ندارند مشکل آماتور بودن یکی از این‌هاست. در نتیجه ناشران استخوان‌دار بر سر موضوعاتی این‌چنینی با نویسنده دچار مشکل نمی‌شوند؛ اما هر دو ضربه‌ی بیرونی می‌بینند و ناراحت‌اند. از دید من در اینجا کار از توانایی ارشاد و اتحادیه‌ی ناشران خارج است. این کار امنیتی است و حراست جامعه قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی وارد عمل شوند. باید این‌ها را دستگیر و مجازات کنند. شما کنار خیابان دعوی کوچکی با کسی انجام می‌دهید شش ماه باید در کلا تتری رفت و آمد کنید. کاری به درستی کار نداریم اما به‌هرروی اگر دو نفر از ناشر نماها را بگیرند و محاکمه و مجازات کنند با این کار شماری از افراد از آبروی خود خواهند ترسید و به سراغ این کار نمی‌روند. شهرداری کاری کند چون این کتاب‌ها در حاشیه‌های خیابان فروخته می‌شود. کتاب‌فروش‌ها معمولاً زود متوجه این موضوع می‌شوند و اگر ده تن این کار را انجام می‌دهند جمع می‌کنند. چون این‌ها گوشه‌ی خیابان و غیرمستقیم فروخته می‌شوند.

گفت‌وگو کننده: در واقع شما دست‌فروشان را مؤثر می‌دانید؟

قدیانی: بله چون دست‌فروشان این کتاب‌ها را می‌فروشند.

گفت‌وگو کننده: ممکن است ناشر نماها به کتاب‌فروشی‌ها مراجعه کنند و به آن‌ها بفروشند.

قدیانی: ما که در کشور کتاب‌فروشی آن‌چنانی نداریم و در سرتاسر کشور شاید هزارتا هزار و پانصد کتاب‌فروشی باشد و ۲۰ درصد از این‌ها هم در مناطق دورافتاده باشند اما معمولاً کتاب‌فروشی متوجه اصل نبودن این کتاب‌ها می‌شود.
گفت‌وگو کننده: اگر پیشنهاد یا منفعت مالی بسیار خوبی برای آن کتاب‌فروشی داشته باشد چطور؟

قدیانی: بازهم این‌گونه موارد کم است مانند این است که پزشکی پیدا کنید که برای پول به شما بگوید نیاز به جراحی دارید در صورتی که این‌گونه نیست اما بیش‌تر پزشکان این‌گونه نیستند. پزشک بر اساس سوگندی که خورده است هنگامی که به‌راستی بیمار نیاز به جراحی داشته باشد این کار را انجام می‌دهد. در درجه‌ی بعدی کتاب‌فروش هم به‌رروی دارای تعهدی فرهنگی و اخلاقی است و اگر آگاه باشد به این کتاب‌ها دست نمی‌زند.

گفت‌وگو کننده: پس فکر می‌کنید معضل اصلی در کدام بخش از جامعه روی می‌دهد؟

قدیانی: سودجویان و کسانی که تنها به مادیات فکر می‌کنند و امکان جلوگیری و مانع از انجام کار آن‌ها شدن به روال عادی و طبیعی وجود ندارد و وظیفه‌ی نیروی انتظامی و حراست جامعه است. با کمک ناشران و اتحادیه که کاملاً آگاه هستند کار چه کسانی است با آن‌ها برخورد کند و ۵ نفر از آن‌ها را محاکمه و در تلویزیون با آن‌ها مصاحبه کنند و از راه فرهنگی و رفتار اسلامی و دینی این افراد دست از این کار بردارند؛ اما این که بخواهیم این‌ها را به ده روز زندان و ۵ شلاق محکوم کنیم سودی ندارد. تنها در یک صورت این‌ها دست از کار برمی‌دارند که آبرو و حیثیتشان خدشه‌دار شود. زمانی ناصر خسرو محل فروش دارو فروش‌ها بود که برخی از آن‌ها نام‌های مستعاری مانند سیاه‌رو و سفیدرو و مانند آن داشتند چند روزنامه‌نگار با این‌ها مصاحبه کردند و چاپ کردند و آبروی این‌ها رفت و پلیس هم آن‌ها را جمع کرد

و این‌ها زیرزمینی شدند و شماری از آن‌ها نیز از این گردانه خارج شدند. قاچاقچیان کتاب امروز این کار را علناً چاپ می‌کنند و می‌فروشند و مشخص است کار چه کسی و با پررویی هم قلدری می‌کند و می‌گوید هر کاری می‌خواهید انجام دهید. گفت‌وگو کننده: شما می‌گویید ناشران این افراد را می‌شناسند چرا کاری نمی‌کنند؟

قدیانی: انجام چنین کاری بسیار دشوار و زمان‌بر است و شکایت می‌کنند برخی از آن‌ها موفق می‌شوند و برخی دیگر نمی‌شوند. چندی پیش شنیدم که درست یا نادرست بودن آن را نمی‌دانم که دادگاه‌های فرهنگی و رسانه بر این باور است که اگر کتابی به صورت قاچاقی و پنهانی منتشر می‌شود ناشر تنها تا يك سال حق شکایت دارد اگر آن شخص بتواند اثبات کند که يك سال از آن گذشته است شکایتش را نمی‌پذیرند چون جزو جرائم قابل گذشت محسوب می‌شود. من به شما پیشنهاد می‌کنم در راستای این پژوهش به دادگاه رسانه سری بزنید و با قضات آنجا گفت‌وگو کنید و کار حقوقی خود را تکمیل کنید.

گفت‌وگو کننده: قوانینی در کشور در مورد کپی‌رایت و مانند آن از پیش از انقلاب در کشور وجود دارد از دید شما این قوانین کارآمد است یا باید این قوانین بازنگری شوند و یا همان قوانین پیشین تا چه اندازه‌ای اجرا می‌شود؟

قدیانی: من بر این باورم که هر قانون نادرستی درست اجرا شود بهتر از بی‌قانونی است. قوانین گذشته بهتر است اصلاح شود نه این که انجام نمی‌شود و انجام آن به‌هرروی در جامعه امنیت به وجود می‌آورد و اگر مشکلی دارد باید به روز شوند. همین نمونه‌ای که عرض کردم دادگاه رسانه دو یا سه سال از زمان تأسیسش می‌گذرد شما شکایت می‌کنید و می‌گویید فلانی کتاب مرا با این مشخصات کپی کرده است و آن فرد نامه‌ای نشان می‌دهد که ناشر دو سال پیش نامه‌ای به او نوشته با این مضمون که فلانی دست از این کار بردارید و درواقع مدارا کرده است و پس از گذشت دو یا سه سال ناشر شکایت کرده است و آن نامه علیه خودش به کار گرفته می‌شود که این ناشر سه سال است از روند این کار باخبر است و گذشت کرده است و این ضعف قانونی است که وجود دارد.

گفتگوکننده: پس در اینجا قانون به ضرر ناشران است؟

قدیانی: این که هدف از این کار چه بوده را نمی دانم.

گفتگوکننده: از دید شما راه حل بیش تر روی دوش صنف و اتحادیه است و یا مراجع

قضایی و وزارت ارشاد؟

قدیانی: اتحادیه‌های صنفی نمی‌خواهم بگویم نمی‌توانند من سال‌ها رئیس اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان بودم و اتحادیه‌های صنفی می‌توانند برای قوه‌ی قضاییه و نیروهای انتظامی و امنیتی مشاور باشند یا این که کار کارشناسی انجام دهند که کدام کتاب درست و یا نادرست است و یا کدام یک افست شده یا نشده اما این که خودشان بتوانند کار ویژه‌ای انجام دهند خیر؛ چرا که نمی‌توانند کار اجرایی انجام دهند و نیاز به قانون دارد و این قانون است که باید حد را پیاده کند.

گفتگوکننده: مصاحبه‌ی پیشین در خدمت آقای کمالی در وزارت ارشاد بودیم. ایشان در مورد کارگروهی سخن گفتند که در آن بودجه‌ای هم در نظر گرفته شده بوده که برای رسیدگی به کارهای دادگستری و گرفتن وکیل استفاده شود تا بتوانند این خدمات را به ناشران بدهند و وکیل آن‌ها در قوه‌ی قضایی باشند و بتوانند شکایات آن‌ها را پیگیری کنند. آقای کمالی گفتند از سوی ناشران در این مورد استقبالی نشد و تنها وزارت ارشاد بود که پیش‌قدم می‌شد و می‌خواست این موضوع را حل کند با این که وزارت ارشاد در این مورد مدعی‌العموم است اما ناشر است که باید شکایت کند و در واقع شاکی خصوصی و پیگیر باشد. آقای کمالی می‌گفتند ناشران پیگیری نمی‌کنند و برای شکایت کردن ندارند برخی عنوان می‌کنند که می‌ترسیم و تهدید می‌شویم از این که انبار کتابمان را آتش بزنند یا از این قبیل کارها.

قدیانی: من سخنان ایشان را رد یا تأیید نمی‌کنم اما به یقین اثبات این کار ساده‌ای نیست و این نوع کارها هم بیشتر در کتاب بزرگسال و دانشگاهی و درسی و عمومی است و در حوزه‌ی کودک و نوجوان تا اندازه‌ای کم‌تر بوده است. دلیل آن‌هم این است که تیراژها اندک است و کارها مصور و رنگی است و این کار را سخت می‌کند و قیمت آن‌ها ارزان است اما کتابی که ۵۰۰ صفحه است و ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان قیمت دارد برای سودجویان باصرفه است. من کسانی را می‌شناسم که به‌صورت کارگروهی

در اتحادیه جمع شدند و یکی از این‌ها را محاکمه کردند و به ارشاد معرفی کردند و چون پروانه‌ی نشر داشت که آن را باطل کردند از این کارها انجام شده است؛ اما این چیزی که آقای کمالی می‌گوید به این گستردگی ناشران نبوده و البته به این گستردگی هم بیرون نیست درواقع هر دو باهم است.

گفتگوکننده: پس گویا وضعیتی نیست که ناشران احساس خطر کنند؟

قدیانی: خطر صد در صدی است.

گفتگوکننده: یا امنیت شغلی خود را از دست نمی‌دهند؟

قدیانی: اتفاقاً این‌گونه هم هست و امنیت شغلی خود را کم‌کم از دست می‌دهند و کم‌رنگ می‌شوند.

گفتگوکننده: پس چرا اقدامی نمی‌کنید؟

قدیانی: محدود است و شاید در میان تولیدات کشور دو درصد باشد.

گفتگوکننده: بر اساس فرمایش خود شما در مورد دارو یا پوشاک هنگامی که فروشنده بساطی‌ها را می‌بیند که بدون پرداخت اجاره یا مالیات و عوارض کالای خود را می‌فروشد و کاسبی او را مختل می‌کند شکایت می‌کند و درواقع خودش وارد عمل می‌شود و کاری انجام می‌دهد یا در مورد دارو هم به همین صورت. بحث بر سر این است که ناشر آنچه اندازه می‌خواهند این معضل حل شود.

قدیانی: کتابی که صد هزار نسخه از آن فروش رود به جرأت می‌گویم شاید یک یا دو رویداد رخ دهد و جداً نداریم. بیشتر این‌ها هزار نسخه‌ای‌ها و ۵۰۰ جلدی‌ها هستند. ناشر کتابی دارد که سالی هزار نسخه از آن فروش می‌رفت قاچاقچی‌ها ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه از آن کپی می‌کنند و می‌فروشند. این هزینه‌ای که به ناشر تحمیل می‌کند و با این دادگاه‌ها بسیار بیش‌تر از آن هزینه‌ی کپی‌برداری از کتابش است. فرض کنید زمانی از ناشری گل کرده و سالی هزار نسخه از آن فروش می‌رود. سودجوها هم ۱۰۰ یا ۲۰۰ جلد از آن را می‌فروشند، ناشر باید چه اندازه هزینه کند تا بتواند مانع انجام این کار شود؟

گفتگوکننده: یا حتی از وقتش خود بگذارد؟

قدیانی: من مجموعه کتابی با نام چهارده قصه، چهارده معصوم و تصویرگران

کودک و نوجوان داشتم که یکی از همکاران ناشر کودک و نوجوان که توزیع کننده‌ی کارهای من بود خانمی را مأمور کرده بود که از روی داستان‌های ما رونویسی کند. اگر کتاب ما ۲۰ صفحه بود او ۲۰ صفحه نوشته بود خلاصه کرده بود و از تصویرگری ما نیز تقلید کرده بود. ما در مورد این موضوع نزد خانم هاشمی در بخش حقوقی وزارت ارشاد رفتیم و شکایت کردیم اما با رفت و آمد محکوم شد. من در آن هنگام رئیس اتحادیه بودم. این خانم بیش از ده روز در آنجا التماس و گریه کرد من گفتم من می‌بخشم چشم نویسنده را راضی کنید چرا که او هم حقی دارد و سرانجام به نویسنده هم پول داد و او را نیز راضی کرد و من کتاب‌های آن‌ها را خمیر کردم تا رضایت دادم. این ناشر به این شکل ادب شد که در مورد کار دیگران این کار را انجام ندهد. این کار ما در جامعه و در میان همکاران هم پخش می‌شود و بنابراین دیگران هم در این مورد احتیاط می‌کنند و مسئله‌ی رسانه بسیار مهم است. ما باید چهار نفر که این کار را انجام می‌دهند در تلویزیون به مردم معرفی شوند.

گفتگوکننده: پس شما برای آگاهی عمومی نقش زیادی قائلید و گمان می‌کنید که اگر یک کار فرهنگی از راه رسانه انجام شود و مردم از این موضوع و این که چنین پروسه‌ای وجود دارد آگاه شوند و برخی از چیزهایی که می‌خرند غیرقانونی است و چاپ اصلی نیست این را در این زمینه مؤثر می‌دانید

قدیانی: باید مردم را به سوی کتاب‌فروشی‌های معتبر که دارای شکل و معنی خاص هستند یا به خرید ناشران و فروشگاه‌های آن به صورت مستقیم یا از نمایشگاه‌های بین‌المللی که تا اندازه‌ای امنیت آن‌ها تأمین می‌شود سوق داد. نمی‌دانم نمونه‌ای که می‌آورم درست است یا نه اما چین به این معروف است که تمام کارهای دنیا را می‌زند.

گفتگوکننده: در واقع کپی کار حرفه‌ای است.

قدیانی: به این کار معروف است و این‌ها هم از آن‌ها آموخته‌اند. در ایران هم ما همان محصولات چینی کپی را می‌فروشیم. ما ناشرها کارهایی که در دنیا منتشر می‌شوند را برگردان می‌کنیم و حق کپی‌رایت جهانی را پرداخت نمی‌کنیم.

گفتگوکننده: به نکته‌ی خوبی اشاره کردید. ما در کشورمان چندان نمی‌توانیم از

بحث رعایت حقوق مادی و معنوی و کپی‌رایت استفاده کنیم و از آن حرف بزنیم چراکه در عمل این کار را انجام می‌دهیم.

قدیانی: این هم متفاوت است ما کتاب را برگردان می‌کنیم یک کتاب را هم‌زمان چند ناشر ترجمه می‌کنند. خوب این کار را انجام دهند مهم نیست.

گفتگوکننده: اما ما به نویسنده‌ی اصلی که ممکن است زنده هم باشد /

قدیانی: متوجه هستم؛ ما فعلاً در داخل کشور کار می‌کنیم و در مورد اینجا صحبت می‌کنم. در داخل هم این کتاب را ترجمه می‌کنند موفقی می‌شود ده ناشر دیگر هم آن را برگردان می‌کنند ایرادی ندارد. اما ناشر یازدهمی بدون این که آن را ترجمه کند آن را خلاصه می‌کند و نام دختر دوازده‌ساله‌اش را با عنوان مترجم روی جلد کتاب می‌زند. رمان بزرگسال ۵۰۰ صفحه‌ای را دختر دوازده ساله‌ی ناشر ترجمه کرده است. اگر ما کپی‌رایت را رعایت نمی‌کنیم ایران به این قانون نیوسته است و بر اساس قانون هم می‌گردد و شرمنده‌ی نویسنده‌ی خارجی هم هستیم. البته ما برخی از نویسنده‌ها را تأیید و پیدا می‌کنیم و حق تألیف به آن‌ها پرداخت می‌کنیم. فرض کنید این کار را هم انجام نمی‌دهیم در نهایت این است اما قانون کشورم را رعایت کرده‌ام؛ اما کسی که در همین ایران قانون را رعایت نکرده و از روی ترجمه‌ی من رونویسی کرده و منتشر کرده است چطور؟

گفتگوکننده: فکر نمی‌کنید این که به این قانون نیوسته‌ایم روی تخطی بر قوانین داخلی اثر می‌گذارد؟ اگر ایران عهدنامه‌هایی را بپذیرد.

قدیانی: من هم می‌خواهم بپذیرد و بیوندد اما کشوری که تحریم است پول نویسنده را ما با کدام بانک می‌خواهیم حواله کنیم؟ سالی یک بار به خارج از کشور برود و با نویسنده سر فلان خیابان قرار بگذارد و پولش را دستی به او بدهد؟ گفتگوکننده: یعنی اینجا ما به اقتضای شرایط ناچار به انجام چنین کاری هستیم.

قدیانی: بله شرایط کشور ما به این صورت است. هنگامی که بانک را تحریم می‌کنند و اجازه‌ی ریختن پول را هم به ما نمی‌دهند چه باید کرد؟

گفتگوکننده: از زمانی که نویسنده کتاب را آماده می‌کند و به ناشر می‌دهد کتاب پروسه‌ای را طی می‌کند تا به دست من به‌عنوان مخاطب برسد بخشی به نام پخش

داریم که از ناشر جداست. فکر می کنید آسیب بیشتر در کدام بخش روی می دهد؟

قدیانی: آسیب در چه موردی؟

گفتگوکننده: در مورد کتاب‌هایی که به صورت غیرمجاز تهیه می شوند.

قدیانی: به همه چیز برمی گردد کتاب‌فروشی‌ای که تعهد ندارد، مرکز پخش که مرکز پخش نیست. کارگر انتشاراتی خود را مرکز پخش کرده است مرکز پخش که برای خود برند و داری بیست سال پیشینه است و شخصیتی دارد خودش قاچاقچیان را پیدا می کند و به ناشران معرفی می کند و این کارهای غیرقانونی را انجام نمی دهد. شما به عنوان پژوهش گر اگر قرار است ۱۸ ساعت را پر کنید و بگویید این پژوهش من است چهار بار می توانید این کار را انجام دهید بار پنجم سرانجام لو خواهد رفت و مشخص می شود کاری انجام نداده‌اید.

گفتگوکننده: پس در اینجا افزون بر ناشر نما پخش نماها هم داریم.

قدیانی: نداریم من هیچ یک از این‌ها را قبول ندارم این‌ها بسیار کم هستند. کارگری که ماهی یک میلیون حقوق می گیرد بعد از ظهر با موتورش کتاب هم پخش می کند. به این که نمی توان پخش گفت یا از قاچاقچیان کتاب می گیرد به دورافتاده ترین نقطه‌ی تهران که کتاب را شناسد می برد و می فروشد.

گفتگوکننده: در سال ۹۰ در مورد قیمت کاغذ شوکی داشتیم این موضوع را در مورد تولید و توزیع چاپ کتاب‌های غیرمجاز مؤثر می دانید؟

قدیانی: در سال نود چه رویدادی رخ داد؟

گفتگوکننده: بحث نرخ کاغذ.

قدیانی: ارز دولتی و تورم و تغییر قیمت دلار هزار تومان به سه هزار تومان را می گویند؟

گفتگوکننده: بله.

گفتگوکننده: تا جایی که من در جریان هستم به ناشران کاغذ به قیمت دولتی می دادند.

قدیانی: این مربوط به پیش از سال ۹۰ است و به ده سال پیش برمی گردد. کلاً در دهه‌ی اخیر نسبت به دهه‌ی پیش از خود قیمت کتاب دو برابر و یا حتی سه برابر

شده است و همین موضوع سبب می‌شود خوانندگان کم‌تری به سمت آن بیایند. حالا یا به‌راستی این خوانندگان کم شده‌اند و یا این که به کتاب‌خانه‌ها مراجعه می‌کنند و کتاب به امانت می‌گیرند را نمی‌دانم و یا شاید کتاب‌های الکترونیکی می‌خوانند این را نیز نمی‌دانم اما تیراژها بسیار پایین آمده است در گذشته ما تیراژ کم‌تر از سه تا چهار هزار نسخه چاپ نمی‌کردیم اما اکنون ۵۰۰، ۷۰۰ یا هزار نسخه منتشر می‌کنیم. تورم در کتاب تنها به کاغذ مربوط نیست به‌تمامی موارد و وسایل این کار و اجرت افرادی که در این حوزه کار می‌کنند مانند ویراستار و حروف‌چین افزوده می‌شود. تمامی این عوامل سبب گران شدن قیمت کتاب می‌شود. هنگامی که گران می‌شود طبیعی است که قدرت خرید مردم هم پایین می‌آید. قدرت خرید که پایین آمد دسترسی خانواده‌ها به کتاب پایین می‌آید و سبب کم شدن مطالعه می‌شود. گفتگوکننده: با آقای کمالی که گفت‌وگو می‌کردم می‌گفتند اگر دولت بخواهد کاغذ را با نرخ دولتی به ناشران بدهد اینجا محلی برای استفاده‌ی افراد سودجو باز می‌شود تا از کاغذ ارزان استفاده کنند و به نشر غیرمجاز خود ادامه دهند درواقع ایشان می‌گفتند بیش از این که به سود ناشر باشد تا بتواند قیمت کتابش را پایین بیاورد به نفع سودجوها می‌شود.

قدیانی: حرف درستی است. اکنون شخص کتاب را رونویسی می‌کند می‌گوید خود من ترجمه کرده یا نوشته‌ام و برای آن مجوز چاپ می‌گیرد این اصلاً غیرقابل کنترل است. ما باید برای کنترل این کار فرهنگ‌سازی کنیم و هم این که در این مورد افشاگری بیش‌تری انجام دهیم و در رسانه‌ها اعلام شود و موضوع دیگر قوه‌ی قضاییه است که باید در مورد این موضوع حکم صادر کند.

گفتگوکننده: و پروسه‌ی طولانی؟

قدیانی: بله این پروسه کم‌رنگ و کوتاه شود تا بتوانیم این موضوع را کنترل کنیم.

گفتگوکننده: راه کارهای شما برای این موضع چیست؟

قدیانی: همین‌هایی که اکنون گفتم.

گفتگوکننده: هم از لحاظ قانونی و قوانینی به وجود بیایند و هم چنین ضمانت اجرایی‌ای داشته باشند که بتوان خاطیان را شناسایی کرد و به مردم معرفی شوند از

اعتبار بیفتند.

قدیانی: حتماً باید این افراد در دادگاه محاکمه شوند و برای آن‌ها حکم صادر شود و به مردم معرفی شوند تا آبروی آن‌ها برود.

گفتگوکننده: دیدگاه شما در مورد کارگروه یا دبیرخانه‌ای که وزارت ارشاد آن را درست کرده است چیست چه اندازه کارایی دارد؟

قدیانی: همه‌ی این کارگروه‌ها به عنوان وظیفه‌ی قانونی حرکت می‌کنند و می‌توانند موفقیت‌هایی را هم سبب شود اما این موفقیت‌ها هنگامی مفید است که ما به‌صورت جدی مسئله را ریشه‌کن کنیم. ما شرایط کشور را رها می‌کنیم و هزینه‌های ارزان قیمت‌ها سه برابر زیاد می‌شود بعد بخشی از آن را پایین می‌آوریم و شاد هم هستیم که ارزان شده است. این‌ها هم از ده قاچاقچی دو تن از آن‌ها را می‌گیرند و دلشان خوش است.

گفتگوکننده: اما کار اساسی نیست؟

قدیانی: از دید من نیروی انتظامی و افشاگری و رسانه‌ها و محاکمه‌ی سریع را راهگشا می‌دانم.

گفتگوکننده: اگر سخنی به‌عنوان پایان کار دارید بفرمایید.

قدیانی: امیدوارم این پژوهش به‌صورت جزوه شود و دست‌کم به کسانی که با آن‌ها پژوهش شده داده شود تا بتوانند استفاده کنند. امیدوارم این کار در نهایت تبدیل به یک پژوهش دو صفحه‌ای برای وزیر ارشاد نباشد.

مصاحبه با آقای بهشتیان

گفت‌وگو کننده: با سپاس از شما. گفت‌وگوی ما در مورد سه محور ماهیت پدیده‌ی قاچاق کتاب، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری این پدیده و در پایان نیز راه کارهای کنترل و کاهش این موضوع خواهد بود. از دید شما قاچاق کتاب در ایران چیست و چه انواعی دارد؟

بهشتیان: قاچاق کتاب به چاپ هر کتاب بدون مجوز رسمی گفته می‌شود اما این نیز دو نوع است: ممکن است در ایران کتابی منتشر شود و می‌گوییم این کتاب صاحب دارد و ناشر و نویسنده و تمامی عوامل آن روشن هستند. می‌بینند کتابی مانند

«ملت عشق» یا «چهار اثر از اسکاوشین» پرفروش است با دستگاه‌های تازه‌ای که به بازار آمده به آسانی تکثیر می‌کنند و چون هزینه‌هایی که ناشر متحمل آن‌ها شده است ندارد بنابراین قیمت کتاب نصف می‌شود و شبیه کتاب اصلی آن را به‌ویژه در دست‌فروشی‌ها و بساطی‌ها می‌فروشند. متأسفانه به‌تازگی برخی از پخش‌ها دست به کار غیرمنصفانه‌ای می‌زنند و این‌گونه کتاب‌ها را پخش می‌کنند و در کتاب‌فروشی‌ها هم این کتاب‌ها دیده شده است. از دید من این کار دزدی است یعنی چیزی که دارای صاحب است به‌صورت پنهانی دست به فروش آن می‌زنید. مورد دیگر در مورد کتاب‌هایی است که در رژیم گذشته منتشر شده است و امروز نیست. بسیاری ممکن است بخواهند این کتاب را داشته باشند. کسانی که کتاب‌هایی که مجوز انتشار ندارد یا در خارج چاپ شده را تکثیر می‌کنند در زمره‌ی قاچاق کتاب قرار می‌گیرند. مورد پیش‌هیچ‌گونه توجیهی ندارند اما این گروه توجیهی دارند و آن این است کتابی که در دسترس نیست را به مخاطب عرضه می‌کنیم و کار خوبی هم انجام می‌دهیم. این مورد دزدی نیست بلکه در شاخه‌ی کارهای خلاف قرار می‌گیرد. این که کتابی مجوز ندارد و شما برخلاف قانون کشور این کتاب را چاپ می‌کنید. کتاب‌فروش‌ها با مورد نخست گارد فراوان دارند و در برابر آن به‌راستی می‌ایستند اما بسیاری از آن‌ها برای نمونه اگر کسی کتاب «همسایه‌ها» نوشته‌ی احمد محمود را بخواهد که در نوع خود شاهکاری است تهیه می‌کنند اگر کسی از من این کتاب را بخواهد حتماً آن را تهیه می‌کنم این کتاب را داخل کتاب‌فروشی قرار نمی‌دهم اما به هرروی از هر شیوه‌ای برای رساندن این کتاب به خواننده استفاده می‌کنم. متأسفم در این میان حق احمد محمود ضایع می‌شود و وراثت آن نمی‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند. این تضییع حقی است که فروشندگان این کتاب‌ها خود را تبرئه می‌کنند که سبب آن ما نیستیم. در واقع دولت و حاکمیت چون به این کتاب مجوز نداده است و ما ناچار به انجام این کار هستیم. کتاب دیگر مانند «شاه» نوشته‌ی «عباس میلانی» است؛ از دید من مجموعه‌ی شاه‌عباس میلانی جامع‌ترین کتابی است که در مورد شاه نوشته شده است و متأسفانه این کتاب در ایران ممنوع می‌شود و مخاطب هم اصرار بر خواندن و داشتن این کتاب دارد. تکثیرکننده با این توجیه که من کتابی را به دست مخاطب

می‌رسانم این کار قاچاق را انجام می‌دهد و از این کار سودی می‌برد اما باز در این بخش نمی‌توان به آن دزدی گفت چون توجیه دارد اما به‌هرروی کار غیرقانونی است. گفت‌وگو کننده: این موضوع به قانون کپی‌رایت پیوندی ندارد؟ آقای میلانی که هنوز وجود دارد.

بهشتیان: این کتاب در ایران امکان انتشار ندارد و قاچاقی منتشر می‌شود اما «ملت عشق» که مجوز دارد در واقع این کار دزدانه‌تر است. در واقع افراد در مورد کتاب‌هایی که مجوز ندارند می‌گویند اگر من این کار را انجام ندهم این کتاب به دست هیچ‌کس در ایران نخواهد رسید چرا که هرگز مجوز نمی‌گیرد.

گفت‌وگو کننده: بسیاری از ناشران بر این باورند که رایج‌ترین شکل قاچاق کتاب البته برخی می‌گویند این نام درست نیست . بهشتیان: چاپ غیرقانونی.

گفت‌وگو کننده: اگر از این بحث عبور کنیم بسیاری بر این باورند که رایج‌ترین شکل آن این است که کتاب قانونی ناشر را تکثیر می‌کنند. آیا به‌راستی این رایج‌ترین شکل آن است؟ چرا که در بساط دست‌فروشان کتاب‌های بسیاری که مجوز ندارند هم می‌بینیم.

بهشتیان: بله به همین دلیل هم من گفتم دو نوع است هر دو نیز رایج است. شکل تازه‌تری هم پیدا کرده است کتابی در افغانستان منتشر می‌شد و در ایران تکثیر چاپ می‌شود؛ مانند کتاب «لولیتا» که متن کامل آن برگردان در افغانستان منتشر شد و در ایران پخش شد. بسیاری از کتاب‌فروشی‌ها این کتاب را پشت ویتترین هم قرار دادند اما ابلاغ شد که هر کتابی نیز که از خارج وارد می‌شود باید دارای مجوز توزیع باشد. گفت‌وگو کننده: اگر بخواهیم در مورد عوامل این پدیده سخن بگوییم از دید شما مهم‌ترین عاملی که زمینه‌ی به وجود آمدن قاچاق کتاب در ایران شده است چیست؟ بهشتیان: در هر موردی متفاوت است؛ کتاب‌هایی که در ایران مجوز دارند و تکثیر می‌شوند اراده‌ای برای جلوگیری از آن وجود ندارد یعنی به‌آسانی می‌توان به سراغ دست‌فروش‌ها رفت و سرخ‌کسانی که کتاب‌های قاچاق را تکثیر می‌کنند پیدا کرد. کما این که چند ماه پیش این کار به‌صورت جدی انجام شد اما ناگهان رها شد.

به گونه‌ای شد که شاکیان کنار کشیدند. کار غیرقانونی تنها آن نیست برای نمونه همین دست‌فروشی؛ این کاربر اساس قانون خلاف است اما ببینید در خیابان انقلاب چه خبر است همه کتاب‌های قاچاق و غیرقانونی می‌فروشند. اگر کتاب‌هایی که مجوز دارند را کتاب قاچاق نام بنهیم می‌توانیم نام کتاب غیرقانونی روی کتاب‌هایی که از خارج وارد می‌شود بگذاریم. برای نمونه این دست‌فروش‌ها کتاب «تولد دی‌گر» را می‌فروشند که اگر این کتاب را در کتاب‌فروشی ببینند نه تنها آن کتاب‌فروشی را تعطیل می‌کنند بلکه صاحب آن را نیز راهی زندان می‌کنند اما این کتاب‌ها به آسانی در بساط دست‌فروش‌ها هست.

گفت‌وگو کننده: اراده‌ای که از یاد می‌کنید چه کسی باید داشته باشد؟
 بهشتیان: از لحاظ قانونی ارشاد.

گفت‌وگو کننده: از دید شما چه کسی است؟ برخی بر این باورند اتحادیه باید کاری کند. با افرادی که در ارشاد هستند صحبت می‌کردیم آن‌ها می‌گفتند اتحادیه هیچ کاری انجام نمی‌دهد با اتحادیه هم که گفت‌وگو می‌کنیم تقصیر را به گردن ارشاد می‌اندازند و ناشرها نیز می‌گویند هر دوی این‌ها مقصرند.

بهشتیان: شهرداری نیز مقصر است برای نمونه در مورد بساطی‌ها شهرداری باید برای جمع کردن آن‌ها کاری انجام دهد یا حتی نیروی انتظامی هم می‌تواند وارد شود. به هر روی جرمی انجام می‌شود چگونه در دزدی نیروی انتظامی وارد می‌شود اما در اینجا هیچ کاری انجام نمی‌دهند. البته توجیهاتی دارند و آن بی‌کاری و نبود شغل است. البته کسی هم که این کار را انجام می‌دهد حس دزدی ندارد و گمان نمی‌کند این کار دزدی است. در دست‌فروشی‌های انقلاب که می‌گشتم و از کتاب‌هایشان عکس می‌گرفتم به من یورش آوردند که می‌خواهید ما را از نان خوردن بیندازید و چه کسی قرار است پاسخ زن و فرزندان ما را بدهد؟ با هزار قسم و آیه گفتم من می‌خواهم عکس بگیرم بینم شما چه کتاب‌هایی دارید که اگر کسی خواست او را نزد شما بفرستم. در واقع این را حق خود می‌دانند که برای خوردن نان ناچار به انجام این کار هستند. از آن سو نیز چندان جدی گرفته نشده و سبب شده اکنون تبدیل به معضلی شده است. اگر بخواهند به آسانی می‌توانند این افراد را جمع کنند.

گفت‌وگو کننده: فرض می‌کنیم شهرداری و نیروی انتظامی وارد شوند ارشاد نیز در این میان نقشی میانجی بازی کند و بتواند این‌ها را هدایت کنند، دست‌فروش‌ها جمع شوند آیا این مشکل حل می‌شود؟

بهشتیان: باید پیگیر تکثیرکنندگان غیرقانونی نیز باشند.

گفت‌وگو کننده: برخی می‌گویند در پس این ماجرا مافیایی وجود دارد.

بهشتیان: قطعاً مافیایی وجود دارد اما این موضوع راه دیگری نیز دارد و آن توجه شدن مردم است. تا اندازه‌ای کتاب‌فروش‌ها توجه شده‌اند کتاب‌فروشی‌ای که با مسائل کتاب و فروش آن آشنا باشد می‌داند فروش کتابی که حق کسی دیگر است نوعی دزدی محسوب می‌شود. اتحادیه بازرس دارد و این بازرسان با کتاب‌فروشی‌هایی که کتاب قاچاق بفروشند برخورد می‌کنند و گزارش می‌دهند و تهدید به تعطیلی می‌شوند. میثاقی که میان ناشران و کتاب‌فروشی‌ها وجود دارد این است که کتاب قاچاق را توزیع نکنند و نفروشند.

گفت‌وگو کننده: البته به تازگی در کتاب‌فروشی‌ها هم دیده می‌شود.

بهشتیان: بله متأسفانه دیده می‌شود البته توجه هم دارند. در یکی از همین کتاب‌فروشی‌ها کتاب قاچاق «ملت عشق» را دیدم کتابی که ۳۶ هزار تومان بود را ۲۰ هزار تومان می‌فروخت و می‌گفت من کمک می‌کنم تا کتاب ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسد. کمی صحبت کردیم و گفت قانع شدم اما این که آیا به‌راستی قانع شده است یا نه نمی‌دانم. کتاب «میرا» ترجمه‌ی لیلی گلستان که در گذشته قاچاق بود مجوز گرفته است جایی دیدم یک کتاب‌فروش به مشتری اصرار می‌کرد که غیرقانونی این کتاب را برای شما تهیه کرده‌ام و اکنون باید این کتاب منتشرشده را بخرید چرا که در آن هنگام حق مؤلف را پرداخت نکردید و باید پردازید و این کار خوبی بود.

گفت‌وگو کننده: حالت دوم چطور؟ ماجرای کتاب‌های غیرقانونی چیست؟ از کجا

وارد می‌شود و باید با آن‌ها چه کرد؟

بهشتیان: برخی تنها به دنبال کتاب‌هایی هستند که بیشتر فروش می‌روند؛ کاری ندارند این کتاب «ملت عشق» است یا «شاه» میلانی؛ اما کتاب‌هایی مانند «ملت

عشق» را راحت‌تر چاپ می‌کنند. چون اماکن و اطلاعات کاری با آن ندارد اما چاپ کتاب‌هایی مانند تولدی دیگر یا کتاب‌هایی که گروه‌های برانداز در ایران منتشر کرده‌اند و این کتاب‌ها نیز درخواست دارد ترس این باوجود این که در آن دزدی نیست بیش‌تر است. از دید من هر دو مورد قاچاق کتاب است و نه تنها قاچاق است بلکه قانون کپی‌رایت هم رعایت نمی‌شود. برخی از افرادی که این کار را انجام می‌دهند و تحصیل کرده هستند می‌گویند مگر این ناشر از صاحب کتاب برای انتشار آن اجازه گرفته است؟ او نیز دزدی کرده است. به‌تازگی برخی از ناشرها اجازه می‌گیرند در صورتی که ناچار نیستند؛ اما با نویسنده تماس می‌گیرند و مجوز امضا شده‌ای از آن‌ها می‌گیرند. قانون کپی‌رایت باید اجرا شود اگر این‌گونه شود می‌توان با این مسئله جدی‌تر برخورد کرد. مورد دیگری نیز وجود دارد و آن کتاب‌های تقلبی است که عامل توزیع آن شهرداری است اگرچه ممکن است به‌صورت غیرمستقیم باشد. در فروشگاه‌های کتاب مترو همه‌ی کتاب‌ها معروف‌اند اما ناشر و مترجم شناخته شده نیستند. همان کتابی است که «نی» یا «نیلوفر» و دیگر ناشران معتبر چاپ کرده‌اند اما ناشری با نام مثلاً «گلستان غرب» یا «گلستان شرق» منتشر کرده که هیچ نام و نشانی ندارد و شما اصلاً نمی‌دانید چه کسی یا کجاست؟ یا اصلاً وجود خارجی دارد یا خیر و یا مترجمی که از روی کتاب اصلی رونویسی کرده چاپ کرده است. در همه‌ی ایستگاه‌های مترو فروشگاه دارند و با ۵۰ درصد تخفیف می‌فروشند. برخی مواقع شهرداری دشمن نشر و کتاب و کتاب‌فروشی شده است. حتماً به چند غرقه در مترو سر بزنید. ببینید کتاب‌هایی که با ۵۰ درصد تخفیف ارائه می‌دهند ناشر آن را می‌شناسید؟ اصلاً نامی از آن یا برگردان‌کننده‌ی آن شنیده‌اید؟ اصلاً این‌گونه نیست. در پژوهشی پیگیری کردند متوجه شدند مشخصاتی که از برگرداندن داده‌اند يك كودك ۶ ساله است.

گفت‌وگو کننده: این هم داستان جالبی است که اصلاً این ناشرها هستند یا خیر.

بهشتیان: نه تنها در مترو بلکه این کتاب‌ها در سالن‌های عمومی اداره‌ها یا مساجد و نمازخانه‌ها هم وجود دارند. باند قوی و مافیایی را اگر پیدا کنند شاید به آن‌ها هم مربوط باشد از دید من این نیز تکثیر غیرقانونی کتاب است.

گفت‌وگو کننده: بدتر است. دست کم حق نام ناشر و نویسنده را نیز رعایت نمی‌کنند. در مورد کپی‌رایت اشاراتی کردند ممکن است توضیح بیش‌تری دهید؟ موضوع این است که می‌گویند ما امکان پیوستن به این کنوانسیون برن و کپی‌رایت را نداریم چرا که صداوسیما نیز درگیر آن می‌شوند.

بهشتیان: بله این را می‌پذیرم اما همین که ناشران به‌تازگی از نویسنده‌های خارجی اجازه می‌گیرند کار خوبی است. امروز نزد آقای فیاضیان در نشر قطره بودم گفتند تصمیم گرفته‌ام اجازه‌ی تمامی کتاب‌های ترجمه را از ناشر و نویسنده بگیرم یا اگر با ناشر دشوار است دست کم از نویسنده‌ی آن مجوز بگیرم. نمی‌دانم قانون آن به چه صورت است اما همین که این فکر در میان ناشران در حال شکل‌گیری است خوب است و ما کپی‌رایت را تا اندازه‌ای در نشر می‌توانیم اجرا کنیم.

گفت‌وگو کننده: چه بسا اتحادیه بتواند در این مورد کمک بیشتری کند.

بهشتیان: این را می‌دانم که تصویب قانونی آن امکان‌پذیر نیست و تبعات خاصی دارد اما این که داوطلبانه این کار انجام شود می‌تواند زمینه را برای تصویب بعدی آن آماده کند.

گفت‌وگو کننده: اگر بخواهیم در مورد این موضوع صحبت کنیم که چگونه می‌توان قاچاق کتاب را کنترل کرد و کاهش داد؟ راه کارهای پیشنهادی شما چه هستند؟

بهشتیان: از دید من اتحادیه باید به صورت کلی به ارشاد شکایت کند و ارشاد و اتحادیه و نیروی انتظامی و شهرداری کارگروهی درست کنند نخست به سراغ دست‌فروشان روند و برای آن‌ها فکری کنند جایی برای آن‌ها پیدا کنند و کتاب‌های دست دوم را در اختیار آن‌ها برای فروش قرار دهند. در واقع برای آن‌ها چنین زمینه‌ای برای کار پیدا کنند. یا در پارک‌ها دست‌فروشان را با کتاب‌های واقعی و با حمایت‌هایی قرار دهند. سپس به سرمنشأ کتاب‌هایی که غیرقانونی تکثیر می‌شوند بروند. من چند تن از آن‌ها را می‌شناسم نه تنها بلکه نیروی انتظامی، ناشران، اتحادیه و ارشاد نیز می‌شناسند. این فرد را گرفته بودند اکنون که آزاد شده از دیگران شکایت کرده است و حتماً بچه‌های خانه‌ی کتاب از این موضوع خبر دارند که چه کسی است و چه

کرده است چون کار به آنجا نیز کشیده شد. جلسه‌ای بود و به نوعی شاکیان را تهدید کرد. برخی از آن‌ها ترسیدند.

گفت‌وگو کننده: بله این را شنیده بودم که برخی از آن‌ها از شکایت خود صرف نظر کرده‌اند. پس راه کار شما نخست سامان دادن به دست‌فروشان است؟
بهشتیان: سپس پیدا کردن سرمنشأهاست. کار ترویجی و تبلیغی هم بسیار مهم است.

گفت‌وگو کننده: بحث آگاهی عمومی؟

بهشتیان: بله این که مردم بدانند این کار دزدی است. هنگامی که می‌خواهند نماز بخوانند و می‌گویند این مکان غصبی است. ما فامیلی داریم که در جایی که مصادره شده باشد نماز نمی‌خواند یعنی این اندازه مقید است اما همین شخص ممکن است از کنار خیابان کتاب بخرد چون نمی‌داند اما اگر چنین توجیهی هم شود بسیاری این کار را انجام نمی‌دهند.

گفت‌وگو کننده: من پرسشی ندارم اگر نکته‌ای باقی مانده است بفرمایید.

بهشتیان: اگر کار پژوهشی‌ای وجود دارد آسیب‌شناسی شود چرا کتاب‌فروشی‌ها کم‌کم تعطیل می‌شوند یا چرا کتاب‌فروشی‌های مستقلی که می‌خواهند تنها به فروش کتاب پردازند نمی‌توانند به کار خود ادامه دهند؟ اگر چنین آسیب‌شناسی‌ای انجام شود بسیار خوب است. پیشنهاد می‌کنم در این بررسی‌هایی که انجام می‌دهید تأثیر نمایشگاه‌های استانی و فروش کتاب در آنجا را بر کار کتاب‌فروشی‌ها ببینید. تأثیر تخفیفی که داده می‌شود. این تخفیف حق کتاب‌فروشی است اما متأسفانه در فروش‌های مستقیم ناشر با فرو مستقیم در نمایشگاه کتاب و سایت و فروشگاه ناشر با تخفیفی که می‌دهد مشتری را از کتاب‌فروشی‌های مستقل دور می‌کند و به نوعی این کتاب‌فروشی‌ها دور زده می‌شوند. متأسفانه رانت‌ها و امتیازات ویژه‌ای با توجهات خاص برای برخی افراد وجود دارد که این‌ها به آسانی می‌توانند کتاب‌فروشی‌های بزرگ تأسیس کنند به بهانه‌ی کار فرهنگی با ۲۰ درصد ارائه‌ی کتاب اسباب‌بازی و لوازم‌التحریر و دیگر اجناس را بیاورند و با استفاده از نام کار فرهنگی تجارت کنند. در این میان کتاب‌فروشی‌های کوچک کم‌کم ضعیف‌تر می‌شوند و نمی‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. امروز بقا و ماندن، مسئله‌ی کتاب‌فروشی‌های مستقل است.

در جایی نمونه‌ای آوردم و گفتم کتاب‌فروشی‌های مستقل مانند یوزپلنگ ایرانی‌اند در حال انقراض‌اند. همه‌جا در مورد تعطیل شدن کتاب‌فروشی‌ها صحبت می‌شود باید آن‌ها را نجات دهیم اما در عمل هیچ کاری انجام نمی‌شود و کتاب‌فروشی‌ها در حال تعطیل شدند.



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی
دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی

